



سرشناسه: پورجباری، پژمان، ۱۳۵۹-
عنوان و نام پدیدآور: کرمانشاه در جنگ / نویسنده پژمان پورجباری؛ [به
سفارش] ستاد مرکزی راهیان نور.
مشخصات نشر: تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.: مصور (رنگی)، نقشه.
فروست: اطلس جغرافیای حماسی؛ ۳.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۶۲-۸۸-۹
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- کرمانشاه
شناسه افزوده: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
شناسه افزوده: ستاد مرکزی راهیان نور
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲: ۹۴۵/۱۰ / DSR۱۶۱۰
رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۵۹۲۸۷

بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس
ستاد مرکزی راهیان نور

این نوبت از چاپ با حمایت سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری به چاپ رسیده است

کرمانشاه در جنگ



محقق و نویسنده: پژمان پورجباری
کارشناسان نظامی: سردار سرتیپ پاسدار علی شادمانی، سردار
سرتیپ پاسدار اسدالله ناصح
ناظر: سرهنگ پاسدار حسن رسولی منفرد
ترسیم نقشه: سیدمهدی موسوی
مدیر هنری و طراح جلد: عبدالحمید قره داغی
صفحه آرایی: محمد مهرابی
قیمت: ۱۲۰۰۰۰ ریال
نوبت چاپ: اول
شمارگان: ۵۰۰ جلد

نشانی: تهران | خیابان شهید دکتر بهشتی | خیابان
شهید جواد سرافراز | کوچه شهید افشین حق پرست | شماره ۱۸ |
شماره تماس: ۸۸۷۴۲۷۰۳-۴
نشرصریر: خیابان انقلاب | مقابل درب جنوبی دانشگاه تهران
شماره ۱۳۹۶ | شماره تماس: ۶۶۹۵۴۱۰۸



کرمانشاه در جنگ به روایت رهبر معظم انقلاب اسلامی

استان کرمانشاه از لحاظ جایگاه انسانی، طبیعی و جغرافیایی، یکی از استان‌های ممتاز کشور عزیز و پهناور ماست ... اما چهره‌ی حقیقی علمی و هنری و ادبی کرمانشاه، آن‌چنان که باید، شناخته‌شده نیست و این جای افسوس و دریغ است. حق این است که مسئولین تبلیغات کشور و صدا و سیما، به کمک خود زبده‌گان و نخبگان این منطقه، کرمانشاه را معرفی کنند. حالا یک بخش مربوط به گذشته و یک بخش مربوط به امروز کرمانشاه است. ... مردم کرمانشاه را از دیرباز به جوانمردی و سلحشوری و وفاداری و مهربانی شناختیم؛ مردمی غریب‌نواز، مردمی مهمان‌نواز و دارای صفات نیک پهلوانی... وضع طبیعی استان هم متناسب با همین وضعیت انسانی است... این استان آب و هوایی متنوع با قابلیت‌های صنعتی و معدنی... و به لحاظ ارتباط با بخش‌های گوناگون کشور، قابلیت حمل‌ونقل و بازرگانی دارد... و به خاطر طبیعت زیبا و آثار منحصر به فرد تاریخی قابلیت گردشگری دارد... اما آنچه که بنده را در مورد کرمانشاه، همیشه وادار به تحسین می‌کرده است، این است که مردم این استان با وجود چندگونگی قومی، مذهبی و حتی گویشی، در کنار هم مهربان، با سلم و مدارا و برادروار زندگی می‌کنند....



◆ استقبال پرشور مردم کرمانشاه در سال ۱۳۹۰

قبل از این مرحله جنگ نظامی، يك مبارزه‌ی سیاسی هم در این منطقه برقرار بود؛ یعنی در فروردین ۱۳۵۸، يك ماه و اندی بعد از پیروزی انقلاب که رفراندوم جمهوری اسلامی شد، ضدانقلاب، هم در این منطقه، هم در مناطق دیگر، شرکت

در رفراندوم را تحریم کرد؛ اما مردم پاهو از جمله‌ی کسانی بودند که علی‌رغم ضدانقلاب و در مقابله با آن‌ها، پرشورترین شرکت را در رفراندوم فروردین سال ۱۳۵۸ انجام دادند ... قبل از آنکه دستگاه‌های مسئول بخواهند وارد شوند، خود مردم در مقابل ضدانقلاب مقاومت کردند. ... جوانان این منطقه، خودشان يك واحد نظامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در منطقه‌ی اورامانات و پاهو تشکیل دادند؛ سپاه هم کمک کرد و مشغول دفاع از این منطقه شدند... و رفتند تا از پادگان لشکر سنندج دفاع کنند.

... اوایل جنگ تحمیلی سراسر این استان را از نزدیک دیدم. در گیلان‌غرب و اسلام‌آباد که مردم شیعه هستند، در پاهو و اورامانات که مردم سنی هستند، در ریجاب و دالاهو که گروهی مردم اهل حق هستند؛ همه جا مردم در حال دفاع و اظهار ارادت به نظام جمهوری اسلامی بودند. من همان روحیه‌ای را که در مناطق گوناگون این استان دیدم، در مرکز استان هم که مجموعه‌ای از نمونه‌های اقوام و عشایر گوناگون هستند، مشاهده کردم. این، صفت برجسته‌ای است... در سال ۱۳۶۰ آدم پاهو... آن روز ارتفاعات مشرف به شهر امنیت نداشت. در چنین شرایطی، مردم پاهو و برگزیدگان پاهو و جوانان مؤمن پاهو ایستادند،



♦ حضور رهبر معظم انقلاب در جمع پرشور مردم کرمانشاه

مقاومت کردند و توانستند این جایگاه برجسته را برای خودشان حفظ کنند... شهرستان آن روز که شامل روانسر، جوانرود و ثلاث باباجانی و بقیه مناطق کوچک بود، همه در این حرکت عظیم شرکت داشتند؛ البته پاه محور بود... کنگاور با اینکه در منطقه‌ی مقدم جنگی نبود، اما یکی از مراکز مهم حضور جهاد و مردانگی جوانان بود. بیش‌ترین پشتیبانی‌ها را در دوران جنگ تحمیلی، جوانان این شهر و این منطقه‌ی از استان کرمانشاه نسبت به جبهه کردند؛ به همین جهت تعداد شهدای آن‌ها هم بالاست. پشتیبانی‌های گوناگون و تدارکاتی این شهر نسبت به جبهه‌ها را، مردان جنگ و آشنایان دوران جبهه به خوبی می‌دانند و می‌شناسند ... آن روزها چند بار به گیلان غرب آمدم؛ هم در خود شهر، هم در ارتفاعات نزدیک به شهر؛ منطقه‌ی کوه‌های برآفتاب و مناطق استقرار نیروهای خودمان و غربت نیروهای مدافع را در این منطقه به چشم دیدم؛ لیکن با همه‌ی این غربت، نشانه‌های شجاعت و دلوری این مردم هم آشکار بود. شهری که نه فقط به وسیله‌ی بمباران، بلکه به وسیله‌ی تهاجم زمینی هم تهدید می‌شد، توانست بایستد، مقاومت کند و مردم، شهر را تخلیه نکنند.

... در تمام استان‌های کشور - بجز يك استان دیگر غیر از استان کرمانشاه - این همه زن شهیده و زن جانباز که در قضایای دفاع مقدس به شهادت رسیدند یا



♦ حضور رهبر معظم انقلاب در پاوه / فروردین ۱۳۶۰
نفر اول از راست شهید حداد عادل و نفر اول از چپ
شهید محمد بروجردی

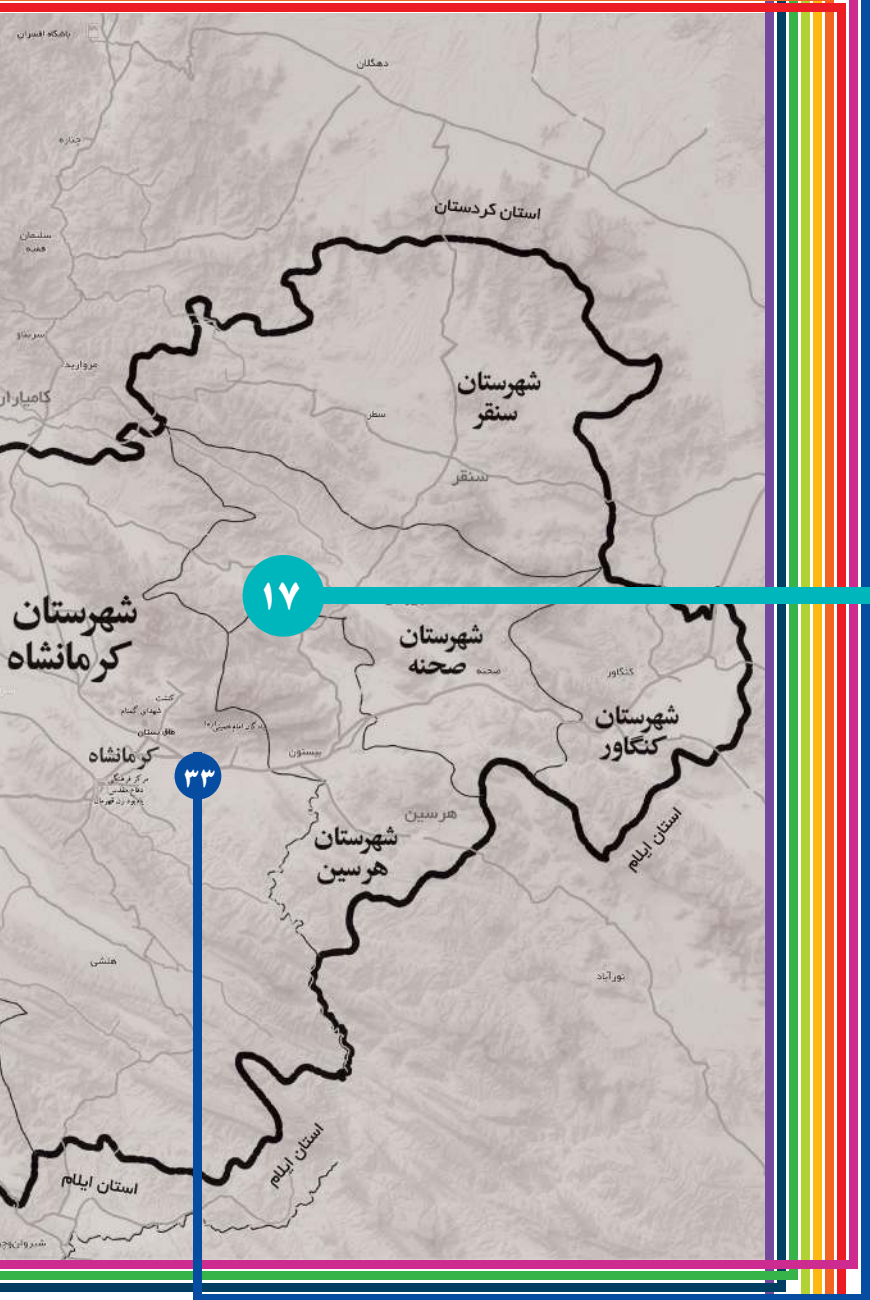
جانباز شدند، نداریم. در اینجا زنانی که در جبهه شهید شدند و همچنین کسانی که در بمباران‌های دشمن به شهادت رسیدند، فقط يك نمونه‌ی دیگر در سراسر کشور دارد. این هم یکی از امتیازات است...

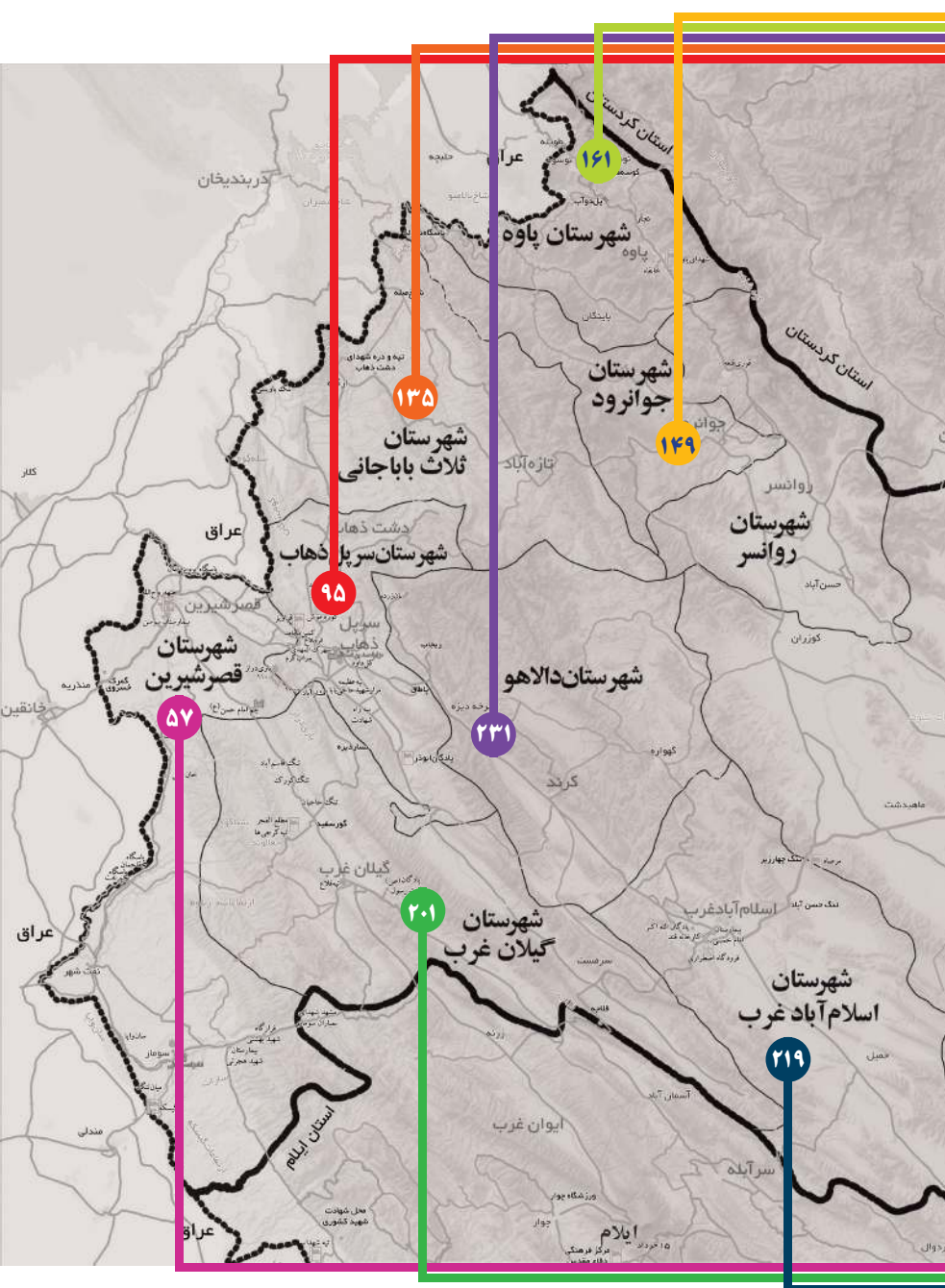
خانمی در گیلان غرب از دشمن اسیر گرفت؛ يك زن، يك بانوی مؤمن و شجاع. آن چنان نمودارهای شجاعت در این استان زیاد است که انسان نمی‌تواند بشمرد. از اوّلی که اینجا تشکیل شد، نیروهای مردمی و سپاهی در کنار نیروهای مبارز ارتش فداکاری کردند. افسران شجاع و لایقی در اینجا بودند؛ فرمانده هوانیروزی که شهید شیرودی و دیگران از امکانات و پشتیبانی او استفاده می‌کردند و این پروازهای عجیب را انجام می‌دادند؛ چه در لشکر ۸۱ و چه در بخش‌های گوناگون؛ که بعضی از افسران شجاع و مؤمن را ما در پادگان ابوذر از نزدیک دیدیم. آن‌ها آن چنان با اخلاص و فداکاری کار می‌کردند که فضای این منطقه را پر کرده بودند از همین نشانه‌های اخلاص، فداکاری، پهلوانی، گذشت و ایثار... دوران دفاع مقدس، آزمایش بزرگی برای این استان بود.

جنگِ هشت ساله از این استان شروع شد و در این استان ختم شد. اولین حملات هوایی رژیم بعثی عراق به این استان و به شهرهای این استان - به همین اسلام‌آباد و گیلان‌غرب و بقیه‌ی مناطق مرزی - و اولین تجاوز مرزی به قصرشیرین در این استان بود. هشت سال بعد هم باز جنگ در اینجا خاتمه پیدا کرد. آخرین حرکت دفاعی کشور ما و مردم عزیز ما در قضیه مرصاد، باز در این استان بود؛ یعنی سراسر این هشت سال، این استان در حال دفاع، در حال ایستادگی و شجاعت بود.

برگرفته از مجموعه سخنان مقام معظم رهبری

در دیدار با اقشار مختلف استان کرمانشاه در مهرماه ۱۳۹۰





فهرست مطالب

استان کرمانشاه ۱۷ |

شهرستان کرمانشاه ۳۳ | شهر کرمانشاه ۳۷ | پالایشگاه نفت کرمانشاه ۴۱ | مسجد جامع کرمانشاه ۴۳ | مسجد المهدی (عج) ۴۴ | بنای یادبود زن قهرمان ۴۵ | دبستان شهدای کرمانشاه ۴۶ | مرکز فرهنگی دفاع مقدس کرمانشاه ۴۷ | گلزار و موزه شهدای کرمانشاه ۴۸ | طاق بستان و یادمان شهدای گمنام ۴۹ | منطقه عملیاتی مرصاد ۵۰ | تنگ چهارزبر و یادمان عملیات مرصاد ۵۴ |

شهرستان قصرشیرین ۵۷ | قصرشیرین ۶۲ | نفت شهر ۶۶ | سومار ۷۰ | خان لیلی و تنگاب ۷۲ | پاسگاه پرویزخان ۷۳ | گمرک خسروی و قصرشیرین ۷۴ | تنگ و چم امام حسن^(ع) ۷۶ | جبهه روح الله ۷۷ | تنگ میان تنگ ۷۸ | بیمارستان صحرایی شهید هجرتی سومار ۷۹ | بیمارستان قصرشیرین ۸۱ | امامزاده سید علی سومار ۸۲ | قرارگاه شهید بهشتی (ظفر) ۸۳ | منطقه عملیاتی مسلم ابن عقیل ۸۴ | منطقه عملیاتی کربلای ۹ | ۸۷ | منطقه عملیاتی کربلای ۶ ۸۸ | منطقه عملیاتی عاشورا ۹۰ | منطقه عملیاتی ثارالله^(ع) ۹۱ | مشهد شهدای بمباران خونین سومار ۹۲ | مسجد جامع، یادمان مقاومت و ستاد معراج شهدای قصرشیرین ۹۳ |

شهرستان سرپل ذهاب ۹۵ | سرپل ذهاب ۱۰۰ | تنگ پاتاق ۱۰۴ | پادگان ابوذر ۱۰۷ | سراب گرم و سه راه شهادت ۱۱۰ | دشت ذهاب ۱۱۱ | تنگ کل داود ۱۱۲ | کمین مجاهد ۱۱۳ | ارتفاعات قراویز ۱۱۴ | چهارراه قره بلاغ ۱۱۵ | حرم احمد بن اسحاق و مزار شهدا ۱۱۶ | ارتفاعات و منطقه عملیاتی بازی دراز ۱۱۸ | شهرک المهدی^(عج) ۱۲۲ | منطقه عملیاتی پاتاق - ریجاب ۱۲۴ | منطقه عملیاتی شهید گلاب بخش ۱۲۵ | غار شهید فتحنائی ۱۲۶ | مزار شهید حاجی بابا (تپه عظیمه) ۱۲۷ | منطقه عملیاتی سید صادق و کلینه ۱۲۸ | یادمان شهید شیرودی (زرین جوب) ۱۳۰ | منطقه عملیاتی امام مهدی^(عج) ۱۳۲ |

شهرستان ثلاث باباجانی ۱۳۵ | تازه آباد ۱۳۹ | ازگله ۱۴۰ | بمو ۱۴۱ | پاسگاه و تنگ باویسی ۱۴۲ | تپله کوه ۱۴۳ | تپه و دره شهدای دشت ذهاب ۱۴۴ | شیخ صله ۱۴۵ | درمانگاه صحرایی شیخ صله (رجبی) ۱۴۶ |

شهرستان جوانرود ۱۴۹ | شهر جوانرود ۱۵۴ | پاسگاه مرزی دروله ۱۵۶ | منطقه عملیاتی تحریرالقدس ۱۵۷ |

شهرستان پاوه ۱۶۱ | پاوه ۱۶۷ | بیمارستان قدس و یادمان شهدای پاوه ۱۷۱ | مقر سپاه پاسداران پاوه ۱۷۲ | پاسگاه ژاندارمری پاوه ۱۷۳ | محل سقوط بالگرد هوانیروز ۱۷۵ | مناطق عملیاتی پاکسازی پاوه ۱۷۶ | انوسود ۱۷۸ | بابینگان ۱۸۰ | رودخانه سیروان و پل دوآب ۱۸۲ | خانقاه ۱۸۳ | قوری قلعه ۱۸۴ | نجار ۱۸۵ | کوسه هجیج ۱۸۶ | منطقه عملیاتی روح الله ۱۸۹ | منطقه عملیاتی محمد رسول الله (ص) ۱۹۱ | منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ ۱۹۳ | منطقه عملیاتی بیت المقدس ۴ ۱۹۸ |

شهرستان گیلان غرب ۲۰۱ | تنگ‌های قاسم آباد و کورک ۲۰۸ | تپه قلاع ۲۰۹ | شیاکوه ۲۱۰ | تنگ حاجیان ۲۱۱ | منطقه عملیاتی چغالوند ۲۱۳ | منطقه عملیاتی مطلع الفجر ۲۱۴ | یادگان کاسه گران ۲۱۶ | گورسفید ۲۱۷ |

شهرستان اسلام آباد غرب ۲۱۹ | اسلام آباد غرب ۲۲۳ | یادگان الله اکبر ۲۲۵ | بیمارستان امام خمینی (ع) ۲۲۶ | تنگ حسن آباد ۲۲۷ | بانند فرود اضطراری و سه راه اسلام آباد غرب ۲۲۸ | یادمان مقاومت و کارخانه قند اسلام آباد ۲۲۹ |

شهرستان دالاهو ۲۳۱ | کرند ۲۳۵ | بان زرده و نسا درپره ۲۳۷ |

مقدمه

«حقایق زندگی گذشتگان را تصدیق کن و از حوادث گذشته تاریخ، برای آینده عبرت گیر، که حوادث روزگار با یکدیگر همانند بوده و پایان دنیا به آغازش می‌پیوندد»
فرازی از نامه امام علی^(ع) به حارث همدانی

تاریخ و هرآنچه که بازنمایی نوشتاری و گفتاری وقایع نامیده می‌شود، از مجموعه حوادثی شکل گرفته که جملگی در بستر مکان ظهور و بروز یافته‌اند. این مکان رخدادهای و گفتمان حاکم بر آن‌ها، با انسان‌هایی که در آن زیسته‌اند معتبرند و از آن جهت است که پس از سه دهه از آغاز مهم‌ترین واقعه تاریخ انقلاب اسلامی؛ جغرافیای سیاسی، نظامی، طبیعی، اقتصادی و انسانی هشت سال دفاع مقدس ملت ایران را در قالب نوپای جغرافیای حماسی عرضه نموده‌ایم.

تاریخ‌نویسی جغرافیای حماسی دفاع مقدس به معنای بازآفرینی کل گذشته در متن، شاید هیچ‌گاه میسر نشود اما به هر جهت، جنگ هشت ساله ایران و عراق که در هنگام وقوع و جریان عمدتاً جنگ تحمیلی و در پایان و پس از آن دفاع مقدس خوانده شد، نه فقط در مقیاس ملی و منطقه‌ای بلکه در مقیاس جهانی یک پدیده تاریخی گفتمان‌ساز محسوب می‌شود و هرگونه پرداخت و مذاقه در آن، خصوصاً در این فرآیند و پیچ تاریخی در حال گذر به سوی جهان جدید و تمدن بزرگ اسلامی؛ لازم و بلکه حیاتی به نظر می‌رسد و هرگونه تقریب دارندگان اسناد و اطلاعات دفاع مقدس با داندگان تاریخ حماسی آن، رسالتی سرنوشت‌ساز است، آن‌گونه که به زودی آیندگان نه چندان دور را بر سر سفره قضاوت متولیان آن خواهند نشاند.

پژوهش حاضر با عنوان «اطلس جغرافیای حماسی کرمانشاه در جنگ» جلد سوم از مجموعه پنج جلدی اطلس جغرافیای حماسی است که شامل چکیده‌ای از جغرافیای مکان رخداد‌های حماسی استان کرمانشاه در قالب نوشتار، عکس و نقشه است که بر اساس شهرستان‌های جنگی این استان، فصل‌بندی و به مدد سامانه موقعیت‌یاب جهانی و تصاویر ماهواره‌ای و توپوگرافی به شایستگی منقش شده است.

از آنجا که رهبر معظم انقلاب در سفر پر برکت خود به کرمانشاه در سال ۱۳۹۰ تحلیل جامعی از جغرافیای حماسی، انسانی و طبیعی این استان بیان داشتند لذا صفحات آغازین کتاب با اندکی تلخیص و تدوین به رهنمودهای ایشان مزین شد. در پایان از امیر سرتیپ علی اکبر ریزه‌وندی معاونت اسناد و تحقیقات بنیاد کرمانشاه و همچنین سرهنگ نادر ادیبی دبیر ستاد مرکزی راهیان نور کشور، سرهنگ داود پوریان و برادر خمسه و کلیه عزیزانی که در به ثمر نشستن این اثر تلاش نمودند، تشکر و قدردانی نماییم.

امید است این اثر که به سفارش ستاد مرکزی راهیان نور کشور و با هدایت معاونت ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و نیز همکاری صمیمانه اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمانشاه و جمعی از فرماندهان جنگ به ثمر رسیده است، مورد توجه و بهره‌برداری اساتید، دانشجویان، محققان و راویان حماسه دفاع مقدس قرار گیرد.



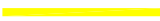
راهنمای نقشه

مرز کشور - - - - -

مرز شهرستان - - - - -

بزرگراه 

جاده آسفalte 

جاده شنی 

رودخانه و نهر 

دریا و دریاچه 

مناطق مسکونی 

پوشش گیاهی 

اماکن زیارتی 

یادمان 

گلزار شهداء 

نقاط حماسی 

فرودگاه 

محور عملیات خودی 

محور هجوم دشمن 



باشگاه افسران

دهگلان

چناره

استان کردستان

سلیمان
فقیه

سربیناو

مروارید

شهرستان
سنقر

کامیاران

سدر

سنقر

شهرستان
کرمانشاه

میان راهان

شهرستان
صحنه

صحنه

کنگاور

استان
تنگاور

کرمانشاه

کشت

شهدای گنگام

طاق بستان

دادگان امام خمینی (ره)

بیستون

مرکز فرهنگی

دفاع مقدس

یادبود زن فهربان

ماهبدشت

شهرستان
هرسین

هرسین

هلشی

استان ایلام

استان ایلام

نورآباد

شروان وچردوال



استان کرمانشاه





استان کرمانشاه

استان کرمانشاه با ۲۵۰۰۸ کیلومترمربع وسعت در غرب ایران قرار دارد و به لحاظ وسعت هجدهمین استان کشور است. این استان از شمال به استان کردستان، از شرق به استان همدان، از جنوب شرقی به استان لرستان و از جنوب به استان ایلام محدود است و از غرب ۳۳۰ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۲۰۰ متر است.



♦ رضاخان پهلوی (پشتِ مسلسل) فرمانده یگان مسلسل قزاقخانه در کرمانشاه (۱۲۹۳)

استان کرمانشاه منطقه‌ای نیمه کوهستانی است و بخش عمده‌ای از آن را سلسله جبال زاگرس پوشانده است و به تدریج در مسیر شرق به غرب، از ارتفاعات آن کاسته شده و در نهایت به جلگه بین‌النهرین ختم می‌شود. به طور کلی ناهمواری‌های این استان از لحاظ ساختاری و شکل ظاهری زمین به سه گروه کوه، دشت و تپه ماهور تقسیم می‌شود. ارتفاعات استان کرمانشاه موازی یکدیگر و به گونه‌ای منظم از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد دارند و دالاهو، نوح، بیستون، الوند، شاهکو (شاهو)، قلاج، ویزاب (ریجاب) و سفیدکوه از مهم‌ترین آن‌ها هستند. در میان این رشته ارتفاعات، جلگه‌های کنگاور، صحنه، کرمانشاه، ماهی دشت، ییلوار، هرسین، دینور، اسلام‌آباد و کرند قرار دارند. این استان از لحاظ شکل ظاهری زمین از دو قسمت تشکیل شده است؛ قسمت اول منطقه‌ای است کوهستانی و مرتفع با ارتفاعات طاق‌دیسی و دشت‌های ناودیسی که عمده ارتفاعات استان را شامل می‌شود و قسمت دوم فضایی است مرکب از کوه‌های فرسایش یافته و اراضی نسبتاً مسطح واقع بین این کوه‌ها که قصرشیرین، نفت شهر و سومار را شامل می‌شود.

استان را به دو منطقه گرمسیر و سردسیر (قشلاق و ییلاق) می‌توان تقسیم نمود که مناطقی از قبیل قصرشیرین، سرپل‌ذهاب، گیلان‌غرب، سومار، نفت شهر و دهستان‌های ازگله و سرقلعه در شهرستان ثلاث باباجانی و قسمت جنوب شهر کرمانشاه قشلاق و سایر مناطق استان ییلاق تلقی می‌شود. وضعیت آب و



♦ میدان آزادگان کرمانشاه

هوایی استان تحت تأثیر ارتفاعات و پوشش گیاهی، معتدل است؛ درعین حال حاشیه غربی آن به علت مجاورت با جلگه کم عارضه بین‌النهرین و تأثیر گرفتن از بادهای گرم و سوزان منطقه، تابستان گرمی دارد و اختلاف درجه دمای سالانه در برخی موارد به ۶۰ درجه سانتی‌گراد (۲۰ - تا ۴۰+) می‌رسد. این استان به دلیل قرار گرفتن در مسیر بادهای غربی که منشأ مدیترانه‌ای دارند، بارش فراوانی دارد و رودهای آن پر آب و دائمی است. سیروان، سی‌مره، قره‌سو، گاورود، دینور، زیمکان، حلوان، آب زرشک، آب شمشیر، آب لیل، کند، قرماسو، رازآور، گاماسیاب، ایوان و کنگیر از رودهای معروف این استان هستند. در موارد متعددی در محل ظهور چشمه‌سارها، دریاچه‌های کوچکی تشکیل می‌شود که در اصطلاح محلی سراب نامیده می‌شوند. در این استان حدود ۵۵۰ سراب و چشمه وجود دارد که از مهم‌ترین این سراب‌ها به سراب‌های هشیلان، نیلوفر، یاوری، خضر زنده، خضر الیاس، روانسر، هر سین، صحنه، طاق‌بستان، هولی، قنبر، سنقر، شمشیر و نوژی‌وران می‌توان اشاره کرد.

مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این استان از اولین زیستگاه‌های انسان در زاگرس میانی است و تمامی مراحل و ادوار زندگی انسان از عهد حجر تا دوره‌های تمدنی پیش از تاریخ و سپس تا تشکیل حکومت‌های بزرگ، سیر تحول خود را در این محدوده طی کرده است. غار «شکارچیان» بیستون نکات جالبی را درباره سابقه زندگی بشری در دوران پارینه‌سنگی در ایران روشن ساخته است. پس از این دوره، در حدود نه هزار سال پیش نخستین روستاها در

این استان شکل گرفت که از جمله می‌توان به «گنج دره»، «گاکیه» و «تپه سراب» اشاره کرد. ساکنان گنج دره از نخستین کسانی هستند که در ایران سفالگری کرده و فعالیت‌های صنعتی داشته‌اند. در هزاره چهارم قبل از میلاد استان کرمانشاه یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی بود و با شوش و بین‌النهرین (میان‌رودان) دادوستد داشت. وجود بازاریایی از آن دوره در «گودین» کنگاور و «چغاگاوانه» اسلام‌آباد شاهی بر این مدعا است. در دوره هخامنشی با عبور جاده شاهی که يك رشته آن اکباتان را به بابل وصل می‌کرد، بر رونق و آبادانی این منطقه افزوده شد.



در دوره سلوکیان مناطقی از کرمانشاه چون بیستون و دینور محل حضور مهاجرنشینان یونانی (کلنی‌ها) بود؛ ولی دیری نپایید که اشکانیان آنان را شکست داده و در این منطقه حضور پیدا کردند. در دوره ساسانی، استان کرمانشاه از اعتبار خاصی نزد پادشاهان ساسانی برخوردار بود و به علت نزدیکی این منطقه به پایتخت آن‌ها یعنی «تیسفون» ایام تابستان را در قصرهای بیلاقی این منطقه می‌گذراندند. با شکست ساسانیان توسط مسلمانان، مردم این منطقه از اولین مردمانی بودند که به دین اسلام ایمان آورده و به گسترش آن پرداختند. از آن دوران آرامگاه‌هایی از یاران وفادار پیامبر اسلام که در جنگ‌ها ایشان را یاری می‌کردند، به یادگار مانده است که از جمله به آرامگاه ابودجانه در ریجاب می‌توان اشاره کرد. در دوره خلفای عباسی کرمانشاه یکی از چهار شهر مهم ولایات جبال بود و هارون الرشید خلیفه عباسی به این سامان توجه خاصی داشت. در سده هفتم قمری کرمانشاهان نیز مانند سایر بخش‌های ایران از هجوم مغول آسیب فراوان دید و سپاهیان هلاکو در این منطقه قتل و غارت فجیعی کردند. در اواخر دوره ایلخانی و در زمان حکومت «ابوسعید» این خطه

مورد توجه قرار گرفت و شهر سلطانیه چمچال در نزدیکی بیستون احداث شد. کرمانشاه در سده نهم و اوایل سده دهم قمری مورد تجاوز عثمانیان قرار گرفت و رو به ویرانی نهاد. در زمان صفویه، شاه طهماسب اول حکومتی به نام «کلهر» و در زمان شاه صفی حکومتی با عنوان «سنقر و کلهر» در این حدود تشکیل شد و تجدید بنای کرمانشاه آغاز شد. کرمانشاه با پایان یافتن جنگ‌های ایران و عثمانی و انعقاد عهدنامه ذهاب در سال ۱۰۱۸ قمری، از عصر شاه صفی تا پایان دوره صفویه دورانی همراه با آرامش و ترقی را سپری نمود. در عصر افشاریه به دلیل وجود توپخانه نادری در کرمانشاه این شهر اهمیت نظامی پیدا کرد و به جبهه جنگ نادرشاه با عثمانی تبدیل شد. در عصر زندیه کرمانشاه با وجود حکمران مقتدر خود الله قلی خان زنگنه اگر چه دورانی کوتاه توأم با آرامش را از سر گذراند اما با مطرح شدن الله قلی خان به عنوان یکی از مدعیان قدرت و تلاش وی برای دستیابی به تاج و تخت سلطنت بعد از مرگ کریم خان، بار دیگر این شهر به وادی جنگ و ستیز مبدل شد. در دوره قاجاریه کرمانشاه اعتبار یافت و فتحعلی شاه پسر خود به نام «محمدعلی میرزای دولت‌شاه» را به سمت سرحداری عراقین منصوب کرد و ایالت خوزستان را نیز ضمیمه قلمرو او کرد. در این زمان کرمانشاه به یک دژ نظامی مستحکم علیه دولت عثمانی تبدیل شد و شهر کرمانشاه بازسازی شد. از جمله مراکز تاریخی این استان می‌توان به بافت قدیمی کرمانشاه، بازار و سراهای متصل به آن، تکیه معاون الملک، تکیه بیگلربیگی، مسجد عمادالدوله، مسجد و حمام حاج شهبازخان، پل کهنه، مقبره

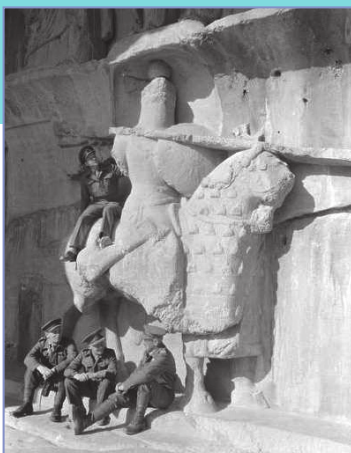
♦ نان برنجی سوغات کرمانشاه بیش از ۱۵۰ سال قدمت دارد





آل آقا، مسجد جامع، مسجد فیض آبادی، خانه رنده کش، مسجد دولت شاه، مسجد شاهزاده، مسجد معتمد، پارک کوهستان، سراب قنبر، موزه مردم‌شناسی، تکیه معاون الملک، خانقاه اخوت، خانقاه خاک، خانقاه گوران، حسینیه معتضد و غیره اشاره نمود.

کرمانشاه از استان‌های نسبتاً پرجمعیت کشور است و بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، ۱۹۰۰۸۳۱ نفر جمعیت دارد که بیشتر در مناطق جلگه‌ای و کوهپایه‌ای زندگی می‌کنند و پرجمعیت‌ترین شهر آن، شهر کرمانشاه است. اکثریت قاطع مردم کرمانشاه مسلمان هستند و درعین حال آشوری و کلیمی نیز در این استان زندگی می‌کنند. ایل‌های کلهر، قلخانی، گوران، سنجابی، کلیایی، احمدوند، جمور، باجلان، جلیل‌وند و زنگنه از طوایف مشهور استان هستند. زبان اهالی کرمانشاه، کردی و لهجه فارسی کرمانشاهی با گویش‌های بی‌شماری چون گویش‌های کلهری، اورامی، سورانی، سنجابی، زنگنه و لکی است با این حال از زبان‌های دیگر از جمله زبان‌های عربی، ارمنی، ترکی و فارسی لغات بسیاری در آن راه یافته است. بیشتر جمعیت استان کرمانشاه را مسلمانان شیعه تشکیل می‌دهند و بخش زیادی هم اهل تسنن هستند. اهل تسنن بیشتر در نواحی شمالی استان و در مجاورت کردستان سکونت دارند و شیعیان در مرکز و سایر شهرهای استان زندگی می‌کنند. فرقه اهل حق با التقاطی از دین اسلام و زرتشت نیز در کرد و نواحی مرزی و اطراف صحنه ساکن هستند و کلیمی‌ها در شهرهای کرمانشاه و



◆ اشغالگران انگلیسی در طاق بستان

قصر شیرین و آشوری‌ها بیشتر در شهر کرمانشاه و اسلام‌آباد زندگی می‌کنند. به‌طور کلی اقلیت‌های مذهبی این استان شامل زرتشتی، کلیمی و

مسیحی ۱۷ درصد از کل جمعیت استان را تشکیل می‌دهند. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، استان کرمانشاه شامل ۱۴ شهرستان، ۳۰ بخش، ۲۹ شهر، ۸۵ دهستان و ۲۶۶۵ آبادی دارای سکنه است. شهرستان‌های این استان به ترتیب تاریخ تأسیس عبارتند از: کرمانشاه (۱۳۱۶)، اسلام‌آباد غرب (۱۳۱۶)، قصر شیرین (۱۳۲۴)، پاهو (۱۳۳۷)، سنقر (۱۳۴۱)، کنگاور (۱۳۵۹)، سرپل ذهاب (۱۳۵۹)، گیلان غرب (۱۳۵۹)، جوانرود (۱۳۶۸)، صحنه (۱۳۷۲)، هرسین (۱۳۷۴)، ثلاث باباجانی (۱۳۸۱)، روانسر (۱۳۸۳) و دالاهو (۱۳۸۴).

استان
کرمانشاه

۲۵

بیست و پنج جنگ کامل و تمام‌عیار در مدت بیش از چهار قرن در مرزهای غربی ایران روی داد که یکی از ریشه‌های آن اختلافات مرزی بوده است و بخشی از آن به استان کرمانشاه بر می‌گردد. این جنگ‌ها از زمان تأسیس سلسله صفویه در ایران و استقرار امپراتوری عثمانی که عراق بخشی از آن بود، آغاز شد و در قرن‌های دهم، یازدهم و دوازدهم هجری قمری ادامه داشت. در قرن سیزدهم ایران و عثمانی هر دو ضعیف شدند و قدرت نظامی خود را از دست

◆ عبور تانک‌های زرهی ارتش متفقین از شهر کرمانشاه در شهریور ۱۳۲۰



♦ بیستون کرمانشاه
(بزرگترین کتیبه جهان)



دادند، در نتیجه از تعداد جنگ‌های بین دو کشور نیز کاسته شد. از سال ۱۲۳۸ قمری که آخرین جنگ ایران و عثمانی روی داد تا سال ۱۳۳۸ که امپراتوری عثمانی سقوط کرد، هیچ جنگی بین دو کشور در نگرفت. با سقوط امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول، در بخش جنوبی آن شامل سه استان بغداد، موصل و بصره با دخالت انگلستان؛ کشوری به نام عراق تأسیس شد که تا سال ۱۹۳۲ میلادی استقلال سیاسی به دست نیاورد. از سوی دیگر، فروپاشی عثمانی، امنیت کافی را برای مرزهای غربی ایران در پی نیاورد و پس از تأسیس دولت عراق تنش بین دو کشور آغاز شد؛ با این تفاوت که به دلیل نفوذ قدرت‌های بزرگ به خصوص انگلستان در دولت‌های دو کشور، منازعه به گونه‌ای کنترل شده و در جهت تأمین اهداف پنهان این قدرت‌ها هدایت می‌شد. این روند حدود نیم‌قرن (۱۳۴۷ - ۱۲۹۹ شمسی) با فراز و نشیب ادامه داشت تا آنکه با روی کار آمدن حزب بعث در عراق در ۲۶ تیر ۱۳۴۷ و تشکیل دولت جدید که متمایل به بلوک شرق (شوروی) بود، اختلافات مرزی ایران و عراق افزایش یافت؛ به ویژه که دولت وقت ایران نیز به قطب مخالف ابرقدرت شرق، یعنی آمریکا وابسته بود و اختلافات دو کشور، مرزهای ایران و عراق را به یکی از میدان‌های تقابل محدود و کنترل شده شوروی و آمریکا تبدیل کرد. بدین ترتیب شهرهای مرزی کشور تا سال ۱۳۵۳ شمسی بارها مورد تجاوز قرار گرفت تا اینکه دو ابرقدرت دکنترین تنش‌زدایی را در پیش گرفتند، پس از آن منازعات منطقه‌ای نیز فروکش کرد و به



تبع آن تنش‌های بین ایران و عراق با انعقاد عهدنامه ۱۹۷۵ الجزایر پایان یافت. با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی، تعرضات عراق علیه ایران به تدریج افزایش یافت و به جنگ همه‌جانبه هشت ساله کشیده شد و بخش‌هایی از سرزمین کرمانشاه بارها اشغال و آزاد گردید ولی در نهایت دشمن از دستیابی به هدف‌های خود محروم ماند؛ و بار دیگر رژیم بعث قرارداد مرزی ۱۹۷۵ الجزایر را پذیرفت و غائله ادعاهای ارضی این حکومت به طور رسمی خاتمه یافت. هرچند که تا انقراض حکومت بعث در سال ۱۳۸۲، این حکومت همواره تهدیدی برای ایران محسوب می‌شد.

استان کرمانشاه به دلیل دارا بودن ۳۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق و داشتن کمترین مسافت بین تهران و بغداد اهمیت نظامی بسیاری دارد. موقعیت پدافندی ارتفاعات استان که به صورت پله‌ای و موازی با مرز هستند و همچنین شکل هندسی و محدب مرز و موقعیت آفندی آن، از نظر نظامی بسیار اهمیت دارد زیرا بهره‌برداری از امکانات طبیعی را برای واحدهای عملیاتی فراهم می‌سازد. کاهش شیب زمین از شرق به غرب و امتداد ارتفاعات آن تا جلگه بین‌النهرین محورهای پدافندی متعددی را - از غرب به شرق - برای نیروهای خودی فراهم می‌کند. از جمله محورها و مناطق مهم نظامی این استان به گردنه پاتاق، گردنه حسن‌آباد، تنگ چهار زبر، مواضع دفاعی اطراف



♦ آبشار ریزاب روزای

شهر کرمانشاه که به موضع دفاعی نعل شکن و دره خمپاره معروف است و موضع دفاعی حاجی آباد در شرق کرمانشاه می‌توان اشاره نمود؛ به عبارت دیگر، جغرافیای نظامی استان دارای معابر عملیاتی و مواضع پدافندی مناسبی است و متقابلاً وضعیت زمین محدودیت‌هایی را بر مهاجمان تحمیل می‌کند.

پس از پیروزی انقلاب ایران و با توجه به تحولات ایجاد شده همه چیز از ضعف و آشفتگی کشور حکایت می‌کرد و رژیم عراق با این تحلیل که می‌تواند به اهداف دیرین خود در مرزهای ایران دست یابد، اقداماتی را آغاز کرد که نوع و شدت آن در نقاط مختلف استان متفاوت بود. این رژیم با جذب سران گروهک‌های ضد انقلاب و تجزیه طلب، در پشتیبانی، آموزش، تسلیح و هدایت آن‌ها تلاش فراوانی نمود و در پناه، جوانرود و نوسود از گروه‌های ضدانقلاب کرد حمایت کرد و در دشت ذهاب، کرد و قصرشیرین فعالیت سلطنت طلبانی چون بختیار، اویسی، پالیزبان و سردار جاف را پشتیبانی کرد و در جنوب قصرشیرین و سرپل ذهاب نیز بانفوذ دادن عناصر مزدور دست به تخریب و ارباب زد. رژیم عراق پادگان‌های آموزشی خود را در شهرهای مرزی به آموزش نیروهای ضدانقلاب اختصاص داد تا با سازمان دهی و نفوذ به نیمه غربی استان به اجرای عملیات‌های ایذایی، کمین، دستبرد، بمب گذاری، مین گذاری، ترور و آشوب و عملیات روانی اقدام کنند. با چنین هدفی شهر پناه در مرداد ۱۳۵۸ تا آستانه سقوط پیش رفت و طی سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، مناطق اورامانات، جوانرود،





♦ طاق گرا - سریل ذهاب

دشت ذهاب، نفت شهر، قصرشیرین، کرد و اسلام آباد را ناامنی فراگرفت. در این مدت ضدانقلاب سعی داشت مقدمات بستن تنگ پاتاق را فراهم کند و با اقدامات ایزدایی، راه‌های منتهی به مرکز استان را ناامن کند که اوج آن در تیرماه ۱۳۵۹ بود. از آغاز سال ۱۳۵۸ برخلاف موازین بین‌المللی حملات و تحرکات آشکاری علیه جمهوری اسلامی ایران شروع شد که هدف آن کسب آمادگی و ایجاد زمینه لازم برای آغاز یک جنگ گسترده بود. ارتش عراق در جریان تحرکات و اقدامات آماده سازی خود برای هجوم، بارها در مرز کرمانشاه حریم هوایی و زمینی ایران را شکست و با تجاوز به مناطق مختلف مرزی استان، خسارات فراوانی وارد نمود. تجاوزهای عراق بیشتر به صورت گلوله باران و گاهی نیز بمباران مناطق و شهرهای مرزی بود. این اقدامات در حاشیه مرزی استان از پاسگاه باباهادی در شمال شرقی قصرشیرین تا ارتفاعات گیسکه در جنوب غربی سومار شدت بیشتری داشت. تجاوزگری عراق در سال ۱۳۵۸، اغلب باهدف آماده سازی زمین برای عملیات نظامی بود و کمتر به عبور از مرز منجر می‌شد؛ اما در سال ۱۳۵۹ به یک‌باره عبور از مرز به طور محسوسی افزایش یافت و تا شهریورماه رو به گسترش نهاد به گونه‌ای که کمتر روزی قصرشیرین، نفت شهر و سومار از گلوله باران توپخانه ارتش عراق در امان بود. هدف‌های عراق از این عملیات‌ها افزون بر خسارت به پاسگاه‌ها و نیروهای نظامی، ایجاد رعب و

وحشت در مردم مرزنشین بود تا مردم محل سکونتشان را تخلیه کنند و ارتش عراق در هنگام تهاجم آسوده‌تر به اهداف نظامی خود برسد. در این دوران ارتش عراق در حال تمرین، آمادگی و افزایش توان رزمی خود بود به نحوی که در شهریور ۱۳۵۹ تجمع انبوه نظامیان عراق و نوع آرایش و صف‌آرایی آنان در مقابل استان کرمانشاه، از هجوم قریب‌الوقوع و گسترده دشمن حکایت می‌کرد. حکام عراق نیز با صراحت از آمادگی نظامی برای پایان دادن به اختلافات خود با ایران به وسیله زور، خبر می‌دادند. با این پیش‌زمینه ارتش عراق در ۱۵ شهریور ۱۳۵۹ به منطقه خان لیلی حمله کرد و منطقه‌ای به وسعت ۱۰۰ کیلومترمربع از خاک کشورمان را اشغال نمود. در آخرین روزهای شهریورماه نیز مناطقی از سومار و نوسود را به اشغال خود در آورد. در ۱۳۵۹/۶/۱۹ وزیر دفاع عراق به طور رسمی اعلام کرد: «نیروهای مسلح عراق به مرزهای بین‌المللی رسیده‌اند و اختلافات ارضی خود را با ایران عملاً حل کرده‌اند». با هجوم سراسری ارتش عراق در ۱۳۵۹/۶/۳۱ به سایر شهرها، آشکار شد که هدف‌های تجاوز دشمن محدود به اختلافات مرزی نیست بلکه مقاصد مهم‌تری را دنبال می‌کنند. استان کرمانشاه به عنوان همسایه استان دیاله عراق برای ارتش عراق اهمیت نظامی خاصی داشت زیرا منطقه کوهستانی آن در مقابل استان دیاله عراق که جلگه‌ای است قرار داشت و فاصله آن تا بغداد کمتر از ۱۸۰ کیلومتر بود.

استان کرمانشاه (و شمال استان ایلام) میان دو جبهه شمالی و جنوبی واقع شده و از این رو جبهه میانی نامیده می‌شود. سپاه دوم ارتش عراق عملیات در این منطقه را به عهده داشت و مأموریت داشت تا برای پشتیبانی از جبهه جنوب و تأمین بغداد از طریق گسترش مرزهای شرقی، در عمق ۵۰ کیلومتری خاک

♦ سد مخزنی گیلان‌غرب در چهار کیلومتری گیلان غرب و حوالی شهرستان دیره





ایران یعنی تا تنگ پاتاق پیشروی نماید. سپاه دوم با این هدف، مانور خود را در استان کرمانشاه در دو محور اصلی خانقین - قصرشیرین - سرپل ذهاب - پاتاق و محور مندلی - سومار - نفت شهر و هشت محور فرعی طرح ریزی و اجرا نمود؛ اما ارتش عراق با وجود به کارگیری بیشترین یگان‌ها در استان کرمانشاه به مهم‌ترین هدف خود یعنی تصرف تنگ پاتاق و ارتفاعات آن دست نیافت. همچنین در تصرف شهرهای گیلان غرب و سرپل ذهاب ناکام ماند و تنها توانست شهرهای مرزی قصرشیرین، نفت شهر و سومار را اشغال کند؛ به عبارت دیگر ارتش عراق در استان کرمانشاه نیز همچون دیگر مناطق کشور با ناکامی روبه‌رو شد و خطوط پدافندی ناموزونی به ارتش بعثی تحمیل شد. مردم این استان در طول جنگ به‌رغم بمباران هوایی و آوارگی و زندگی اردوگاهی، با اعزام جوانان خود چندین تیپ رزمی برای دفاع از کشور و دیار خود تشکیل دادند که مهم‌ترین آن‌ها تیپ نبی اکرم^(ص)، تیپ مسلم بن عقیل، تیپ مقداد، تیپ انصارالرسول، تیپ نصرت و تیپ نبوت بود. استان کرمانشاه در طول جنگ تحمیلی ۱۱۲۶ بار مورد هجوم هوایی و موشکی رژیم بعث قرار گرفت و با تقدیم ۹۵۲۵ نفر شهید (۱۷۰ شهید فرهنگی و ۷۶۱ شهید دانش آموز)، ۱۸۷۴۳ نفر جانباز (۸۵۵ نفر جانباز فرهنگی) و ۱۷۸۳ نفر آزاده (۳۰۹ نفر آزاده فرهنگی) نقش بی‌نظیری در حراست از مرزهای ایران اسلامی بر عهده داشته است.



باشگاه افسران

دهگلان

استان کردستان

چاره

سليمان
فقيه

سريناو

مرواريد

کامياران

شهرستان
سنقر

سطر

سنقر

حسن آباد

کوزران

شهرستان
کرمانشاه

شهرستان
صحنه

میانراهان

سیرانک

کت

خدای گتم

طاق بستان

یادگان امام حسین (ع)

بیستون

کرمانشاه

مرکز فرهنگی

دفاع مقدس

یادبود زن فهردان

ماهیدشت

هرسین

شهرستان
هرسین

شهرستان
اسلام آباد

حمیل

هاشمی

استان ایلام

استان ایلام

شیروان و چردال



خان

اق

نیرین

ن (ن)

نادر پور

سان دایا

میان تکی

رستم آباد

عراق

شهرستان کرمانشاه



استان کردستان

شهرستان

پاوه

بابنگان

شهرستان

جوانرود

جوانرود

شهرستان

روانسر

شهرستان

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند

کرند



شهرستان کرمانشاه

کرمانشاه

ماهیدشت

هلشی

کوزران

سراب نیلوفر

شهادی گسام

طاق بستان

پادگان امام حسین (ع)

مرکز مکتبی

دوم فطرس

بابود زن فهران

مرصاد

اسلام آباد غرب

شهرستان اسلام آباد غرب

شهرستان هرسین

استان ایلام

استان ایلام

استان ایلام

خسین

استان کردستان

استان کردستان

گسار

روانسر

شهرستان روانسر

حسن لیل

جوانرود

پهنا لیل

سنگ

راهان

بستان

قادر

مرکز مکتبی

مرکز مکتبی

مرکز مکتبی



♦ تکیه معاون الملک کرمانشاه با کاشی کاری منحصر به فرد

شهرستان
کرمانشاه

شهرستان کرمانشاه

۳۵

شهرستان کرمانشاه به مرکزیت شهر کرمانشاه با ۸۵۴۷ کیلومترمربع وسعت مهم‌ترین شهرستان استان کرمانشاه است و در مرکز آن قرار دارد و دارای چهار بخش مرکزی، فیروزآباد، کوزران و ماهیدشت با ۱۳ دهستان و ۷۶۹ روستای دارای سکنه است و بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، جمعیت آن ۱۰۳۰۹۷۸ نفر است. این شهرستان از شمال به استان کردستان و شهرستان روانسر، از شمال شرق به شهرستان‌های سنقر و صحنه و از شرق به شهرستان هرسین، از جنوب به استان ایلام و از غرب به شهرستان‌های اسلام‌آباد و دالاهو منتهی می‌شود. این شهرستان به لحاظ قرار گرفتن در جلگه وسیع و حاصلخیز ماهیدشت و بهره‌مندی از کناره رود قره‌سو از موقعیت کشاورزی ویژه‌ای برخوردار است و رودخانه‌های رازآور، مرگ و گاماسیاب سایر رودهای نسبتاً پر آب این شهرستان هستند که سر شاخه‌های رودخانه بزرگ سیمره و کرخه محسوب می‌شوند.

کوه‌های عمده شهرستان عبارتند از بیستون، پرآو (غار پرآو یکی از بزرگ‌ترین غارهای دنیا در این کوه واقع است) که در شمال شرقی شهر کرمانشاه قرار دارند و سفیدکوه که در جنوب شرقی این شهر واقع شده است. این شهرستان از دوران باستان دروازه و بزرگ‌ترین راه ارتباطی میان فلات ایران، چین و هندوستان با ساکنان بین‌النهرین بوده است که به این راه اصطلاحاً شاهی نیز گفته می‌شود. کرمانشاه مرکز کشاورزی ایران است و بیشتر درآمد اقتصادی کرمانشاه از این راه است با این حال دو شهرک صنعتی با بیش از ۲۵۶ واحد صنعتی و تولیدی دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: پالایشگاه کرمانشاه، پالایشگاه نفت آناهیتا، مجتمع پتروشیمی کرمانشاه، کارخانه سیمان غرب، کارخانه سیمان سامان و کارخانه اسیدسیتریک کرمانشاه (تنها کارخانه اسیدسیتریک خاورمیانه). این شهرستان مقام اول صادرات به کشور عراق و مقام هشتم صادرات کشور ایران را به خود اختصاص داده است. این شهرستان از اولین مناطقی بود که در دوران دفاع مقدس مورد حملات هوایی قرار گرفت و مرکز پشتیبانی جبهه میانی جنگ محسوب می‌شد و قرارگاه رمضان در این استان فعالیت می‌کرد. عراق نتوانست به طور زمینی وارد این شهرستان شود ولی این شهرستان بارها مورد خرابکاری و بمب‌گذاری منافقین و گروهک‌ها قرار گرفت. شهرستان کرمانشاه در طول جنگ به پناهگاهی برای اسکان مهاجران جنگی استان کرمانشاه تبدیل شد به نحوی که شهرک سراب نیلوفر در ۲۰ کیلومتری غرب شهر کرمانشاه برای اسکان مردم قصرشیرین و سرپل ذهاب، شهرک آناهیتا در ۳ کیلومتری شمال غرب شهر کرمانشاه برای اسکان مردم قصرشیرین- سرپل ذهاب- سومار و نفت شهر، شهرک آبادانی و مسکن در شمال شرق شهر کرمانشاه و اردوگاه شهید مطهری و شهید حسین پور واقع در محور گیلان غرب به اسلام‌آباد که عمده‌اً مردم شهر گیلان غرب در این اردوگاه اسکان یافته بودند؛ در این شهرستان پیش‌بینی شده بود. این شهرستان در طول جنگ در مجموع ۱۸۹ بار مورد حمله هوایی و موشکی قرار گرفت و در روزهای پایانی جنگ شاهد هجوم منافقین به کشور و دفاع جانانه مردم و عملیات غرورآفرین مرصاد بود آن‌گونه که غرب این شهرستان حد نهایی تجاوز منافقین به این استان محسوب می‌شود.



♦ طاق بستان

شهر کرمانشاه

شهر کرمانشاه (به کردی کرماشان) مرکز استان و مرکز شهرستان کرمانشاه و نهمین شهر پرجمعیت ایران محسوب می‌شود و در ۵۹۰ کیلومتری شهر تهران قرار دارد و تا مرز خسروی، ۲۰۰ کیلومتر فاصله دارد. این شهر از شمال به کوه فرخشاد، از شمال غربی به کوه طاق بستان و از جنوب به سفیدکوه ختم می‌شود و از کهن‌ترین شاهراه‌های ارتباطی ایران، معروف به میان‌رودان است و سه رودخانه قره‌سو، آبشوران و چم‌بشیر در آن جریان دارند. مردم این شهر به زبان‌های کردی (گویش‌های کرمانشاهی، کلهری، جافی)، فارسی (گویش کرمانشاهی) و لکی سخن می‌گویند. این شهر تاریخی به دلیل قرارگیری در تقاطع دو محور شمال به جنوب و شرق به غرب و واقع‌شدن بر سر راه کربلا-بغداد از اهمیت بسیاری برخوردار است.

کرمانشاه پیش از اسلام به نام‌های کامبادنه، کامبادان و کامبادس معروف بود و چون این شهر در زمان ساسانیان توسط بهرام چهارم ملقب به کرمانشاه ساخته شد، کرمانشاه نام گرفته است. وی از سال ۳۸۸ تا ۳۹۹ میلادی بر امپراتوری پهلوان ساسانیان فرمانروایی کرد. چون بهرام در روزگار پدرش حکمران ایالت



♦ ضلع غربی میدان شهرداری سابق کرمانشاه ۱۳۱۷

کرمان بود بدین خاطر «کرمان شاه» لقب یافت. تلفظ صحیح و قدیمی و بومی این کلمه، کرمانشاه است ولی مردم غیر محلی در سده‌های اخیر به اشتباه این شهر و پیرامون آن را کرمانشاهان خوانده‌اند. البته برخی از مورخین نام کرمانشاه را برگرفته از اقوام کردی به نام کرمانج یا کرمانش می‌دانند که در این منطقه زندگی می‌کردند و برخی نیز نام کرمانشاه را برگرفته از سه جزء «کار- مای- سیای» که در سنگ‌نبشته بیستون به آن اشاره شده است، دانسته‌اند که به معنای مکان مقدس مردم ماد است. در متون جغرافیایی اشاره شده است که قرماسین یا قرماشین معرب واژه کرمانشاهان یا کرمانشاه بوده است. آثار تاریخی پیش از اسلام شهر کرمانشاه مربوط به دوران ساسانیان است که سرآمد آن‌ها طاق‌بستان است که نماد شهر کرمانشاه است. در پایین‌تر از محوطه تاریخی طاق‌بستان و شهر تاریخی کامبادنه منطقه‌ای به نام شکارگاه خسروپرویز وجود دارد که در نقش برجسته‌های طاق‌بستان، این شکارها به تصویر کشیده شده‌اند. سنگ‌نبشته بیستون نیز از آثار ثبت‌شده ایران در میراث جهانی یونسکو است که در دامنه کوه بیستون قرار دارد.

شهر کرمانشاه در جنبش مشروطه سهمی به سزا داشت و پس از استقرار مشروطه، اختلاف بینش‌های سیاسی منجر به پیدایش احزاب مختلفی شد که مهم‌ترین آن‌ها حزب دموکرات و اعتدالیون بود که یار محمدخان کرمانشاهی از چهره‌های مهم این حزب بود و در نبردهای کرمانشاه، تبریز و تهران نقش مهمی ایفا کرد. کرمانشاه در جنگ جهانی اول و دوم به تصرف قوای بیگانه درآمد و



♦ پناه گرفتن خانواده
آواره شده از بمباران
دشمن در طاق بستان

پس از پایان جنگ تخلیه شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در پرتو احساسات ضدشاهنشاهی به تصور این که میان اسم شهر کرمانشاه یا کرمانشاهان، با تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی رابطه خاصی وجود داشته است، نام کرمانشاهان را به ترتیب قهرمان شهر، ایمان شهر و نهایتاً باختران نام نهادند اما با پیگیری و تصویب نمایندگان مجلس در سال ۱۳۷۳ دوباره به کرمانشاه تغییر نام یافت. این شهر با داشتن فرودگاه، پالایشگاه نفت، پایگاه هوانیروز و تأسیسات صنعتی، اهمیت ویژه‌ای در غرب کشور دارد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ستاد فرماندهی سپاه منطقه ۷ در این شهر تشکیل شد و شهید محمد بروجردی به عنوان فرمانده این سپاه نقش به‌سزایی در ایجاد امنیت در دو استان کرمانشاه و کردستان ایفا کرد. با شروع جنگ، این شهر همچون بسیاری از شهرهای ایران هدف حملات مکرر هواپیماهای ارتش بعث عراق قرار گرفت و ۱۷۶ بار مورد حمله هوایی و موشکی قرار گرفت و ۲۱۵۸ شهید و ۴۲۵۲ مجروح تقدیم انقلاب اسلامی کرد. تنها در یک مورد در ۱۳۶۶/۱۲/۲۶ یکی از پناهگاه‌های شهر واقع در خیابان موید، جنب پارک شیرین هدف حمله دشمن قرار گرفت و در جریان آن ۷۶ نفر شهید و ۱۵۸



♦ بمباران مناطق مسکونی شهر کرمانشاه

نفر دیگر مجروح شدند. در روز یکشنبه ۱۳۶۵/۹/۳۰ نیز بالغ بر ۵۰ فروند از هواپیماهای دشمن خیابان‌های آزادی، کوچه یخچال، میدان شهید گمنام، سبزه‌میدان، چهارراه آبادانی مسکن، کارخانه نساجی، هوانیروز، صالح‌آباد، کشمیر، شریعتی، دلگشا، کسری، کوی فرهنگ، خیابان اشک تلخ، مدرس، بانک ملی، پادگان بروجردی، نواب، جلوخان، وکیل آقا، پل چوبی، لشکر، دبیر اعظم، مصوری، فردوسی، ۲۲ بهمن، جوانشیر و چندین منطقه دیگر شهر را با بمب‌های خوشه‌ای به مدت یک ساعت مورد حمله قرار دادند و شب یلدای خونین مردم کرمانشاه را رقم زدند که شهدای آن شب طبق آمار، بالغ بر ۶۴۰ نفر و تعداد مجروحین بیش از ۱۰۰۰ نفر اعلام شد.

آیت‌الله اشرفی اصفهانی نماینده امام و امام جمعه کرمانشاه که نقش بارزی در پشتیبانی مادی و معنوی و جذب نیروهای مردمی در جنگ داشت، در مسجد جامع کرمانشاه هدف سوء قصد منافقین قرار گرفت و به شهادت رسید. در طول جنگ مهم‌ترین مراکز پشتیبانی و اعزام نیرو در شهر کرمانشاه عبارت بودند از: محل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مسجد جامع، هلال احمر، مسجد آیت‌الله بروجردی، کمیته امداد، سالن ورزشی شهید بهشتی، پادگان شهدا و موقعیت شهید اثری نژاد. کرمانشاه در طول جنگ به عنوان مرکز اصلی پشتیبانی و عقبه جبهه میانی جنگ محسوب می‌شد.



♦ پالایشگاه کرمانشاه لحظاتی پس
از بمباران دشمن

پالایشگاه نفت کرمانشاه

پس از آن که در سال ۱۳۰۱ شمسی وجود نفت خام به مقدار کافی در غرب ایران و در نفت شهر به اثبات رسید، بلافاصله احداث پالایشگاه کرمانشاه به عنوان دومین پالایشگاه نفت ایران در نفت شهر آغاز شد. در سال ۱۳۱۳ پالایشگاه نفت از نفت شهر به داخل شهر کرمانشاه انتقال داده شد که در آن زمان این پالایشگاه روزانه ۴۲۰۰ بشکه ظرفیت تولید داشت و برای انتقال فرآورده‌های نفتی از ظرف‌های ۲۰ لیتری حلبی که در واحد حلب سازی خود تولید می‌کرد استفاده می‌نمود. از سال ۱۳۱۴ نفت خام پس از تقطیر در نفت شهر به وسیله خطوط لوله، برای تبدیل به فرآورده‌های مختلف نفتی به پالایشگاه کرمانشاه منتقل می‌شد و از این طریق بخشی از نیازهای سوختی غرب کشور را تأمین می‌کرد. قبل از ملی شدن صنعت نفت استخراج نفت از این پالایشگاه به صورت امانی توسط شرکت نفت انگلیس و ایران صورت می‌گرفت اما پس از ملی شدن صنعت نفت؛ استخراج نفت بر عهده شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت. در سال ۱۳۵۰ این پالایشگاه نوسازی شد و ظرفیت آن به ۱۵ هزار بشکه در روز رسید و اکنون ظرفیت این پالایشگاه ۳۰ هزار بشکه در روز برآورد می‌شود.



♦ مخازن پالایشگاه کرمانشاه پس از بمباران دشمن

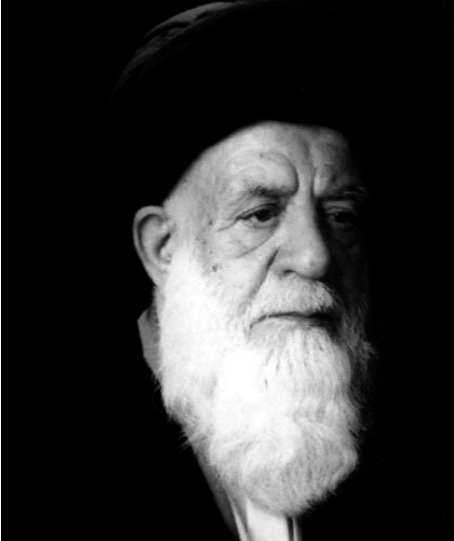
در ابتدای جنگ با اشغال چاه‌های نفتی نفت شهر توسط رژیم بعث عراق، ارسال نفت خام به پالایشگاه قطع و کار پالایشگاه عملاً متوقف شد. به منظور راه‌اندازی مجدد آن، خط لوله افرینه - کرمانشاه به قطر ۱۶ اینچ و به طول ۱۷۲ کیلومتر احداث و در آبان ۱۳۶۲ به بهره‌برداری رسید. با احداث خطوط لوله نفت خام از اهواز، این پالایشگاه فعالیت خود را از سر گرفت و از همین رو در دوران جنگ تحمیلی ۱۶ بار مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت که در پی آن ۱۲ نفر از کارکنان شریف این پالایشگاه به شهادت رسیدند؛ اما با کوشش و تلاش نیروهای فداکار آن در کوتاه‌ترین زمان که گاه به ۱۵ روز می‌رسید؛ دوباره بازسازی و راه‌اندازی می‌شد و در چرخه صنعت کشور به کار خود ادامه می‌داد. پس از جنگ و در سال ۱۳۷۰ نفت خام سرکان - ماله کوه از طریق همین خط لوله با نفت خام اهواز - آسماری مخلوط و جهت تصفیه به این پالایشگاه ارسال شد. اکنون خوراک این پالایشگاه شامل هر سه نوع خوراک نفت شهر، اهواز - آسماری و سرکان - ماله کوه است. شرکت پالایش نفت کرمانشاه پس از گسترش شهر کرمانشاه در مرکز شهر قرار گرفت و اکنون یکی از واحدهای صنعتی سبز با ۱۲۶ کیلومترمربع فضای سبز است.



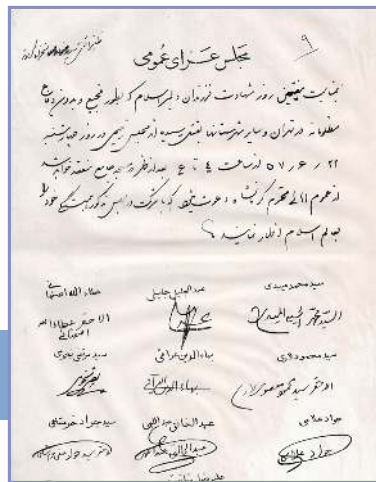
♦ شهید آیت الله اشرفی
اصفهانی در لباس رزم

مسجد جامع کرمانشاه

مسجد جامع کرمانشاه که در گذشته به چهل ستون معروف بود در خیابان مدرس کرمانشاه و در بافت قدیم شهر و نرسیده به خیابان رشید یاسمی قرار دارد. این مسجد تاریخی که شبیه مساجد دوره زندیه است در سال ۱۱۹۶ قمری مصادف با حکومت علی مرادخان زند ساخته شده است و بانی این مسجد امیرنظام زنگنه از نوادگان شیخ علی خان زنگنه (حاکم کرمانشاه در دوره صفویه) و از امرای دوره محمدشاه قاجار و اوایل سلطنت ناصرالدین شاه قاجار است که به جای مسجد قدیمی بنا شده است و در قسمت جنوبی آن، مسجد دیگری که به مسجد ایمری معروف است قرار دارد. اکنون از هشت ورودی و شبستان ستون دار این مسجد که ۴۵ طاق چشمه داشت، تنها ۲۵ طاق باقی مانده است و مابقی در دست مرمت قرار دارد. شهید آیت الله اشرفی اصفهانی نماینده امام و امام جمعه کرمانشاه که نقش بارزی در پشتیبانی مادی و معنوی و جذب نیروهای مردمی در جنگ داشت، در روز جمعه ۱۳۶۱/۷/۲۳ قبل از ایراد خطبه‌های نماز جمعه در این مسجد، هدف سوء قصد منافقین کوردل قرار گرفت و در ۸۲ سالگی به شهادت رسید. این مسجد یکی از مراکز اصلی تجمع و پشتیبانی‌های مردمی از جبهه‌های جنگ بود و نماز جمعه آن هیچ‌گاه متوقف نشد.



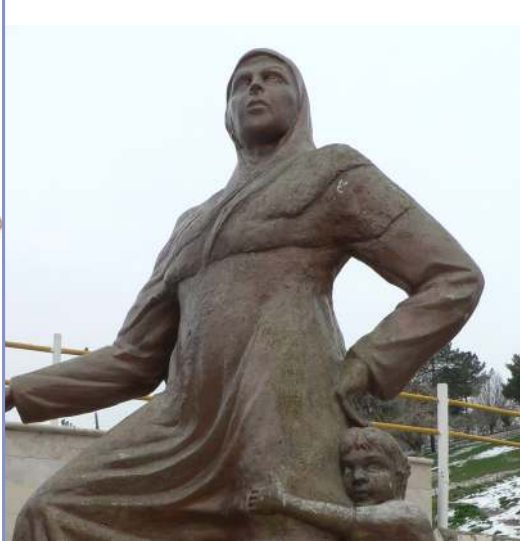
♦ آیت‌الله سید مرتضیٰ نجومی



♦ اعلامیه علمای کرمانشاه برای عزای عمومی شهدای ۱۷ شهریور ۱۳۵۷

مسجد المهدی (عج)

مسجد المهدی (عج) که معروف به مسجد ترک‌ها (وکیل الدوله سابق) است در خیابان جوانشیر کرمانشاه واقع است که به همت حاج محمد حسن وکیل الدوله در رمضان ۱۲۸۷ هجری قمری ساخته شده است و به واسطه این که در گذشته آذری‌ها در ایام سوگواری سالار شهیدان در این مسجد مبادرت به اجرای مراسم روضه خوانی و سینه زنی و زنجیرزنی می‌کردند، به مسجد ترک‌ها معروف شده است. این مسجد قبل از انقلاب یکی از كانون‌های فعالیت‌های انقلابیون کرمانشاه بود که پس از انقلاب تجدید بنا شد. این مسجد در دوران دفاع مقدس محل جمع‌آوری کمک‌های مردمی و توقف‌گاه رزمندگان اسلام در سفر به مناطق عملیاتی بود و بعضاً برخی از رزمندگان که شبها وارد کرمانشاه می‌شدند و مراکز و ادارات تعطیل بودند و کارپذیرش آن‌ها انجام نمی‌شد، شب را در این مسجد می‌گذراندند و امکانات رفاهی مانند حمام و خودرو و سایر امکانات مورد نیازشان به عنوان یک ایستگاه صلواتی تأمین می‌شد. لذا در طول شبانه‌روز درهای مسجد به روی رزمندگان باز بود و شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی و سایر علمای نامی کرمانشاه نظیر آیت‌الله شیخ محمد رضا کاظمی و آیت‌الله سیدمرتضی نجومی و آیت‌الله حاج شیخ محمدحسین زرنزی از آنان استقبال می‌کردند. مزار آیت‌الله شیخ محمدحسن علامی امام جماعت این مسجد که از علما و مفاخر بزرگ کرمانشاه (استاد آیت‌الله مرعشی نجفی) است، در این مسجد قرار دارد.



بنای یادبود زن قهرمان

به منظور تقدیر از فرنگیس حیدرپور زن قهرمان و سلحشور گیلان غرب، بنای یادبودی در ورودی پارک شیرین که در جنوب شهر کرمانشاه و در خیابان امیرکبیر و جنب مرکز فرهنگی دفاع مقدس واقع شده است؛ ساخته شده است. خانم حیدرپور که ساکن روستای اوازین از توابع گیلان غرب است، در جریان حمله نظامیان عراقی به روستای محل سکونتش در سال ۱۳۵۹ و شهادت ۸ نفر از اعضای خانواده‌اش درحالی‌که هجده سال بیشتر نداشت با یک تبر که تنها وسیله دفاعی او بود با رشادت و شجاعت خود حماسه‌ای را آفرید که لقب شیرزن ایران را برانزده خود نمود. او در مواجهه با دو نفر از نیروهای دشمن با ابتدایی‌ترین سلاح دفاعی توانست یکی را به هلاکت رسانده و دیگری را اسیر کند و به مقر ارتش تحویل دهد. پس از جنگ در راستای پاسداشت فرنگیس حیدرپور مجسمه ایشان درحالی‌که تبری در دست گرفته و کودکی به او چسبیده است، به عنوان نماد مقاومت مردمی استان کرمانشاه ساخته شد. استان کرمانشاه در طول انقلاب و جنگ ۹۴۵ بانوی شهیده تقدیم میهن اسلامی نمود.



دبستان شهدای کرمانشاه

دبستان رشید یاسمی به پاس خدمات

غلامرضا رشید یاسمی از مشاهیر علم و ادب کرمانشاه در سال ۱۳۵۵ در محله مستضعف نشین چهارراه رشیدی کرمانشاه احداث شد. با شروع جنگ تحمیلی و حملات وحشیانه ارتش بعث عراق، این مدرسه در ساعت ۱۱ صبح ۲۴ مهر ۱۳۵۹ مورد حمله هوایی رژیم بعث قرار گرفت و در جریان آن ۱۷ دانش آموز بی گناه و معصوم به همراه معلم خود در کلاس درس به درجه رفیع شهادت نائل آمدند و تعدادی نیز مجروح شدند. این دبستان در سال ۱۳۶۲ کاملاً بازسازی شد و به دبستان شهدا تغییر نام یافت. این مدرسه یکی از اسناد جنایات جنگی صدام علیه کودکان مظلوم ایران است که همه ساله مجلس یادبودی برای شهدای دانش آموز این مدرسه، برگزار می شود.



مرکز فرهنگی دفاع مقدس کرمانشاه

مرکز فرهنگی دفاع مقدس کرمانشاه در خیابان امیرکبیر و پشت پارک شیرین قرار دارد و در اصل پناهگاه بزرگی بود که در طول جنگ تحمیلی در برابر حملات هوایی و موشکی ارتش بعثی عراق مورد استفاده قرار می‌گرفت تا آنکه در تاریخ ۱۳۶۷/۱۲/۲۶ هدف حمله سنگین هواپیماهای دشمن قرار گرفت و تعداد ۷۶ نفر از مردم مظلوم کرمانشاه به شهادت رسیده و ۱۸۵ نفر مجروح شدند و این پناهگاه تخریب شد. پس از پایان جنگ و در سال ۱۳۷۴ این پناهگاه به اولین مرکز فرهنگی و موزه دفاع مقدس بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس در غرب کشور تبدیل شد. بنای این موزه دارای سه طبقه است و طبقه اول آن دوازده بخش دارد که عبارتند از: حلبچه، حماسه پاوه، جانبازان، آزادگان، شهدای هوانیروز، شهدای ارتش، عملیات مرصاد، فعالیت‌های عمرانی بنیاد، سرداران شهید، بانوان، سنگر و وسایل جنگی. در این طبقه کتابخانه تخصصی دفاع مقدس نیز قرار دارد و در طبقه دوم، تالار شهدا قرار دارد. در این تالار فیلم مستند دفاع مقدس برای کاروان‌های راهیان‌نور به نمایش گذاشته می‌شود و طبقه سوم بخش اداری موزه است. در سالن دوم و فضای بیرونی موزه و مرکز فرهنگی دفاع مقدس استان کرمانشاه ادوات جنگی، بخشی از هواپیمای منهدم شده دشمن، قطعه فولادی کارخانه قند اسلام‌آباد غرب، نقشه برجسته کرمانشاه در قالب ماکت عملیاتی، لاشه بالگرد و تانک‌های به غنیمت گرفته‌شده و ده‌ها اثر دیگر به عنوان بخشی از تاریخچه جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی و دفاع همه‌جانبه رزمندگان استان کرمانشاه به نمایش درآمده است و مورد توجه مردم و کاروان‌های راهیان‌نور قرار دارد.



♦ حضور مقام معظم رهبری
در گلزار شهدای کرمانشاه

♦ موزه شهدای کرمانشاه

گلزار و موزه شهدای کرمانشاه



۴۸

موزه شهدای کرمانشاه در سال ۱۳۷۶ توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران در جوار گلزار شهدای کرمانشاه و با زیربنای ۱۲۰۰۰ مترمربع احداث شد و اکنون در دست توسعه و تکمیل قرار دارد. این موزه دارای یک تالار نسبتاً بزرگ و تعداد چهل و دو غرفه است. در این غرفه‌ها وسایل شخصی شهدا و وصایای آن‌ها به نمایش گذاشته شده است. در کنار موزه، تالار نمایش جهت نمایش فیلم‌های مستند دفاع مقدس و غرفه فروش کتاب و تولیدات فرهنگی نیز قرار دارد. در گلزار شهدای کرمانشاه علاوه بر ابدان سایر شهدای انقلاب و دفاع مقدس، پیکر شهید محراب آیت‌الله اشرفی اصفهانی و آیت‌الله سیدمرتضی نجومی از علمای نامی کرمانشاه نیز به خاک سپرده شده‌اند. تنها در سال ۱۳۵۷ و در جریان پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران، شهر کرمانشاه ۶۴ شهید تقدیم انقلاب نمود که اکنون مزار آن‌ها در این گلزار به چشم می‌خورد.



طاق‌بستان و یادمان شهدای گمنام

محوطه باستانی طاق‌بستان در شمال شهر کرمانشاه و در میان کوه قرار دارد که در طول جنگ پناهگاه مردم کرمانشاه از بیم حملات هوایی دشمن بود و به همین منظور چادرهای اسکان هلال‌احمر برای پناه‌جویان در این محوطه برپا شده بود. پارک کوهستان که در کنار این محوطه باستانی قرار دارد از سال ۱۳۸۰ میزبان پنج شهید گمنام است و این یادمان اکنون زیارتگاه زائرین، مسافران و اهالی شهر کرمانشاه است.

شهرستان
کرمانشاه

۴۹

♦ مزار مطهر سه شهید گمنام در دانشگاه رازی کرمانشاه



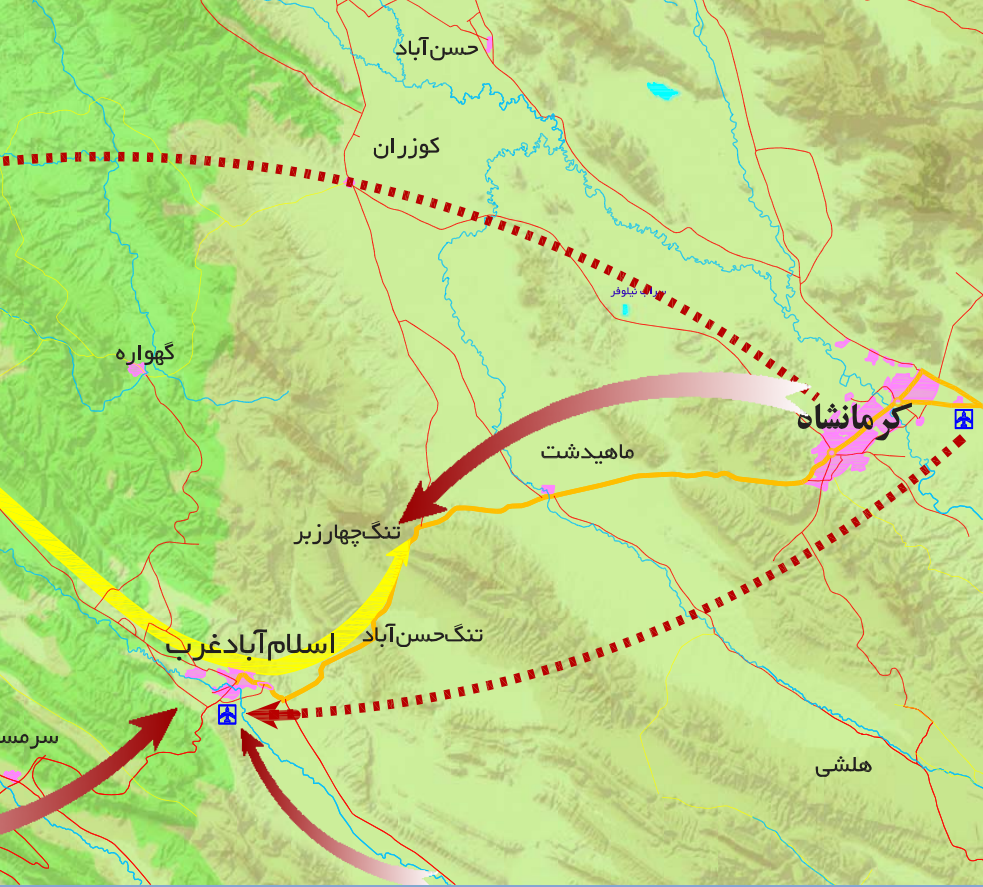


منطقه عملیاتی مرصاد

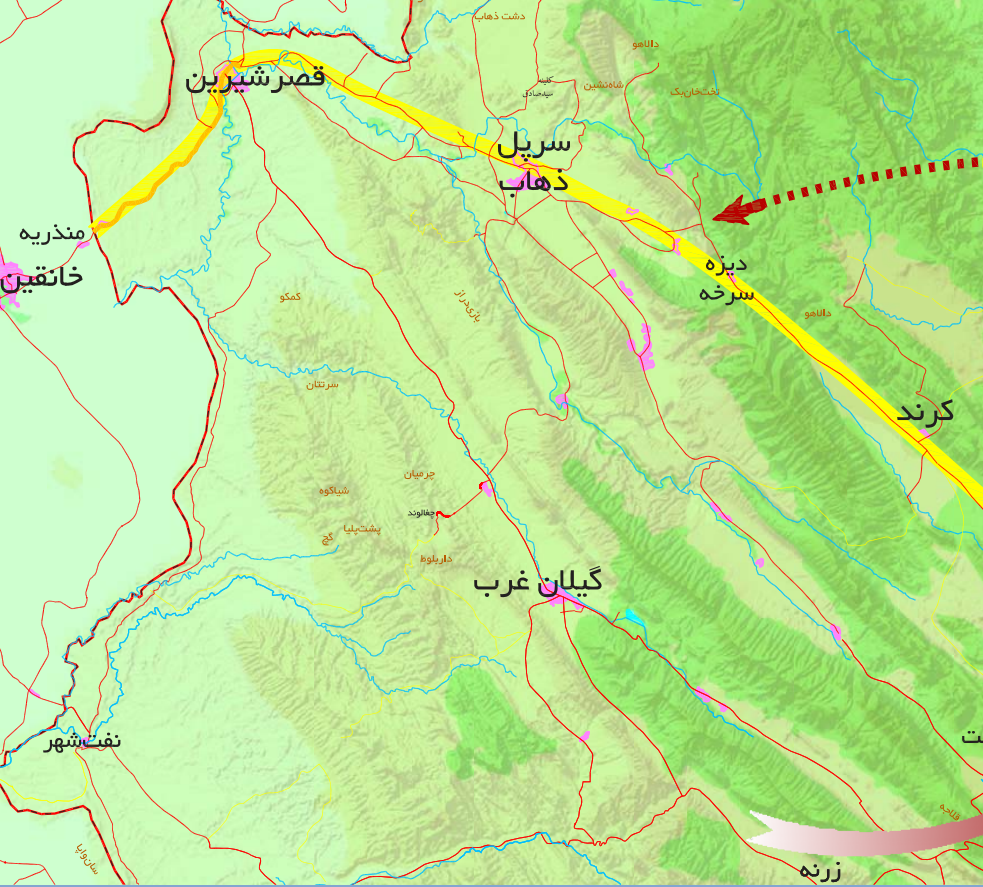
منطقه عملیاتی مرصاد در غرب شهر کرمانشاه و در حد فاصل تنگ چهار زبر تا مرز ایران و عراق قرار دارد. پس از آن که پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از سوی ایران، دشمن را در بن بست سیاسی و نظامی قرار داد، منافقین که حیثیت و هستی خود را در گرو جنگ نهاده بودند، برای خروج از این بن بست، توطئه‌ای که مأموریت اجرای آن را بر عهده داشتند با عنوان عملیات فروغ جاویدان به مرحله اجرا در آوردند. ارتش بعثی عراق ضمن حمایت تسلیحاتی و هوایی از منافقین، عملیات وسیعی را در سراسر خطوط مرزی آغاز نمود و با آتش سنگین در منطقه سرپل ذهاب و صالح آباد، این مناطق را اشغال کرد و با چندین نوبت بمباران هوایی، راه ورود منافقین به داخل مرزها را هموار ساخت. هدف خیال پردازانه منافقین از عملیات زمینی در عمق خاک ایران، تسخیر چندین شهر و در آخر رسیدن به تهران و به دست گرفتن قدرت بود. طبق زمان بندی منافقین، نیروها بایستی ساعت ۶ بعدازظهر روز دوشنبه ۳ مرداد به کرد و ساعت ۸ شب به اسلام آباد و ساعت ۱۰ شب به کرمانشاه می رسیدند و در این شهر، حضور خویش را اعلام می کردند. اگر چه در ساعت های مقرر به کرد و اسلام آباد رسیدند، اما در مسیر اسلام آباد-



کرمانشاه و گردنه حسن‌آباد، از پیشروی آن‌ها جلوگیری شد. در این عملیات اعضای سازمان منافقین با ۲۵ تیپ (هر تیپ ۲۰۰ نفر) که در مجموع ۴ تا ۵ هزار نفر برآورد می‌شدند شرکت داشتند و تجهیزات فراوانی از جمله ۱۲۰ تانک سبک کاسکاول برزلی (با چرخ لاستیکی و سرعتی معادل ۱۲۰ کیلومتر در ساعت)، ۴۰ نفر بر PMP، ۳۰ عرابه توپ ۱۲۲ میلی‌متری، حدود ۲۴۰ خمپاره‌انداز، ۱۰۰۰ موشک آرپی‌جی هفت، ۷۰۰ تیربار، ۲۰ تفنگ ۱۰۶ میلی‌متری، ۶۰ مسلسل دوشکا و حدود ۱۰۰۰ خودرو به همراه داشتند. مقارن ساعت ۱۴:۳۰ ۱۳۶۷/۵/۳ منافقین و ارتش عراق عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق سرپل ذهاب و بال برد نیرو از جنوب گردنه پاتاق آغاز و به طرف شهر کرد غرب پیشروی کردند و حدود ۱۸:۳۰ اولین تانک‌های منافقین وارد شهر کرد شدند و پس از اشغال آم به سمت اسلام‌آباد غرب پیشروی کردند و آن را نیز اشغال نمودند و در یک ستون نظامی بر روی جاده به طرف کرمانشاه حرکت کردند که در تنگ حسن‌آباد به دلیل خروج اهالی کرد و اسلام‌آباد غرب از شهر و ازدحام در این تنگه و نیز استقرار یک گردان از رزمندگان تیپ ۳۲ انصار الحسین همدان در پشت این گردنه، منافقین زمین‌گیر شدند. نیروهای خودی بلافاصله با تشکیل خط پدافندی در تنگ چهارزبر در فاصله ۲۰۰ متری منافقین با آنان درگیر شده و بعد از ظهر ۴ مرداد با انسداد سه‌راه اسلام‌آباد-کرد، عقبه و راه فرار منافقین را مسدود و آن‌ها را در محاصره قراردادند. با زمین‌گیر شدن نیروهای منافقین در تنگ چهارزبر، رزمندگان برای آزادسازی مناطق اشغالی و انهدام نیروهای منافقین به تدریج در منطقه مستقر شدند و عملیات مرصاد در ۱۳۶۷/۵/۵ با رمز یا علی بن ابی‌طالب^(ع) از سه محور آغاز شد. در محور تنگ چهارزبر یگان‌هایی از لشکر تازه تأسیس ولی امر^(عج)،



لشکر ۱۲ قائم سمنان و عناصری از سپاه بدر، با استقرار بر روی ارتفاعات چهارزبر و اجرای آتش، راه پیشروی قوای زمینی منافقین را در جاده اسلام آباد-کرمانشاه سد کردند. در محور اسلام آباد و کارخانه قند، دو گردان از تیپ نبی اکرم^(ص) و عناصری از تیپ مسلم ابن عقیل سومار به سرعت وارد بخشی از اسلام آباد شدند و پیشاپیش آنان یک گردان از پاسداران اسلام آباد که به شهر آشنایی کامل داشتند، تا میدان اول شهر نفوذ کرده و سازمان دهی منافقین را در داخل شهر برهم زدند. منافقین برای جبران خسارت‌ها، دو تیپ خود را از محور حسن آباد فراخواندند تا با حملات نیروهای خودی مقابله کنند. در محور جاده قلاجه یگان‌هایی از لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله^(ص) از سه راهی اسلام آباد و از پشت پمپ بنزین وارد کارزار شدند و با دورزدن منافقین تلفات زیادی بر آنها وارد ساختند. از طرف دیگر ۱۵۰ نفر از نیروهای تیپ ۷۱ روح‌الله سپاه نیز با دو فروند بالگرد شنوک هوانیروز ارتش در فرودگاه اضطراری مجاور اسلام آباد بال‌برد شدند و با ایجاد خط دفاعی ۲ کیلومتری عقبه منافقین را در سه راهی اسلام آباد مسدود کردند. با پیشروی نیروهای خودی



شهرستان
خرمانشاه

۵۳

در ساعت ۲ بعد از ظهر؛ اسلام آباد از اشغال منافقین خارج شد و جنگنده‌های نیروی هوایی ارتش با ده‌ها سورتی پرواز، مواضع منافقین را به شدت درهم کوبیدند و زمینه فروپاشی مواضع آن‌ها را فراهم ساختند. با آزادسازی اسلام آباد، یگان‌های سپاه پیشروی را به سمت کرند برای پاکسازی منطقه آغاز کردند. قبل از رسیدن نیروهای خودی به این شهر، در ساعت ۳ نیمه شب، ۳ فروند بالگرد ترابری دشمن در کرند به زمین نشستند و تعدادی از کادر منافقین و رهبری سازمان را از معرکه خارج کردند. این واقعه نشانه آشکاری از آغاز شکست منافقین بود؛ چنان که پس از مدتی با پیشروی نیروهای خودی به سمت کرند و انهدام تانک‌های زره‌پوش برزلی منافقین، دشمن هر آنچه داشت پس از ۴۸ ساعت بر زمین نهاد و متواری شد. در این عملیات ۱۶۰۰ تا ۲۰۰۰ تن از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند و حدود ۱۰۰۰ نفر نیز زخمی شدند که در میان کشته‌شدگان و اسرا، تعدادی از کادرهای سازمان و فرماندهان تیپ‌ها دیده می‌شد. به این ترتیب منافقین با شکستی راهبردی به خاک عراق گریختند.

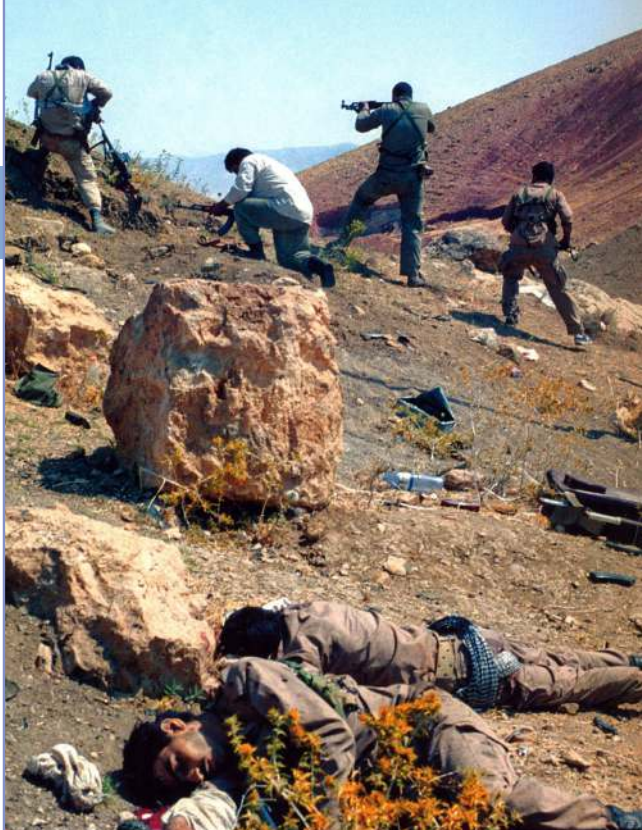


♦ یادمان عملیات مرصاد

تنگ چهارزبر و یادمان عملیات مرصاد



تنگ چهارزبر در ۲۵ کیلومتری غرب کرمانشاه و در جاده اصلی کرمانشاه-اسلام‌آباد معروف به راه کربلا قرار دارد و فاصله آن تا شهر ماهیدشت ۱۵ کیلومتر است. این تنگه در بین چهار یال با ارتفاع ۱۵۰ تا ۲۰۰ متری از سطح جاده قرار دارد و از نظر نظامی دروازه ورود به شهر کرمانشاه محسوب می‌شود. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط ایران، نیروهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با همکاری و هماهنگی ارتش عراق در سوم مرداد ۱۳۶۷ پس از عبور از مرزهای ایران در محور قصرشیرین سرپل ذهاب، به طور غافل‌گیرانه تا اسلام‌آباد پیشروی کرده و به سمت شهر کرمانشاه ادامه حرکت دادند و تا تنگ چهارزبر پیشروی کردند. در شرق تنگ چهارزبر رزمندگان اسلام راه را بر آنان مسدود ساخته و با بستن عقبه دشمن عملیات مرصاد را آغاز نمودند و بسیاری از نیروهای منافقین را در این نقطه به هلاکت رساندند.



♦ عملیات مرصاد

شهرستان
کرمانشاه

۵۵

برای بزرگداشت حماسه آفرینان عملیات مرصاد یادمان زیبایی در ضلع شرقی این تنگه که حد نهایی پیشروی دشمن و مزدوران منافقش در این استان در طول جنگ محسوب می‌شود، در مساحتی در حدود ۱۱۰۰ مترمربع احداث شده است. این یادمان گنبدی شکل که داخل آن موزه عملیات مرصاد قرار دارد در سالروز عملیات مرصاد در سال ۱۳۷۵ توسط شهید امیر سپهبد علی صیاد شیرازی و با حضور خانواده‌های معظم شهدای این عملیات افتتاح شد.

♦ تصویر ماهواره ای از تنگ چهارزبر





شهرستان
جوانرود

جوانرود

شهرستان
ثلاث باباجانی

تازه آباد

دشت ذهاب

شهرستان سرپل ذهاب

مشهد شهدای
شیرودی

کلیته

بان زرده

کوره موش
سرپل
ذهاب

ریجاب

شهرستان دالاهو

سرخه دیزه

دالاهو

گهواره

کرد

نفسار دیره

پادگان ابوذر

تنگ حاجیان

گورسفید

گیلان غرب

تپه قلاع

پادگان (ص)
حضرت رسول

کاسه گران

شهرستان
گیلان غرب

سر مست

قلاجه

قلاجه

زرنه

آسمان آباد

ایوان غرب

استان



♦ یادمان مقاومت قصر شیرین

شهرستان
قصر شیرین

شهرستان قصر شیرین

۵۹

شهرستان قصر شیرین با مساحتی بالغ بر ۱۲۷۱ کیلومترمربع در غرب کشور و منتهی‌الیه شیب ارتفاعات زاگرس بر سر راه بین‌المللی تهران - بغداد، موسوم به جاده کربلا واقع شده است و از شمال و غرب به کشور عراق، از جنوب به استان ایلام و از شرق به شهرستان‌های سرپل‌ذهاب و گیلان غرب محدود می‌شود و با کشور عراق ۱۸۶ کیلومتر مرز مشترک دارد که ۶۲ کیلومتر آن با استان کردنشین سلیمانیه عراق است. مرکز این شهرستان شهر قصر شیرین است و سومار و نفت شهر از شهرهای مهم آن به شمار می‌رود. این شهرستان کم جمعیت‌ترین شهرستان استان کرمانشاه محسوب می‌شود و بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، ۲۵۵۱۷ نفر جمعیت دارد که اغلب کرد زبان هستند و مشهورترین اثر باستانی آن چهارطاقی است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی گروه‌های ضدانقلاب و اشرار داخلی برای ادامه حیات خود به کشور عراق پناه بردند و رژیم بعث عراق با مسلح کردن و سازمان‌دهی آنان،



♦ زنان قصر شیرین / تاریخ عکس ۱۲۹۰

درگیری‌های پراکنده‌ای را از سال ۱۳۵۸ در پاسگاه‌های مرزی ایران در مرزهای قصرشیرین، ایجاد کردند. از فروردین ۱۳۵۹ ارتش عراق نیز گاه و بی‌گاه با شلیک مسلسل و خمپاره مناطق مرزی قصرشیرین را هدف قرار می‌دادند که متعاقب آن ارتش و سپاه پاسداران در شهرستان قصرشیرین آموزش جنگ چریکی با سلاح سبک را به داوطلبان مردمی آغاز نمودند و همین افراد آموزش دیده در کنار نیروهای ژاندارمری در پاسگاه‌های مرزی مستقر شدند.



ارتش بعث عراق از نیمه دوم تیرماه سال ۱۳۵۹ حملات خود به شهرستان قصرشیرین را تشدید نمود و از ابتدای مردادماه حملات را گسترده‌تر کرد به نحوی که در ۱۳۵۹/۴/۳۱ پاسگاه‌های گروهان خان لیلی، چاه‌های نفت شهر، تنگ هوان، تپه کوه باویسی، گرده نو، یک‌ه‌شان، برج احمدی و پرویزخان و دربندجوق را مورد حملات سنگین توپخانه قرار دادند. در روزهای دوم و سوم مردادماه نیز تمامی پایگاه‌های مرزی قصرشیرین از باویسی و ازگله تا پاسگاه‌های مرزی سومار را به شدت زیر آتش گرفتند و خانه‌های سازمانی هنگ ژاندارمری، خط انتقال برق قصرشیرین و نقاط مختلف نفت شهر از جمله مقر سپاه پاسداران، منازل و خانه‌های سازمانی فرهنگیان و محله منصورآباد را هدف قرار دادند. در ۱۳۵۹/۵/۵ یک فروند هواپیمای جنگنده ارتش بعث پایگاه‌های بیشکان و تپه‌رش را مورد هدف قرار داد. روز بعد در پاسخ به این حملات دکل مخابراتی عراق در قوره‌تو توسط نیروهای پاسگاه هدایت منهدم شد که در این روز ارتش عراق نیز پاسگاه



♦ آتشکده چهارقابی در سال ۱۲۹۰

زینلکش و گروهان خان لیلی را زیر آتش شدید توپخانه خود قراردادند. در ۱۳۵۷/۵/۸ دشمن تلاش کرد تا با زیر آتش قرار دادن مناطق باویسی و گرده‌نو و تنگ هوان، پرویزخان، برارعزیز، قلعه سفید و باباهادی راه نفوذی برای شکستن مقاومت مدافعان بیابند که در این درگیری‌ها چند دستگاه تانک دشمن از پاسگاه پرویزخان وارد خاک ایران شدند که با مقاومت رزمندگان مجبور به عقب‌نشینی شدند. دشمن همزمان با این تحرکات مناطق مرزی و پاسگاه‌های زینلکش و تنگاب نورا زیر آتش توپخانه قرارداد که منبع آب تنگاب منهدم شد. در ۱۳۵۹/۵/۹ به دلیل آتش سنگین توپخانه عراق انتقال نفت خام به پالایشگاه کرمانشاه قطع شد. دشمن در روزهای نهم و دهم مردادماه در مناطق نفت شهر و پرویزخان و برارعزیز به سوی خاک ایران پیشروی کرد که با مقاومت مدافعان مواجه شدند. دشمن در این مقطع تا عمق ۲۵ کیلومتری اقدام به تخلیه روستاهای نوار مرزی خود کرد تا مقدمات یک جنگ گسترده‌تری را فراهم کند. مردم نفت شهر نیز با توجه به شدت عملیات دشمن مجبور به تخلیه شهر و مهاجرت به شهرهای قصرشیرین، سومار و گیلان‌غرب شدند.

این شهرستان از ابتدای جنگ مورد حمله دشمن قرار گرفت و خان‌لیلی اولین نقطه از این شهرستان بود که اشغال شد. با اشغال شهر قصرشیرین بخش عمده‌ای از پهنای این شهرستان به تصرف دشمن درآمد که از مهم‌ترین آن‌ها شهر سومار و نفت‌شهر بود. این شهرستان در طول جنگ شاهد عملیات‌های متعددی در شمال و جنوب خود بود که به خاطر تفاوت وضعیت جغرافیایی شمال و جنوب آن در دو جبهه قرار گرفت، قسمت شمالی آن جزو جبهه قصرشیرین-سرپل‌ذهاب-گیلان‌غرب و جبهه جنوبی آن جبهه سومار-نفت‌شهر را به وجود آورد.



♦ تصویر ماهواره ای قصر شیرین

قصر شیرین

شهر قصرشیرین مرکز شهرستان قصرشیرین است که در غرب استان کرمانشاه و در ۱۶۶ کیلومتری شهر کرمانشاه و ۵ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۳۳۳ متر است و رودخانه الوند در شرق آن جاری است. قصرشیرین طوری در منطقه کوهستانی نوار مرزی واقع شده است که از شمال و غرب با عراق هم مرز است و توسط دو جاده آسفالت از گیلان غرب و سرپل ذهاب به شبکه جاده ای کشور مرتبط است. این شهر تاریخی همواره به دلیل نخل های بلند و همچنین محصولات متنوع کشاورزی مورد توجه بوده است و بنای آن را در آثار تاریخی و ادبی به دوران ساسانی نسبت می دهند. نام قدیمی قصرشیرین در نزد یونانیان آرمیتا بوده است اما از آنجا که خسرو پرویز در نزدیکی آتشکده چهارقاپی، کاخی را برای شیرین همسر مسیحی خود بنا نهاد به همین دلیل به قصرشیرین معروف شد. او برای این حفاظت از این قصر، دیوار دفاعی ۴۰ کیلومتری احداث کرد که از کوه های بازی دراز آغاز و از رودخانه قره تو گذشته و وارد کشور عراق می شد. پس از حمله تازیان به ایران، قصرهای خسرو پرویز به کلی ویران شد و تا سال ۱۲۷۰ ق، قصرشیرین قصبه کوچکی بیش نبود. کاخ خسرو که در حاشیه شمالی شهر کنونی قصرشیرین واقع است بر

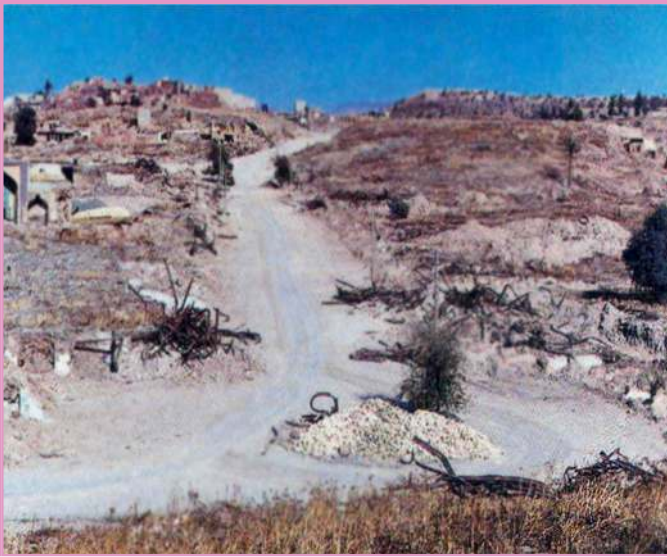




♦ تخریب موتورخانه و
تأسیسات آبی شهر قصر شیرین

♦ تکیه شاه عباسی بعداز تخریب شهر قصر شیرین به وسیله دشمن

سکویی که ۸ متر از زمین بلندتر بوده در طول و عرض تقریبی ۲۸۵ در ۹۸ متر ساخته شده است. باغ شیرین، بقایای کاخ شیرین، چهار قاپی، نهر شاهگدار، حوش کوری، سرای شاه‌عباسی و قلعه جوانمیر از مکان‌های باستانی قصرشیرین هستند. تپه‌ای سرسبز و تفریحی نیز در این شهر با نام باغ فلاحت وجود دارد. این شهر در جنگ جهانی اول، مرز سربازان دولت‌های آلمان و عثمانی از یک سو و روسیه و انگلستان از سوی دیگر بوده است. این شهر به دلیل قرارگرفتن در یک فرورفتگی جغرافیایی در شرق کشور عراق عملاً موقعیت پدافندی مناسبی ندارد و در طرح‌های پدافندی ارتش در قبل از انقلاب جایگاه چندانی نداشت. قبل از شروع جنگ تحمیلی، هواپیماها و توپخانه ارتش عراق بارها این شهر را مورد حمله قراردادند؛ به نحوی که فرماندار قصرشیرین برای مقابله با پروازهای شبانه دشمن، طرح اضطراری خاموشی برق را به اجرا درآورد. دشمن به دنبال تجاوزات خود در ۱۳۵۹/۵/۷ شهر قصرشیرین، هنگ ژاندارمری و خطوط انتقال برق شهر را هدف قرارداد و برق شهرستان را قطع نمود و مخازن نفت شهر و موتورخانه تولید برق این شهر نیز در آتش سوختند به نحوی که دود ناشی از آن سراسر منطقه را فراگرفت. توپخانه ارتش در پاسخ به این اقدام نفت بان‌میل



♦ قصر شیرین
پس از اشغال

خانقین و نفت خانه عراق را به آتش کشیدند. در ۱۰ شهریورماه قصر شیرین مورد حمله سنگین توپخانه‌ای قرار گرفت که در پی آن ده‌ها نفر مجروح و شهید شدند و خسارات زیادی به اماکن مسکونی و تجاری وارد شد. پس از آن مردم قصر شیرین در مراسم تشییع پیکر شهدای این جنایت، به نحوه پوشش ضعیف رسانه‌ای اخبار جنگ در این شهرستان اعتراض کردند. در ۱۳ شهریورماه ۳۰ نقطه از قصر شیرین گلوله باران شد که بر اثر آن بیش از یک‌صد نفر زخمی و پنج نفر شهید شدند و شهر به یک منطقه کاملاً جنگ‌زده تبدیل شد. بیش‌ترین حجم آتش دشمن متوجه منبع آب، خیابان قرنطینه، کارخانه یخ، تازه‌آباد، پمپ‌بنزین سابق، گاراژ حاتم، محمودآباد، نصرآباد، اطراف بیمارستان سوسن، اطراف سپاه پاسداران و گاراژ طلوعی و هنگ ژاندارمری بود. در پاسخ به این حملات واحدهای توپخانه ارتش در پاسخ مناطقی از تأسیسات نفتی، نفت‌خانه، بان‌میل و تأسیسات راه در نزدیکی شهر خانقین عراق را زیر آتش گرفتند. در ۱۶ شهریورماه دشمن در مناطق خان‌لیلی، پرویزخان، گرده‌نو، تنگ ترشابه، باباهادی و آق‌داغ اقدام به پیشروی کرد و توانست بر بخشی از ارتفاعات آق‌داغ که مشرف بر شهر است، مسلط شود و با انهدام پاسگاه‌های زینل‌کش و خان‌لیلی این مناطق را اشغال و جاده مواصلاتی قصر شیرین - نفت شهر را مسدود کند. در گرده‌نو و تنگ ترشابه در شمال شهرستان قصر شیرین نیز دشمن پیشروی محدودی داشت که تا حد زیادی محاصره شهر را تسهیل می‌نمود.

♦ قصر شیرین
پس از بازسازی



در نهایت ارتش عراق در جریان هجوم سراسری خود از ۱۳۵۹/۶/۳۱، ضمن اجرای آتش سنگین بر روی شهر، با دو لشکر ۶ زرهی و ۸ پیاده از غرب و شمال به قصر شیرین حمله کرد و با مسدود شدن دو جاده گیلان غرب (۱۳۵۹/۷/۱) و سرپل ذهاب (۱۳۵۹/۷/۲)، شهر کاملاً محاصره شد و توان مدافعان شهر به فرماندهی ستوان آذربون از ارتش، حسین الله کرم از سپاه منطقه ۷ کشوری و گروه چریکی شهید اندرزگو نیز به علت نرسیدن مهمات و نیرو رو به تحلیل رفت. آخرین مدافعان شهر علی‌رغم مقاومت در باغ فلاح، در روز سوم و چهارم مهر از حلقه محاصره خارج شدند و به این ترتیب درحالی‌که هنوز عده‌ای از مردم موفق به ترک شهر نشده بودند، در ۵ مهرماه شهر به طور کامل اشغال شد. ارتش عراق پس از اشغال قصر شیرین مردم را در مسجد مهدیه شهر جمع کرد و ضمن محول نمودن امور به ضدانقلاب به توجیه اقدامات جنایت‌کارانه خود توسط تیمسار غلامعلی اویسی معدوم پرداخت. نیروهای عراقی در اقدام بعدی جوانان و مدافعان باقی‌مانده در شهر را که به نیروهای دشمن شیخون می‌زدند، توسط ستون پنجم منافقین شناسایی کرده و به اسارت بردند و این وضعیت تا ۷ ماه پس از اشغال ادامه یافت تا آن که شهر کاملاً تخلیه شد. قصر شیرین در تیر ۱۳۶۱، در جریان عقب‌نشینی تاکتیکی ارتش عراق درحالی آزاد شد که به جز مسجد مهدیه که مقر نیروهای بعثی بود، بقیه شهر به‌طور کامل تخریب شده بود. پس از پایان جنگ این شهر از نو تجدید بنا شد.



♦ تأسیسات نفتی نفت شهر

نفت شهر



نفت شهر در ۷۲ کیلومتری قصرشیرین و ۲/۵ کیلومتری مرز عراق و ۲۲ کیلومتری تأسیسات نفت خانه عراق قرار داد و تنها شهر نفت خیز استان کرمانشاه و نزدیک ترین شهر به عراق است. نفت شهر که در میان ارتفاعات منطقه قرار دارد، به وسیله دو جاده یکی از قصرشیرین و دیگری از سومار به شبکه جاده ای کشور مرتبط می شود. نام سابق این منطقه طینه بود که بعدها به نفت شاه و با پیروزی انقلاب به نفت شهر تبدیل شد. نفت شهر با داشتن هوایی نسبتاً معتدل در زمستان و گرمای بسیار شدید در تابستان که گاهی تا ۵۰ درجه نیز می رسد، محل مناسبی برای بیلاق و قشلاق ایلات مختلف عشایری منطقه است. لهجه مردم نفت شهر کردی بوده و از طوایف مشهور این منطقه می توان به «کله پا»، «زوله»، «کردی»، «باوند پور» و «چله ای» اشاره نمود.

منطقه نفت خیز نفت شهر و نفت خانه که در دو سوی مرز ایران و عراق قرار دارد در سال ۱۳۰۶ توسط ویلیام ناکس دارسی کشف شد و چاه های نفت شماره ۲۱ و سپس ۱۳ احداث شد. استخراج نفت این چاه ها در سال ۱۳۱۲ آغاز شد



♦ سنگرهای انفرادی رزمندگان در نفت شهر

و از سال ۱۳۱۴ نفت خام پس از تقطیر در نفت‌شهر به وسیله خطوط لوله به پالایشگاه کرمانشاه منتقل و به فرآورده‌های مختلف مانند بنزین، نفت چراغ، نفت گاز و نفت کوره تبدیل می‌شد. برابر قرارداد داری روزانه ۱۰ الی ۱۲ هزار بشکه نفت خام از چاه‌های این منطقه استخراج و به وسیله خطوط لوله از طریق تلمبه‌خانه پاتاق جهت تصفیه به پالایشگاه کرمانشاه انتقال می‌یافت. با ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۳۰، شرکت نفت ایران و انگلیس منحل و جای خود را به شرکت ملی نفت ایران داد؛ اما معماری انگلیسی، نفت‌شهر را به چهار طبقه کاملاً متمایز و منفک از هم شامل طبقه روستایی و عشایری، طبقه کارگری، طبقه کارمندی، طبقه مدیران تقسیم کرده بود. پالایشگاه نفت‌شهر نیز برای کارکنان خود دو دسته منازل سازمانی در نظر گرفته بود دسته اول منازل کارمندی که در ضلع شرقی نفت‌شهر بنا شده بود و مختص روسای پالایشگاه و کارمندان رتبه بالا بودند و در جنوب نفت‌شهر منازل کارگری وجود داشت که به آن‌ها «بنگله» می‌گفتند. این شهر تا قبل از پیروزی انقلاب به علت قرار داشتن در نوار مرزی عراق و نزدیکی بیش از حد به نفت‌خانه عراق که حتی از بلندی‌های شهر نیز قابل رؤیت بود؛ حساسیت زیادی داشت و شدیداً تحت کنترل ساواک بود. چرا که در دهه ۱۳۵۰ این منطقه مورد مناقشه ایران و عراق بود و بارها شاهد درگیری‌های مرزی بود.

قبل از آغاز جنگ یکی از نقاط درگیری مرزی و تجاوز عراق منطقه عمومی



♦ عکس تاریخی از تأسیسات نفتی نفت شهر

نفت‌شهر بود؛ به‌گونه‌ای که در اول مردادماه ۱۳۵۹ چاه نفت شماره ۸ آتش گرفت و در اوایل شهریورماه ۱۳۵۹ دشت خان‌لیلی و ارتفاعات زینل‌کش مورد تهدید جدی قرار گرفت و در ۲۲ شهریورماه ۱۳۵۹ خسارات سنگینی به شهر وارد شد و مردم به مرور شهر را تخلیه کردند. با آغاز جنگ تحمیلی یکی از محورهای هفت خانه تهاجم عراق به استان کرمانشاه محور نفت‌خانه- نفت شهر بود و نیروهای متجاوز عراقی در بعدازظهر اول مهرماه ۱۳۵۹ نفت شهر را به اشغال خود درآوردند و بخشی از تأسیسات نفتی و ساختمان‌های مسکونی و اداری نفت شهر را منهدم کردند. شهرهای سومار و نفت شهر که در دسترس ترین هدف‌ها در تهاجم ارتش عراق بودند، از دیدگاه عملیاتی در منطقه‌ای مستقل واقع شده‌اند. مأموریت هجوم در این منطقه را لشکر ۱۲ زرهی از سپاه دوم ارتش عراق به عهده داشت. این لشکر یک روز قبل از هجوم سراسری، پاسگاه و ارتفاعات گیسکه را تصرف کرد و در روز ۱۳۵۹/۶/۳۱ پس از گلوله‌باران نفت‌شهر، سومار و پاسگاه‌های مرزی، در دو محور مندلی - سومار و مندلی - نفت‌شهر، تهاجم خود را آغاز نمود. درحالی‌که مجموع نیروهای خودی در محور سومار را گروه رزمی ۱۹۵ لشکر ۸۱، یک گروهان پاسدار و گروهانی از ژاندارمری تشکیل می‌داد و در محور نفت شهر گردان ۲۶۵ رزمی از تیپ یکم لشکر ۸۱، یک گروهان از سپاه و بسیج و گروهانی از ژاندارمری استقرار داشتند؛ به عبارت دیگر نسبت استعداد یگان‌های مهاجم دشمن در برابر نیروهای مدافع خودی، ده به یک بود. لذا در نخستین روز جنگ سومار سقوط کرد. همچنین ۴۸ ساعت مقاومت در نفت شهر نیز مانع از اشغال شهر نشد. درعین حال نیروهای خودی توانستند با استفاده از عوارض طبیعی منطقه، از پیشروی بیشتر دشمن

به سمت ایلام و گیلان غرب جلوگیری نمایند. یگان‌های دشمن پس از تثبیت منطقه اشغالی، خطوط پدافندی خود را با تجهیزات مهندسی مستحکم کردند و با استقرار نیروی رزمی، امکان عکس‌العمل رزمندگان را به حداقل رساندند. در مقابل، نیروهای خودی به تشکیل خطوط پدافندی اقدام کردند؛ فرماندهی منطقه ۷ سپاه پاسداران پس از سازمان‌دهی و ادغام سپاه نفت شهر در سپاه سومار و بازیابی و تقویت این سپاه، مأموریت گسترش و تشکیل اولین خطوط دفاعی از شرق نفت‌شهر تا شرق سومار را به این سپاه واگذار کرد. همچنین در محدوده یادشده لشکر ۸۱ زرهی ارتش فرماندهی منطقه را به تیپ دوم خود واگذار کرد تا با تحت امر گرفتن گردان ۱۶۳ پیاده لشکر ۷۷ و عناصری از گردان مکانیزه تیپ ۱ لشکر ۸۱، خطوط دفاعی ارتش را در آن منطقه تشکیل دهد. بدین ترتیب قوای خودی به مرور، همراه با بازسازی و تجدید سازمان یگان‌ها، تشکیل خطوط دفاعی داده و عملیات‌های محدود و ایزایی را پایه‌ریزی کردند. این درحالی‌بود که وضعیت کوهستانی، نامناسب بودن خطوط دفاعی و نداشتن جاده‌های تدارکاتی امکان ضربه زدن به دشمن را محدود ساخته بود. نفت‌شهر که قبل از شروع جنگ حدود ۳۰۰۰ نفر جمعیت داشت تا دو سال پس از پذیرش آتش‌بس نیز در اشغال کامل دشمن بود و تأسیسات و چاه‌های نفتی این شهر در جریان عقب‌نشینی به طور کامل منهدم شد. پس از پایان جنگ تأسیسات نفتی بازسازی و عملیات استخراج نفت از چاه‌های این بخش آغاز شد اما به دلیل نزدیکی این بخش به مرز عراق و آلوده بودن منطقه به مواد انفجاری و عدم پاک‌سازی منطقه؛ واحدهای مسکونی آن بازسازی نشد و هنوز آثار تخریب پابرجاست. در طول مسیر جاده تنگاب تا نفت‌شهر و در امتداد مرز همچنان موانع ایجادشده ارتش رژیم متجاوز عراق شامل انواع میدان‌های مین، سیم‌های خاردار و خندق‌ها هنوز مشهود است.





♦ تصویر ماهواره ای سومار

سومار



شهر مرزی سومار در ۹۵ کیلومتری جنوب قصرشیرین و ۱۰ کیلومتری مرز عراق قرار دارد و با شهر مندلی عراق تنها ۱۸ کیلومتر فاصله دارد. سومار در میان دره‌ای بین ارتفاعات سارات، چغالمان و اردوبان واقع است و ارتفاعات گیسکه و کهنه‌ریگ همچون دیوار بلندی در غرب آن قرار دارد. بیشتر مردم این شهر از مردمان ایل کلهر ایوان غرب هستند.

با شروع جنگ، این شهر به همراه روستاهای اطراف آن به اشغال ارتش عراق درآمد. نحوه خروج و آوارگی زنان و بچه‌ها و پیران و جوانان این منطقه و مظلومیت‌ها و سختی‌های آن در جریان اشغال قابل توصیف نیست. پس از عقب‌نشینی سراسری ارتش عراق از منطقه تحت اشغال (بعد از آزادی خرمشهر) عراق سومار را تخلیه کرد ولی ارتفاعات گیسکه و کهنه‌ریگ را در اشغال خود نگه داشت که عملاً سومار را ناامن و غیرقابل استفاده کرده بود. سرانجام در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۹ در عملیات مسلم بن عقیل، ارتفاعات گیسکه آزاد شد و سومار درحالی که کاملاً تخریب شده بود، از اشغال دشمن خارج شد.



♦ میدان امام
خمینی^(ره) سومار



♦ شهید نوروزعلی مفیدی ۲۲ آبان ۱۳۶۱ در سومار به شهادت رسید

شهرستان
قصرشیرین

۷۱

پس از این پیروزی و با توجه به شایستگی و تلاش نیروهای سپاه سومار، تیپ مسلم ابن عقیل باهمت سپاه سومار تشکیل شد و مسئولیت خط دفاعی جبهه سومار را به عهده گرفت. این شهر در جریان هجوم سراسری دشمن در پایان جنگ؛ اشغال و با عقب نشینی دشمن دوباره آزاد شد.

در بخش سومار نزدیک به یک هزار هکتار اراضی آلوده به مین وجود دارد و با وجود گذشت بیش از دو دهه از پایان جنگ هشت ساله و بازسازی شهر توسط دولت، مردم سومار همچنان، به طور کامل به شهرشان بازنگشته اند به طوری که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ سومار که تا قبل از جنگ ۳۰۰۰ نفر جمعیت داشت؛ اکنون با تنها ۹ نفر جمعیت کم جمعیت ترین نقطه کشور است. در حال حاضر توسعه میدان نفتی سومار و ایجاد بازارچه مرزی در دستور کار دولت قرار دارد.



♦ گلوه باران پاسگاه
حیدرآباد قصر شیرین
در سال ۱۳۵۹

خان لیلی و تنگاب

منطقه و پاسگاه مرزی خان لیلی منطقه‌ای تپه ماهوری است که در ۳۰ کیلومتری جنوب قصر شیرین و در غرب کوه گچ و بش کوه و در جنوب پاسگاه انتظامی و رودخانه تنگاب قرار دارد که جاده قصر شیرین - نفت شهر از کنار آن می‌گذرد. در عراق این منطقه و حومه آن را زین القوس می‌نامند. در پانزده شهریور ۱۳۵۹ صدام ادعا نمود که منطقه زین القوس، به موجب قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، به عراق تعلق دارد و بلافاصله ارتش عراق حریم هوایی منطقه را بادو فروند جنگنده شکست و پاسگاه‌های مرزی آن را بمباران کرد و سپس یک تیپ زرهی تقویت شده ارتش عراق، پاسگاه‌های مرزی منطقه زین القوس را در ۱۳۵۹/۷/۱۷ اشغال کرد که در نتیجه آن ۳ نفر از کارکنان ژاندارمری اسیر و تعدادی به شهادت رسیدند. در پاسخ به این حمله در ۱۳۵۹/۷/۱۸ نیروهایی از سپاه، ارتش و ژاندارمری وارد منطقه شدند و با پشتیبانی هوانیروز پاسگاه مرزی تنگاب را آزاد نمودند اما دشمن سایر مناطق اشغالی از جمله پاسگاه خان لیلی را همچنان در اختیار داشت. با اشغال خان لیلی، عملاً جاده قصر شیرین - نفت شهر در کنترل ارتش عراق قرار گرفت. وزارت دفاع عراق در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۱ اعلام کرد که نیروهای عراق، سرزمین‌های عراقی را که به موجب قرارداد سال ۱۹۷۵ میلادی قرار بود ایران از آن عقب‌نشینی کند و این کار را نکرد، بازپس گرفته‌اند. با آغاز هجوم سراسری دشمن، لشکر ۴ پیاده ارتش متجاوز عراق پیشروی خود را در این منطقه آغاز کرد و پاسگاه تنگاب را اشغال نمود. پس از آزادسازی خرمشهر و عقب‌نشینی ارتش بعث عراق تنگاب به خط پدافندی رزمندگان تبدیل شد اما منطقه خان لیلی تا پایان جنگ همچنان در اشغال دشمن قرار داشت.



پاسگاه پرویزخان

پاسگاه پرویزخان (پیروزخان) که به واسطه هم‌جواری با روستای مرزی پیروزخان در سلیمانیه عراق به این نام شناخته می‌شود در ۵ کیلومتری شمال قصر شیرین و در منطقه‌ای نسبتاً هموار قرار دارد که قبل از هجوم سراسری دشمن گلوله باران شده بود و در جریان هجوم سراسری یکی از معابر هجوم دشمن بود. بنی‌صدر فرمانده وقت کل قوا به اصرار نیروهای انقلابی مستقر در منطقه جهت بازدید از حوادث این پاسگاه و پاسگاه هدایت و مشاهده آرایش تانک‌های دشمن در خطوط مرزی و درک تهدید عراق، از این پاسگاه‌های آسیب‌دیده بازدید می‌کند که هنگام بازگشت، بالگرد او و همراهان دچار سانحه می‌شود. در این بازدید مرحوم تیمسار ظهیرنژاد فرمانده وقت نیروی زمینی، ماکویی استاندار کرمانشاه، مشاور اطلاعاتی بنی‌صدر، مرتضی رضایی فرمانده وقت سپاه و شهید صیاد شیرازی فرمانده جبهه غرب ارتش حضور داشتند. با آغاز جنگ در ۱۳۵۹/۷/۱ یک گردان تانک دشمن پس از عبور از گروه ۳۰ نفره مدافعان این پاسگاه تا نزدیکی پمپ‌بنزین قصر شیرین پیشروی کرد. در آن نقطه حدود ۴۰ نفر از پاسداران راه را بر دشمن بستند و در یک درگیری در باغ‌های شمال قصر شیرین، تا پایان روز دشمن را به عقب راندند و ۱۷ دستگاه تانک و نفربر به غنیمت گرفتند؛ اما با بسته شدن جاده سرپل ذهاب- قصر شیرین و خطر محاصره دشمن، نیروها به ناچار به عقب رفتند. بازارچه مرزی پرویزخان که در مسیر راه ابریشم قرارداد در سال ۱۳۸۶ به صورت رسمی راه‌اندازی شد و اکنون یکی از دروازه‌های اصلی صادرات انواع کالاهای ایرانی به عراق و اقلیم کردستان محسوب می‌شود.



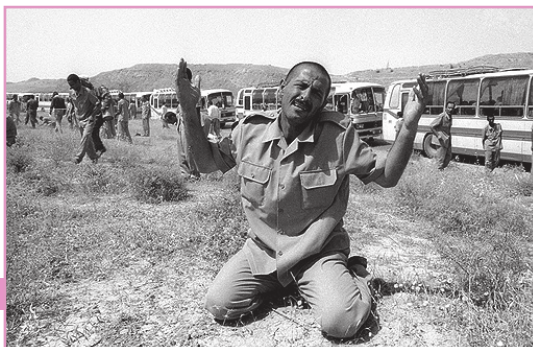
♦ گمرک و مسجد
جامع خسروی



گمرک خسروی و قصرشیرین

گمرک قصرشیرین در سال ۱۳۲۷ قمری توسط شیخ الملك در محل دبستان شهرپور قصرشیرین احداث شد و کالاهای وارده از قبیل کبریت، دارچین، قند و شکر که با قاطر حمل می‌شد، از درب غربی وارد و پس از تشریفات گمرکی و دریافت عوارض گمرکی از درب شمالی آن ترخیص می‌شد. مسئولیت گمرک قصرشیرین نیز به موسیوسرزی بلژیکی واگذار شده بود. در سال ۱۳۰۲ ش گمرک قصرشیرین به سرای درویش فتح‌الله منتقل شد. بخش خسروی از توابع شهرستان قصرشیرین در استان کرمانشاه، در مجاورت مرز ایران و عراق و در فاصله ۱۸ کیلومتری جنوب غربی قصرشیرین و ۱۰ کیلومتری شهر خانقین عراق است و پاسگاه مرزی و گمرک خسروی در آن قرار دارد که آخرین منزلگاه جاده کربلا در ایران محسوب می‌شود و وجود راه شوسه قصرشیرین- خانقین بر اهمیت نظامی این منطقه می‌افزاید. قدمت گمرک خسروی به بیش از یک قرن بازمی‌گردد؛ اما با توجه به اسناد موجود در اواخر دوران سلطنت احمدشاه گمرک خسروی به نام کچل کچلان نامیده می‌شد. گمرک خسروی در دوران حکومت قاجار و پهلوی مورد توجه قرار گرفت و رونق داشت و این منطقه مرزی مهم‌ترین معبر وصولی

به بغداد و عتبات عالیات محسوب می‌شد. با آغاز جنگ تحمیلی یک گروهان از این محور و پاسگاه محافظت می‌کردند، در مقابل، لشکر ۶ زرهی ارتش عراق برای پیشروی به سوی قصر شیرین بیش‌ترین تلاش خود را در این محور متمرکز کرده بود. با وجود این، مدافعان پاسگاه خسروی ۴۸ ساعت در برابر دشمن مقاومت کردند تا آن‌که با بسته شدن جاده‌های گیلان غرب- قصر شیرین و سرپل ذهاب- قصر شیرین، مدافعان خسروی مجبور به عقب‌نشینی شدند. با اشغال قصر شیرین این دو گمرک کاملاً تخریب شد و ماه‌ها پس از پایان جنگ تحمیلی و تا زمان عقب‌نشینی عراق به مرزهای بین‌المللی در تابستان ۱۳۶۹، همچنان در اشغال دشمن بود. گمرک خسروی در اوایل سال ۱۳۷۷ در محل فعلی احداث و شروع به کار نمود و اکنون با جابه‌جایی هزاران زائران و گردشگر و هزاران تن کالای تجاری، یکی از مهم‌ترین مبادی تجاری غرب کشور با عراق است چرا که در مسیر تاریخی جاده ابریشم که یکی از بهترین مسیرهای مواصلاتی آسیای میانه به اروپا و دریای مدیترانه است؛ قرارداد دارد. خسروی در حال حاضر توسط ستاد بازسازی و نوسازی، در حال بازسازی است و برخی از ادارات دولتی از جمله گمرک، فروشگاه مرزی، اداره بازرگانی و بهداشتی در این بخش مستقر هستند و همچنین مسجد جامع زیبایی در این منطقه اقتصادی بنا شده است. خسروی در حال حاضر همه‌روزه پذیرای خیل زائران عتبات عالیات است و حتی زائران کشورهای آسیای میانه نظیر پاکستان و هند نیز از طریق مسیر خسروی - منظریه به خانقین و از آنجا به عتبات عزیمت می‌نمایند. مهم‌ترین واقعه به یادماندنی و تاریخی در این منطقه پس از جنگ تحمیلی، تبادل اسرا و بازگشت آزادگان سرافراز به میهن اسلامی پس از سال‌ها دوری از وطن بود. در ساعت ۳۰ / ۱۶ دقیقه روز جمعه ۳۶ مرداد ۱۳۶۹، اولین کاروان آزادگان به مرز خسروی رسید و در صحنه‌هایی باشکوه و به یادماندنی مورد استقبال جمع کثیری از منتظران قرار گرفتند. اکنون همه ساله مراسم سالروز ورود آزادگان سرافراز به میهن اسلامی و همچنین دعای پرفیض عرفه در مرز خسروی برگزار می‌شود.





تنگ و چم امام حسن^(ع)



تنگ و قدمگاه امام حسن عسگری^(ع) در ۲۳ کیلومتری جنوب شرقی قصرشیرین در مسیر محور قصرشیرین-گیلان غرب و در میان ارتفاعات بازی دراز و کوه پشت کورک واقع شده است. این مکان که در زبان محلی مردم قصرشیرین به چم امام حسن^(ع) معروف است از اماکن زیارتی شهرستان قصرشیرین است و بنابر روایت محلی محل عبور امام حسن عسگری^(ع) و اقامت ایشان است که به قصد زیارت مرقد مطهر امام رضا^(ع) از عراق عازم خراسان بوده است.

در طول جنگ پادگان آموزشی و مقر تیپ مسلم‌بن عقیل^(ع) سپاه پاسداران و بعضی از یگان‌های ارتش در این تنگ قرار داشتند و این منطقه یکی از محل‌های رویارویی با دشمن بعثی است. این مکان علاوه بر ساختمان گنبدی، دارای یک چشمه آبگرم و قبرستانی قدیمی با حدود هزار سال قدمت است و در طول جنگ محلی برای راز و نیاز رزمندگان اسلام بود.



♦ سنگرها و کانال‌های باقی‌مانده از دوران دفاع مقدس در جبهه روح الله

جبهه روح‌الله

جبهه روح‌الله در ۳ کیلومتری شمال غرب شهر قصرشیرین و در کنار جاده‌ای که به سمت خسروی است؛ قرارداد و هنوز سنگرها و کانال‌های باقی‌مانده از دوران دفاع مقدس در آن به چشم می‌خورد که یادآور حماسه رزمندگان منطقه قصرشیرین و عملیات ثارالله^(ع) می‌باشد. شهید جمشید اصل‌دهقان با نام مستعار روح‌الله، اهل نظرآباد کرج است که به پاس دلاورمردی‌های او به عنوان فرمانده گردان حمزه، این محور عملیاتی در هنگام حیات ایشان، به نام محور روح‌الله نام‌گذاری شده است و به عنوان یکی از نقاط یادمانی مورد توجه کاروان‌های راهیان نور قرار می‌گیرد. شهید اصل‌دهقان به مدت هفت سال در جبهه‌ها بود تا آن که در مرداد ۱۳۶۶ و در عملیات نصر در ارتفاعات بلفت سردشت به شهادت رسید.

♦ از راست سردار حاج محمد طالبی، شهید حاج روح‌الله اصل‌دهقان





♦ ارتفاعات و یادمان گیسکه

تنگ میان‌تنگ

تنگ و پاسگاه مرزی میان‌تنگ در میان دامنه جنوبی ارتفاعات کهنه‌ریگ و دامنه شمالی ارتفاعات گیسکه و در نقطه مرزی ایران و عراق قرار دارد و تنها راه ارتباطی سومار به شهر مندلی عراق محسوب می‌شود و پاسگاه دوله شریف عراق در مقابل آن قرار دارد. رودخانه دائمی کنگیر نیز با عبور از سومار و دره میان‌تنگ به شهر مندلی عراق منتهی می‌شود که اکنون در عراق بر روی این رودخانه، سد مندلی احداث شده است. میان‌تنگ در جریان تهاجم سراسری ارتش بعث عراق یکی از محورهای اصلی هجوم بود و یک روز قبل از هجوم سراسری دشمن اشغال شد و در جریان عملیات مسلم بن عقیل به همراه سایر ارتفاعات مرزی آزاد شد. عملیات‌های ایذایی ظفرع (۱۳۶۴/۴/۹)، گیسکه (۱۳۶۴/۴/۳۱) و سومار (۱۳۶۴/۷/۲۹) در این منطقه انجام پذیرفت. در جریان دفاع متحرک عراق در سال ۱۳۶۵ دشمن در ۱۳۶۵/۱/۲۲ بخش‌هایی از ارتفاعات اسماعیل‌خان، کهنه‌ریگ، گیسکه و دوله شریف را اشغال نمود. در جریان هجوم مجدد سراسری دشمن در پایان جنگ محور میان‌تنگ - سومار یکی از محورهای اصلی هجوم دشمن به استان کرمانشاه بود. این مناطق تا زمان حمله عراق به کویت و پذیرش مجدد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، همچنان در اشغال دشمن قرار داشت. از آنجا که این تنگ در گذشته محلی برای دادوستد با کشور عراق بود، اکنون بازگشایی بازارچه مرزی آن در دستور کار قرار گرفته است.

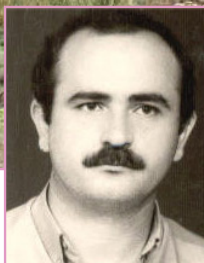
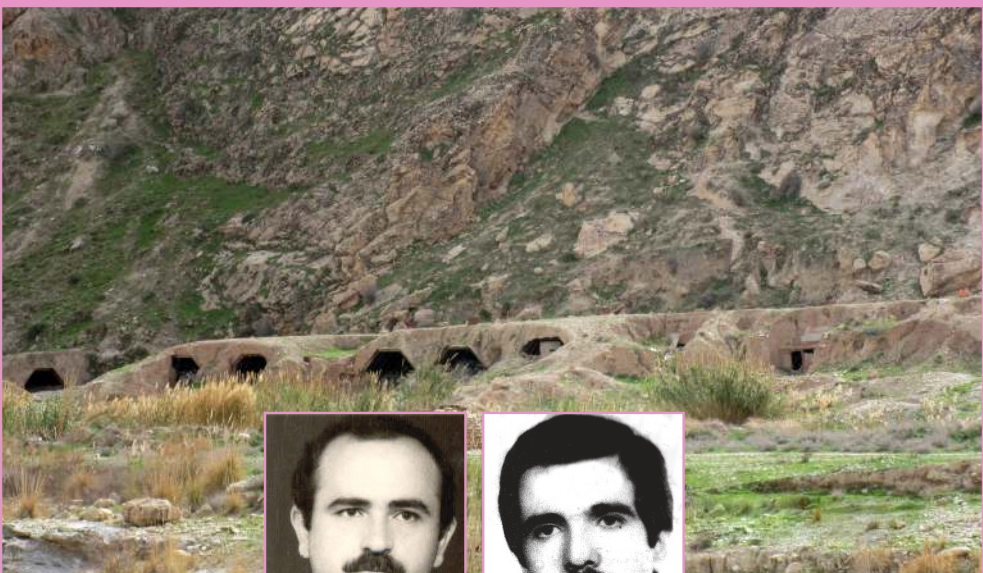


شهرستان
قصرشیرین

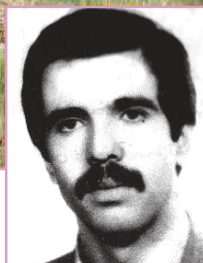
بیمارستان صحرائی شهید هجرتی سومار

۷۹

بیمارستان ۵۲۸ صحرائی سومار به عنوان بزرگ‌ترین بیمارستان صحرائی و مجهزترین مرکز درمانی محور عملیات سومار، در کیلومتر ۱۰ جاده سومار-ایوان غرب و در مجاورت پل و پاسگاه هفت‌دهنه و در دامنه تپه‌ها و ارتفاعات کنار جاده قرار دارد که اکنون تنها بقایای سوله‌ها و سنگرهای آن باقی مانده است. در حدود سال ۱۳۵۰ با توجه به ضرورت وجود يك بیمارستان صحرائی مجهز و موقت در محدوده تحت امر لشکر ۸۱ زرهی و مناطق مرزی غرب کشور، کانتینرهایی مجهز به تجهیزات بیمارستانی و اورژانس و اتاق عمل توسط شرکت‌های غربی ساخته و به مجاورت بیمارستان ۵۲۰ ارتش در کرمانشاه منتقل شد. با شروع جنگ و پس از عملیات مسلم ابن‌عقیل در مهرماه ۱۳۶۱ و آزادسازی مناطق وسیعی از منطقه عمومی سومار به دست رزمندگان و استقرار نیروها در خطوط مرزی و لزوم وجود يك مرکز درمانی صحرائی در



♦ شهید دکتر
احمد هجرتی



♦ شهید دکتر
مصطفی رستم پور

مجاورت خطوط عملیاتی، این کانتینرهای صحرایی به محل سہراہی سومار - ایوان غرب منتقل و در آنجا مستقر شد و مجروحان و مصدومان خطوط مقدم منطقه سومار و نفت شهر به این اورژانس منتقل می شدند. در ۱۳۶۵/۱۰/۱۰ و در آستانه عملیات کربلای ۵ در جبهہ های جنوب و عملیات کربلای ۶ در این منطقه، دشمن با بمباران هوایی و شیمیایی سنگین منطقه حدود ۶ بمب شیمیایی خردل به محوطه بیمارستان و اطراف آن پرتاب نمود که به دلیل ساکن بودن هوا و نوزیدن باد، این گازها در هوای اطراف بیمارستان به صورت راکد باقی ماند و منجر به مصدومیت شیمیایی مجروحین و گروه درمانی بیمارستان شد. با توجه به وسعت و شدت این حمله شیمیایی در آمارهای اولیه تلفات این حمله ۴۰۰ مصدوم و ۲۰ شهید ذکر شده که در روزهای بعد به تدریج افزایش یافت. در این حمله ناجوانمردانه چند تن از پزشکان متخصص و جراحان نظیر دکتر احمد هجرتی و دکتر مصطفی رستم پور پس از انتقال به تهران به شہادت رسیدند. این بیمارستان صحرایی پس از این حادثہ خونین به بیمارستان شهید احمد هجرتی تغییر نام داد.



بیمارستان قصر شیرین

شهرستان
قصر شیرین

۸۱

بیمارستان قصر شیرین در حاشیه غربی جاده قصر شیرین - خسروی و در ۳ کیلومتری جنوب این قرار دارد. پیش از انقلاب اسلامی عملیات ساختمانی این بیمارستان ۱۴۴ تختخوابی در مساحت ۴۰۰۰ مترمربع و در سه طبقه آغاز و تا سال ۱۳۵۹ آماده بهره‌برداری شد که با آغاز هجوم سراسری دشمن، این محل توسط دشمن اشغال شد و تا عقب‌نشینی دشمن از قصر شیرین در حدود ۲۱ ماه همچنان در اشغال بود. دشمن پیش از عقب‌نشینی خود، در پای ستون‌های بیمارستان مواد منفجره کار گذاشت و آن را تخریب کرد که با تخریب کامل طبقه اول، هم اکنون دو طبقه از آن به صورت تخریب‌شده بر روی زمین نمایان است. بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان کرمانشاه با همکاری مهندسین مشاور اقدام به اجرای پروژه حفظ و مقاوم‌سازی این بنا نمود تا این محل جهت بازدیدکنندگان نسل حاضر و نسل‌های آینده گویای بخشی از تاریخ دفاع مقدس ملت ایران باشد.



امامزاده سیدعلی سومار



امامزاده سید علی سومار در شرق
سومار واقع شده است و نسب آن

۸۲

به امام صادق^(ع) می‌رسد. ارتش عراق در جریان هجوم خود، مرقد امامزاده و شهر سومار را کاملاً تخریب کرده‌اند به گونه‌ای که فقط آثاری از دیوارهای تخریب‌شده آن باقی ماند. پس از جنگ این امامزاده که مورد توجه اهالی سومار است، تجدید بنا شد.





♦ محل استقرار قرارگاه شهید بهشتی

قرارگاه شهید بهشتی (ظفر)

قرارگاه شهید بهشتی در فاصله ۱۵ کیلومتری شمال شرق سومار و در کنار روستای رووان در مسیر ایوان غرب به سومار قرار دارد. در روزهای آغاز جنگ این قرارگاه محل استقرار نیروهای سپاه پاسداران و برادران سپاه سومار بود. پس از اشغال سومار به دست دشمن این مکان در ۱۳۶۱/۶/۲۷ به علت نزدیکی به منطقه عملیاتی به عنوان قرارگاه تاکتیکی مشترک ارتش و سپاه جهت هدایت یگان‌های عمل‌کننده در عملیات مسلم ابن عقیل تعیین شد و نیروهای لشکر ۸۱ ارتش و لشکر نصر سپاه پاسداران در منطقه سومار به فرماندهی شهید محمدابراهیم همت، از طریق این قرارگاه هدایت شدند.

قرارگاه شهید بهشتی پس از عملیات مسلم ابن عقیل نیز همچنان به عنوان یکی از مقرهای مهم سپاه پاسداران در منطقه سومار باقی ماند و در هنگام اجرای تک‌های محدود و دفع پاتک‌های دشمن محل جلسات فرماندهان یگان‌ها و محورها بود و بارها مورد حمله هوایی دشمن قرار گرفت. با اینکه به مرور زمان قسمت عمده‌ای از سوله‌ها و سنگرها این قرارگاه تخریب شده و بلااستفاده است اما همچنان مورد استفاده برادران سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد.



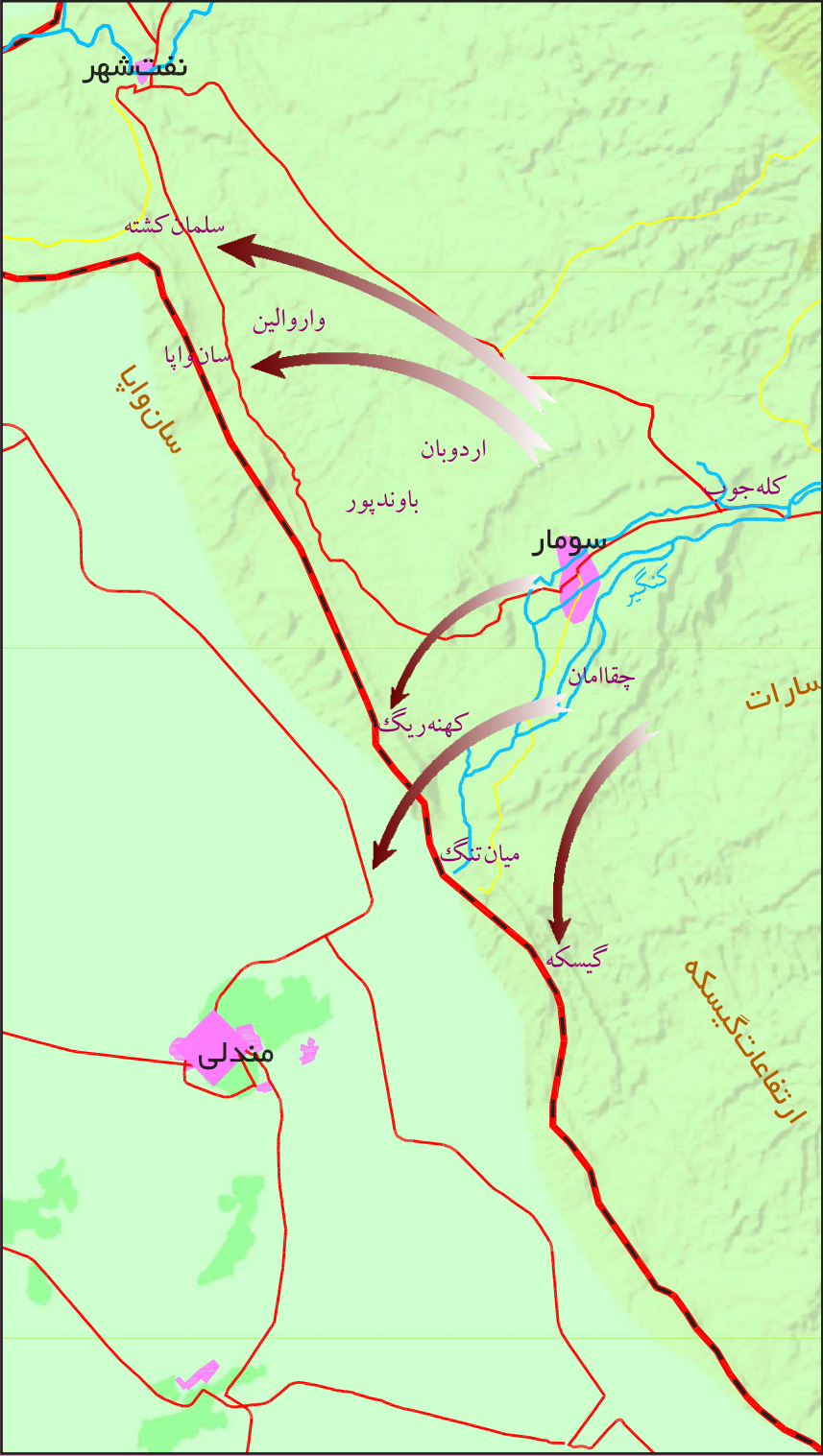
♦ رزمنده تک تیرانداز عملیات مسلم ابن عقیل
بر فراز ارتفاعات مشرف بر مندلی

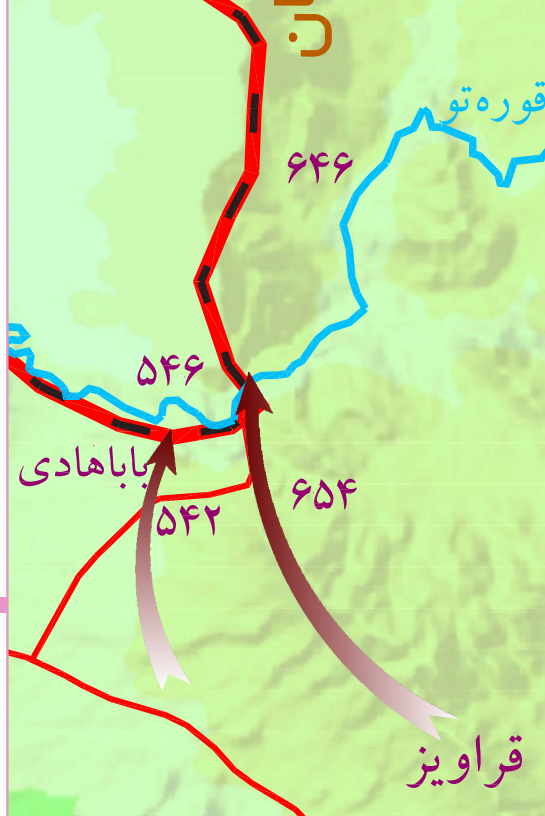
♦ شهید داریوش ریزه وندی فرمانده گردان مالک اشتر
تیپ محمد رسول الله در این عملیات به شهادت رسید

منطقه عملیاتی مسلم ابن عقیل

منطقه عملیاتی مسلم ابن عقیل از شمال به ارتفاعات اردوبان، از غرب به سان واپا، از شرق به بند پیرعلی در غرب سومار و از جنوب به پاسگاه میان‌تنگ و مندلی عراق منتهی می‌شود. منطقه پیرعلی که نقطه آغاز عملیات مسلم بن عقیل است در مسیر دسترسی به ارتفاعات کهنه ریگ قرار دارد و قبل از عملیات مسلم ابن عقیل، خط پدافندی نیروهای خودی بود. ارتفاعات مرزی گیسکه، کله شوان، کهنه ریگ، سان واپا و سلمان کشته بر شهر مرزی سومار ایران و شهر مندلی عراق اشراف دارند و عراق در جریان عقب‌نشینی اجباری خود با حفظ آن‌ها، سومار و جاده‌های ارتباطی سومار - نفت شهر - قصرشیرین را در دید و تیر خود نگه داشت و ارتباط این جبهه با مناطق شمالی را با مشکل جدی روبه رو ساخت. در پی توقف عملیات رمضان در شرق بصره به دلیل تمرکز قوا و مانور زرهی دشمن، نیروهای خودی جست‌وجوی منطقه‌ای کوهستانی و محدود برای تحت فشار قرار دادن ارتش عراق بودند تا ضمن شکستن تبلیغات دشمن، ابتکار عمل را حفظ کنند و همچنین نبرد منطقه ناهموار را تجربه نمایند. برای دستیابی به این

هدف‌ها منطقه‌ی عملیاتی سومار در جبهه‌ی میانی برگزیده شد و پس از شناسایی منطقه و طراحی دقیق مانور، عملیات در ساعت ۴۷ دقیقه بامداد ۱۳۶۱/۷/۹ با رمز یا ابوالفضل العباس به فرماندهی قرارگاه عملیاتی مشترک نجف اشرف سپاه و ارتش با ۳۸ گردان و در سه محور آغاز شد. محور اول از پل هفت‌دهنه به سمت ارتفاعات شرق جبال کهنه‌ریگ و پاسگاه‌های کانی شیخ و گیسکه و محور دوم از منطقه سومار به سمت پاسگاه میان تنگ و شهر مندلی عراق و محور سوم از جاده سومار نفت‌شهر به سمت ارتفاع ۴۰۲ و پاسگاه‌های سان‌واپا و سلمان‌کشته تعیین شد. با شروع عملیات رزمندگان تیپ محمد رسول‌الله^(ص)، تیپ عاشورا، تیپ نصر و سه گردان از نیروهای همدان از سپاه به همراه دلاوران تیپ ۵۵ هوابرد ارتش در کم‌ترین زمان هدف‌های مشخص‌شده را تصرف کردند و علی‌رغم تسلیح مواضع پدافندی یگان‌های دشمن با ۵۰ رده مین و تله‌های انفجاری، قوای دشمن را غافل‌گیر کردند. از صبح روز بعد فرماندهی لشکر ۱۲ زرهی ارتش عراق با فراخوانی یگان‌های احتیاط، پاتک‌های متعددی را اجرا نمودند، اما با مقاومت رزمندگان اسلام روبه‌رو شد و ناکام ماند. بدین ترتیب قوای خودی ضمن تثبیت موقعیت، بیش از ۱۵۰ کیلومترمربع از مناطق اشغالی ایران آزاد و نزدیک به ۳۰ کیلومترمربع از خاک عراق را تصرف کردند و علاوه بر تأمین دشت سومار بر تنگ مرزی میان تنگ و محور بسیار مهم سومار مندلی تسلط یافتند و ضمن آزادسازی ۷ پایگاه مرزی سلمان‌کشته، سان‌واپا، قلعه جوق، میان‌تنگ، کانی شیخ، چقاشیرگه، گیسکه و تصرف ارتفاعات مشرف به شهر مندلی عراق با تأمین نظامی آن شهر و جاده مهم و مواصلاتی نفت‌خانه به مندلی در خاک عراق و تصرف ارتفاعات مهم کهنه‌ریگ، گیسکه و واروالین (۴۰۲) عملاً شهر مندلی عراق در دید و تیر آنان قرار گرفت و امکان پیشروی مجدد در خاک عراق فراهم شد. پس از عملیات مسلم‌بن عقیل که نیروهای گمجن (گروه رزمی مشترک جنگ‌های نامنظم) عشایری نیز در آن شرکت داشتند، پدافند از مناطق وسیع و حساسی از سرزمین‌های آزاد شده میهن اسلامی در منطقه عمومی سومار، نفت‌شهر از جمله کهنه‌ریگ و گیسکه به آنها محول شد. نیروهای داوطلب عشایر با دلاوری و فداکاری قابل تحسین از رخنه نیروهای دشمن به این موضع جلوگیری کردند و در طول هشت ماه بیش از ۳۰۰ شهید و مجروح تقدیم میهن اسلامی نمودند.





منطقه عملیاتی کربلای ۹

شهرستان
قصرشیرین

۸۷

هم زمان با اجرای عملیات کربلای ۸ در جبهه جنوب، نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران عملیات کربلای ۹ را در شمال شرقی قصرشیرین و در منطقه پاسگاه باباهادی تا شمال غربی ارتفاعات قراویز در ۱۳۶۶/۱/۲۰ باهدف تصرف ارتفاعات ۵۴۲ قراویز و ۵۴۶ ارتفاعات آهنگران و پاسگاه مرزی باباهادی به مرحله اجرا گذاشت. در این عملیات رزمندگان تیپ ۳ لشکر زرهی با پشتیبانی ۱۲ فروند از بالگردهای هوانیروز بانفوذ در عمق جبهه دشمن، پس از خنثی سازی میدان های مین و انهدام موانع عبوری، با رعایت اصل غافل گیری، در کمتر از سه ساعت اهداف تعیین شده را آزاد نمودند.

در نتیجه این عملیات پاسگاه باباهادی که نزدیک به ۷ سال در تصرف ارتش عراق بود، باز پس گرفته شد. دو سال قبل از عملیات کربلای ۹ نیز در این منطقه و در محدوده پاسگاه باباهادی عملیات ایذایی ظفر ۳ در ۱۳۶۴/۳/۲۸ توسط یک گروهان از تیپ ۴ لشکر ۸۱ زرهی ارتش به مرحله اجرا درآمده بود.



♦ وداع خانواده
شهید محمد
مهدی کازرونی
از فرماندهان
لشکر ۴۱ ناراالله

منطقه عملیاتی کربلای ۶

منطقه عملیاتی کربلای ۶ از جنوب به ارتفاعات واروالین، از شمال به رودخانه کنگاگوش و از غرب به نفت شهر محدود می شود. نفت شهر تنها شهری است که تا پایان جنگ در اشغال عراق باقی ماند چرا که موقعیت خاص جغرافیایی و نداشتن جاده های مواصلاتی، این جبهه را فاقد ارزش تاکتیکی کرده بود و یک منطقه پدافندی آرام محسوب می شد. با وجود این در چهارچوب راهبرد عملیات پشتیبانی در منطقه ی غرب باهدف کاستن تمرکز دشمن در جنوب و تجزیه قوای دشمن، هم زمان با عملیات کربلای ۴ و پیشروی به سوی نفت خانه عراق؛ عملیات کربلای ۶ طراحی شد و نیروی زمینی ارتش که از زمان عملیات مسلم بن عقیل در منطقه سومار مستقر بود، با انتخاب منطقه نفت شهر آماده عملیات شد. بر اساس طرح مانور، زمان آغاز عملیات ۴۸ ساعت پس از شروع عملیات کربلای ۴ تعیین شده بود اما با توقف عملیات کربلای ۴ زمان انجام این عملیات به تعویق افتاد و قرار شد تا پس عملیات کربلای ۵ آغاز شود. سرانجام ۶ روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵، در ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ عملیات کربلای ۶ با رمز یا فاطمه الزهرا (س) توسط ارتش شروع شد، اما در عمل نیروهای خودی در شکستن و عبور از خط توفیقی نیافتند و عملیات متوقف شد و تنها بخش هایی از ارتفاعات شمال شرقی نفت شهر و پل های ارتباطی منطقه رودخانه کنگاگوش آزاد شد. بدین ترتیب نفت شهر آزاد نشد و نفت خانه مورد تهدید قرار نگرفت و از فشار دشمن در منطقه شرق بصره چندان کاسته نشد.





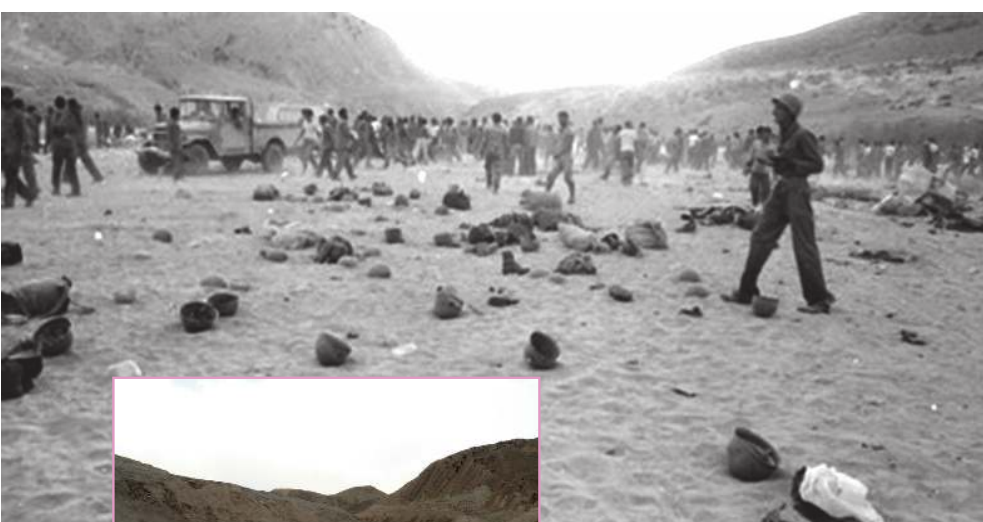
منطقه عملیاتی عاشورا

منطقه عملیاتی عاشورا در شمال شرقی سومار قرار دارد. پس از استقرار دشمن در منطقه نفت شهر و سومار، نخستین عملیات محدود و مشترک در این منطقه را تیپ دوم لشکر ۸۱ زرهی با هدف تصرف ارتفاعات بند پیرعلی، ارتفاعات سارات (سلسله ارتفاعات جنوبی منطقه سومار که به سارات ۱ و ۲ و ۳ معروف است) و در صورت امکان ادامه تک و تأمین مرز، طراحی نمود. بر اساس این طرح از دو محور جنوب و شمال روستای کله جو، ارتفاعات ساراتها و بند پیرعلی آزاد می‌شدند. این عملیات سرانجام در روز عاشورا برابر با ۱۳۵۹/۷/۲۸ آغاز شد و در محور شمالی آن پیشروی گردان ۲۹۰ زرهی در برابر آتش ضدتانک دشمن متوقف شد و در محور جنوبی گردان رزمی سپاه و گردان ۱۱۹ مکانیزه، ارتفاعات سارات ۱ را آزاد کردند؛ اما پاتک‌های دشمن شروع شد و تا سه روز ادامه داشت که سرانجام به اشغال مجدد ارتفاعات آزادشده منجر شد. خلبان شجاع هوانیروز احمد کشوری در این عملیات توسط هواپیماهای دشمن هدف قرار گرفت و به عاشوراییان پیوست. ارتفاع مخروطی شکل کله‌قندی نیز که در نزدیک روستای کله جو در شمال ارتفاعات سارات و در کنار جاده آسفالت منتهی به سومار و نفت شهر قرار دارد در آغاز هجوم سراسری به اشغال عراق درآمد و در جریان عملیات عاشورا شاهد درگیری سنگین نیروهای خودی با دشمن بود.



منطقه عملیاتی ثارالله^(ع)

منطقه عملیاتی ثارالله^(ع) در شمال قصرشیرین و در نوار مرزی ایران و عراق حد فاصل پاسگاه مرزی قلعه سفید و پیروزخان و در امتداد رودخانه قوره تو قرار دارد. ارتش عراق پس از عقب‌نشینی از قصرشیرین و ارتفاعات بازی‌دراز در تیرماه سال ۱۳۶۱ با استقرار در خطوط پدافندی مناسب متکی بر عوارض طبیعی و نیز کاهش خطوط پدافندی و صرفه‌جویی در قوا، خود را برای ادامه جنگ آماده ساخت. لذا ادامه جنگ در این خطوط پدافندی با هدف‌های جانبی دنبال شد. در همین راستا اولین عملیات پس از عقب‌نشینی ارتش بعث عراق در این منطقه برای پشتیبانی عملیات رمضان و فریب دشمن با هدف آزادسازی ارتفاعات مرزی قصرشیرین در حوالی پاسگاه‌های پیروزخان و قلعه سفید طرح‌ریزی و در ۱۳۶۱/۵/۱۵ به اجرا درآمد. در این عملیات محدود دو گردان پیاده از تیپ‌های المهدی^(عج) و حمزه سپاه پاسداران با پشتیبانی یک گردان زرهی از تیپ ۲ لشکر ۸۱ ارتش توانستند شش تپه مرزی را از اشغال ارتش عراق خارج کنند، اما بر اثر فشار دشمن، از چهار تپه عقب نشستند و تنها دو تپه آن را تثبیت کردند. با آزادسازی تپه‌های یادشده بخشی از جاده قصرشیرین - سر پل ذهاب از دید دشمن خارج شد و جاده تدارکاتی دشمن از پیروزخان به تنگ بشگان زیر دید و تیر مستقیم نیروهای خودی قرار گرفت. در ۱۳۶۴/۶/۳۰ نیز در این منطقه عملیاتی ایزایی توسط گردان مکانیزه تیپ ۴ لشکر ۸۱ زرهی ارتش با هدف انهدام مواضع دشمن صورت پذیرفت.



مشهد شهدای بمباران خونین سومار

محل شهادت شهدای بمباران خونین سومار در ۱۵ کیلومتری سومار و در جوار جاده و رودخانه کنگیر قرار دارد و محل برپایی چادرهای استقراری رزمندگان گردان سلمان از لشکر ۲۷ حضرت محمد رسول الله (ص) و گردان شهید مدنی از لشکر ۳۱ عاشورا بود که پس از نبرد در منطقه کهنه‌ریگ و ارتفاعات ۴۰۲ و سلمان کشته در جریان عملیات مسلم‌ابن عقیل برای بازسازی و جابجایی نیروهای تازه‌نفس به این منطقه باز و به دور از شیارهای کوهستانی منتقل شدند.

درحالی‌که دو روز استقرار این نیروها می‌گذشت در بعدازظهر روز ۱۳۶۲/۷/۱۲ هواپیماهای دشمن این مقر را مورد حمله قرار دادند و بر اثر اصابت راکت‌های دشمن و انفجار مهمات موجود در چادرها، تعداد زیادی از رزمندگان که عمدتاً تهرانی و آذربایجانی بودند به شهادت رسیدند.





مسجد جامع، یادمان مقاومت و ستاد معراج شهدای قصر شیرین

شهرستان
قصر شیرین

۹۳

مسجد جامع قصر شیرین محل استقرار و استراحت رزمندگان اسلام در طول جنگ تحمیلی است و آزادگان در بازگشت به میهن اسلامی نخست در این مکان مورد استقبال قرار می‌گرفتند. ستاد معراج شهدای قصر شیرین نیز جنب پمپ‌بنزین این شهر قرار داشت و پیکر مطهر رزمندگانی که در این منطقه به شهادت می‌رسیدند، به این مکان انتقال‌یافته و سپس به شهرهای خود منتقل می‌شدند. یادمان مقاومت قصر شیرین نیز در پارک بسیج این شهر احداث شده است که یادآور مقاومت و دلاورمردی‌های مردم شهر قصر شیرین است.



♦ بوسه آزادگان بر
خاک میهن اسلامی
در حضور مسئولان
صلیب سرخ



ستان
رود

شهرستان
ثلاث باباجانی

تازه آباد

عراق

دشت دهاب

شهرستان سرپل دهاب

قصر شیرین

شهرستان
قصر شیر

سرپل
دهاب

شهرستان دالاهو

سرخه دیزه

دالاهو

کرد

گیلان غرب

شهرستان
گیلان غرب

سر مست

زرنه

ایوان غرب

تپه و دره شهدای
دشت دهاب

ازگله

تنگ باووسی

تیله کوه

کهریز

مشهد شهید

شیرودی

کلته

قراویز

کمرین دهاهد

قربلاغ

شهرک المهدی

سراب کرم

کل داود

تپه عظیمه

مزار شهدای حاجی بابا افشار آباد

سبزه راه

شهادت

ششبار دیره

تنگ فاسم آباد

تنگ کورک

تنگ حاجیان

گور سفید

مطلع الفجر

تپه کرچی ها

چغالوند

شیاکوه

بادگان (ص)

حضرت رسول

کاسه گران

تپه قلاع

ار تفاعات دار باوط

مشهد شهدای

بیماران سوما

قرارگاه

شهدای بهشتی

بیمارستان

شهدای هجرتی

سنارات

سکه

شہرستان سرپل ذهاب

شهرستان ثلاث باباجانی

دشت ذهاب شهرستان سرپل ذهاب





♦ مناظر طبیعی سرپل ذهاب



♦ سنگ نوشته ی ۴۸۰۰ ساله آنوبانی نی

شهرستان
سرپل ذهاب

شهرستان سرپل ذهاب

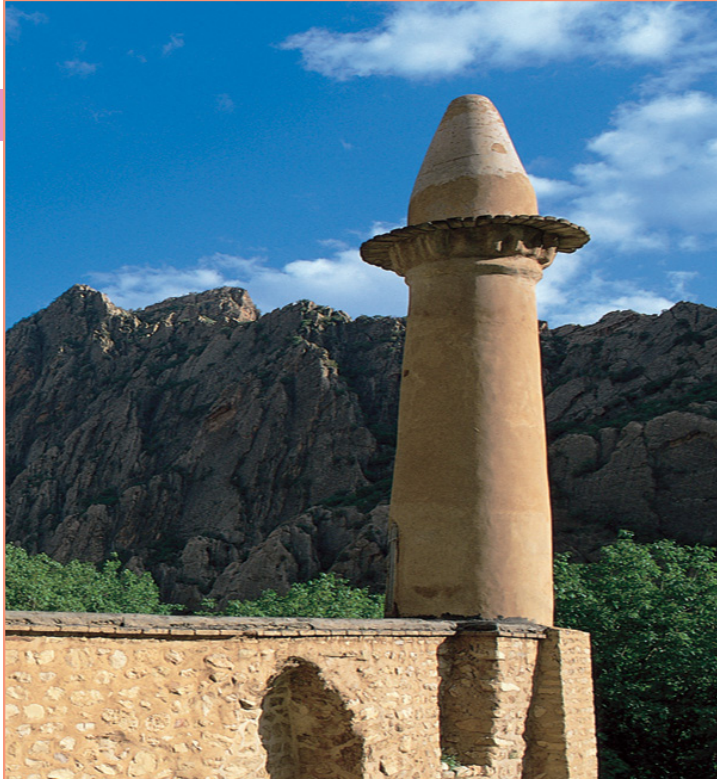
۹۷

شهرستان سرپل ذهاب به مرکزیت شهر سرپل ذهاب از شهرستان‌های غربی استان کرمانشاه است و از شمال به شهرستان ثلاث باباجانی، از شرق به شهرستان دالاهو، از جنوب به شهرستان گیلان غرب و از غرب به شهرستان قصرشیرین و کشور عراق محدود می‌شود. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۰ برابر با ۸۵،۶۱۶ نفر بوده است که اغلب شیعه هستند و به زبان کردی تکلم می‌کنند. شهرستان سرپل ذهاب با مساحت ۱۲۷۱ کیلومترمربع از شهرستان‌های مرزی و باستانی و زرخیز استان کرمانشاه است و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۵۵۰ متر است که در يك تغییر ناگهانی پس از طی گردنه پاتاق به بیش از ۱۰۰۰ متر می‌رسد که خود باعث ایجاد طبیعتی بسیار جذاب، دل‌پذیر و کاملاً متفاوت با اقلیم سرزمین‌های قرارگرفته بر روی ارتفاعات مذکور شده است.



♦ طاق گرا

علاوه بر آن، این امر باعث ایجاد جریان‌های آب سطحی و تغذیه سفره‌های زیرزمینی دشت‌های حاصلخیز این شهرستان گردیده که نعمتی بس عظیم و حیاتی است و در کمتر مکانی شاهد آن هستیم. این شهرستان در جلگه‌ای نسبتاً وسیع که اطراف آن را ارتفاعات و تپه ماهورها احاطه کرده است قرار گرفته و که باعث ایجاد دشت‌های مستعد و حاصلخیز دشت ذهاب، قلعه شاهین، دیره و ریخک شده که به نوبه خود به لحاظ دارا بودن رودخانه‌ها، سراب‌ها و چشمه سارهای متعدد و فراوانی از جمله رودخانه الوند، دله شیر، هواسان، جگیران، کلم کبود و سراب ماراو، گلودره، پیران، سرابگرم، قره بلاغ، قلعه شاهین و مامیشان منحصر به فرد است. به دلیل آب و هوای گرم و وجود آب فراوان در این شهرستان زمینه کشاورزی و دامپروری در آن بسیار مناسب است. گستره باورنکردنی از انواع محصولات کشاورزی در این شهرستان به عمل می‌آید که مهم‌ترین آن‌ها گندم، جو، نخود، پنبه، برنج، صیفی‌جات، گردو، انار، نارنگی و خرما است. به دلیل مناسب بودن آب و هوا تقریباً در تمام سال در این شهرستان محصول قابل برداشت وجود دارد. این شهرستان به لحاظ پیشینه تمدن تاریخی و باستانی دارای آثار متعددی است که به مواردی چون: نقش آنوبانی نی - قربانگاه - آتشدان - پله‌ها و صفه - دکان داوود - مرد مادی در حال نیایش - برد عاشقان - کتیبه اشکانی - سنگ نبشته مردوک آپال ایدین - زیچ منیژه در ابتدای دشت قلعه شاهین - قلعه منیژه - حوض منیژه - قلعه شاهین - زیجگه سراب - نقاره کوب - برج هزارگریه - برج کل گاراه - قلعه مریم - تپه سراب ذهاب - آتشگاه سراب ذهاب - نهر والاش - برج والاش - آتشکده کویک - آتشدان برد عاشقان - دروازه جبال - قلعه سرخ دیزه - طاق گرا - قصر پاتاق - گور حمزه قاری - قریه مله دیز نقش پادشان لولوبی و از آثار دوره



♦ مسجد عبدالله ابن عمر

اسلامی بقعه مبارکه احمد ابن اسحاق و مسجد عبدالله ابن عمر اشاره نمود. این شهرستان محور اصلی هجوم دشمن به کرمانشاه بود و به علت قرار داشتن تنگ پاتاق در آن یکی از مهم‌ترین محوره‌های دفاعی استان کرمانشاه در طول دفاع مقدس بود و پادگان ابودر به عنوان یکی از مراکز مهم نظامی به این شهرستان حساسیت خاصی بخشیده بود. دفاع جانانه مدافعان این دیار سبب شد دشمنان نتوانند از آن پیش‌تر رفته و در حومه شهر مرکزی آن متوقف شدند. عملیات‌های متعددی از جمله عملیات‌های نیمه گسترده بازی دراز ۱ و ۲ و عملیات‌های محدود پاتاق-ریجاب، کوره‌موش، شهید گلاب‌بخش، سید صادق و کلینه، امیرالمؤمنین^(ع)، شهید رجایی و امام مهدی^(عج) و تعدادی عملیات ایذایی دیگر در محدوده این شهرستان به وقوع پیوست. در طول هشت سال دفاع مقدس مدافعان غیور این مرز و بوم در جهت حفظ و حراست کیان مقدس ایران اسلامی از هیچ کوششی فروگذار ننموده و در راه پاسداری از مملکت خویش ۸۰۳ نفر شهید، ۱۶۳ نفر آزاده و ۸۴۰ نفر جانباز تقدیم انقلاب نموده است.



سرپل ذهاب

شهر سرپل ذهاب مرکز شهرستان سرپل ذهاب است و در فاصله ۲۵ کیلومتری شرق قصرشیرین و در ۳۰ کیلومتری مرز ایران و عراق در منتهی‌الیه شیب ارتفاعات زاگرس و در مسیری بین‌المللی تهران - بغداد که به جاده کربلا موسوم است، واقع شده است و ۳۵۸۰۰ نفر جمعیت دارد. قدمت این شهر بر اساس مطالعه آثار باستانی آن از قبیل کتیبه آنوبانی‌نی (با قدمت ۴۸۰۰ سال در شمال شرقی شهر)، دکان داوود و طاق‌گرا بیش از پنج هزار سال برآورد می‌شود. سرپل‌ذهاب در کنار ویرانه‌های شهر قدیمی و مهم ساسانیان به نام حلوان بنا شده و به عنوان دژ و پایگاه مرزی ایران باستان بوده است و راویلینسون آن را یکی از هشت شهر باستانی دنیا می‌داند. در کتب تاریخی از این ناحیه به عنوان «زهاو» مرکز ایالت حلوان نام برده شده است. کلمه ذهاب در لغت به معنای آب مقطر، خوب و همچنین به معنی چشمه و منبع آب آمده است و ظاهراً این شهر به علت چشمه‌سارها و سراب‌های فراوان، به ذهاب مشهور شده است. نام دیگر این ناحیه سرپل است که از نام پلی بر روی رودخانه الوند در ۱۲ کیلومتری ذهاب اخذ شده است که در سال ۱۳۴۵ ش تخریب شد. در دوران خلفای عباسی این ناحیه تابع حکومت بغداد بود؛ اما بعدها به استثنای دوره زندیه و قاجاریه که توسط پادشاهان عثمانی اداره می‌شد، همواره جزء قلمرو ایران بوده است. این شهرستان به لحاظ پیشینه تمدن تاریخی و باستانی دارای



♦ راهپیمایی مردم سرپل ذهاب قبل از پیروزی انقلاب

۳۲ آثار تاریخی است که مهم‌ترین آن‌ها در دوره اسلامی بقعه مبارکه احمد ابن اسحاق از محدثین و صحابه و وکیل خاص امام حسن عسکری^(ع) است. شغل اصلی مردم سرپل ذهاب کشاورزی و دامداری است و زبان آن‌ها کردی جافی و کلهری است. رود الوند از میان این شهر می‌گذرد و آب و هوای آن نسبتاً گرم و نیمه‌خشک است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی همچون تعدادی از شهرهای مرزی مورد تعرض ضد انقلابی قرار داشت و در بخشی از شهر بازار خرید و فروش اسلحه دایر شده بود و ضدانقلاب بارها مغازه‌های مردم و حتی داروخانه‌ها را غارت کردند. پس از تشکیل سپاه در منطقه، با همکاری نیروهای نظامی مؤمن به انقلاب، بازار خرید و فروش انواع اسلحه و مهمات برچیده شد و امنیت به منطقه بازگشت. مهم‌ترین محور هجوم ارتش عراق به استان کرمانشاه محور قصرشیرین-سرپل ذهاب-پاطاق بود و سه لشکر را برای پیروزی در این محور پیش‌بینی کرده بود. پس از سقوط قصرشیرین در ۱۳۵۹/۷/۳ لشکر ۶ زرهی ارتش عراق خود را با ۱۵۰ دستگاه تانک به دروازه غربی سرپل ذهاب رساند و لشکر ۸ پیاده کوهستانی دشمن نیز پس از اشغال پاسگاه مرزی تپله‌کوه و دشت ذهاب در ۱۳۵۹/۷/۲ خود را به منطقه دستک و ارتفاع کوره موش (پس‌پس) و بخش شمالی شهر رساند تا با سقوط شهر گردنه حساس پاطاق را اشغال کنند. به همین منظور نیروهای لشکر ۶ زرهی دشمن به دو شاخه تقسیم شدند و یک گروه راه سراب‌گرم را در پیش گرفتند و گروه



♦ تصویر ماهواره ای سرپل ذهاب

دیگر در محور شهرک المهدی^(ع) و پل داداش خان درگیر شدند. همزمان حملات توپخانه‌ای و بمباران‌ها چنان شدت یافت که ماندن غیرنظامیان در شهر سرپل ذهاب به هیچ‌وجه صلاح نبود و مردم خانه و کاشانه خود را رها نمودند و اموال آنان چه در منازل و چه مغازه‌ها بلا صاحب رها شد و بسیاری از آن‌ها طعمه حریق و انهدام ناشی از فرود توپ‌ها و بمب‌ها شد. با ورود تعدادی از نیروهای دشمن به خیابان اصلی شهر، مقاومت سرسختانه رزمندگان متشکل از گردان مالک اشتر لشکر ۸۱ زرهی ارتش به فرماندهی سروان حسین ادبیان، عشایر بومی دشت ذهاب ملقب به گروه فداییان اسلام به مسئولیت کاک عبدالله و نیروهایی از سپاه همدان به فرماندهی حسین همدانی؛ آن‌ها را وادار نمودند تا به خارج از شهر عقب‌نشینی کنند. چنانچه ارتفاعات دانه خشک توسط ارتش عراق تصرف می‌شد، موقعیت پادگان ابوذر که مقر تیپ ۳ زرهی لشکر ۸۱ کرمانشاه است در دید و تیر مستقیم متجاوزان و در نهایت در خطر حتمی سقوط قرار می‌گرفت؛ بنابراین با درایت فرماندهان جنگ و رشادت مدافعان، صحنه پیکار به خارج از شهر منتقل شد. نیروهای آرپی‌جی زن و تیزپروازان هوانیروز ارتش، ده‌ها تانک‌های ارتش بعث را مورد هدف قرار داده و آن‌ها را یکی پس از دیگری منهدم نمودند.

فرماندهان بعث که چنین وضعی را پیش‌بینی نمی‌کردند، راهی جز عقب‌نشینی برایشان باقی نمانده بود. ارتش عراق به دومین ناکامی خود تن داد و به طرف شهرک زراعی و سپس شهرک المهدی^(ع) عقب نشست؛ اما قوای اسلام به این مقدار بسنده نکرده و درصدد بودند تا فاصله متجاوزین را با شهر بیشتر نمایند و لذا به نبرد ادامه داده و ارتش بعث برای سومین بار مجبور به عقب‌نشینی

به سمت ارتفاعات قراویز شد. اما دشمن از طریق ارتفاعات قراویز و بازی دراز مناطق مختلف شهر را زیر آتش سنگین توپخانه خود قرارداد و از روز چهارم تا دوازدهم مهرماه سال ۱۳۵۹ چندین مرتبه به قصد تصرف و اشغال شهر سرپل ذهاب با پشتیبانی همه‌جانبه توپخانه و خمپاره‌انداز و نیروی هوایی اقدام به عملیات نظامی نمود، اما هر بار ایستادگی و پایداری جانانه مدافعان شهر، آنان را وادار به پذیرش ناکامی و عقب‌نشینی کرد. مدافعان سرپل ذهاب در هفتم مهرماه با حمایت نیروی هوایی و هوانیروز ارتش حمله‌ای را به منظور خارج نمودن ارتفاعات قراویز و همچنین حرکت به سوی قصرشیرین و آزادسازی این شهر آغاز کردند که به دلیل قرار گرفتن متجاوزان در نقاط راهبردی و ارتفاعات و همچنین در اختیار داشتن صدها تانک و نفربر و ده‌ها گردان پیاده، موفق به این کار نشدند. مدافعان سرپل ذهاب به هنگام دفاع در روزهای آغازین جنگ و ماه‌ها و سال‌های بعد، کاملاً در دشت باز قرار داشتند و دشمن در ارتفاعات موضع گرفته و مستقر بود. در چنین موقعیتی ایستادگی در برابر دشمن کاری بزرگ و مثال زدنی است که آن‌ها را به بهترین وجه ممکن انجام دادند و هرگز اجازه نفوذ دشمن را ندادند و از پاتاق، ریجاب، دشت ذهاب و کوره موش تا قراویز، ارتفاعات بازی دراز و دانه خشک صحنه نبرد رزمندگان با نیروهای دشمن بود و رزمندگان در سه محور ۱- کوره موش-دشت ذهاب-بنه دستک ۲- دامنه قراویز- جاده قصرشیرین شهرک المهدی^(ع)- ۳- کناره رود الوند- سراب گرم- ارتفاعات بازی دراز خط پدافندی خود را تشکیل داده بودند. دشمن با شکست در جبهه جنوب اقدام به عقب‌نشینی سراسری در این مناطق نمود و شهر سرپل ذهاب در تیرماه سال ۱۳۶۱ از دید و تیر دشمن خارج شد و مردم به مرور به خانه‌هایشان بازگشتند و این شهر و پادگان ابوذر و شهرک المهدی^(ع) به عقبه‌ای برای هدایت و پشتیبانی جنگ در کرمانشاه تا پایان جنگ تبدیل شد. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و متعاقب آن هجوم مجدد ارتش عراق و منافقین به کرمانشاه و اجرای عملیات پدافندی مرصاد، این شهر و حومه آن بار دیگر صحنه شکست مفتضحانه منافقین کوردل و دشمن بعثی بود. سرپل ذهاب در طول جنگ بیش از ۵۰ بار هدف آتش توپخانه و بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت و ۱۱۲ شهید و ۳۶۹ مجروح تقدیم انقلاب اسلامی نمود.



تنگ پاتاق

پاتاق که پایطاق و پایطاق نیز نامیده می‌شود نام ده قدیمی، گردنه و تنگه‌ای حساس است که در ۱۴ کیلومتری جنوب شرقی شهر سرپل‌ذهاب و کنار رود چم‌ماهیه و در جنوب جاده اسلام‌آباد به سرپل‌ذهاب واقع شده است. کوه‌های پاتاق با جهت شمال غربی - جنوب شرقی ممتد است از تلاقی کوه نوا با کوه‌های دالاهو تشکیل شده است و حساس‌ترین و مهم‌ترین گذرگاه صعب‌العبور آن تنگ پاتاق است. اختلاف ارتفاع ۱۳۲۰ متری رأس گردنه پاتاق با شهر سرپل‌ذهاب در مسافتی کم و صعب‌العبور، ارزش نظامی خاصی به تنگ و گردنه پاتاق بخشیده است. تلمبه خانه پاتاق که نفت چاه‌های نفت شهر را برای پالایشگاه کرمانشاه پمپ می‌کند نیز در دامنه جنوبی این گردنه واقع است. راهی که از پاتاق می‌گذرد از گذشته محل عبور مسافر، کالا، قشون و ادوات نظامی میان مراکز جمعیتی و کانون‌های فعالیت اقتصادی در دشت‌های فلات ایران و مراکز واقع در جلگه بین‌النهرین بوده است. در عصر ساسانیان، ارتباط میان تیسفون با شهرهای مرکزی ایران از همین راه بود. در کنار این راه باستانی، طاق‌گرا یا طاق شیرین که طاقی سنگی است بنا شده است که آثار حجاری ظریفی از دوره اشکانیان و ساسانیان در آن به چشم می‌خورد. ظاهراً این بنا در اواخر دوره ساسانی و احتمالاً زمان حکومت خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰م) ساخته شده است و در میان مردم محلی مورد احترام است.

ده پاطاق نیز دارای دو زیارتگاه به نام‌های پنجه علی و حضرت عباس^(ع) است و مصالح بازمانده بنایی باستانی، چند اتاق نسبتاً سالم و طاق‌های گهواره‌ای با مصالح و اسلوب‌های معماری عصر ساسانی به چشم می‌خورد. مسلمانان در سال ۲۱ هجری پیشروی در تنگ پاطاق را آغاز کردند و با عبور از این گردنه کلید فتح ولایت ماد و شهرهای قرمسن (کرمانشاه)، دینور، نهاوند و همدان را به دست آوردند. در دوران صفویه، در دست داشتن پاطاق از هدف‌های مهم نظامی جنگ‌های ایران و عثمانی بود به نحوی که نیروهای عثمانی پاطاق را خط مقدم دفاعی خود قرار داده و راه نفوذ به بین‌النهرین را بسته بودند. نادرشاه در نبرد سختی گردنه پاطاق را دور زد و از پشت به قشون عثمانی حمله برد و گردنه را آزاد کرد. در لشکرکشی محمدعلی میرزا دولت‌شاه در دوران فتح‌علی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ش) پاطاق اهمیت نظامی حساس‌تری داشت و قرارگاه فرماندهی قشون ایران بود. در جنگ جهانی اول اهمیت نظامی پاطاق و راه آن برای طرفین جنگ به حدی بوده که آن را «کلید فتح بین‌النهرین» می‌نامیدند. در این جنگ، روس‌ها قصد داشتند خط دفاعی قوای عثمانی را در جبهه پاطاق که به فرماندهی افسران آلمانی تشکیل شده بود، بشکنند و به نیروهای انگلیسی مستقر در بین‌النهرین پیوندند. در بهار ۱۲۹۶ ش که قوای روسیه پیشروی به سوی بین‌النهرین را آغاز کردند، نیروهای دوازده هزار نفری عثمانی که به توپ مجهز بودند، در پاطاق آرایش نظامی گرفتند که بخشی از قوای مسلح ایران نیز بر ضد روس‌ها با آن‌ها همکاری می‌کردند. قوای ایرانی در جبهه پاطاق در برابر روس‌ها سخت مقاومت کردند و روس‌ها گذرگاهی را که در دست ایرانی‌ها بود با توپ هدف قرار دادند. در ضمن، ایرانی‌ها توانسته بودند از راهی ناشناخته، پشت سر قوای روس در گردنه پاطاق سر درآورند. در نهایت روس‌ها جبهه دفاع پاطاق را درهم شکستند و از گردنه پاطاق به سمت بین‌النهرین سرازیر شدند و راه تقویت قوای انگلستان و تعیین نهایی سرنوشت جنگ جهانی اول را گشودند. در جنگ جهانی دوم که خاک ایران یکی از مهم‌ترین راه‌های عبور تدارکات نظامی بود، حمله به پاطاق از جانب غربی آن صورت گرفت که از لحاظ نظامی بسیار دشوارتر بود. فیلد مارشال ویلیام اسلیم در ۳ شهریور ۱۳۲۰ با قوای تحت امرش وارد خاک ایران و تنگ پاطاق شد، اما در نقطه حساسی از آن با مقاومت ارتش ایران رو به رو شد و از پیشروی بازماند و پاطاق تا پایان جنگ



◆ اشغالگران انگلیسی در طاق گرا/ سال ۱۲۸۰

جهانی دوم در اشغال نظامی متفقین بود. در جنگ عراق با ایران پاتاق منطقه سرنوشت ساز جبهه میانی، از مهران تا قصر شیرین بود. عراق در آغاز جنگ با پنج لشکر کاملاً مجهز در جبهه میانی وارد عمل شد و یکی از اصلی ترین هدف هایش تصرف تنگ و گردنه پاتاق بود. هم زمان، عواملی وابسته به رژیم عراق در حوالی گردنه پاتاق به پاسگاه ژاندارمری حمله کردند اما تا ۷ مهرماه ۱۳۵۹ نیروهای مردمی این گردنه را پاک سازی کردند. عراق در نظر داشت که از دو طرف پاتاق را تهدید و تصرف کند اما مقاومت شدید در جبهه سرپل ذهاب عراق را از تصرف این منطقه منصرف کرد. اگرچه پاتاق به اشغال درنیامد اما در خلال جنگ با توجه به اهمیت مواصلاتی آن از حمله هوایی و توپخانه ای دشمن آسیب فراوانی دید به نحوی که برخی آن را دروازه شهادت نام نهادند. تلمبه خانه نفتی پاتاق نیز که پس از پیروزی انقلاب بارها مورد تعرض عناصر مسلح ضدانقلاب واقع شده بود، با شروع جنگ تحمیلی فعالیت آن متوقف شد. با هجوم سراسری مجدد ارتش عراق در پایان جنگ منافقین با پشتیبانی ارتش عراق ضمن عبور از سرپل ذهاب از تنگ پاتاق نیز گذشتند و خود را به اسلام آباد رساندند که با اجرای موفق عملیات مرصاد و بال برد نیروهای تیپ روح الله سپاه و گردان شهادت توسط بالگردهای هوانیروز ارتش به اطراف گردنه پاتاق نیروهای منافقین به سرعت از این گردنه عقب نشینی کردند. به طور کلی این منطقه در سرنوشت جنگ های غرب کشور همواره اهمیت نظامی و جغرافیایی تعیین کننده ای داشته است و در طول جنگ یکی از اهداف مهم ارتش بعثی عراق محسوب می شد.



پادگان ابوذر

پادگان ابوذر در ۲۰ کیلومتری جنوب شرقی سرپل ذهاب در میان دامنه شمالی ارتفاعات دانه خشک و دامنه جنوبی کوه برز (نواکوه) و در مجاورت روستای سراب قلعه شاهین قرار دارد. این پادگان مقر تیپ ۳ ابوذر لشکر ۸۱ زرهی ارتش است و نزدیک‌ترین پادگان نظامی به مرز محسوب می‌شود. این پادگان که دارای خانه‌های سازمانی، آسایشگاه درجه‌داران و افسران ارشد و ساختمان‌های پنج طبقه بتنی بود در فاصله سال‌های ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ ساخته شد و در اختیار تیپ ۳ شاهین از لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه قرار گرفت و تا قبل از آغاز جنگ به پادگان شاهین، قلعه شاهین و سرپل ذهاب شهرت داشت. با آغاز جنگ تحمیلی و در همان روزهای اول جنگ شهید علی اکبر شیرودی و شهید اصغر وصالی از تخلیه و سقوط این پادگان جلوگیری کردند. چرا که خبرهای خوشی به پادگان نمی‌رسید و دشمن به سرعت به طرف پادگان ابوذر در حرکت بود و فرمانده پادگان نیز دستور تخلیه پادگان ابوذر را صادر کرده بود و از هوانیروز برای انتقال نفرات و تجهیزات و نیز انهدام مهمات موجود در پادگان تقاضای بالگرد نموده بود. با این حال جمعی از خلبانان در تصمیمی حساس با تنها ۳ فروند بالگرد ماندند و مانع از سقوط سرپل ذهاب و پادگان شدند. به پاس رشادت شهید شیرودی در حفظ این پادگان نام این پادگان به ابوذر که نام یکی از فرزندانش بود تغییر نام یافت. با توقف تهاجم سراسری دشمن و تشکیل خطوط پدافندی و



♦ بمباران هوایی پادگان ابوذر در سال ۱۳۶۳

مواضع دفاعی در مناطق غرب و اعزام نیروهای داوطلب بسیج و سپاه پاسداران به این منطقه و لزوم ایجاد فرماندهی واحد در خطوط پدافندی، فرماندهی جبهه‌های غرب سپاه پاسداران به پادگان سرپل ذهاب که از آن پس پادگان ابوذر نامیده شد، منتقل شد. فرماندهی جبهه غرب سپاه را به ترتیب برادر کریم نصر، شهید غلامعلی پیچک، شهید حاجی بابا و برادر ناصح در مدت کوتاهی بر عهده داشتند. در این زمان جبهه غرب شامل محورهای ریجاب - سرپل ذهاب - گیلان غرب و سومار و نفت شهر، همگی تحت امر فرماندهی جبهه غرب در پادگان ابوذر بودند. در تابستان ۱۳۶۲ و با تشکیل تیپ نبی اکرم^(ص) و سازمان‌دهی نیروهای رزمنده استان کرمانشاه در قالب این تیپ، فرماندهی جبهه غرب، فرماندهی این تیپ را نیز بر عهده گرفت و سازمان جدیدی در هدایت این محورها ایجاد شد و پادگان ابوذر محل استقرار این تیپ قرار گرفت. در همین زمان به همت نیروهای داوطلب و پزشکان و پرستاران ایثارگر، بیمارستان حضرت ولی عصر^(عج) که از اواخر سال ۱۳۵۹ ایجاد شده بود، دوباره فعال شد و کلیه مجروحین خطوط مقدم پس از اقدامات اولیه به این بیمارستان اعزام می‌شدند و این بیمارستان نقش عمده‌ای در مداوای مجروحین در این سال‌ها داشت. پس از آنکه دشمن در جریان آزادی خرمشهر، عقب‌نشینی تاکتیکی نمود؛ آرامش نسبی به منطقه بازگشت و پادگان ابوذر پس از مدتی نفس راحتی کشید و موقعیتی فراهم شد تا یگان‌های مختلف، با تشکیل عقبه، بتوانند حضور مؤثرتری در منطقه داشته باشند. لذا ساختمان‌های موجود در پادگان تقسیم شد، قسمت شمالی پادگان در اختیار ارتش و قسمت جنوبی آن در اختیار سپاه پاسداران قرار گرفت. از آنجا که پادگان در اصل، متعلق به ارتش بود، زمین صبحگاه و مسجد امام حسین^(ع) در قسمت ارتش و حسینیه قدس در قسمت سپاه قرار گرفت تا مراسم عبادی و گردهمایی‌ها در آنجا برگزار شوند. این مسجد و حسینیه در طول جنگ شاهد صحنه‌های زیبایی از مناجات و سینه‌زنی رزمندگان بود. پادگان ابوذر در اوایل جنگ تحمیلی مفتخر به میزبانی



♦ بمباران هوایی پادگان در سال ۱۳۶۳

دلورانی چون شهید شیروودی، شهید کشوری و شهید حاج محمود غفاری شد. این افتخار در طول سال‌های جنگ، نیز ادامه داشت و میعادگاه بسیاری از رزمندگان اسلام بود و گروه‌گروه از استان‌های کرمانشاه، همدان، تهران و سایر استان‌ها وارد پادگان می‌شدند و تحت فرماندهی سرداران شهیدی همچون علی‌رضا موحددانش، سعید گلاب‌بخش (محسن چریک)، علی‌اصغر وصالی، غلامعلی پیچک و محسن حاجی‌بابا به جبهه‌های جنگ می‌شتافتند. در کنار این دلورمردان، ستارگان پرفروغ دیگری نیز همچون شهید محمد بروجردی، شهید ابراهیم همت، شهید حسین خرازی، شهید یدالله کلهر، شهید مهدی شرع‌پسند، شهید محمود شهبازی قدم به خاک پادگان ابوذر گذاشته‌اند و به این پادگان آبرویی مضاعف بخشیدند.

در ۱۳۶۲/۵/۹ ساختمان پنج طبقه محل استقرار نیروهای اطلاعات و شناسایی تیپ بر اثر انفجار مین‌های کشف شده در شناسایی، منهدم شد و ۱۱ نفر از نیروهای اطلاعات از جمله ناصر محمدیان جانشین اطلاعات، به شهادت رسیدند. این پادگان که مرکز تجمع نیرو و پشتیبانی یگان‌های خودی بود، در طول جنگ بارها هدف بمباران و موشک‌باران ارتش بعث عراق قرار گرفت که از جمله آن به بمباران رزمندگان مستقر در این پادگان در ۱۳۶۳/۱۲/۱۶ که هم‌زمان با عملیات بدر، آماده اجرای عملیات خط احد در جنوب سومار بودند، می‌توان اشاره نمود که در این ایام پادگان مملو از حضور رزمندگان ارتش و سپاه بود و بارها مورد بمباران هواپیماهای دشمن قرار گرفت و رزمندگان بسیاری همراه با ساکنان روستاهای مجاور به شهادت رسیدند. در این حمله تعداد زیادی از ساختمان‌های پادگان منهدم شد و تأسیسات آن صدمات کلی دید و تا سال‌ها قسمت‌های جنوبی پادگان عملاً متروکه و غیرقابل استفاده شد و تنها قسمت شمالی پادگان که در اختیار ارتش بود و آسیب کمتری دیده بود فعال بود. اکنون پادگان ابوذر در اختیار تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی ارتش است و قسمت جنوبی پادگان که در زمان جنگ تحمیلی در اختیار سپاه پاسداران بوده و مورد بمباران دشمن قرار گرفته بود به محلی برای میثاق با شهدای این پادگان تبدیل شده است و اکنون دو شهید گمنام دفاع مقدس در آن به خاک سپرده شده‌اند.



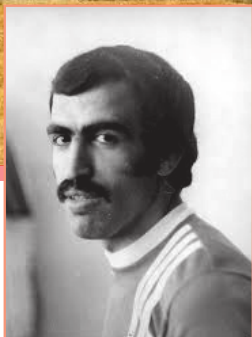
♦ شهید تقی بهمنی
در سه راه شهادت به
شهادت رسید

سراب گرم و سه راه شهادت

سراب گرم در ۲ کیلومتری جنوب غربی سرپل ذهاب و در دامنه شمالی ارتفاعات دانه خشک و در تقاطع محورهای سرپل ذهاب به گیلان غرب، قصر شیرین و پادگان ابوذر قرار دارد و سرچشمه یکی از آبریزهای مهم رودخانه الوند است. این نقطه به علت آب و هوای خوب آن، در دوران دفاع مقدس یکی از مراکز تجمع و محل استحمام و تفریح رزمندگان بوده است که در حال حاضر به یک اردوگاه فرهنگی پرورشی به نام اردوگاه راه کربلا تبدیل شده است. سه راه شهادت نیز که به سه راه ریخک نیز معروف است از آن جهت که در ابتدای جنگ زیر دید و آتش مستقیم دشمن قرار داشت و شاهد شهادت رزمندگان زیادی بوده است به سه راه شهادت معروف شده است. شهید تقی بهمنی فرمانده عملیات سپاه همدان در ۱۳۶۰/۲/۱۰ زمانی که می‌رفت از پادگان ابوذر مهمات و آذوقه بیاورد در این سه راه هدف توپخانه دشمن قرار گرفت و به شهادت رسید. شهید حاج محمد رضا قلیوند فرماندار کنگاور نیز به همراه جمعی از رزمندگان تیپ نبی اکرم^(ص) در جریان پیشروی دشمن و منافقین در سوم مرداد ۱۳۶۷ در این مکان به شهادت رسیدند.

♦ رزمندگان جبهه سرپل ذهاب در سراب گرم (نفر اول شهید محسن حاجی بابا)





♦ شهید جعفر جنگروی

دشت ذهاب

دشت ذهاب دشتی است وسیع در شمال سرپل ذهاب است که به واسطه سرسبزی و طراوتی که دارد بخش زیادی از محصولات کشاورزی شهرستان سرپل ذهاب در این دشت و به دست اهالی آن منطقه تأمین می‌شود. تنگ‌های هوان، بیشگان و حمام ارتباط زمینی این دشت و خاک عراق را برقرار می‌کند. در هنگام هجوم سراسری ارتش عراق، مقاومت دو ساعته یکی از ۴ تانک خودی در مقابل تنگه هوان موجب تأخیر در پیشروی تانک‌های لشکر ۸ عراق شد ولی با عقب‌نشینی تانک‌های خودی، دشمن از تنگه هوان عبور کرد و با گذشتن از تنگ رستم وارد دشت ذهاب شد و تانک‌های دشمن پس از عبور از دشت ذهاب جاده آسفالت سرپل ذهاب به قصرشیرین را مسدود کردند. در عملیات بازی دراز ۲ گروه چریکی جعفر جنگروی در این دشت در برابر پاتک تانک‌های دشمن به شدت مقاومت کردند.

♦ شهید غلامعلی پیچک (نفر سوم از راست با موهای تراشیده) و شهید جنگروی (نفر اول)





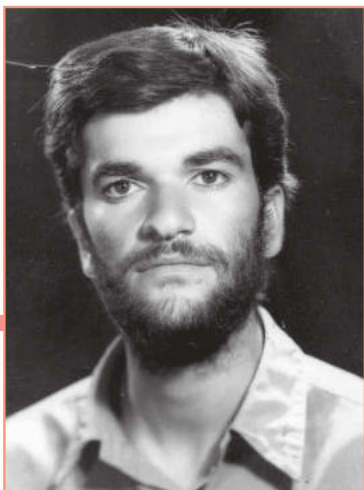
♦ گور دخمه دکان داود

♦ ستون مکانیزه منافقین در حال عبور از منطقه

تنگِ کلِ داود

تنگ و روستای کلِ داود در ۲ کیلومتری شرق سرپل ذهاب و در مدخل خروجی سرپل ذهاب به سمت کرد و اسلام آباد قرار دارد. در ابتدای جاده و در فاصله حدود ۱۰۰ متری از جاده اصلی کرمانشاه، گوردخمه دکان داود قرار دارد که طوایف اهل حق در بعضی از اوقات سال در آنجا اجتماع می‌کنند. این گوردخمه متعلق به دوره هخامنشی است و ظاهراً این دخمه، گور یکی از نوادگان هخامنشی است هرچند که بعضی از مردم محلی معتقدند که دکان داود یکی از ۷ شخصیت معنوی فرقه اهل حق در این مقبره مدفون است.

ارتش عراق پس از ناکامی در اشغال سرپل ذهاب و تنگ پاطاق، با استقرار بر روی ارتفاعات بازی دراز و دانه خشک سعی کرد تا با اجرای آتش سنگین خود تنگ کل داود را ناامن و تردد نیروهای خودی را مختل کند اما این حرکت دشمن بی‌حاصل بود. در روز سوم مردادماه سال ۱۳۶۷ فرماندهان عراقی و منافقین وارد سرپل ذهاب شدند و بلافاصله واحدهای پیاده مکانیزه منافقین از این تنگه حرکت خود را آغاز نمودند.



♦ شهید مهدی فریدی

کمین مجاهد

کمین مجاهد تپه و کمینگاهی در دامنه شرقی ارتفاعات قراویز است که با بلندای ۷۰۰ متر (از سطح دریا) مشرف بر جاده قصرشیرین بوده و دید و تسلط خوبی بر سرپل ذهاب و تنگ قراویز دارد.

در سال اول جنگ تعدادی از نیروهای سپاه همدان با استقرار و حفر کانال و سنگر در پیرامون این تپه این منطقه را به کمین‌گاهی برای ارتش متجاوز بعث و حفظ سرپل ذهاب تبدیل نمودند و معمولاً روزانه ۱۲ تا ۲۰ نفر از رزمندگان همدانی به طور پنهانی در کانال‌ها و سنگرهای این تپه مستقر می‌شدند.

در ۸/۲/۱۳۶۰ و پس از پاتک‌های متعدد دشمن در پاسخ به عملیات بازی‌دراز دشمن با تعداد بسیاری تانک به قصد تصرف شهر حمله نمود که شهید مهدی فریدی به همراه گروهی از رزمندگان کمین مجاهد، سد راه دشمن شدند و با یک جنگ نابرابر تن با تانک حماسه جاودانی را در تاریخ دفاع مقدس از خود به یادگار گذاشتند و موفق شدند تعداد زیادی از تانک‌ها و نفرات دشمن را منهدم کنند و مانع از نفوذ آن‌ها به شهر شوند. در این حماسه مهدی فریدی به همراه تعدادی از رزمندگان کمین مجاهد به شهادت رسیدند.



♦ روستای قراویز

ارتفاعات قراویز

ارتفاعات مرزی قراویز در شمال شرقی سرپل ذهاب قرار دارد و بلندترین قله آن ۸۱۶ متر است و بر سرپل ذهاب و بر جاده سرپل ذهاب قصرشیرین و خطوط مرزی تسلط دارد و ده قراویز که به ده مارگیران نیز مشهور است در جنوب غربی آن قرار دارد. با آغاز جنگ و ممانعت رزمندگان از ورود دشمن به سرپل ذهاب در ۱۳۵۹/۷/۲، ارتش عراق به دومین ناکامی خود تن داد و به طرف شهرک زراعی قره بلاغ و سپس شهرک المهدی^(ع) عقب نشست؛ اما رزمندگان به این مقدار بسنده نکرده و درصدد بودند تا فاصله متجاوزین را با شهر بیشتر نمایند و لذا به نبرد ادامه داده و ارتش بعث برای سومین بار مجبور به عقب نشینی به سمت ارتفاعات قلاویز شد و تا جریان عقب نشینی سراسری از این منطقه در تیرماه سال ۱۳۶۱ همچنان بر مناطق مختلف دشت ذهاب و سرپل ذهاب دید و تیر داشت. در جریان عملیات بازی دراز ۲ آزادسازی ارتفاعات قراویز یکی از اهداف عملیات بود که با ناکامی مواجه شد. در حماسه قراویز و بازی دراز حدود ۶۲ نفر از رزمندگان همدانی به شهادت رسیدند و پیکر مطهرشان ۱۰ ماه بعد، پس از عقب نشینی عراق از منطقه، به زادگاهشان بازگردانده شدند. در فروردین سال ۱۳۶۶ و در پی انجام عملیات کربلای ۹ ارتفاعات ۵۴۲ و ۵۴۶ در شمال غربی قراویز به طور کامل آزاد شد.



♦ مرحوم ذبیح الله بخشی زاده معروف به حاجی بخشی در ایستگاه صلواتی

چهارراه قره‌بلاغ

چهارراه و شهرک قره‌بلاغ در مدخل غربی شهر سرپل ذهاب از سمت قصرشیرین و در دامنه ارتفاعات قراویز قرار دارد. در اوایل جنگ تحمیلی ارتش متجاوز عراق موفق به ورود به شهرستان سرپل ذهاب شد اما با همت رزمندگان این اشغال در کمتر از یک روز خاتمه یافت و رزمندگان با حمایت هوانیروز و پشتیبانی آتش توپخانه و تانک‌های موجود در منطقه، نسبت به بیرون راندن دشمن از شهر سرپل ذهاب اقدام نمودند. اوج ایثار و فداکاری در چهارراه قره‌بلاغ که دژبانی ارتش در آن مستقر بود اتفاق افتاد و دشمن مجبور به عقب‌نشینی تا ارتفاعات غربی سرپل ذهاب شد.

از آنجا که در طول جنگ این منطقه دروازه ورود به شهر سرپل ذهاب محسوب می‌شد اهمیت نظامی فراوانی داشت و محل استقرار برخی از یگان‌های زرهی و پیاده ارتش و سپاه بود و در کنار آن ایستگاه صلواتی جند الله که توسط نیروهای مردمی و سپاه راه‌اندازی شده بود، همواره پذیرای رزمندگان بود.

شهرستان
سرپل‌ذهاب



حرم احمد ابن اسحاق و مزار شهدا

احمد ابن اسحاق اشعری قمی وکیل امام حسن عسکری^(ع) و محدّثی عظیم الشان، عالمی بزرگوار و یکی از اصحاب ثقه و کاملاً مورد اطمینان اهل بیت^(ع) بوده و مانند بسیاری از اصحاب خاص ائمه اطهار^(ع) از شهر مقدس قم به خدمت آن بزرگواران شتافته است. احمد بن اسحاق طی عمر شریفش توانست خدمت امام جواد^(ع) و امام هادی^(ع) برسد و جزء اصحاب مخصوص امام عسکری^(ع) قرار گیرد و پس از آن بزرگواران، به شرف زیارت حضرت صاحب الزمان^(عج) نائل شود. احمد بن اسحاق از شخصیت‌های برجسته و مردان وارسته قم است که مسجد امام حسن عسکری^(ع) در شهر مقدس قم به همت ایشان ساخته شده است. او را وکیل برجسته عثمان ابن سعید عمری (نایب نخستین) در دوران غیبت صغرا در بغداد نیز می‌نامند. شیخ طوسی می‌گوید: «در دوران نیابت نواب خاصه، عده‌ای مورد اعتقاد و اطمینان بودند که از سوی حضرت به وسیله نواب توفیقاتی برای آن‌ها صادر می‌شد که یکی از آن‌ها احمد بن اسحاق است». یکی دیگر از افتخارات احمد بن اسحاق این است که توانسته جزء سفرای سفارش



شهید
حشمت الله آمینی

شده حضرت حجت^(عج) قرار گیرد؛ زیرا ایشان در توقیع شریفی ایشان را مورد تأیید و عنایت خود قرار داده‌اند. به همین سبب در کتاب «ربیع الشیعه»، احمدابن اسحاق از وکلا و سفرا و ابواب معروف حضرت حجت^(عج) معرفی شده است. چنان‌که بعضی از دانشمندان علم رجال، از او به عنوان رابط بین قمی‌ها و امام و از جمله اصحاب خاص آن حضرت یاد کرده‌اند؛ اما دانشمندان دیگر، او را وکیل و نماینده امام دانسته‌اند. از روایتی در بحارالانوار استفاده می‌شود که او نماینده امام در موقوفات قم بوده است. محمدبن جریر طبری می‌نویسد: احمدابن اسحاق قمی اشعری، استاد شیخ صدوق، نماینده امام عسکری^(ع) بود. بعد از شهادت آن حضرت، وکالت حضرت صاحب‌الزمان^(عج) را به عهده گرفت. از طرف حضرت نامه‌هایی خطاب به او صادر می‌شد و او وجوه و حقوق مالی قم و اطراف آن را گردآوری نموده و به امام می‌رساند. این مرد بزرگ پس از بازگشت از حج در سال ۲۵۰ ه‍.ق در شهر حلوان (سرپل ذهاب کنونی) از دنیا رفت و اکنون بقعه متبرکه ایشان در بین اهالی منطقه و به ویژه مردم شهر دارای احترام خاصی است.

این حرم در دوران دفاع مقدس کانون تجمع رزمندگان و محل برقراری نماز جماعت و دعا‌های رزمندگان بوده است. ساختمان این مکان در اثر جنگ تحمیلی تخریب شد و در سال ۱۳۷۳ به همت اداره اوقاف و ستاد بازسازی وقت با زیربنای ۲۲۰۰ مترمربع بازسازی شد و در اطراف امام‌زاده نیز قبرستان و مزار شهدای سرپل ذهاب قرار دارد. در داخل این حرم مزار شهید حشمت‌الله آمینی از فرماندهان تیپ نبی اکرم^(ص) کرمانشاه قرار دارد.



♦ شهید جاوید الاثر سروان حسین ادیبیان
فرمانده گردان مالک اشتر ارتش

ارتفاعات و منطقه عملیاتی بازی دراز

بازی دراز ارتفاعاتی صعب العبور و حساس با قله‌های بلند و شیب‌های تند و بریدگی‌های ممتد است که دامنه شمالی آن بر شهرهای سرپل ذهاب، قصرشیرین و همچنین دشت ذهاب، پادگان ابوذر و منطقه ریخک و دامنه جنوبی آن بر محور مواصلاتی گیلان غرب - قصرشیرین، دشت قلعه شاهین و دیره تسلط کامل دارد. بلندترین قله‌های بازی دراز که شامل قله ۱۱۵۰، ۱۱۰۰ شمالی و جنوبی و ۱۰۵۰ است در شرق این ارتفاعات قرار دارند و هرچه به سمت غرب برویم شیب این ارتفاعات ملایم‌تر می‌شود. در روزهای اول هجوم عراق شهید محمد بروجردی فرمانده سپاه منطقه ۷ برای حفظ این ارتفاعات تعدادی از رزمندگان را روی آن مستقر کرد اما به دلیل نداشتن جاده تدارکاتی و کمبود مهمات و غذا؛ ارتش بعثی عراق در ۱۳۵۹/۷/۱۵ این ارتفاعات را اشغال نمود و سپس به منظور بهره‌برداری از مزایای دید و تیر این ارتفاعات صعب العبور؛ با انجام فعالیت‌های مهندسی شبانه‌روزی جاده‌ای آسفالت به طول ۶ کیلومتر در دامنه جنوبی آن احداث کرد و ضمن استقرار یگان‌هایی به استعداد یک تیپ و یک گروهان تانک



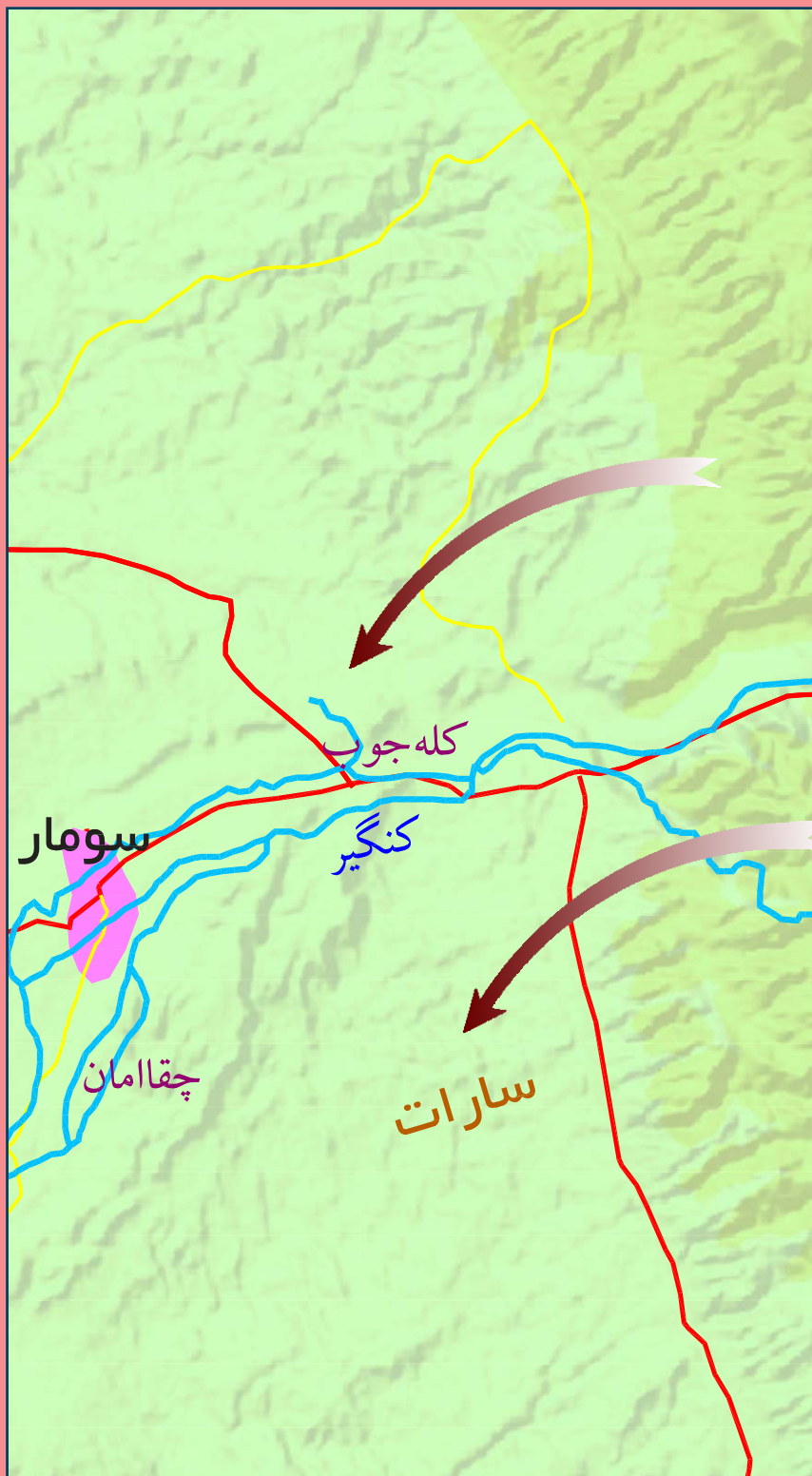
♦ بوسیدن دست امام خمینی (ره) توسط شهید علی طاهری دیده بان بازی دراز

بر روی آن، استحکاماتی نیز برای دیده‌بانی ایجاد نمود که بعدها به دیدگاه صدام معروف شد. برای گرفتن این امتیاز مهم از دشمن و پس از سه ماه شناسایی، قرارگاه مقدم غرب سپاه و ارتش نخستین عملیات نیمه گسترده را در این منطقه در قالب طرح عملیاتی محسن طرح‌ریزی کردند که یکی از اولین تجربه‌های بزرگ همکاری مشترک سپاه و ارتش در سایه بی‌اعتمادی روزافزون به شخص بنی‌صدر بود که با نام عملیات بازی دراز در بامداد ۱۳۶۰/۲/۲ در ۴ محور و در منطقه عملیاتی بازی دراز به وسعت ۳۰ کیلومترمربع آغاز شد و ۷ روز به طول انجامید و طی آن نیروهای خودی و دشمن بارها به تک و پاتک متقابل پرداختند. دشمن با استفاده از پشتیبانی هوایی و جاده‌های مواصلاتی، یگان‌های خود را حمایت می‌کرد؛ اما رزمندگان از جاده و حمایت هوایی کافی و پشتیبانی آتش محروم بودند، در نتیجه نتوانستند روی تمام هدف‌ها مستقر شوند و علیرغم آزادسازی قتل جنوبی بازی دراز شامل ۱۰۵۰، ۱۱۰۰ گچی و شش قله دیگر (از ۶۷۵ تا ۷۹۵ متر) در تثبیت قله ۱۱۵۰ (تلاش اصلی) و قله ۱۱۰۰ شمالی ناکام ماندند. عدم آزادسازی بخش شمالی بازی دراز باعث شد تا نیروهای ایران برای کاهش تلفات از بخشی از غرب دشت ذهاب عقب‌نشینی کنند. سروان حسین ادبیان فرمانده گردان مالک اشتر که در مهر بحران سقز در سال ۱۳۵۸ نقش مهمی ایفا نموده بود پس از بال برد و فرود شجاعانه در بین قله ۱۱۵۰ و ۱۱۰۰ شمالی به شهادت رسید. در این عملیات هوانیروز ارتش نیز نقش به سزایی ایفا کرد که در طی آن خلبان دلاور علی‌اکبر شیروودی به شهادت رسید. در ادامه

عملیات‌های محدود سال ۱۳۶۰ و به منظور تکمیل اهداف عملیات بازی دراز، این منطقه بار دیگر مورد بررسی قرار گرفت و قرارگاه مقدم سپاه و ارتش در غرب؛ اجرای عملیات بازی دراز ۲ را در قالب طرح عملیاتی با نام شهید ادیبان، در دستور کار خود قرارداد و منطقه وسیع‌تری شامل ارتفاعات قراویز، بنه دستک و کوره موش را به محدوده عملیات افزود تا امکان مانور احاطه‌ای برای تسهیل در آزادسازی مرتفع‌ترین قله بازی دراز ممکن شود. این عملیات با شرکت یگان‌های سپاه پاسداران و تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی ارتش در ۱۱ شهریور ۱۳۶۰ در سه محور به اجرا درآمد. اهداف عملیات در محور شمالی، ارتفاعات کوره موش و در محور میانی ارتفاعات بنه دستک و قراویز و در محور جنوبی قله‌های ۱۱۵۰ و ۱۱۰۰ بود. عملیات پس از پنج روز ادامه داشت و در این مدت بخشی از کوره موش و چند قله قراویز آزاد شد و ارتفاع ۱۱۵۰ چند بار دست به دست شد اما دشمن با ۱۴ بار پاتک سنگین مانع از تثبیت منطقه شد و در نتیجه نیروها به مواضع قبلی بازگشتند. این ارتفاعات در پی عقب‌نشینی دشمن پس از فتح خرمشهر آزاد شد. آزادسازی ارتفاعات راهبردی و بسیار مهم بازی دراز به سنبلی از شهادت و اقتدار رزمندگان اسلام در جبهه غرب تبدیل شد آن گونه که شهید دکتر بهشتی در وصف این مجاهدت می‌گوید: «عرفان واقعی خانقاهش بازی دراز است».

♦ اسرای عملیات بازی دراز







♦ سمت راست برادر حسین همدانی
فرمانده جبهه سرپل ذهاب

شهرک المهدی (عج)

شهرک المهدی (عج) که به شهرک قره‌بلاغ نیز معروف است در سه کیلومتری غرب سرپل ذهاب و در مجاورت چهارراه قره‌بلاغ و جنوب جاده سرپل ذهاب - قصرشیرین قرار دارد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۷ تا ۱۳۵۲ که رژیم عراق اقدام به اخراج ایرانی‌الاصل‌های مقیم عراق نمود، توسط وزارت کشور وقت، چهار شهرک قره‌بلاغ (سرپل ذهاب)، سرابله (جاده کرمانشاه - سنندج)، کرند غرب و هوانیروز (جاده کرمانشاه - بیستون) در مسیر مرز کرمانشاه - خسروی جهت اسکان معاودین ساخته شد که پس از ختم ماجرای معاودین عملاً بلااستفاده ماند. لذا در سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ این شهرک‌ها به کارکنان و درجه‌داران لشکر ۸۱ کرمانشاه واگذار شد. با شروع جنگ خانواده‌های ساکن در این شهرک که محل خانه‌های سازمانی تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه بود مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. با ورود یگان‌های لشکر ۶ زرهی سپاه دوم دشمن به دروازه ورودی سرپل ذهاب در ۱۳۵۹/۷/۲ رزمندگانی متشکل از گردان مالک اشتر تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه به فرماندهی شهید سروان حسین ادیبان و نیروهایی



از سپاه همدان به فرماندهی حسین همدانی و نیروهای گروه فداییان امام و شیرمردان هوانیروز که جمعاً در حدود ۱۵۰ نفر بودند با ایجاد خط پدافندی در این شهرک (به نام المهدی ^(ع) تغییر نام داد)، چهارراه قره‌بلاغ، حاشیه رود الوند و تپه موسوم به تخم‌مرغی در برابر هجوم تانک‌های دشمن مقاومت سرسختانه‌ای نمودند که منجر به ممانعت از سقوط سرپل ذهاب و گردنه حساس پاتاق شد و دشمن به ناچار از این مناطق به سمت ارتفاعات قراویز عقب‌نشینی نمود. نیروهای اشغالگر تا ۱۲ مهرماه چندین مرتبه به قصد تصرف و اشغال شهر سرپل‌ذهاب با پشتیبانی همه‌جانبه توپخانه و خمپاره‌انداز و در پناه تانک‌ها و زره‌پوش‌ها اقدام به عملیات نظامی نمود اما هر بار ایستادگی و پایمردی جانانه مدافعان شهرک المهدی ^(ع) که با کمترین امکانات می‌جنگیدند، ناچار به عقب‌نشینی شد و سعی نمود تا از طریق ارتفاعات قراویز و بازی‌دراز، شهر سرپل‌ذهاب و دشت‌های قلعه‌شاهین و پاتاق را زیر دید و تیر مستقیم خود قراردهد که این امر تا تیرماه سال ۱۳۶۱ ادامه داشت و خسارات فراوانی بر اماکن مسکونی، باغات و کشتزارهای مردم منطقه وارد نمود. اکنون خانه‌ها، ادوات منهدم شده و تانک‌های بزرگ آب که هنوز آثار گلوله‌های دشمن بر روی آن‌ها باقی است در این شهرک خودنمایی می‌کند و حکایت از نبردی سنگین در اطراف این شهرک دارد.

♦ شهید علی صیاد شیرازی و شهید محمود خضایی در کنار برادر حسین همدانی فرمانده جبهه سرپل ذهاب





منطقه عملیاتی پاتاق - ریجاب

تصرف تنگ پاتاق از مهم‌ترین هدف‌های عراق در جبهه میانی بود و دستیابی ارتش عراق به آن برای پدافند از مناطقی که در این جبهه اشغال کرده بود، اهمیت زیادی داشت. توقف ماشین جنگی عراق در دشت ذهاب و ارتفاعات گاومیشان از یک سو و حضور گروه‌های ضدانقلاب در این منطقه از سویی دیگر، تنگ پاتاق را ناامن کرده بود. لذا نیروهای سپاه پاسداران برای برقراری امنیت این منطقه اقدام به تأمین و پاک‌سازی تنگ پاتاق



۱۲۴

و ارتفاعات شمالی آن کردند. این عملیات در ۱۳۵۹/۷/۷ در سه مرحله اجرا شد و تا ۱۳۵۹/۷/۲۵ ادامه یافت. در آغاز شمال پاتاق تا ریجاب از عناصر ضدانقلاب پاک‌سازی شد. در مرحله دوم رزمندگان بیشتری وارد عمل شدند و تا ارتفاعات دالاهو را پاک‌سازی کردند. در آخرین مرحله با ایجاد خطوط پدافندی در چناره و گاره، امنیت لازم در شمال پاتاق برقرار شد. بدین ترتیب پاتاق و سرپل ذهاب از نفوذ ضدانقلاب در امان ماند و نیروهای خودی به خطوط پدافندی عراق نزدیک‌تر شدند و تهدید ارتش عراق برای دستیابی به پاتاق را کاهش دادند.



♦ شهید سعید گلاب بخش (محسن چریک) از مسئولین آموزشی نهضت‌های سپاه در لبنان

منطقه عملیاتی شهید گلاب‌بخش

روستای افشارآباد در انتهای دامنه غربی ارتفاعات دانه خشک در ۶ کیلومتری جنوب سرپل ذهاب قرار دارد. این روستا و ارتفاع ۹۷۰ دانه خشک هنگام اشغال ارتفاعات بازی‌دراز توسط دشمن اشغال شدند و از این طریق شهر سرپل‌ذهاب و پادگان ابوذر را به شکل نعل اسبی در دید و تیر خود داشتند. در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۷ تعدادی از نیروهای سپاه منطقه ۱۰ تهران به فرماندهی سعید گلاب‌بخش (از مسئولین آموزش نهضت‌های سپاه) معروف به محسن چریک عملیات محدودی را با پشتیبانی تیپ ۵۵ هوابرد ارتش جهت آزادسازی این روستا و ارتفاعات مشرف بر آن در سه محور دانه خشک، سرآب گرم و دشت دیره انجام دادند تا پیشروی نیروها به سمت ارتفاعات بازی‌دراز تسهیل شود؛ اما این عملیات محدود که بعدها به نبرد اول بازی‌دراز مشهور شد با شکست مواجه شد و در نتیجه محسن چریک و تعداد زیادی از نیروهایش به شهادت رسیدند.

پس از این عملیات شهید دکتر بهشتی با حضور روحیه‌بخش خود در جمع رزمندگان سرپل‌ذهاب گفت: «ما نباید این همه انتقاد کنیم بلکه باید بکوشیم تا از تجربه این نبردها درس بگیریم و با استفاده از همین درس‌ها در عملیات بعدی انتقام خون شهدای عزیزمان را بگیریم».



♦ شهید علیرضا فتحنائی

♦ روحانی شهید شیخ محمود غفاری دیده بان بازی دراز

غار شهید فتحنائی

غار ی است در دامنه شمالی قله ۱۰۰۸ بازی دراز که در حالی که دشمن قله آن را در اشغال داشت نیروهای خودی چندین ماه پنهان از چشم دشمن در آن مستقر بودند و شناسایی و دیدبانی می کردند. حکایت زندگی پر مشقت رزمندگان اسلام در طول زمستان ۱۳۵۹ در این غار نمود به بیان و قلم قابل توصیف نیست.

شهید علی رضا فتحنائی مربی اسلحه در پادگان امام حسین^(ع) تهران از جمله برادرانی بود که به عنوان مسئول اطلاعات و عملیات گردان به مدت سه ماه در این غار به طور پنهانی به سر می برد تا آنکه پس از شهادت ایشان در ۸ خرداد ۱۳۶۰، نام شهید فتحنائی بر آن نهاده شد. این غار در جریان عملیات بازی دراز محلی برای پشتیبانی و تدارکات رزمندگان بود. شهید شیخ محمود غفاری روحانی و دیدبان معروف بازی دراز نیز در شهریور ۱۳۶۰ در قله ۱۱۵۰ به شهادت رسید.





♦ شهید حاجی بابا پشت فرمان جیپ توپ ۱۰۶

مزار شهید حاجی بابا (تپه عظیمه)

روستای تپه عظیمه در ۵ کیلومتری جنوب غربی شهر سرپل ذهاب و ۳ کیلومتری غرب سراب گرم و در کنار روستای مشکنار و در مسیر پادگان ابوذر قرار دارد. در روستا و کنار جاده اصلی مزاری با نرده‌های سبز رنگ قرار دارد که مزار دومین فرمانده عملیات سپاه غرب شهید محسن حاجی بابا است که اکنون به محلی برای تجدید پیمان با شهدای کرمانشاه تبدیل شده است. هنگامی که شهید حاجی بابا و همراهانش با جیپ بر روی جاده سرپل ذهاب به سمت ازگله می‌رفتند از آنجایی که ارتفاعات بَمو که مشرف به جاده بوده دست نیروهای عراقی بوده، جیپ را با گلوله توپ مورد هدف قرار می‌دهند که آتش می‌گیرد و وی و همراهانش شهید پشندی و شهید احمد بیابانی در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۶۱ به شهادت می‌رسند. وقتی می‌خواستند پیکر سوخته وی را که از روی انگشترش شناسایی شده بود، به عقب بفرستند؛ قسمتی از پیکر مطهرش در ماشین باقی می‌ماند که موقع انتقال ماشین آن را پیدا کرده و در روستای تپه عظیمه به خاک می‌سپارند. با اینکه پیکر وی در قطعه ۲۶ بهشت زهرای تهران به خاک سپرده شده است اما وی شهیدی لقب گرفته است که دو مزار دارد.

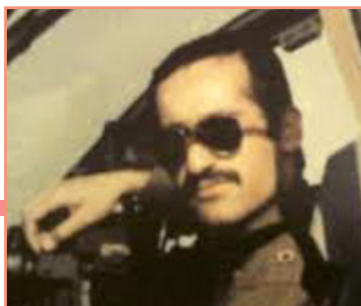
شهید احمد بیابانی که از لوطی‌های شهرری بود و بدنش پر از خال کوبی بود از خدا می‌خواست طوری شهید شود که روی سنگ غسل‌خانه خال کوبی‌های بدنش معلوم نباشد و آن شد که دعایش مستجاب شد و پیکرش سوخت و تکه تکه شد.



♦ شهید احمد بیابانی در کنار
آیت الله سید علی خامنه‌ای



♦ شهید خلبان سعدالله داورزاده



♦ شهید خلبان حمیدرضا سهیلیان

منطقه عملیاتی سید صادق و کلینه

منطقه عملیاتی سید صادق و کلینه در شش کیلومتری شمال سرپل ذهاب و در حد فاصل دامنه ارتفاعات شاه‌نشین و کوره موش قرار دارد. ارتش عراق پس از تجاوز به مرزهای ایران اسلامی، با تعدادی از یگان‌های خود به طرف شمال منطقه دشت ذهاب گسترش یافت که با توجه به عدم وجود هرگونه نیروی بازدارنده قوی و مناسب خودی که بتواند پیشروی آن‌ها را سد کند، تعدادی از روستاهای منطقه و عوارض حساسی در دشت ذهاب مانند آبادی‌های سیدصادق، کلینه، کوئیکی و ارتفاع حساس کوره‌موش را تصرف کرده و خود را به نزدیکی دامنه غربی ارتفاعات معروف دالاهو رساندند و در آنجا به طور موقت وضعیت پدافندی ایجاد کردند که تهدیدی برای سرپل ذهاب محسوب می‌شد. لذا در نخستین اقدام ارتش عملیات‌های محدود کوره موش در ۱۳۵۹/۷/۲۱ و سید صادق-کلینه را در ۱۳۵۹/۹/۲۸ به طور مستقل اجرا نمود که نتیجه‌ای در پی نداشت.

در نهایت با تکیه بر تجارب قبلی، سپاه پاسداران با مشارکت یگان‌هایی از تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه و پشتیبانی هوانیروز با هدف بازپس‌گیری ارتفاعات کوره موش، کلینه و سیدصادق عملیاتی را به نام کلینه و سید صادق طراحی و



اجرا کردند تا کنترل محورهای مواصلاتی سرپل ذهاب- سیدصادق- کویکی و دشت ذهاب تا منطقه گرده‌نو واقع در نوار مرزی در اختیار نیروهای خودی قرار گیرد. لذا در ۱۳۵۹/۱۲/۱۵ عملیاتی محدود سید صادق و کلینه توسط یک گردان پیاده سپاه و یک دسته تانک از گردان ۸۱۱ تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی ارتش آغاز شد و رزمندگان با هجوم به مواضع دشمن در مدت ۴ ساعت روستاهای سید صادق و کلینه و ارتفاع ۵۷۷ را آزاد نمودند.

خلبان حمیدرضا سهیلیان که در روزهای نخست جنگ دوشادوش شهید شیروودی در دفاع از سرپل ذهاب شجاعانه جنگیده بود به همراه خلبان سعدالله داورزاده در عملیات کوره موش در ۲۱/ ۱۳۵۹/۷ بالگردشان مورد اصابت قرار گرفت و به شهادت رسیدند.



◆ لحظه شهادت شهید شیرودی در زرین جوب

یادمان شهید شیرودی (زرین جوب)

این روستا در ۵ کیلومتری شمال غربی شهر سرپل ذهاب قرار دارد و محل شهادت علی اکبر شیرودی یکی از خلبانان دلاور هوانیروز است؛ که در جریان عملیات بازی دراز در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۰ در این منطقه به شهادت رسید. شهید شیرودی در دوران مبارزات انقلاب اعلامیه‌های امام خمینی^(ع) را در کرمانشاه پخش می‌کرد و در آستانه پیروزی انقلاب مسئولیت حفاظت از کرمانشاه به خصوص رادیو و تلویزیون و ادارات مهم دولتی را بر عهده گرفت و در غائله کردستان داوطلبانه به این منطقه شتافت و در مقابل گروه‌های ضدانقلاب به مبارزه پرداخت و نقش تعیین کننده‌ای در آزادسازی شهر پاره ایفا نمود. با شروع جنگ و در مدت هفت ماه به دلیل لیاقت و شجاعت به دستور فرماندهی هوانیروز از درجه ستوان یاری به درجه سروانی ارتقاء یافت. آخرین عملیات پروازی خلبان شیرودی در عملیات بازی دراز صورت گرفت و بعد از آنکه چهارمین تانک دشمن را هدف قرار داد



بر اثر اصابت گلوله تانک دشمن به شهادت رسید و در روستای شیروود تنکابن به خاک سپرده شد. حضرت آیت الله خامنه‌ای از وی به عنوان اولین نظامی که در نماز به او اقتدا کرده است، یاد می‌کند و شهید مصطفی چمران او را ستاره درخشان جنگ‌های کردستان نامیده است و مرحوم سرلشکر فلاحی، رئیس ستاد مشترک وقت ارتش درباره وی می‌گوید: «او ناجی غرب و فاتح گردنه‌ها و ارتفاعات آریا، بازی دراز، میمک، دشت ذهاب و پادگان ابوذر بود. او غیرممکن‌ها را ممکن ساخت. کسی بود که وقتی خبر شهادتش را به امام خمینی دادم، امام در مورد وی فرمود: او آرمزیده است». به پاس رشادت‌های این شهید اکنون یادمانی در تپه روستای زرین‌جوب در حال احداث است.

شهرستان
سرلشکر

۱۳۱





♦ پاسگاه مرزی ایران در ارتفاعات آهنگران

منطقه عملیاتی امام مهدی^(عج)

منطقه عملیاتی امام مهدی^(عج) در غرب دشت ذهاب و در دامنه ارتفاعات آهنگران و تنگ حمام قرار دارد. نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی برای آزادسازی ارتفاعات آهنگران و تپه ۶۵۴ عملیات محدود امام مهدی^(عج) را طراحی کرد که در ۱۳۶۶/۱۲/۳۰ با رمز یا مهدی ادرکنی به اجرا درآمد. در این عملیات رزمندگان تیپ یکم لشکر ۸۱ زرهی و تیپ‌های ۳۵ و ۴۵ تکاور به دشمن حمله کردند. عملیات بر اساس رعایت اصل غافلگیری و عملیات شبانه بود اما تک نیروهای خودی در همان ساعات اولیه لو رفته بود. لیکن با وجود شکستن خطوط دفاعی دشمن، موفق به تصرف اهداف نشدند و پس از تحمیل تلفات به دشمن، به مواضع قبلی بازگشتند.

این عملیات آخرین عملیات آفندی شهرستان سرپل ذهاب محسوب می‌شود. سرهنگ محمدرضا نیکخواه که در این عملیات جانشین تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه بود، اندکی بعد هم‌زمان با عملیات مرصاد در تپه تلویزیون قصرشیرین به صورت تانک به تانک به همراه سروان رفعت وارد درگیری شد و بر اثر اصابت گلوله تانک، هر دو به فیض شهادت نائل آمدند و هم اکنون نیز تپه تلویزیون قصرشیرین مزین به نام این امیران سرافراز ارتش جمهوری اسلامی ایران است.



کوه بيشگان

وره تو

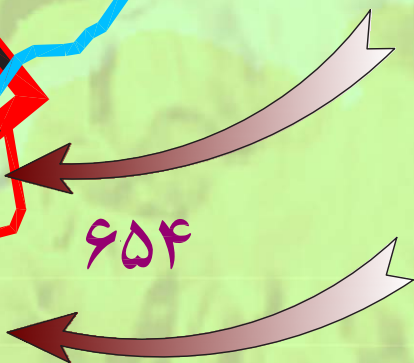
۶۴۶

۵۴۶

باباهادی

۶۵۴

۵۴۲





شهرستان
جوانرود

فوری قلعه

جوانرود

تازه آباد

روانسر

شهرستان
روانسر

حسن آباد

کوزران

شهرستان دالاهو

سرخ

دالاهو

شیلوفر

گهواره

کرند

ماهیدشت

مرصاد

تنگ چهارزیر

تنگ حسن آباد

اسلام آباد غرب

یادگان الله اکبر

کارخانه قند

بیمارستان
امام خمینی

فرودگاه اضطراری

سر مست

شهرستان
گیلان

شهرستان

اسلام آباد غرب

حمیل

قلاجیه

قلاجیه

زرنه

آسمان آباد

ایوان غرب



شهرستان ثلاث باباجانی

دشت ذهاب
شهرستان سرپل ذهاب

سرپل
ذهاب

مشهد
شیرود
کلیه
کوره مو
کل داود
تیمه عظیمه
مزار شهید حاجی بابا
سبزه راه
شهادت
شمار دیوره
پادگان ابوذر
ریجاب
پاتاق
شاه دیزه
بادگان (ص)

گیلان غرب

تیمه قلاغ
حضرت رسول

کاسه گران

شهرستان ثلاث باباجانی



شهرستان ثلاث باباجانی

شهرستان ثلاث باباجانی به مرکزیت شهر تازه آباد از شمال به شهرستان جوانرود، از جنوب به شهرستان سرپل ذهاب و دالاهو، از شرق به شهرستان روانسر و از غرب با کشور عراق، ۷۵ کیلومتر مرز مشترک دارد. ثلاث باباجانی بر اساس قانون تقسیمات کشوری دارای دو بخش مرکزی و ازگله، ۶ دهستان و دو شهر تازه آباد و ازگله است و تا سال ۱۳۸۱ یکی از بخش‌های شهرستان جوانرود بود که با افزوده شدن دو دهستان سرقله و جیگران (از دهستان‌های سرپل ذهاب) به آن، به شهرستان ارتقاء یافت. رود زیمکان و آب زرشک از دامنه‌های کوه‌های شاهان و دالاهو سرچشمه می‌گیرند و پس از سیراب کردن اراضی شهرستان‌های سرپل ذهاب و ثلاث باباجانی، در خاک عراق به رودخانه سیروان می‌پیوندند. بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ شهرستان ثلاث باباجانی با ۱۹۲۰ کیلومترمربع وسعت، ۳۸۴۷۵ نفر جمعیت دارد که اغلب شافعی مذهب هستند. شهرستان ثلاث باباجانی منطقه‌ای نیمه کوهستانی، با آب و هوای معتدل و نیمه خشک است که منظره‌های بسیار دیدنی نظیر گردنه سیاتایر، سراوژه، یک شبی و چشمه ریزه دارد. از کوه‌های مهم شهرستان ثلاث باباجانی می‌توان به ساراون، بَمو و دالاهو اشاره کرد. وجود بازار مرزی شیخ صله و تپله کوه در این شهرستان

نقش به‌سزایی در اقتصاد شهرستان داشته است. بیشتر اهالی ثلاث باباجانی از طایفه باباجانی ایل جاف هستند که ظاهراً در زمان هجوم امیر تیمور گورکانی از سلیمانیه به این سوی رودخانه سیروان انتقال یافتند. این ایل به دو شعبه جاف مرادی که در نواحی سلیمانیه و شهرزور (سیدصادق امروزی) مستقر بودند و دیگری جاف جوانرودی که در نواحی جوانرود سکنا داشتند، تقسیم می‌شدند و در نواحی میان سلیمانیه و جوانرود بیلاق و قشلاق می‌کردند. در دوره قاجاریه بر سر تابعیت این ایل میان دو دولت بحث‌هایی وجود داشت که در نتیجه، دو دولت، به طایفه‌های این ایل، اختیار دادند که به دلخواه تابعیت یکی از دو دولت را بپذیرند و افراد ایل جاف نیز سال‌ها از این وضعیت به نفع خود بهره می‌بردند و از تعهدات خود نسبت به دولت ایران و عثمانی شانه خالی می‌کردند. باباجانی‌ها در اواخر دوره قاجاریه به همراه طایفه‌های ولدبیگی و قبادی از دیگر طوایف ایل جاف در منطقه‌ای ساکن شدند که به واسطه اسکان آن سه طایفه ثلاث نام گرفت و بعدها «ثلاث باباجانی» خوانده شد. از مناطق حماسی شاخص این شهرستان می‌توان به بمو، ازگله و شیخ صله اشاره نمود. قبل از آغاز رسمی جنگ پاسگاه‌های مرزی این شهرستان زیر آتش شدید دشمن قرار گرفت و با هجوم سراسری دشمن لشکر ۸ پیاده ارتش عراق با اشغال بخش‌های غربی این شهرستان به سمت سرپل‌ذهاب و ازگله پیشروی کرد و نهایتاً تا عقب‌نشینی سراسری ۱۳۶۱، ازگله را همچنان در اشغال خود داشت. در پایان جنگ لشکر ۱۶ ارتش عراق به همراه نیروهای منافقین با اشغال ازگله و عبور از این شهرستان وارد سرپل‌ذهاب شدند.

♦ بیش‌مرگان کرد در منطقه





♦ تظاهرات عیله بی حجابی در تازه آباد شهرک شهید آشنایی مقر
تیپ انصار الرسول (ص) در ۳ مرداد ماه ۱۳۶۳

تازه‌آباد

شهر تازه‌آباد مرکز شهرستان ثلاث باباجانی است و در بخش مرکزی آن و در مسیر راه شیخ صله - قلقله - جوانرود قرار دارد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۱۵۰ متر و فاصله آن از شهر جوانرود، حدود ۵۶ کیلومتر است. جمعیت تازه‌آباد بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰، حدود ۱۲ هزار نفر است. این شهر در ابتدا روستا بود و از سال ۱۳۶۴ که ساخت مسکن برای آوارگان جنگ ایران و عراق آغاز شد، تازه‌آباد گسترش یافت و پس از فزونی جمعیت، این روستا در آذر ۱۳۷۲ به شهر تبدیل شد. تازه‌آباد قبل از آن قلعه سلیمان خان نام داشت و سلیمان خان از حاکمان قلخانی بود که در دشت حر و در جایی در حدود مرکز شهر (یعنی اطراف محل قدیم سپاه - تیپ انصار الرسول) صاحب قلعه بود اما بعد از آمدن باباجانی‌ها به آنجا، نام قلعه سلیمان خان از روی منطقه برداشته شد و نام تازه‌آباد جایگزین آن شد.

سعید مهتدی جعفری با آغاز غائله کردستان به این منطقه آمد و فرماندهی عملیات سپاه جوانرود و فرماندهی منطقه تازه‌آباد را بر عهده گرفت و با سازماندهی نیروهای مردمی و درگیری با ضد انقلاب برای جلوگیری از سقوط شهرستان ثلاث باباجانی تلاش فراوانی نمود. وی در ۱۳۸۴/۱۰/۱۹ در سانحه پرواز ارومیه همراه با تعدادی از فرماندهان سپاه به شهادت رسید. شهید مهدی آشنایی میرکوهی نیز از فرماندهان شاخص این شهر است که شهرکی نیز به نام ایشان در تازه‌آباد ساخته شده است. به‌طور کلی شهر تازه‌آباد در طول جنگ تحمیلی به عنوان پایگاه امن نظامی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

شهرستان
ثلاث باباجانی



ازگله

شهر مرزی ازگله مرکز بخش ازگله شهرستان ثلاث باباجانی است که در ۴۰ کیلومتری غرب تازه آباد و در شرق ارتفاعات بمو قرار دارد و با مرز ایران و عراق تنها ۶ کیلومتر فاصله دارد. قبل از انقلاب بخش ازگله از جمله بخش‌های تابعه شهرستان پاره و مرکز آن روستای ازگله بود که با آغاز جنگ ایران و عراق به‌طور کامل تخریب شد و ساکنان آن به شهرهای کرمانشاه، سرپل ذهاب، جوانرود و غیره مهاجرت کردند و در نتیجه مرکزیت بخش ازگله به روستای میرآباد که مرکز دهستان زمکان است منتقل شود و بخش‌داری و ادارات دولتی به دلیل شرایط جنگی در میرآباد مستقر بودند. این وضع تا سال ۱۳۶۳ ادامه یافت تا آن که مرکزیت بخش مذکور به روستای تازه‌آباد منتقل و تحت عنوان بخش ثلاث باباجانی تغییر نام داد و به عنوان یکی از بخش‌های شهرستان جوانرود مطرح شد تا اینکه در سال ۱۳۸۱ بر اساس مصوبه هیئت وزیران، ثلاث باباجانی به شهرستان ارتقاء یافت.

از روزهای دوم و سوم مرداد ۱۳۵۹ ارتش عراق تمام پایگاه‌های مرزی قصرشیرین از باووسی تا ازگله را زیر آتش شدید خود قرار داد و در روز ۱۳ مرداد ۱۳۵۹ نیز پاسداران و نیروهای ارتش در منطقه ازگله با تانک‌های دشمن درگیر شدند که در نتیجه این درگیری چند تانک دشمن منهدم شد. با هجوم سراسری دشمن لشکر ۸ پیاده ارتش عراق در نخستین روز حمله با ورود به شهرستان ثلاث باباجانی پاسگاه مرزی باووسی را اشغال نمود و از دو محور به سمت سرپل ذهاب و ازگله پیشروی کرد و در نهایت ازگله را اشغال نمود. این منطقه تا عقب‌نشینی سراسری دشمن در سال ۱۳۶۱ در اشغال بود. تا پایان جنگ عناصر ضدانقلاب گهگاه با عبور از مرز باووسی با نیروهای مستقر در ازگله درگیر می‌شدند که نمونه بارز آن در ۱۳۶۷/۷/۱۵ اتفاق افتاد که با پاسخ کوبنده رزمندگان همراه شد. در هجوم مجدد سراسری دشمن در پایان جنگ، لشکر ۱۶ ارتش بعث عراق با عبور از ازگله به همراه نیروهای منافقین وارد سرپل ذهاب شد.





♦ نمای کوه بمو از دره شهدا، جاده‌ای که در تصویر معلوم است مدتی محل تویخانه نیروهای خودی بود است

بمو

ارتفاعات بمو (بمبو) که جزء زاگرس چین خورده محسوب می‌شود به صورت نواری از شمال به جنوب زاگرس در غرب ازگله و شمال پاسگاه و تنگ باویسی در طول خط مرز ایران و عراق به طول ۱۲ کیلومتر امتداد دارد و بلندترین قله آن ۱۸۴۲ متر ارتفاع دارد و روستایی به نام بمو حاجی حسن در جوار آن قرار دارد.

این ارتفاعات حساس که بر عمق خاک عراق و ایران دید و تیر دارد در ابتدای جنگ اشغال شد.

شهرستان
تلاش باجانی

۱۴۱





♦ مقام معظم رهبری در جبهه‌های کرمانشاه- شهید پیچک و شهید حدادعادل به ترتیب در سمت راست ایشان حضور دارند

پاسگاه و تنگ باویسی

پاسگاه مرزی و تنگ باویسی در ۱۵ کیلومتری غرب ازگله و در میان ارتفاعات بמו و شاخ شوالدری و در کنار روستایی با همین نام قرار دارد و رود فصلی کوزه‌رود در آن جاری است.

قبل از آغاز جنگ و در مردادماه ۱۳۵۹ این پاسگاه به همراه پاسگاه‌های تنگ‌هوان، تپله‌کوه و گرده‌نو زیر آتش سنگین توپخانه ارتش عراق خود قرار داشتند که این درگیری‌ها در روزهای اول تا سوم شهریورماه ۱۳۵۹ در این منطقه و پاسگاه تپله‌کوه و تنگ ترشابه شدت گرفت و دشمن قصد داشت تا ضمن پیشروی در عمق خاک کشورمان این مناطق مرزی را تصرف نماید که با مقاومت نیروهای مستقر در این مناطق همراه شد.

نهایتاً در ۱۳۵۹/۶/۱۱ ارتش بعث عراق چند کیلومترمربع از منطقه باویسی ایران را اشغال کرد. این تنگه به عنوان یکی از معابر حساس وصولی به خاک ایران از اهمیت زیادی برخوردار بود و در طول جنگ خط حد جبهه میانی و جبهه شمالی جنگ محسوب می‌شد.



تيله کوه

تيله کوه با ابعاد ۲ در ۶ كيلومتر و حداکثر ارتفاع ۷۴۷ متر در جنوب تنگ باويسي و شمال تنگ هوان قرار دارد و تنگ تيله کوه (سرتنگ) آن را از ارتفاع شاخ شوالدری متمایز می‌سازد. این کوه بر تنگ هوان و تنگ تيله کوه در خاک ایران و همچنین عمق خاک عراق دید و تیر خوبی دارد. لذا در طول جنگ در اختیار داشتن این ارتفاعات آسیب‌پذیری نیروهای ارتش بعث عراق را در عمق مرزهایش افزایش می‌داد و از طرفی دشمن از طریق محور پاسگاه تيله کوه به دشت ذهاب می‌توانست ضمن تصرف سرپل ذهاب، قصرشیرین را محاصره نماید. قبل از شروع جنگ رزمندگان همدانی به فرماندهی برادر سعید طایفه نوروزی به درخواست سروان غلامرضا آذربون فرمانده ارتشی سپاه قصرشیرین و سرپل ذهاب در پاسگاه تيله کوه و هوان مستقر شدند که با محاصره این پاسگاه‌ها در هجوم سراسری دشمن تعدادی از آنها از جمله برادر نوروزی و دو نفر دیگر از شورای فرماندهی سپاه همدان تا پایان جنگ به اسارت دشمن درآمدند. عملیات ایذایی سرتنگ در ۱۳۶۴/۱۰/۲۵ توسط تیپ ۵۷ ابوالفضل^(۴) باهدف تضعیف قوای دشمن که قوای نظامی چشمگیری را در بین تنگه‌های ارتفاعات منطقه مستقر کرده بود؛ در تنگه بین ارتفاع بمو و شاخ شیک از طریق تيله کوه و سرتنگ به اجرا درآوردند و ضمن انهدام بخشی از قوای دشمن تا قبل از طلوع صبح به مواضع قبلی بازگشتند. اکنون در بازارچه مرزی تيله کوه، تجارت کوله‌بری در میان اهالی رواج یافته است.



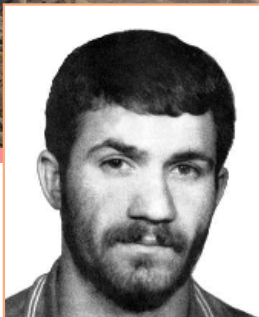
♦ دره شهدای دشت ذهاب

تپه و دره شهدای دشت ذهاب

تپه و دره شهدای اطلاعات و عملیات دشت ذهاب در شرق ازگله قرار دارد و سنگرها و کانال‌های آن که محل استقرار نیروهای اطلاعات عملیات سپاه است از زمان جنگ دست‌نخورده باقی مانده است و رزمندگان زیادی در این تپه و دره آن در حین شناسایی منطقه و ارتفاعات بمو که در ۵ کیلومتری آن قرار دارد به شهادت رسیدند. در زمان جنگ از آنجا که جاده در این دره وضعیت خاصی دارد که سرعت را به شدت کاهش می‌داد لذا منافقین از این وضعیت جاده سوءاستفاده می‌کردند و با پنهان شدن پشت درختان و بوته‌ها، رزمندگان را به شهادت می‌رساندند. این امر در زمان جنگ تا آنجا پیش رفت که تردد ماشین‌های نظامی در شب به طور کلی ممنوع شد و نیروهای رزمنده در روز فقط با وجود محافظ و آن هم به‌صورت کاروان از این منطقه عبور می‌کردند.

♦ دره شهدا





♦ شهید مجید خدمت
(معروف به مجید سوزوکی)

شیخ صله

روستا و پاسگاه مرزی شیخ صله در دامنه شالی ارتفاعات سرپهن در ۳۵ کیلومتری شمال غربی تازه‌آباد و ۵ کیلومتری مرز ایران و عراق قرار دارد و رود کردی قاسمان در ۲ کیلومتری شمال این منطقه به رود زیمکان می‌پیوندد. این منطقه در جریان عملیات والفجر ۱۰ و بیت المقدس ۴ یکی از محورهای مهم عملیاتی رزمندگان خصوصاً گردان حمزه و مقداد لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) سپاه بود. تیپ نبی اکرم (ص) سپاه کرمانشاه اکنون این مناطق آلوده به مین را برای تردد اهالی منطقه و احیای بازارچه مرزی آن پاک‌سازی نموده است. مجید خدمت معروف به مجید سوزوکی که پس از آغاز جنگ از تهران راهی مناطق عملیاتی غرب شده بود، در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۷ در این منطقه به شهادت رسید.

♦ رزمندگان گردان مقداد در شیخ صله





♦ محدوده درمانگاه صحرایی شیخ صله

درمانگاه صحرایی شیخ صله (رجبی)

درمانگاه صحرایی شیخ صله (رجبی) در سال ۱۳۶۴ در کنار روستای شیخ صله و در زیرزمین ساخته شد و دو باند فرود بالگرد جهت انتقال و درمان موقت مجروحین داشت و بالگردهای هوانیروز، جابجایی مجروحین و مصدومین شیمیایی را به این درمانگاه بر عهده داشتند. این درمانگاه در عملیات‌های والفجر ۱۰، بیت المقدس ۴ و اقدامات آفندی و پدافندی شاخ شمیران، بمو، بیزل و بیمارک خدمات ارزنده و فراموش نشدنی را به رزمندگان ارائه کرد تا جایی که رژیم بعث چندین بار درصدد از بین بردن این سازه مهندسی که در زیر کوه قرار داشت برآمد، اما هیچ‌گاه موفق نشد و این درمانگاه آسیب چندانی ندید.





♦ گلوله‌های برجای مانده در اطراف در مانگاه



شهرستان
تلاش‌باجانی

۱۴۷





سليمان
فقيه

استان کردستان

سربتاو

مرواريد

كامياران

روانسر

شهرستان
روانسر

حسن آباد

كوزران

شهرستان
كرمانشاه

سراب فلوچه

كنش

شهدای گنم

طاق بستان

ن امام خمینی (ره)

كرمانشاه

مرکز فرهنگی

دفاع مقدس

يادبود زن قهرمان

ماهيدشت

تنگ چهارزبر

مرصاد

اسلام آباد

تنگ حسن آباد

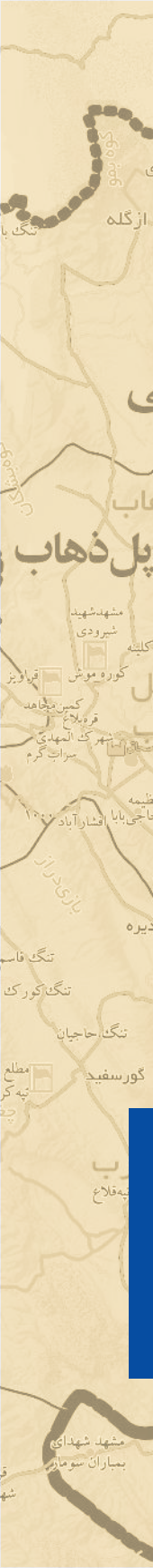
بیمار
امام
فروغ

شهرستان

اسلام آباد غرب

هلشی

حمیل



شهرستان جوانرود





شهرستان جوارود

جوارود

تازه آباد

روانسر

شهرستان روانسر

شهرستان دالاهو

کرند

گهواره

سرخه دیزه

دالاهو

پادگان ابوذری

پاطاق

ریجاب

سریل

ذهاب

کل داود

ته عطل

سه راه

شهادت

نصار

گیلان

یادگان (ص)

حضرت رسول

کاسه گران

شهرستان گیلان

اسلام آباد غرب

بیمارستان امام خمینی

کارخانه فند

تنگ چهارزبر

ک حسن آباد

عراق

خلیج

طویل

نوسود

نودشه

کوسه هجیح

پل دواب

نچار

پاوه

شهرستان پاوه

خانقاه

بایتگان

فوری قلعه

تپه و دره شهدای

دشت ذهاب

شهرستان

ثلاث باباجانی

دشت ذهاب

شهرستان سرپل

پان زرد

سریل

ذهاب

کل داود

ته عطل

سه راه

شهادت

نصار

تنگ

کاسه گران

یادگان (ص)

حضرت رسول

گیلان

کاسه گران

یادگان (ص)

حضرت رسول

گیلان

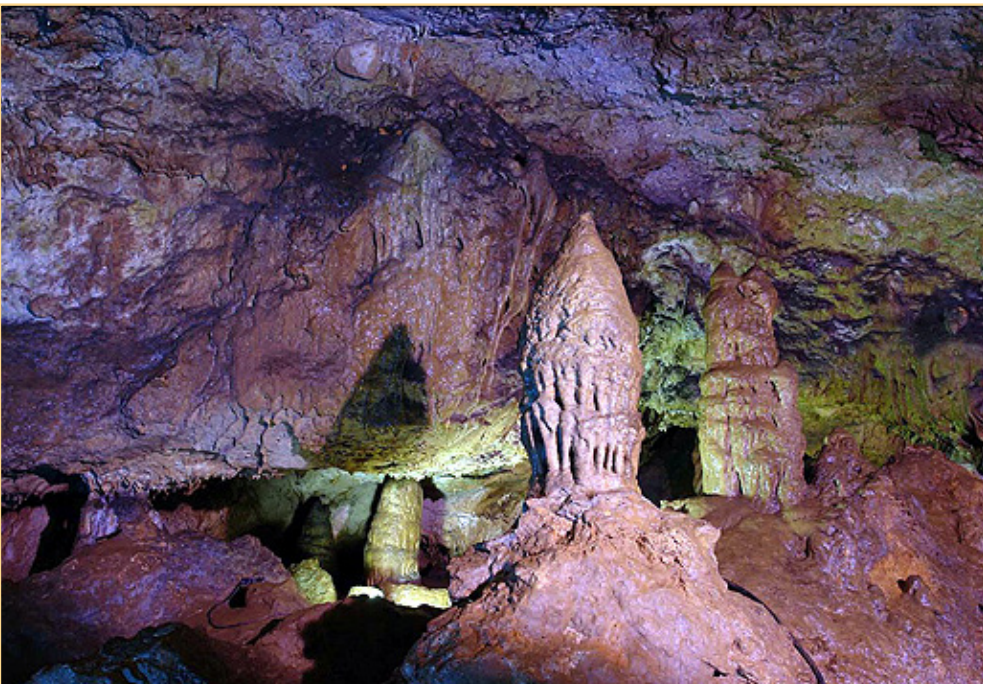


♦ پارک هلانیه جوانرود

شهرستان
جوانرود

شهرستان جوانرود

شهرستان جوانرود به مرکزیت شهر جوانرود از شمال به شهرستان پاوه، از شرق به شهرستان روانسر و از غرب و جنوب به شهرستان ثلاث باباجانی محدود می‌شود و از غرب با کشور عراق ۱۲ کیلومتر مرز مشترک دارد که مرز آبی رود سیروان، ۸ کیلومتر آن را تشکیل می‌دهد. این شهرستان از چهار دهستان و دو بخش مرکزی و کلاشی تشکیل شده است و بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، ۷۱۲۳۵ نفر جمعیت دارد که اغلب آن‌ها شافعی مذهب هستند و به زبان کردی سورانی با گویش جافی سخن می‌گویند. ارتفاعات مهم این شهرستان را زیلان، گشه‌کوه، کوه سیاه، ماموگرا، بازا، کان دزدان و کوه گرده برگیر تشکیل می‌دهند و رود زیمکان در شرق این شهرستان جاری است. راه اصلی کرمانشاه - پاوه و اسلام‌آبادغرب - پاوه از این شهرستان می‌گذرد و آب و هوای این شهرستان معتدل کوهستانی است و از مناطق خوش آب و هوای استان کرمانشاه به شمار می‌رود.



♦ غار کاوات



نام جوانرود برگرفته از قلعه‌های حکومتی متعددی است که در این منطقه در چند قرن اخیر توسط حکومت‌ها بنا شده است و قدمت بیش از ۷۰۰ سال دارد. یکی از محله‌های مشهور شهر جوانرود، هلانیه است که پادشاه روم هنگام لشکرکشی به ایران این مکان را به تصرف خود در آورده و در آن مسکن گزیده است. لفظ هلانیه از اسم مادر پادشاه روم بوده است که این اسم تاکنون دست‌خوش تغییر نشده است. در سال ۸۱ هجری سپاه اسلام در زمان خلیفه دوم عازم ایران و کرمانشاه می‌شوند و تا رود سیروان پیش می‌روند. در زمان شاه طهماسب اول صفوی حکومت جاف و جوانرود به صفی‌خان میرضیاءالدینی واگذار شد و او در آن قلعه و مسجد و مدرسه و بازار بنا کرد و آنجا را رونق بخشید و در دوره افشاریه و زندیه برادران و فرزندان درویش سلطان بر آن حکمرانی کردند. در دوره فتحعلی شاه قاجار و زمان امان‌الله‌خان والی کردستان حکومت جاف و جوانرود به فرزند امان‌الله‌خان یعنی محمدصادق‌خان، واگذار شد و او در

کنار جوانرود و در جایی مرتفع، قلعه‌ای مستحکم بنا کرد و بزرگان طوایف را در آن اسکان داد که پس از مدتی، این محل به قلعه و پس از آن به قلعه جوانرود مشهور شد. در دوره ناصرالدین شاه قلعه رو به ویرانی نهاد و میرزا نصرالله خان از سوی دولت مأمور بنای قلعه دیگری نزدیک قلعه نخست شد. در سال ۱۳۱۰ در محل ویرانه‌های قلعه جوانرود، مسجد جامع شهر ساخته شد. والیان اصلی حکومت جوانرود سیداحمد بیگ جاف و فرزندان وی بوده‌اند.

در ۱۳۳۰ جوانرود دهستانی در بخش پاوه شهرستان سنندج بود که در تقسیمات کشوری ۱۳۵۵ به بخشی از شهرستان پاوه استان کرمانشاه الحاق شد. این بخش در مرداد ۱۳۶۸ از پاوه نیز جدا شد و شهرستانی مستقل شد. در ۱۳۸۰ شهرستان جوانرود سه بخش مرکزی، ثلاث باباجانی و روانسر داشت که در سال‌های بعد، بخش ثلاث باباجانی و روانسر هر کدام شهرستانی مستقل شدند. طایفه‌های جاف جوانرودی (عمدتاً رستم بیگی‌ها)، جاف مرادی، ایناچی، امامی، گلاشی و باباجانی در این شهرستان زندگی می‌کنند. مناطق دیدنی این شهرستان را ویرانه‌های قلعه‌های متعدد از جمله قلعه جوانرود، قلعه چنگیزخان، قلعه سیداحمد بیگ، پارک هلالیه، منطقه تفریحی سفیدبرگ، باغ‌های سرود و صفی‌آباد و چشمه‌نزار تشکیل می‌دهند. غار زیبای کاوات که آن را بزرگ‌ترین غار آبی جهان و نیز طولانی‌ترین غار ایران و از شگفتی‌های طبیعت دانسته‌اند، در دره قوری قلعه و در دامنه کوه شاهو قرار گرفته است و آب مورد نیاز شهرستان جوانرود و توابع آن را تأمین می‌کند.

با آغاز جنگ تحمیلی ارتش بعث عراق با توجه به کوهستانی بودن منطقه و محدودیت‌های آن، برای پیشروی در شهرستان جوانرود تلاش چندانی نکرد و با حفظ تسلط خود بر ارتفاعات غرب این شهرستان؛ تنها به حمایت از اقدامات ضدانقلاب در این مناطق پرداخت. عملیات تحریرالقدس در ۱۳۶۲/۱۱/۲۰ با هدف انهدام قوای دشمن و پاسخ به حملات موشکی دشمن به شهر دزفول و گمراه کردن دشمن از عملیات خیبر توسط لشکر انصارالحسین همدان در این شهرستان اجرا شد. در ماه‌های پایان جنگ نیز بخش‌های غربی این شهرستان نظیر پاسگاه‌های کانی‌سالار و دروله، محورهایی از عملیات های والفجر ۱۰ و بیت‌المقدس ۴ را تشکیل می‌دادند.



♦ مسجد جامع بر روی قلعه قدیمی

شهر جوانرود



شهر جوانرود که به هفت قلعه و قلعه جوانرو نیز مشهور است، مرکز شهرستان جوانرود بوده و در ۸۲ کیلومتری شمال غربی شهر کرمانشاه و در دامنه‌ای کوه‌های گرده برگیر و چاه عاقلی واقع است و رود ليله از کنار آن می‌گذرد و کوه شاهو به صورت دیواره‌ای ۴ کیلومتری شمال دشت جوانرود را فرا گرفته است. شهر کوهستانی جوانرود با جاده‌ای به طول ۱۰ کیلومتر به راه اصلی کرمانشاه - پاوه متصل است و با شهرهای روانسر، سرپل ذهاب، باینگان و اسلام‌آباد غرب مرتبط است. محله‌های معروف جوانرود را هلانیه، گرگه‌چال، باباجانی، سنجابی و قرگه تشکیل می‌دهد و مقبره شیخ ابوبکر، شیخ الکرم و شیخ احمد در این شهر قرار دارند.

قلعه‌های این شهر را امان‌الله خان والی کردستان در سال ۱۲۲۴ قمری بر بلندای شهر بنا نهاد. در این قلعه‌ها استخرهای بزرگی بودند که آب را به میان قلعه برده و در اطراف آن، باغ‌های زیادی وجود داشته است. این قلعه‌ها در اثر

جنگ‌هایی که در این منطقه اتفاق افتاد از بین رفت که بیش‌ترین خسارات، در زمان جنگ گریش خان در سال ۱۳۴۲ قمری بر قلعه‌ها وارد شد. در گذشته شهر جوانرود را هفت قلعه نیز می‌خواندند چرا که هفت قلعه در اطراف آن ساخته

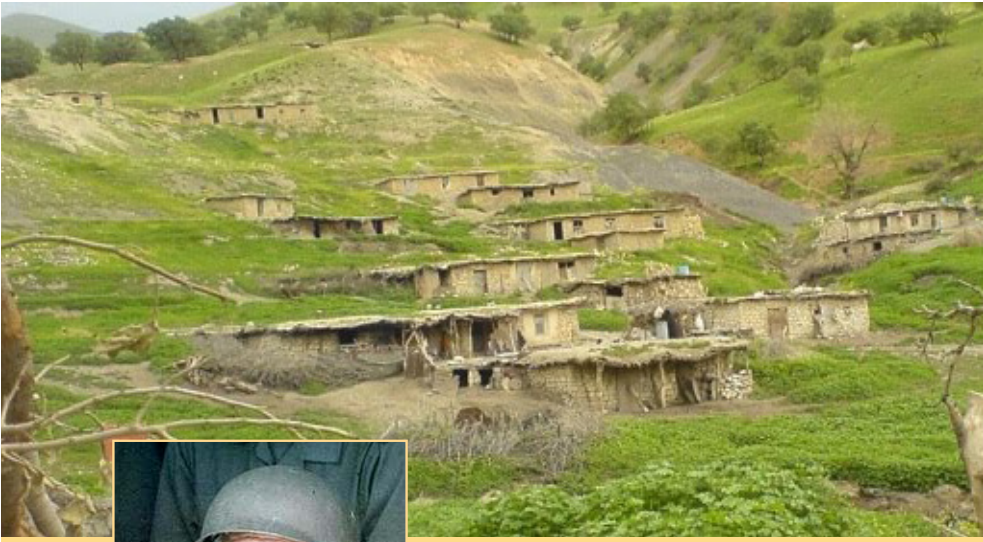


♦ راهپیمایی ۲۲ بهمن ماه خیابان امام خمینی جوانرود

شهرستان
جوانرود

شده بود. قلعه اول به قلعه کهن و برج مشهور است و دومین برج به برج تازه معروف است. قلعه سوم در تپه نقارخان قرار دارد و قلعه چهارم هم نیمه‌کاره رها شده بود. قلعه پنجم در شهر پاوه است و قلعه ششم را بر روی قلعه‌های ترکه ساخته بودند و قلعه هفتم را در اطراف مزران یا زمکان ساخته‌اند. از طرفی شهر را قلعه جوان‌رو (قلای جوانرو) نیز می‌خواندند؛ چرا که این منطقه در کانون جنگ‌ها قرار داشته و جوانان زیادی را از دست داده است. اکنون بازارچه مرزی شهر جوانرود مهم‌ترین منبع درآمد مردم این شهر است و کشاورزی و دامداری نیز در آن رایج است.

این شهر در طول جنگ و ماه‌های پایانی آن شاهد میزبانی رزمندگان عملیات‌های تحریرالقدس، والفجر ۱۰ و بیت‌المقدس ۴ بود و در سال ۱۳۶۵ به شدت مورد حمله هوایی و بمباران دشمن قرار گرفت و شهدایی را تقدیم انقلاب نمود.



♦ شهید محمدحسن نظر نژاد

♦ خانه‌های روستایی دروله

پاسگاه مرزی دروله

پاسگاه مرزی دروله در غرب شهرستان جوانرود و در دامنه کوه سرسروان در کنار رود ليله در ۴ کیلومتری پاسگاه مرزی کانی سالار و منطقه حساس مرز آبی ایران و عراق قرار دارد که از قدیم طایفه بانه‌وره در زمستان‌ها به این منطقه مهاجرت می‌کردند. این پاسگاه مرزی و پاسگاه کانی‌سالار در ۲۴ مردادماه ۱۳۵۸ مورد حمله ضدانقلاب دمکرات قرار گرفت و تخلیه شد که با اعزام نیروهای سپاه به فرماندهی شهید رستمی و شهید محمدحسن نظر نژاد (معروف به بابانظر)، تحت کنترل قرار گرفت و سروان سیف از برادران ارتش و گروهان تحت امرش بر روی گردنه دزل مشرف بر پاسگاه استقرار یافتند و تأمین امنیت منطقه را عهده‌دار شدند. در عملیات‌های برون مرزی تحریرالقدس، والفجر ۱۰ و بیت‌المقدس ۲ این منطقه عقبه عملیاتی رزمندگان را تشکیل می‌داد.

♦ کانی سالار





♦ شاخ شمیران

شهرستان
جوانرود

۱۵۷

منطقه عملیاتی تحریرالقدس

منطقه عملیاتی تحریرالقدس در حدفاصل جنوب غربی مریوان و ارتفاعات شاخ شمیران و جنوب دریاچه دربندیخان عراق قرار دارد. این عملیات باهدف انهدام قوای دشمن و نیز پاسخ قاطع به حملات موشکی دشمن به شهر دزفول و گمراه کردن دشمن از عملیات خیبر توسط لشکر انصارالحسین همدان تحت فرماندهی ستاد منطقه هفت سپاه پاسداران، طراحی و در ۱۳۶۲/۱۱/۲۰ اجرا شد.

این ستاد با تشکیل قرارگاه تاکتیکی فجر، نخستین عملیات برون مرزی خود را در عمق خاک عراق و در منطقه شاخ شمیران با سه گردان از نیروهای پیاده به اجرا درآورد و به وسیله بالگردهای هوانیروز ارتش به مناطق از پیش تعیین شده بال برد شده و سپس در ساعت ۸ صبح به یگان های دشمن در منطقه

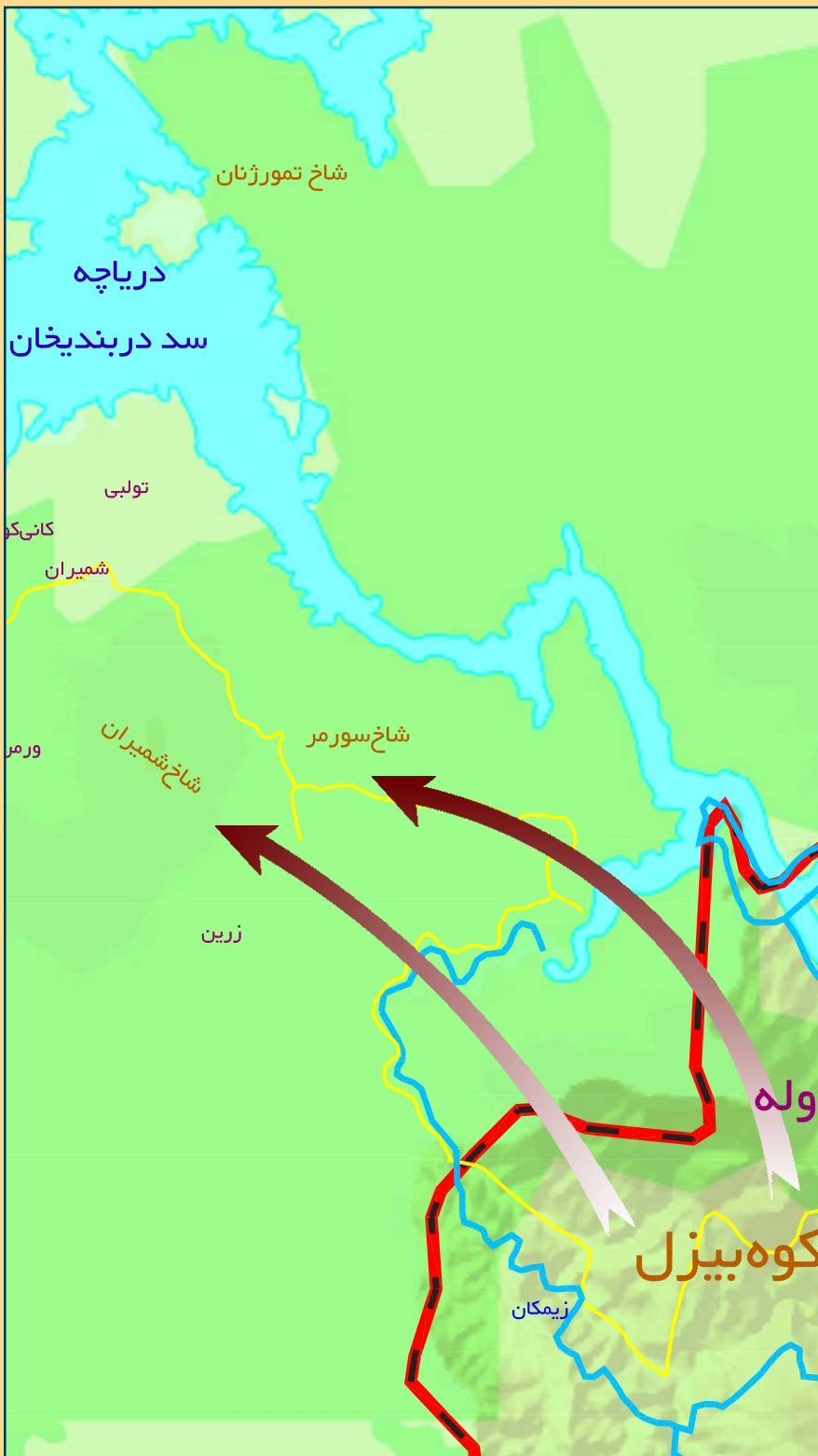


♦ آثار بجای مانده از نیروهای دشمن در ارتفاعات منطقه

حمله کرده و ضمن انهدام دو گروهان از گردان قطبیه لشکر ۲ عراق، برای مدت کوتاهی در ۵ کیلومتری دریاچه دربندیخان مستقر شدند و ارتفاعات شاخ شمیران، شاخ سورمر و چندین روستا را تصرف کردند.

در ساعت ده صبح روز عملیات، دشمن با سازمان‌دهی مجدد نیروهای پراکنده خود، اقدام به پاتک نمودند که با مقاومت دلاورانه رزمندگان مجبور به عقب‌نشینی شدند. رزمندگان در ادامه موفق شدند با پیشروی در عمق ۲۰ کیلومتری خاک عراق، ارتفاعات مهم برددکان و شمیران را تا مدتی تصرف نمایند.





باشگاه افسران

استان

کوه ساران

چتاره

شهادای پاره

سلیمان
فقیه

قوری قلعه

سربیناو

مروارید

شهر

جوانرود

استان کردستان

گامیاران

روانسر

شهرستان
روانسر

حسن آباد

کوزران

شهرستان
کرمانشاه

سرآب قلوگیر

گهواره

شهادای گمنام
قاپستان

کرمانشاه

ماهیدشت

مرکز فرهنگی
دفاع مقدس
یادبود زن قهرمان

مرصاد
تنگ چهارزیر



شهرستان پاوه

شهرستان دالاهو



استان چهارمحال و بختیاری

عراق

نوسود

نودشه

کوسه هجیج

پل دواب

نجار

شهرستان پاوه

پاوه



شهدای پاوه

خانقاه

باینگان

اشکذر

شهرستان
جوانرود

فوری قلعه

جوانرود

تازه آباد

شهرستان
ثلث

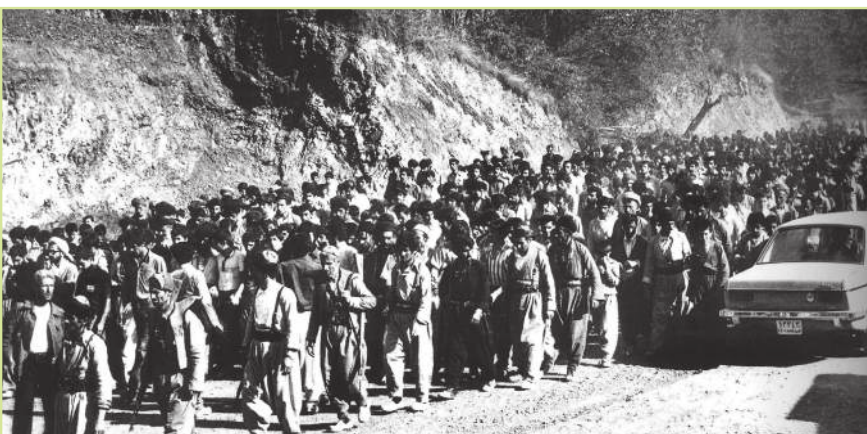
استان
نسر



شهرستان پاوه

شهرستان پاوه در شمال غربی استان کرمانشاه قرار دارد و از شمال و شرق به استان کردستان و از جنوب به شهرستان‌های روانسر و جوانرود و از غرب ۹۶ کیلومتر با کشور عراق هم مرز است و با ۱۵۵۰ متر ارتفاع از سطح دریا، دارای سه بخش مرکزی (پاوه)، نوسود و باینگان است. این شهرستان تا اواخر دهه ۱۳۳۰ به استان کردستان متعلق بود و در سال ۱۳۳۷ به شهرستان تبدیل شد و اکنون بخش عمده‌ای از منطقه اورامان در محدوده این شهرستان قرار دارد. تا سال ۱۳۶۸ بخش‌های جوانرود، روانسر و ثلاث باباجانی نیز به این شهرستان تعلق داشت که به مرور این بخش‌ها به شهرستان‌های مستقل تبدیل شدند. این شهرستان بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ دارای ۵۶۸۳۷ نفر جمعیت است که اغلب شافعی مذهب با لهجه هورامی هستند که به زبان اوستایی شباهت زیادی دارد. این شهرستان در رشته‌کوه بزرگ زاگرس واقع است و آب و هوای معتدل کوهستانی دارد و شاه‌کوه از عظیم‌ترین کوه‌های این رشته‌کوه است که بلندترین قله آن ۳۴۰۰ متر است. رودخانه سیروان نیز از مریوان کردستان سرچشمه گرفته و پس از آبیاری شهرستان پاوه، مرز آبی ایران و عراق را به طول ۳۴ کیلومتر تشکیل می‌دهد و در ادامه به رود دیاله عراق می‌پیوندد. منطقه هورامان (اورامان) و پاوه تا قرن ۱۱ قبل از میلاد تحت سلطه دولت بابل بوده است و سپس مدت‌ها تحت سلطه دولت آشور بود. در این دوران بود که حروف ماسی موراتی در میان کردان رواج داشته با این حروف کتابت نموده‌اند

که تا قرون اولیه اسلام این خط در بین هورامی‌ها رایج بوده است. در بلندای شهر پاوه در دامنه کوه شاهو مجسمه مردوک از خدایان بابلی قرار دارد که خدای مشترک بابلیان و آشوریان بوده است. آشوریان به هنگام ورود به هر سرزمینی خدای خود را نیز به همراه می‌آوردند و معمولاً خدایان خود را بر بلندای کوه قرار می‌دادند. با حمله اسکندر مقدونی به ایران، هورامان تنها جایی بود که با مقاومت آریوبرزن به صورت جدی در برابر سپاه اسکندر مقاومت کرد و با پرتاب سنگ‌های عظیم در تنگ دربند دزلی تلفات فراوانی به سپاه اسکندر وارد نمود. در قرن اول و دوم قبل از میلاد، هورامان تحت سلطه حکومت ارمنستان بود و دوران اشکانیان که دین رسمی ایران زرتشتی بود، مردم پاوه نیز اهورامزدا را پرستش می‌کردند. در اواخر عصر ساسانی مردم این شهرستان بعضاً به دین مسیحیت گرایش یافتند تا اینکه پاو، برادرزاده انوشیروان ساسانی؛ برای تقویت آیین زردشتی به این منطقه آمد و آتشکده‌ها را دوباره فعال ساخت که به همین دلیل این منطقه باستانی پاوه نام گرفت تا آنکه سپاه اسلام به فرماندهی عبدالله ابن عمر و ابوعبیده انصاری به همراهی پنج هزار سوار درکنار رود سیروان رحل اقامت افکندند و مردم منطقه را به دین مبین اسلام دعوت نمودند و سپس به جای آتشگاه و معبد، مساجد ساخته شد که اکنون مسجدی تاریخی به نام عبدالله بن عمر در وسط شهر پاوه قرار دارد. باقیمانده دومین آتشکده ایران در دوره زردشت که ۷۵۰ سال قبل از اسلام فعال بوده است از جمله آثار باستانی این شهرستان است. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷/۸/۸ مزدوران و چماقداران وابسته به ساواک با کمک نیروهای ژاندارمری، تحت فرماندهی سالار جاف نماینده پاوه در مجلس شورای ملی، در پاسخ به اعتصابات و خیزش انقلابی مردم به صفوف نماز جماعت در سراب هولی هجوم بردند و تعدادی از مردم را به شهادت رساندند و سپس منازل شهر پاوه را غارت کردند. پس از پیروزی انقلاب و در ۱۳۵۸/۵/۲۴ نیز افراد مسلح وفادار به حزب دموکرات به پاوه هجوم آوردند و اکثر نقاط شهر را اشغال کردند. شهر دو روز تمام سرسختانه مقاومت کرد تا اینکه با انتشار فرمان امام خمینی^(ع) در ۱۳۵۸/۵/۲۷، اوضاع دگرگون شد و نیروهای خودی بر شهر تسلط یافتند. پس از عقب‌نشینی ضدانقلاب از پاوه، هیئت حسن نیت وارد منطقه شد تا تشنج را با گفت و گو خاتمه دهد، اما این تلاش‌ها بی‌نتیجه ماند. ارتش عراق در هجوم



♦ حرکت داوطلبانه مردم برای آزادسازی پاوه، پس از فرمان امام^(ع)

سراسری خود به دلیل کوهستانی بودن این منطقه و مسائل تاکتیکی، در این جبهه پیشروی نکرد، بلکه با حمایت و هدایت نیروهای ضدانقلاب، آشوب در این مناطق را تقویت کرد و یگان‌های ایران را در این مناطق درگیر نگه داشت. هدف عراق از این اقدام تأمین جناح شمالی سپاه دوم خود برای پیشروی به سوی تنگ پاتاق بود. بدین منظور سپاه یکم عراق از ۱۳۵۹/۶/۳۰ ارتفاعات مهم و برخی از مناطق حاشیه مرزی ازگله تا نوسود را اشغال کرد. در نتیجه این اقدام، فعالیت‌های ضدانقلاب در این مناطق گسترش یافت. در مقابل، قوای خودی متشکل از نیروهای سپاه پاوه، گردان پیاده از تیپ ۸۴ خرم‌آباد و یک دسته تانک از تیپ دوم لشکر ۸۱ زرهی، در گام نخست به تأمین منطقه و توسعه پدافند داخلی مشغول شدند و با همکاری نیروهای محلی عملیات‌های متعددی را اجرا و مناطق آلوده به عناصر ضدانقلاب را پاک‌سازی کردند و فاصله خود را با یگان‌های ارتش اشغالگر عراق به حداقل رساندند و جبهه پاوه - نوسود را در شمال غرب استان کرمانشاه از ازگله تا شمال نوسود تشکیل دادند. قوای خودی سپس با هدف بستن معابر نفوذی و راه‌های پشتیبانی ضدانقلاب که از طریق عراق صورت می‌گرفت و همچنین به منظور آزادسازی مناطق اشغالی حاشیه مرز و تأمین آن، عملیات‌هایی را طراحی و اجرا کردند. نخستین عملیات خودی در جبهه پاوه - نوسود با نام روح‌الله در ۱۳۶۰/۴/۱۱ به اجرا درآمد که در پی آن ارتش بعث عراق از شهر نوسود بیرون رانده شد. دومین عملیات در ۱۳۶۰/۱۰/۱۲ با نام محمد رسول‌الله^(ص) طرح‌ریزی و اجرا شد که نخستین عملیات نیمه گسترده در جبهه شمالی بود، که به عبور از مرز و تصرف شهرک‌های مرزی عراق انجامید. پس از آن تا تغییر راهبردی نظامی نیروهای خودی در سال ۱۳۶۶، این جبهه منطقه پدافندی محسوب شد. طی این



♦ سالار جاف پس
از دستگیری



♦ سالار جاف در جمع ضدانقلاب

مدت، در این جبهه تنها یک عملیات آفندی در ۱۳۶۲/۱۱/۳۱ با نام تحریرالقدس اجرا شد که در آن برای نخستین بار یگان‌های خودی با عملیات بال‌برد بر روی ارتفاعات شاخ شمیران در عمق خاک عراق فرود آمدند و خساراتی به ارتش عراق وارد کردند. پس از توقف پیشروی‌ها در جبهه جنوب، سپاه پاسداران میدان اصلی نبرد را از جبهه جنوب به جبهه شمال تغییر داد و عملیات‌های متعددی را در جبهه شمالی اجرا کرد که آخرین و مهم‌ترین آن‌ها والفجر ۱۰ بود که با عملیات بیت‌المقدس تکمیل شد.

عملیات والفجر ۱۰ در واقع آخرین گام در راستای راه‌برد تعقیب متجاوز در جبهه شمالی بود که در ۱۳۶۶/۱۲/۲۴ آغاز شد. در این عملیات رزمندگان با عبور از ارتفاعات مرزی، شهر نوسود ایران و چند شهر مرزی عراق، از جمله حلبچه را آزاد ساختند. بدین ترتیب مقدمات تصرف سد دربندیخان عراق فراهم شد؛ اما دشمن برای مقابله با رزمندگان از سلاح‌های کشتار جمعی استفاده کرد و با بمباران وسیع شیمیایی در ۱۳۶۶/۱۲/۲۶ روستای انب در حومه حلبچه را هدف قرار داد که در نتیجه آن حدود ۵۰۰۰ تن از مردم کرد عراق به شهادت رسیدند. در مقابل رزمندگان با ایجاد اردوگاه‌های متعدد و انتقال مردم به مناطقی از پاره و دیگر مناطق استان کرمانشاه، هزاران آواره و مصدوم عراقی را نجات دادند.

در دوران جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، شهرستان پاوه ۵۴ بار هدف تجاوز هواپیماهای دشمن قرار گرفت. برادران اهل سنت برای دفاع از میهن اسلامی و مبارزه با ضدانقلاب در منطقه پاوه و اورامانات ۵۸۳ شهید تقدیم انقلاب اسلامی نمودند.



◆ شهر پاوه

پاوه

شهر پاوه ملقب به شهر هزار ماسوله با سابقه تاریخی بیش از سه هزار سال در کنار کوهستان اورامانات در ۱۱۲ کیلومتری شمال غربی شهر کرمانشاه قرار دارد و مرکز شهرستان پاوه است و تا مرزی ایران و عراق، ۲۵ کیلومتر فاصله دارد. این شهر از سال ۱۳۳۸ ش به عنوان مرکز شهرستان پاوه و اورامانات شناخته شد و لهجه مردم آن هورامی (اورامی) است. واژه پاوه نیز یک واژه هورامی به معنی «ایستاده بر پای خود» است. مردم پاوه به دلیل علاقه و بستگی به اسلام و قرآن و هماهنگی با نهضت انقلاب مردم مسلمان ایران در قبل از انقلاب اسلامی، در آبان ۱۳۵۷ هدف هجوم عناصر ساواک و مزدوران شاه قرار گرفتند. حمله مسلحانه به مردم بی‌دفاع و قتل و غارت آنان را؛ سالار جاف نماینده پاوه در مجلس شورای ملی هدایت و رهبری می‌کرد که به شهادت سه نمازگزار و غارت اموال مردم انجامید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کردستان دولت خود خوانده‌ای به رهبری شیخ عزالدین حسینی و دکتر قاسملو تشکیل شد و عناصر وابسته به آن‌ها نظیر گروهک ضدانقلاب دمکرات، چریک‌های فدایی، کومه‌له، اتحادیه میهنی کردستان با حمایت فئودال‌های منطقه و مزدوران سالار جاف به مناطق کردنشین استان کرمانشاه و خصوصاً شهر پاوه حمله کردند. این هجوم از



♦ عکس هوایی پاهو مربوط به نیم قرن قبل

ساعت ۲:۳۰ بامداد ۱۳۵۸/۵/۲۴ تشدید شد و شهر در محاصره و معرض اشغال کامل قرار گرفت. ضدانقلاب از محدوده پاسگاه قرانچی راه کرمانشاه-پاهو را بسته بود و هرگونه ارتباط تلفنی با خارج شهر قطع شده بود و بی‌سیم شهربانی که تنها وسیله ارتباطی بود، نیز هدف آتشبار سبک گروه‌های ضدانقلاب قرار داشت. تمام نقاط شهر غیر از مقر سپاه و پاسگاه ژاندارمری به اشغال در آمده بود. در مقر سپاه حدود ۳۰۰ پاسدار اعزامی و بومی به فرماندهی اصغر وصالی فرمانده گروه دستمال سرخ‌ها و در پاسگاه ژاندارمری تعدادی از نیروهای ژاندارمری و پاسدار به فرماندهی آیت شعبانی که چندی بعد در یکی از عملیات‌های پاک‌سازی مناطق غرب کشور به شهادت رسید؛ دفاع از انقلاب و شهر را برعهده داشتند. در روز ۱۳۵۸/۵/۲۵ تنها بیمارستان شهر هدف حمله ضدانقلاب قرار گرفت و پاسداران مجروح، بی‌رحمانه تیرباران شدند. ساعت ۱۷ روز ۱۳۵۸/۵/۲۵ دکتر مصطفی چمران و تیمسار ولی‌الله فلاحی و ابوشریف فرمانده عملیات سپاه درحالی که شهر به شدت ناامن بود، با بالگرد وارد پاهو شدند و در ساختمان ژاندارمری حضور یافتند و پس از تدابیر و دستورات لازم به مقر سپاه رفته و با اصغر وصالی فرمانده پاسداران هماهنگی‌های لازم را انجام دادند. دلاورمردان سپاه و ژاندارمری و مردم مسلمان شهر پاهو درحالی که آن شب را سپری کردند که حدود ۵۰۰۰ نیروی ضدانقلاب به شهر پاهو حمله کرده بودند و از سوی ارتفاعات و بلندی‌های شهر، رگبار آتش دشمن لحظه‌ای قطع نمی‌شد؛ آب و برق و تلفن قطع بود و از آذوقه و مهمات هم خبری نبود. مجروحان بدون مداوا در مقر سپاه و ژاندارمری در انتظار کمک به سر می‌بردند

و نیروهای رزمنده از ۳۰۰ تن به حدود ۳۰ تن رسیده بود. بعد از ظهر ۱۳۵۸/۵/۲۶ دو بالگرد حامل آذوقه و مهمات وارد آسمان منطقه شدند تا ضمن آذوقه‌رسانی، مجروحان، تیمسار فلاحی و ابوشریف را منتقل کنند، اما یکی از آن‌ها دچار سانحه شد و سقوط کرد. با وجود اینکه هزاران نفر از مردم جهت دریافت سلاح و اعزام به پناه به نخست‌وزیری مراجعه می‌کردند و حتی از گوشه و کنار دنیا، سیل تلگراف و تلفن سرازیر شده بود و اهمال و بی‌توجهی دولت را نسبت به تحرکات ضدانقلاب در کردستان زیر سؤال برده بودند، اما دولت موقت در مقابله با جریان ضدانقلاب کردستان معتقد به برخورد نظامی نبود و به همین دلیل از اعزام نیرو به این منطقه ممانعت می‌کرد و اعتقاد داشت که این مسئله با خروج نیروهای انقلابی کمیته و سپاه از کردستان از طریق مذاکره حل می‌شود، غافل از اینکه با این تدبیر در واقع کردستان و بخش‌هایی از استان کرمانشاه کاملاً در اختیار آنان قرار می‌گرفت. شب ۱۳۵۸/۵/۲۶ نیز با ناامیدی سپری شد و رادیوی حزب دمکرات در یک جنگ روانی به نقل از قاسملو، دبیرکل این حزب، شایعه کرد که مصطفی چمران که در آن زمان معاون نخست‌وزیر دولت موقت بود در گروگان آن‌ها است و آنان تا دستیابی به خواسته‌های خود، وی را آزاد نخواهند کرد؛ اما روز بعد با فرمان امام خمینی^(۵) همه چیز دگرگون شد. در این فرمان آمده بود: «من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگان‌های ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی‌انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پناه حرکت کنند و به دولت دستور می‌دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند. تا دستور ثانوی من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می‌دانم و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام نداده‌اند. من اگر





♦ تصویر هوایی دیدار پرشور مردم پاوه با مقام معظم رهبری در مهرماه ۱۳۹۰

تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم». چند ساعت پس از این فرمان، درحالی‌که نیروهای کمکی از کرمانشاه به طرف پاوه در حرکت بودند، نیروهای باقی‌مانده در شهر عملیات شجاعانه‌ای را آغاز کردند که ضدانقلاب را از اطراف ژاندارمری، نقاط مختلف شهر و حتی از بلندی‌های مسلط بر شهر فراری داد و در نتیجه پاوه از سقوط حتمی نجات یافت. در این راه شهیدان والامقامی چون دکتر مصطفی چمران، اصغر وصالی، ابراهیم همت، محمد بروجردی، ناصر کاظمی، حسین خرازی، آبشناسان، علی صیاد شیرازی و دلیرمردان گمنام دیگری چون ماموستا عبدالقادر قادری و سایر پیش‌مرگان کرد با پاک‌سازی پاوه، برگ زرینی از تاریخ حماسی ایران را به یادگار گذاشتند. به‌طور کلی در طول جنگ سه روستای حومه پاوه با جمعیتی حدود ۳۶۰ نفر تا حد زیادی تخریب شد و در حدود ۲۸۲ گلوله توپ و خمپاره به شهر پاوه اصابت کرد. این شهر در طول جنگ یکی از عقبه‌های نیروهای خودی بود و بارها هدف حمله گروه‌های ضدانقلاب و هواپیماهای ارتش عراق واقع شد. به نحوی که ۳۴ بار هدف بمباران ارتش عراق قرار گرفت که در جریان آن ۱۲۸ تن شهید و ۴۶۱ تن مجروح شدند. از اماکن تاریخی این شهر می‌توان به مسجد جامع عبدالله ابن عمر که بر بقایای یک آتشکدهٔ دورهٔ ساسانی بنا شده است اشاره نمود که در طول جنگ و در سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۶۶ بازسازی شد.

مقام معظم رهبری در بازدید تاریخی خود از این شهر در سال ۱۳۹۰ فرمودند: «من در پاوه منطقه‌ای که برادران اهل تسنن در آنجا فداکارانه با دشمن اسلام و دشمنان جمهوری اسلامی جنگیدند دل‌هایی مصمم اراده‌های قاطع و چهره‌هایی بشاش در مقابل بشارت‌های اسلام مشاهده کردم. از پاوه جز نیکی در ذهن و خاطره من نیست».



بیمارستان قدس و یادمان شهدای پاوه

بیمارستان قدس پاوه در ورودی شهر پاوه قرار دارد، در جریان حمله ضدانقلاب به پاوه در ۱۳۵۸/۵/۲۶ در ماه مبارک رمضان و همزمان با روز قدس، بیمارستان پاوه به دست مهاجمان افتاد و تعدادی از مجروحان پاسدار بومی و غیربومی که در این بیمارستان بستری بودند از داخل بخش به پشت بیمارستان منتقل شده و پس از شکنجه به شهادت رسیدند. در این فاجعه خونین ۹ پاسدار اعزامی و ۲۱ پاسدار بومی به شهادت رسیدند. پس از شکسته شدن محاصره شهر، پیکر شهیدان پاسدار بومی در گلزار شهدا و قبرستان پاوه و پاسداران اعزامی که بیشتر از تهران و کرج اعزام شده بودند در کنار بیمارستان به خاک سپرده شدند. سه روز بعد ۹ نفر از عوامل این جنایت هولناک در محوطه زندان دیزل آباد کرمانشاه اعدام شدند. این بیمارستان پس از این واقعه به بیمارستان قدس تغییر نام یافت. در سال ۱۳۷۵ به منظور زنده نگه داشتن یاد و نام شهدای این حماسه، یادمان شهدای پاوه در این مکان احداث شد.





♦ شهید مجید حداد عادل استاندار کرمانشاه در حال سخنرانی در سپاه پاهو شهید ناصر کاظمی (نفر وسط ایستاده) فرمانده سپاه پاهو و شهید محمد ابراهیم همت

مقر سپاه پاسداران پاهو

مقر سپاه پاسداران پاهو نقطه اصلی مقاومت پاسداران بومی و غیربومی به فرماندهی شهید دکتر مصطفی چمران و شهید اصغر وصالی در حادثه مردادماه ۱۳۵۸ است. شهر مذهبی پاهو از اولین شهرهای کردنشین بود که نیروهای بومی آن با حمایت ستاد مرکزی سپاه در تهران، سپاه پاسداران پاهو را تشکیل دادند. درحالی که مردم پاهو و علمای اهل سنت همچون ملاقادی ضمن حمایت و پشتیبانی از پاسداران بومی، خود نیز در صحنه مبارزه علیه ضدانقلابیون حاضر می شدند، گروه های مسلح ضدانقلاب که وجود یک سازمان مسلح مردمی و قانونی را مغایر با اهداف خود می دانستند، خواستار انحلال آن شدند به نحوی که در شعارهای خود، علاوه بر خودمختاری، تغییر فرمانده سپاه و خروج سپاه غیربومی را درخواست می کردند و حال آنکه ۲۵۰ پاسدار سپاه پاهو در تابستان ۱۳۵۸ همگی بومی بودند و ۶۰ پاسدار غیربومی هم وقتی وارد منطقه شدند که تهدید ضدانقلاب برای تسلط بر شهر جدی شده بود. پاسداران غیربومی در ۱۳۵۸/۵/۲۳ به فرماندهی شهید اصغر وصالی معروف به گروه دستمال سرخ ها با بالگرد وارد شهر شدند و روز بعد مورد هجوم قرار گرفتند. مقر سپاه پاهو در تمام مدت حمله ضدانقلاب به پاهو، دژ مستحکمی بود که هیچ گاه فرو نریخت و اگر چه با حملات ضدانقلاب تعداد پاسداران این مقر تا ۱۶ تن کاهش یافت، لیکن تا پایان محل امنی برای مردم مجروح و آسیب دیده بود و سرانجام با فرمان امام خمینی^(ع) در ۱۳۵۸/۵/۲۷، پاسداران مستقر در سپاه پاهو، محاصره را شکستند و افراد ضدانقلاب متواری شدند. ۴۴ شهید و ۱۶ مجروح نتیجه مقاومت همه جانبه رزمندگان پاهو بود.



♦ شهید چمران و مرحوم سرلشگر فلاحتی و
ابوشریف در حال بررسی اوضاع پاوه

شهرستان
پاوه

پاسگاه ژاندارمری پاوه

پاسگاه ژاندارمری پاوه با دو برج بلند در کناره خود، در جومه غربی شهر پاوه و در دامنه جنوبی کوه شاهو قرار دارد. در هنگام حمله نیروهای ضدانقلاب به پاوه، پاسگاه ژاندارمری پاوه به فرماندهی ستوان یوسفی تنها قرارگاه نظامی شهر بود و گروه اصغر وصالی در خانه پاسداران و ملا قادر قادری روحانی محبوب مدرسه قرآن پاوه، مدافعان شهر را تشکیل می‌دادند. دکتر چمران و تیمسار غلامی و همراهانشان بلافاصله خود را به پاوه و پاسگاه ژاندارمری و سپس به خانه پاسداران رساندند و آخرین اخبار و وضعیت مدافعان را ارزیابی نمودند. آیت شعبانی و ستوان یوسفی به همراه تعدادی از نیروهای پاسدار و ژاندارمری در این پاسگاه در مقابل مهاجمان ضد انقلاب ایستادگی کردند. عصر روز ۱۳۵۸/۵/۲۵ دکتر مصطفی چمران و تیمسار فلاحتی با بالگرد وارد این پاسگاه شدند که حضور آنان و انتقال آذوقه و مهمات در روز بعد، روحیه



♦ شهید خلبان محمد نوژه

مقاومت مدافعان پاسگاه را دو چندان کرد. عصر روز ۱۳۵۸/۵/۲۶ مهاجمان با بالا بردن پرچم سفید به علامت مصالحه تا ۳۰ متری پاسگاه پیش رفتند و در پشت تلی از خاک در کنار جاده سنگر گرفتند و ضمن گشودن آتش عملاً حلقه محاصره را تنگتر کردند. آن شب با مقاومت مدافعان سپری شد تا اینکه روز بعد (۱۳۵۸/۵/۲۷) با انتشار فرمان امام خمینی^(ع) از رسانه‌های عمومی کشور، وضعیت دگرگون شد و پاسگاه ژاندارمری پاهو که آخرین سنگر مدافعان بود با فرمان تاریخی امام خمینی^(ع)، از محاصره رهایی یافت.

به دستور شهید چمران پس از مجروحیت ستوان یوسفی که فرمانده پاسگاه بود؛ آیت شعبانی از جوانان انقلابی کرمانشاه، فرماندهی پاسگاه را بر عهده گرفت. پاسگاه ژاندارمری پاهو اکنون یکی از بناهای به یادماندنی مقاومت رزمندگان در پاهو است.

در جریان این حادثه در ۱۳۵۸/۵/۲۵ خلبان محمد نوژه به همراه ستوان یکم خلبان بشیر موسوی (کابین عقب) که به جهت پشتیبانی از بالگردهای نیروی زمینی ارتش و ستون اعزامی کرمانشاه به پاهو اعزام شده بودند پس از انجام عملیات، در حین گشت زنی هوایی جنگنده فانتوم آنها مورد اصابت آتشبار عناصر ضدانقلاب قرار گرفت و از کنترل خارج شد و هواپیما در منطقه قشلاق بین پاهو و روانسر به کوه اصابت کرد و هر دو خلبان به شهادت رسیدند. پس از شهادت ایشان به عنوان اولین شهدای خلبان انقلاب اسلامی، پایگاه شاهرخی همدان به پایگاه هوایی شهید نوژه تغییر نام یافت.



♦ موقعیت هلال احمر پاه

♦ محل سقوط بالگرد هوانیروز

محل سقوط بالگرد هوانیروز

محل سقوط بالگرد ۲۱۴ هوانیروز در میدان فرمانداری و جنب انبارهای هلال احمر پاه قرار دارد. این بالگرد هوانیروز در ساعت ۴ بعدازظهر روز ۱۳۵۸/۵/۲۶ در زیر رگبار شدید ضدانقلاب که در اطراف شهر پاه مستقر شده بودند، در کنار انبارهای هلال احمر و روی پد اضطراری هلال احمر به زمین نشست.

دکتر مصطفی چمران به همراه اصغر وصالی، فرمانده سپاه پاه و تنی چند از پاسداران بومی و غیربومی برای تخلیه آذوقه و مهمات و انتقال مجروحین به داخل بالگرد، در این محل مستقر بودند؛ پس از نشستن بالگرد آذوقه و مهمات تخلیه شد و پاسداران مجروح به داخل بالگرد منتقل شدند و خلبان و خدمه برای نجات از حملات پی در پی ضدانقلاب سریعاً بالگرد را به حرکت درآوردند که پس از برخاستن به دلیل برخورد ملخ بالگرد با تپه جنوبی، این بالگرد در برابر دیدگان دکتر چمران، اصغر وصالی و سایر پاسداران متلاشی شد و خلبان، خدمه و مجروحان و چند نفر از پاسدارانی که در کنار انبارها بودند به شهادت رسیدند.



♦ احمد متوسلیان

مناطق عملیاتی پاک سازی پاوه

پس از فرار عناصر ضدانقلاب از شهر پاوه در روز ۱۳۵۷/۵/۲۷ و پاک سازی سایر شهرهای بحران زده، هیئت حسن نیت دولت جمهوری اسلامی عازم منطقه شد و با گروه های مخالف و نیز متنفذین محلی به گفت و گو پرداخت، اما اقدامات مسلحانه گروه های مخالف نظام، مانع از تداوم گفت و گوها شد و در نتیجه ادامه پاک سازی این مناطق از نیروهای مسلح ضدانقلاب ضرورت یافت. بر همین اساس عملیات پاک سازی منطقه و شکستن سلطه ضد انقلاب در اطراف پاوه و تأمین جاده پاوه- کرمانشاه در دستور کار رزمندگان قرار گرفت و شهید ناصر کاظمی به پیشنهاد شهید محمد بروجردی فرمانده سپاه غرب کشور در ۱۳۵۷/۱۰/۱۷ به سمت فرماندار و فرمانده سپاه پاوه منصوب شد. ناصر کاظمی هنگامی این مأموریت را پذیرفت که تمام راه های ارتباط زمینی در شهرستان پاوه ناامن بود و تنها مسیر هوایی از امنیت نسبی برخوردار بود. با تلاش شبانه روزی وی و همزمانش، سلسله عملیات های پاک سازی شهرستان پاوه آغاز شد. در ۱۳۵۷/۱۱/۱۰ روستای «دورپسان» و روز بعد روستای «خانقاه» که مرکز استقرار نیروهای ضد انقلاب بود، پاک سازی شد. در ادامه عملیات، رزمندگان به روستای «مزیدی» رفتند و از آنجا عملیات پاک سازی باینگان را شروع کردند که این شهر تا اواخر اردیبهشت ۱۳۵۹ پاک سازی شد. رزمندگان اسلام سپس در ۱۳۵۹/۲/۲۷ به سمت ارتفاعات آتشگاه حرکت کردند



♦ احمد متوسلیان در حال هدایت عملیات

و پس از استقرار روی آن، در ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت روستای چلانی، لاران، ساتیاری، بله‌ای، میرعبدلی و آریث را از وجود ضدانقلاب پاک‌سازی کردند. در خرداد ۱۳۵۹ نیز روستای نوریاب و در ۱۳۵۹/۴/۲۷ دو روستای گلال و دشه در غرب شهرستان پاوه پاک‌سازی شدند. همچنین پس از مدتی روستاهای نجار، کمادره و ملن‌دره پاک‌سازی شدند. در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ نیز پل دوآب و دو پاسگاه دوآب، نروی و همچنین شیخان پاک‌سازی شدند. در عملیات

۱۳۵۹/۱۱/۳ ارتفاعات شمش و در ۱۳۶۰/۱/۴ ارتفاع عاقلی و دکل نودشه نیز از نیروهای ضدانقلاب پاک‌سازی شدند. در ۱۳۶۰/۲/۷ و ۱۳۶۰/۳/۸ نودشه و نوسود نیز پاک‌سازی شدند و سرانجام در ۱۳۶۰/۴/۲۶ پاسداران بومی پاوه، باینگان و جوانرود برای پاک‌سازی اطراف باینگان عملیات خود را آغاز کردند و درحالی‌که ۳۰۰ قاطر برای تدارکات عملیات در این منطقه کوهستانی به کار گرفته شده بود، روستای مرخیل و چند روستا و دو پاسگاه مرزی را پاک‌سازی کردند و تقریباً تمامی مناطق شهرستان پاوه تا حاشیه مرز ایران و عراق به طور کامل پاک‌سازی شدند. شهید محمدابراهیم همت که در خرداد ۱۳۵۹ مسئولیت واحد روابط عمومی سپاه پاوه را عهده‌دار شده بود و سپس به فرماندهی این سپاه رسیده بود از مهر ۱۳۵۹ تا دی ۱۳۶۰، در بسیاری از این عملیات ها حضور داشت. متلاشی کردن حزب رزگاری و جذب ۳۶۲ تن از عناصر گروهک‌های دموکرات، کومه‌له، فدایی و رزگاری که با سلاح‌های خود تسلیم سپاه پاوه شدند و امان‌نامه گرفتند، از جمله آثار حضور مقتدرانه او در این منطقه بود. حاج احمد متوسلیان نیز که فرماندهی عملیات سپاه پاوه در دی ماه سال ۱۳۵۸ را بر عهده داشت، در پاک‌سازی روستاهای حومه پاوه طی چهار عملیات و آزادسازی این شهر به اتفاق شهید صیاد شیرازی نقش‌آفرینی نمود.



♦ مدافعان نوسود-نفر اول از سمت چپ شهید عباس چکشی از فرماندهان جبهه نوسود

نوسود



شهر کوچک مرزی نوسود مرکز بخش نوسود شهرستان پاوه است و در ۲۵ کیلومتری شمال غربی شهر پاوه قرار دارد. بخش نوسود نیز که از توابع شهرستان پاوه است ۴۲ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد. این شهر مرکز حکمرانی ملوک الطوایفی بوده و ۸۰ سال پیش مقرر حکومت جعفر سلطان یکی از خوانین اورامان بوده است. نوسود اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی به محل امنی برای نیروهای ضدانقلاب تبدیل شد. در این مدت بسیاری از خانه‌های مردم به دست افراد حزب دمکرات و کومه‌له ویران شد و اموال مردم و تجهیزات دولتی از جمله تجهیزات شهرداری و آموزش و پرورش این شهر به غارت رفت. این شهر ۷۰ روز پس از حمله ۲۶ مردادماه ۱۳۵۸ پاوه، توسط متجاوزین عراقی و ضدانقلاب به اشغال درآمد و به پایگاهی برای انجام عملیات‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه اورامانات، تبدیل شد. تا اینکه پس از برکناری بنی‌صدر از فرماندهی کل قوا و به وجود آمدن وحدت و یکپارچگی بین ارتش

و سپاه طی عملیاتی بنام روح الله خمینی^(ع) در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۱۱ به فرماندهی شهید ناصر کاظمی که فرماندار پاوه و فرمانده سپاه در منطقه اورامانات بود، نوسود-نودشه و ارتفاعات شمش و چندین پاسگاه از لوث متجاوزین عراقی و ضدانقلاب پاک‌سازی شد و به آغوش میهن اسلامی بازگشت و دشمن به ناچار از این شهر خارج شد و از ارتفاعات شوشمی در غرب نوسود عقب نشست. در عملیات محمد رسول‌الله^(ص) در ۱۲ دی ماه ۱۳۶۰ این ارتفاعات تأمین نشد، اما در عملیات والفجر ۱۰ در ۲۴ اسفند ۱۳۶۶، دشمن تا داخل خاک عراق (حلبچه) تعقیب شد و ارتفاعات غربی نوسود و روستاهای مرزی آن برای همیشه آزاد شدند. نوسود از ۱۳۵۹/۹/۱ تا ۱۳۶۷/۱/۸ ۱۲ بار بمباران شد که یک نوبت آن بمباران شیمیایی بود که به این دلیل این حمله شیمیایی به این شهر، حلبچه هورامان نیز می‌گویند. بر اثر حملات دشمن، شهر نوسود ۱۸ شهید تقدیم انقلاب نموده است. در طول جنگ بخش نوسود و ۱۶ روستای آن نیز آماج گلوله‌باران و بمباران دشمن بوده است و بیش از ۲۶۰ شهید تقدیم انقلاب نموده است.

♦ رزمندگان کرد در نوسود





♦ مسجد جامع باینگان



♦ شهدای باینگان

باینگان

بخش باینگان نیز یکی از بخش‌های سه‌گانه پاوه است که از شمال به نوسود و حومه پاوه، از جنوب به جوانرود و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. شهر کوچک باینگان

نیز یکی از بخش‌های شهرستان پاوه است که در دره‌ای کوهستانی در دامنه کوه گرده در ۲۴ کیلومتری جنوب غربی پاوه قرار دارد و کوه‌های شاهو، راگا و ماکوان مشرف بر آن است و رود چم‌مره‌خیل از جنوب باینگان می‌گذرد و به رود مرزی سیروان می‌ریزد. قدمت تاریخی شهر به پیش از اسلام بازمی‌گردد چنانچه مسجد جامع باینگان توسط عبدالله بن عمر بن خطاب هم‌زمان با دو مسجد روستای زردویی و تین، پی‌ریزی شده است. پس از آنکه طایفه بادنیان عراق در این محل ساکن شدند به مرور نام این منطقه به بانیکان و سپس به باینگان تغییر نام داد. اکنون ساکنان شافعی مذهب باینگان با لهجه جافی تکلم می‌کنند. پس از پیروزی انقلاب و قبل از آغاز جنگ عده‌ای از مردم باینگان که



◆ نمای کلی از باینگان

از آزار گروه‌های ضدانقلاب به ستوه آمده بودند، برای دفاع از شهر درخواست سلاح کردند که سپاه پاسداران آنان را در اردیبهشت ۱۳۵۹ مسلح کرد و آن‌ها با استقرار در روستای مزیدی با ضدانقلاب درگیر شده و با پیشروی به سوی باینگان، این شهر و روستای اطراف آن را پاک‌سازی کردند. در ۱۳۵۹/۳/۱۰، مجدداً ۶۰۰ فرد مسلح که ۲۰۰ تن از آن‌ها عراقی بودند، باینگان را محاصره و با خمپاره و مسلسل به مدت ۲۴ ساعت شهر را زیر آتش گرفتند که در نتیجه آن به ۲۰ باب خانه خسارت کلی وارد شد و ۴ پاسدار و یک پیش‌مرگ مسلمان کرد به شهادت رسیدند. در پی آن نیروهایی از سپاه پاوه به فرماندهی شهید ناصر کاظمی و واحدهایی از ارتش عازم باینگان شدند که با تلاش آن‌ها محاصره شکسته شد و مهاجمان با ۱۴ کشته و زخمی عقب‌نشینی کردند. پس از آزادسازی باینگان، در مدت ۴۸ ساعت، ۲۰۰ نفر از مردم مسلح شدند و کمبود نیرو تا حدی جبران شد و به دلیل بومی بودن آن‌ها در راه‌ها، کمین‌ها و نقاط حساس مشرف بر شهر مستقر شدند. پس از چند روز ضدانقلاب دوباره به شهر حمله کرد که مردم باینگان مقاومت چشمگیری کردند که در جریان آن ۷ نفر از نیروهای بومی به شهادت رسیدند. باینگان در طول جنگ تحمیلی ۲۶ شهید تقدیم انقلاب کرد و ۲۳ روستای حومه آن تا حد زیادی خسارت دیدند.

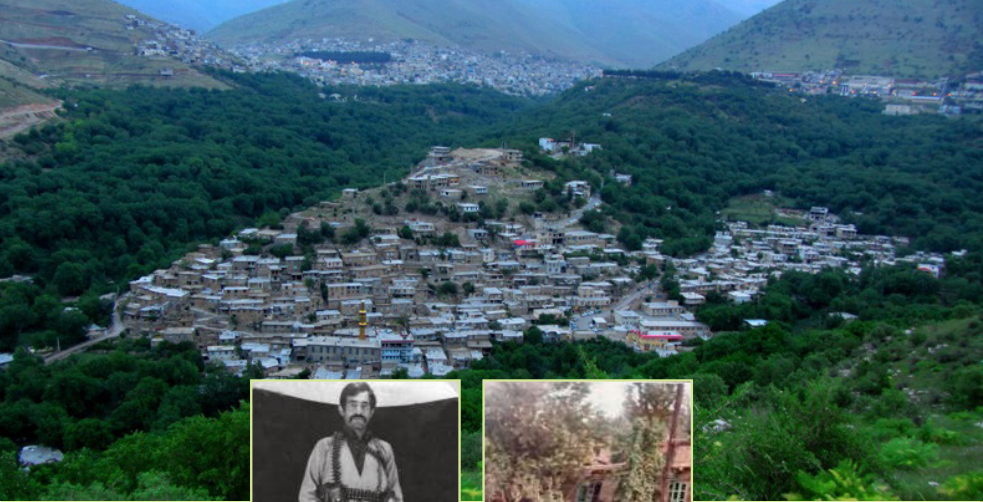


♦ پل دوآب و جاده نوسود بر روی سیروان

رودخانه سیروان و پل دوآب

رودخانه سیروان که آب سیروان نیز نامیده می‌شود از به هم پیوستن دو رودخانه قشلاق و گاوه رود پدید می‌آید. سیروان مهم‌ترین و معروف‌ترین رودخانه منطقه اورامان است که در جنوب غربی استان جریان دارد و بعد از گرفتن آب‌های دامنه شرقی و غربی شاهو، دامنه جنوبی و غربی کوسالان، دامنه جنوبی دالانی و دامنه‌های آتشفشان و ماکوان در نهایت به نام رودخانه سیروان نامیده می‌شود و پس از طی دره کوه‌های کوچک خرمال، شاهو و سالان وارد کردستان عراق شده و به دریاچه سد دربندیخان می‌ریزد و از این پس نام رود دیاله به خود می‌گیرد. این رودخانه که از پرآب‌ترین رودخانه‌های کرمانشاه است؛ منطقه اورامان را به دو بخش پاهو و نوسود تقسیم کرده و پل معروف دوآب در ۲۵ کیلومتری شمال غربی پاهو تنها امکان ارتباطی بین این دو بخش را پدید آورده است. نام‌گذاری دوآب نیز به دلیل به هم پیوستن دو رودخانه در این منطقه است. با آغاز جنگ این پل حساس که شاه‌راه ارتباطی این منطقه بود در اشغال عناصر ضدانقلاب قرارداشت تا آن که سپاه پاهو هم‌زمان با عملیات نروی و پل دوآب در ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ محدوده آن را پاک‌سازی نمود.

زمانی که برای اولین بار نیروهای سپاه از روی این پل گذشتند هواپیماهای عراقی آنان را بمباران کردند و این امر در طول جنگ همچنان ادامه داشت و هر بار جهادگران سازندگی این پل را دوباره بازسازی می‌کردند.



♦ مرحوم زردشت
محمودی از مدافعان
روستا



♦ مدافعان روستا

خانقاه

روستای خانقاه از توابع بخش مرکزی شهرستان پاوه در ۲ کیلومتری جنوب غربی پاوه قرار دارد و کوه‌های دالانی و آتشگاه آن را محصور کرده است و ۱۳۸۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد. آب و هوای این روستا در بهار و تابستان ملایم و مطبوع و در زمستان‌ها سرد است و رود خانقاه از میان آن می‌گذرد و ۱۵۰۰ نفر جمعیت دارد. تاریخ پیدایش این روستای را که در محدوده شهر قدیمی پاوه قرار دارد، به دوره یزدگرد سوم ساسانی نسبت می‌دهند. قلعه و دژ عصر ساسانی در نزدیکی شهر پاوه و پیوستگی تاریخی این شهر با آبادی‌های پیرامون خود، از جمله روستای خانقاه و بنایی قدیمی به نام حوض‌خانه، این حدس و گمان را تقویت کرده است. این روستا در گذشته مقر حکومتی سلطان اورامان جنوبی بود و اهالی شافعی مذهب آن با لهجه هورامی سخن می‌گویند.

پس از پیروزی انقلاب، ضدانقلاب روستای خانقاه را به دلیل موقعیت جغرافیایی و وضعیت طبیعی مناسبش، یکی از پایگاه‌های خود در منطقه برای تسلط بر شهر پاوه قرار داده بودند و به آن «مهابادچه» (مهاباد کوچک) می‌گفتند. این روستا با تلاش رزمندگان در دی ۱۳۵۸ پاک‌سازی شد که پس از پاک‌سازی دو بار توسط ضدانقلاب گلوله باران شد. این روستا در جنگ تحمیلی و در خرداد ۱۳۶۰ نیز دو بار توسط هواپیماهای دشمن بمباران قرار شد. در دوران پاک‌سازی و جنگ ۱۱ تن از اهالی این روستا به شهادت رسیدند.



♦ غار زیبای قوری قلعه

قوری قلعه

روستای قوری قلعه حدود ۳۰ کیلومتری پاهو واقع شده است. در کنار این روستا غار آبی بزرگی با حدود ۱۳ کیلومتر طول قرار دارد که دارای مناظر زیبا و دیدنی است.

این روستا در بحران اول پاهو، شاهد اولین اقدام گروه‌های ضدانقلاب بود؛ بدین ترتیب که در روز ۱۳۵۸/۵/۱۷ هواداران حزب دمکرات و سایر گروه‌های ضدانقلاب در این روستا تجمع و طی قطعنامه‌ای مواضع خود را اعلام کردند؛ تصفیه سپاه پاسداران پاهو و حق خودمختاری برای کردستان از جمله مواردی بود که در این قطعنامه گنجانده شده بود.

مستولان استان کرمانشاه برای آرام کردن اوضاع به گفت و گو با تجمع‌کنندگان پرداختند، اما اثری نبخشید و یک هفته بعد، از روز سه شنبه ۱۳۵۸/۵/۲۳ حرکت مسلحانه آنان به سمت پاهو آغاز شد و ساعاتی پس از نیمه شب ۱۳۵۸/۵/۲۴ به پاهو رسیدند، شهر را محاصره کردند و مقدمات اشغال آن را آماده ساختند.





♦ روستای نجار

نچار

روستای نجار در ۸ کیلومتری شمال غربی پاه و در دامنه شرقی ارتفاعات شاهو و کوه جانی سر قرار دارد و مقبره شیخ محمدعزیز نجاری مشهور به شمس العارفین و پیر هورامان که طریقت قادریه را در حدود ۱۵۰ سال پیش برای اولین بار به هورامان آورده و ترویج داده است قرار دارد و از همین رو این روستا، نجار نام دارد.

این روستا در اوایل تابستان ۱۳۵۹ از عناصر ضدانقلاب پاکسازی شد و در دوران جنگ هشت ساله دو بار هدف تجاوز هوایی قرار گرفت و همچنین

۲۰ گلوله توپ و خمپاره به مناطق مسکونی آن اصابت کرد به نحوی که در این روستا ۱۴ نفر به شهادت رسیدند.



♦ آرامگاه شیخ محمد عزیز
نجاری در روستای نجار



کوسه هجیج

روستای کوسه هجیج از توابع بخش نوسود شهرستان پاوه در استان کرمانشاه است و در دره‌ای زیبا و در جنگلی انبوه در ۲۵ کیلومتری شمال پاوه و در مسیر چشمه و آبشاری به نام بل قرار گرفته است و رودخانه سیروان در جنوب آن جاری است و از شمال غرب و جنوب به کوهستان‌های کوه سالان و شاهو محدود است. خانه‌های هجیج همگی از سنگ و اغلب به صورت خشکه چین و پلکانی ساخته شده، به گونه‌ای پشت بام هر خانه، حیاط خانه دیگری است. آرامگاه امامزاده سید عبدالله معروف به کوسه هجیج در کنار این روستا قرار دارد که از نوادگان امام موسی کاظم علیه السلام است که در زمان هارون الرشید به ایران آمد و در این منطقه ساکن شد و به کمک چند تن از دوستان خود مسجدی بنا کرد که هم اکنون پابرجاست. امامزاده سید عبدالله بعد از ۳۲ سال زندگی دار فانی را وداع کرد و در همان جا به خاک سپرده شد.

این روستا از تاریخ ۱۳۶۰/۳/۱۴ تا ۱۳۶۵/۹/۲۵، ۲۰ بار هدف توپخانه ارتش عراق قرار گرفت که بر اثر آن تعدادی از اهالی شریف آن به شهادت رسیدند.



نودشه

شهر مرزی نودشه در غرب استان کرمانشاه و در شرق نوسود در ۳۲ کیلومتری شمال غرب شهر پاوه قرار دارد و بین کوه‌های درب‌ن در شمال با ارتفاع ۲۷۵۰ متر، کوه کامجر، شخله و چناره در جنوب با ارتفاع میانگین ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ متر و کوه شمش‌ی با ارتفاع تقریبی ۲۰۰۰ تا ۲۱۰۰ متر در غرب و دره باصفای نودشه در شرق محصور می‌شود. جاده زیبا و پرپیچ و خم ته‌ته نیز که در ارتفاع ۱۶۵۰ تا ۱۷۰۰ متری از سطح دریا قرار دارد از شهر نودشه آغاز می‌شود و با عبور از تفرجگاه دالانی تا ژالانه اوران ادامه دارد و از آن به بعد مسیر اورامان‌تخت به مریوان آغاز می‌شود. در پای این جاده مناطقی از عراق نظیر سد دربندیخان و شهرهای طویله، بیاره، خورمال، سید صادق و حلبچه قابل رویت هستند. شهروندان نودشه پیرو مذهب شافعی هستند و به زبان هورامی تکلم می‌کنند. واژه «نودشه» به معنی «نودژ» یا «دژنو» است.

در جریان عملیات‌های پاک‌سازی شهرستان پاوه عملیات نودشه از ۱۳۶۰/۱/۴ تا ۱۳۶۰/۲/۷ در این منطقه به اجرا درآمد که در جریان آن نیروهای ضدانقلاب



♦ شهید فائق فلاحی، پدر چهار فرزند و نهمین شهید شیمیایی خانواده فلاحی در نودشه است که در شهریور ۱۳۹۲ به شهادت رسید

و یگان‌های عراقی، روی مواضع نیروهای خودی در ارتفاعات مجاور نودشه، آتش می‌ریختند، اما با تلاش هوانیروز مواضع رزمندگان تثبیت شد و رزمندگان با حمایت مردم پس از تصرف ارتفاعات کله چنار و کماجا وارد نودشه شدند و آن را پاک‌سازی کردند.

نودشه از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ بارها هدف گلوله توپ و خمپاره قرار گرفت و از ۱۳۶۰/۲/۲۵ تا ۱۳۶۷/۱/۹، ۱۲ بار بمباران شد که سه مورد آن بمباران شیمیایی بود. يك روز پس از بمباران شیمیایی شهر حلبچه در ساعت ۴ بعدازظهر ۱۳۶۶/۱۲/۲۶ چهار فروند هواپیمای بمب‌افکن سوخو عراقی شهر نودشه را بمباران شیمیایی نمودند که در جریان آن ده‌ها تن از مردم بر اثر عامل شیمیایی خردل دچار مصدومیت شدید شده و پس از اعزام به مراکز درمانی کشور، یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند و تنها پزشک حاضر در شهر چهار هزار نفری نودشه نیز در حین درمان ساکنان شهر، به شهادت رسید.

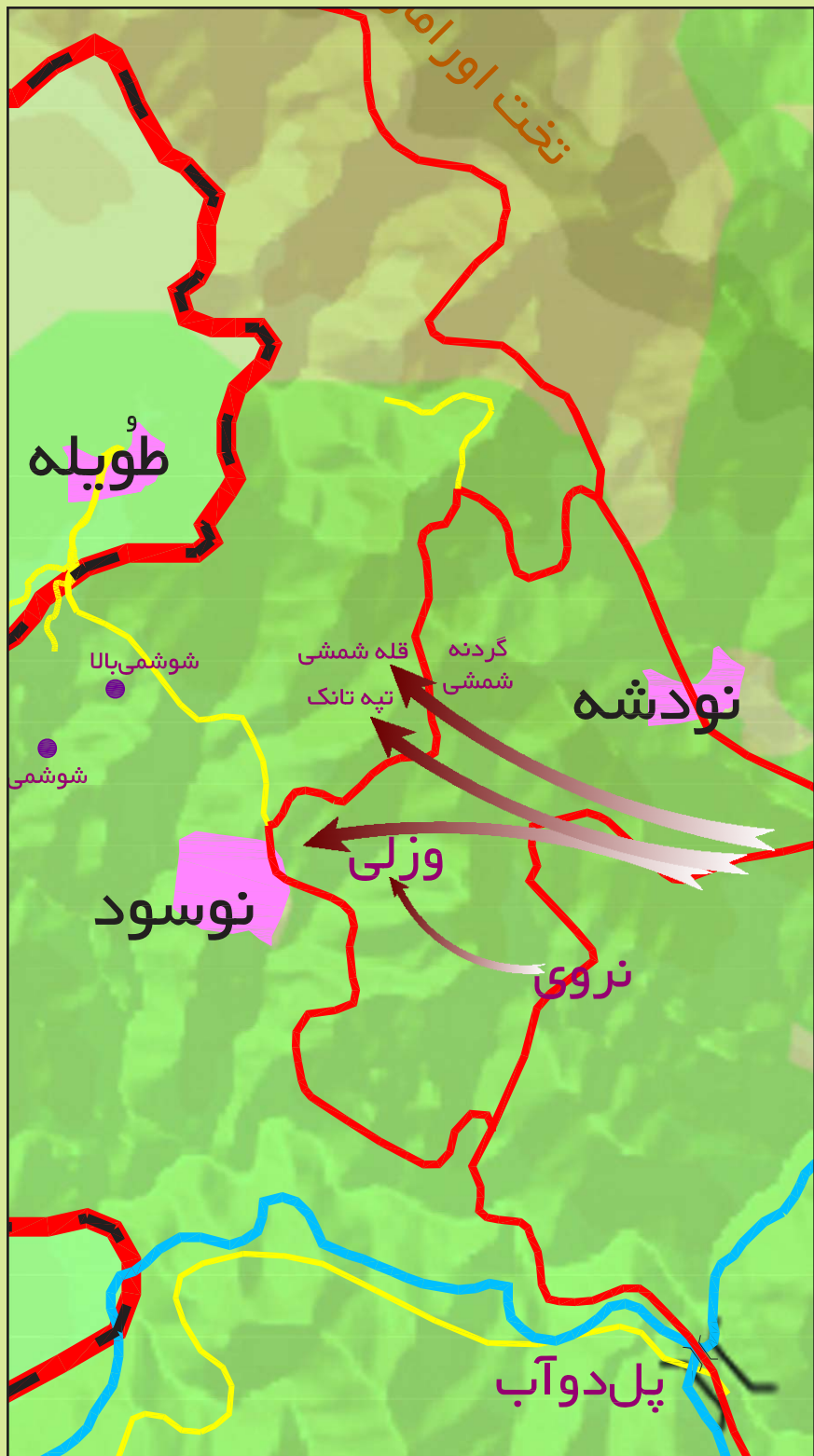
در ۱۳۶۷/۱/۱۳ و ۱۳۶۷/۱/۱۳ این شهر دوباره بمباران شیمیایی شد و ۸ بمب حاوی گاز خردل به نودشه اصابت کرد که بر اثر آن حداقل ۱۳ نفر در همان لحظات شهید و بیش از ۱۰۰ نفر دیگر مصدوم شدند. در این بمباران‌ها حدود ۱۰۴ نفر شهید و تعداد زیادی از اهالی که متأسفانه آمار دقیقی از آن‌ها در دست نیست مصدوم شدند.



منطقه عملیاتی روح‌الله

منطقه عملیاتی روح‌الله در حد فاصل روستای نودشه و نوسود و ارتفاعات حساس شمش‌ی قرار دارد. پس از پاک‌سازی منطقه پاوه- نوسود از نیروهای ضدانقلاب نیروهای خودی به سرزمین‌های تحت اشغال ارتش عراق رسیدند و در خرداد ۱۳۶۰ نخستین خط دفاعی خود را در برابر ارتش عراق در شرق نوسود تشکیل دادند و پس با شناسایی مواضع دشمن، اولین عملیات منظم را ۴ روز پس از حادثه هفتم تیر و انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی و به شهادت رسیدن آیت‌الله دکتر بهشتی و هفتاد و دو تن از یارانش در ۱۱/۴/۱۳۶۰ با نام روح‌الله خمینی اجرا نمودند.

در این عملیات چهار گروهان عملیاتی از نیروهای سپاه پاسداران و یک گروهان احتیاط از نیروهای ارتش، از چهار محور به دشمن حمله کردند. در نخستین ساعات عملیات، دکل مخابرات، ارتفاع شمش‌ی و تپه تانک آزاد شد اما دشمن در سایر نقاط اشغالی پاتک کرد، اما موفقیتی به دست نیاورد و با عقب‌نشینی از شهر نوسود، در ارتفاعات غربی این شهر که امکان دید و تیر داشت موضع گرفت.



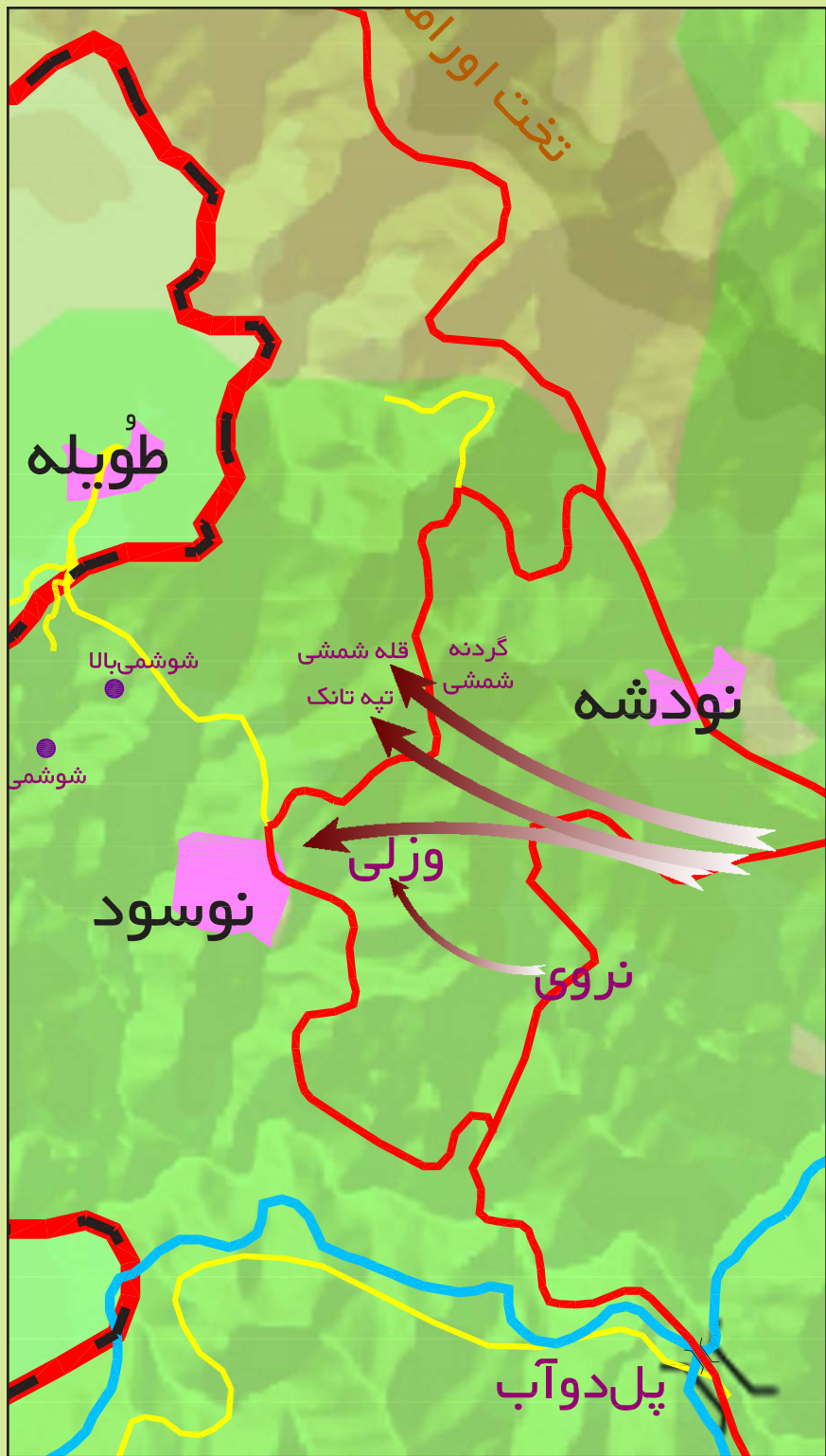


♦ شهید همت در جبهه پاه-نفر اول از سمت چپ شهید سعید مهدی

منطقه عملیاتی محمد رسول الله (ص)

منطقه عملیاتی محمد رسول الله (ص) در ارتفاعات شمال منطقه نوسود و جنوب تخت اورامانات و در ارتفاعات مرزی ایران و عراق قرار داد. این عملیات نیمه گسترده باهدف بستن معبرهای نفوذی ضد انقلاب و حفظ امنیت مناطق مرزی و همچنین تسلط بر شهرک‌های مرزی عراق توسط سپاه مریوان و پاه طرح‌ریزی و با هدایت قرارگاه عملیاتی سپاه در غرب کشور در بامداد روز ۱۳۶۰/۱۰/۱۲ با رمز مبارک لا اله الا الله، محمد رسول الله (ص)، پس از ساعت‌ها کوه‌پیمایی در دو محور شمالی و جنوبی آغاز شد. در محور شمالی دو گردان از سپاه مریوان به فرماندهی حاج احمد متوسلیان و نیروهایی از گردان ۱۳۹ تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد مأموریت داشتند با عبور از ارتفاعات تخت اورامان به مواضع دشمن در هانی‌گرمله و ارتفاعات مرزی هجوم برند، اما قبل از رسیدن رزمندگان به مواضع درگیری آغاز و عملیات با مشکل مواجه شد. با این حال بخشی از اهداف تصرف شد، اما به دلیل استقرار یگان‌های دشمن در ارتفاعات مشرف به نیروهای خودی، مناطق تصرف‌شده تأمین نشد. در محور جنوبی نیز دو گردان از سپاه پاه به فرماندهی شهید محمدابراهیم همت و نیروهایی از گردان ۱۳۹ تیپ ۸۴ پیاده خرم‌آباد با انهدام دشمن، ارتفاعات مرزی غرب نوسود و شهرک طویله را تصرف نمودند.

در عصر همان روز، دشمن با استفاده از جاده‌های نظامی خود پاتک کرد و نیروهای خودی به دلیل این که در محور شمالی نتوانسته بودند به اهدافشان دست یابند و در نتیجه، هماهنگی و الحاق بین دو محور شمالی و جنوبی انجام نشده بود و همچنین جاده نظامی هم برای پشتیبانی از نیروهای در صحنه وجود نداشت، منطقه تصرف‌شده را تخلیه کردند و به مواضع قبلی بازگشتند.





♦ بیکرهای جانباختگان بمباران شیمیایی حلبچه

منطقه عملیاتی والفجر ۱۰

منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ در حدفاصل شرق دریاچه دربندیخان سلیمانیه عراق و ارتفاعات مرزی ایران و در محدوده شهر خرمال و حلبچه عراق قرار دارد. منطقه حلبچه و خرمال، اگرچه از گذشته مورد توجه فرماندهان جنگ بود و هر از چند گاهی در مقاطع مختلف جنگ مورد بررسی آنان واقع می‌شد، لیکن با توجه به این که تلاش اصلی همواره در جبهه جنوب صورت می‌گرفت، انجام عملیات در منطقه مذکور هیچ‌گاه به طور جدی طرح نمی‌گردید.

به دنبال اصلی شدن جنگ در جبهه شمالی که در پی پیدایش مشکلات و معضلات بسیار بر سر راه انجام عملیات در جبهه جنوبی ایجاد شد و نیز توقف عملیات در منطقه بیت‌المقدس ۲، توجه بیشتری به منطقه حلبچه مبذول گردید. طراحی عملیات والفجر ۱۰ در حالی انجام شد که دشمن اگر چه منطقه عملیاتی بیت‌المقدس ۲ را به دلیل احتمال هجوم قوای ایران مسدود نموده بود، لیکن تهاجم اصلی را در جبهه جنوب محتمل می‌دانست. به این ترتیب عملیات بزرگ سال ۱۳۶۶ در منطقه عمومی حلبچه باهدف عمده آزادسازی شهرهای حلبچه، خرمال، دوجیله، بیاره و طویله و تصرف سد دربندیخان و انسداد عقبه اصلی دشمن در استان سلیمانیه عراق طراحی و هم زمان با مبعث رسول اکرم (ص) در ۱۳۶۶/۱۲/۲۵ در ۵ مرحله اجرا شد. منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ به جز در غرب و شمال که دریاچه سد دربندیخان در آن واقع است، توسط ارتفاعات



♦ شهادت اهالی خانواده در بمباران شیمیایی حلبچه

بلند و صعب العبوری محصور شده است که هر يك از این ارتفاعات از اهمیت زیادی برخوردار است؛ به طوری که بالامبو و شاخ آن بر دریاچه دربندیخان و دشت و ارتفاعات تمورژنان مسلط است. شاخ تمورژنان نیز بر شاخ شمیران، سد دربندیخان و تونل و جاده سلیمانیه - بغداد تسلط دارد. علاوه بر ارتفاعات فوق الذکر، می توان از ارتفاعات پرونیه، توانیر، پنج قله، شینه روی، تپه چناره، سه تپه، خورنوازان، تپه هانی قول، تپه سزام و شاخ دارزین نام برد. همچنین شیارهای موجود در منطقه نقش موثری در اختفای نیروهای خودی داشته و بعضاً به عنوان معابر وصولی مورد استفاده قرار می گرفتند که از جمله آن دره گلان، شیار زلم، شیار سورمر، شیار سازان، دره خورنوازان، شیار بالای روستای خورد و شیار وشکنام را می توان نام برد. مهم ترین تأسیسات اقتصادی منطقه، سد دربندیخان است که علاوه بر پرورش ماهی و کشاورزی، در تأمین برق قسمت وسیعی از عراق نقش مهمی دارد. پادگان حلبچه، پادگان لشکر ۲۷ در کانی مانگا، مقر فرماندهی نیروهای دفاع الوطنی سپاه یکم در منطقه روداژه و پایگاه های موشکی سام ۲ و سام ۷ نیز از جمله تأسیسات نظامی در این منطقه هستند. شهرهای مهم عراق در این منطقه نیز به ترتیب وسعت و اهمیت عبارتند از: حلبچه، خرمال و دوجیله. این منطقه عملیاتی تحت امر سپاه یکم عراق قرار داشت و پدافند این منطقه قبلاً بر عهده نیروهای جاش (مزدوران کرد عراقی) بود و آن ها علاوه بر حفظ خطوط پدافندی، مأموریت مقابله با کردهای معارض



♦ انتقال مصدومان شیمیایی به مراکز درمانی توسط رزمندگان

را نیز بر عهده داشتند. با شروع فعالیت‌هایی همچون آماده‌سازی زمین، تردد خودروها و غیره از سوی قوای خودی در این منطقه، دشمن نیز به اقداماتی از قبیل جایگزینی نیروهای نظامی با جاش‌ها، تقویت منطقه با تیپ‌های جدید مبادرت ورزید. در این عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیاء^(ص) به عنوان قرارگاه مرکزی عمل می‌کرد و قرارگاه‌های قدس، ثامن‌الائمه^(ع)، فتح و رمضان هدایت نیروها را به عهده داشتند. قرارگاه قدس در محور شمالی مأمور بستن تنگه و تصرف پل گردکو (عقبه اصلی دشمن به کل منطقه) شد. قرارگاه فتح در محور جنوبی می‌بایست ضمن تصرف بالامبو و تمورژنان با تأمین سرپل در کمر دریاچه، برای مقابله با حرکت احتمالی دشمن، با احداث پل از آمادگی لازم برخوردار باشد. قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع) نیز در محور میانی مأمور شد تا در منطقه گوزیل - دشت سازانبه طرف حلبچه پیشروی کند و در مرحله دوم جاده بیاره - طویله - نوسود را تصرف و آزاد نماید. هم‌چنین، قرارگاه رمضان مأموریت یافت علاوه بر فعالیت‌های شناسایی، با مشارکت تیپ ۷۵ ظفر و کردهای معارض ضمن تصرف شهر، توپخانه دشمن را منهدم سازد. با آغاز عملیات با رمز مبارک یا محمدابن عبدالله^(ص) یگان‌ها توانستند تمامی اهداف خود در مرحله اول را به تصرف در آورند و به غیر از واکنش دشمن در شاخ سورمر و شاخ شمیران تحرك دیگری از نیروهای عراقی مشاهده نشد و رزمندگان اسلام پس از عبور از موانع سخت و ایذایی دشمن موفق شدند حدود ۲۰ روستا واقع در شمال و جنوب و غرب شهر



♦ مزار شهدای شیمیایی حلبچه در خاک عراق

خرمال آزاد نمایند. رزمندگان روز بعد پیروزمندانه وارد شهر خرمال عراق شده و شهر را کاملاً پاک‌سازی نمودند و گروهی از مردم به استقبال رزمندگان اسلام آمدند. در محور قرارگاه قدس نیروها در شاخ سورمر و شاخ شمیران متوقف شدند و در محور قرارگاه ثامن‌الائمه^(ع)، نیروهای عمل‌کننده ارتفاعات مگر از سلسله ارتفاعات بالامبو و نیمی از شیندری را تصرف کردند و به رغم روشن شدن آسمان، برای الحاق روی یال ارتباطی شامل دشت سازان و سپس نیمی دیگر از ارتفاعات شیندری، به پیشروی خود ادامه دادند. قرارگاه رمضان نیز در این مرحله تنها توانست پمپ‌بنزین شهر حلبچه را به آتش بکشد.

قابل‌ذکر است که نیروهای جهادگر با احداث جاده‌های مناسب در ارتفاعات سر به فلك کشیده و زدن پل‌های حیاتی، نقش مهمی در تسریع حرکت نیروهای عمل‌کننده ایفا کردند تا جایی که نیروهای به اسارت گرفته‌شده در عملیات والفجر ۱۰ از سرعت عمل نیروهای عمل‌کننده در این منطقه صعب‌العبور ابراز شگفتی می‌کردند. در مرحله دوم عملیات در ۱۳۶۶/۱۲/۲۶، دلیرمردان سپاه ضمن پیشروی در غرب شهر خرمال، روستاهای تپه کالاری، حاجی رقه، تپه توکه، کپه کول را آزاد نمودند و ارتباط شمال و جنوب استان سلیمانیه عراق قطع شد و شهر مهم دوجیله و بیش از ۲۰ روستای اطراف آن آزاد شد. در مرحله سوم عملیات در ۱۳۶۶/۱۲/۲۷ پس از عبور از رودخانه‌های خروشان سیروان، زیمکان و آب لیل، مواضع، پایگاه و استحکامات دشمن را در سلسله ارتفاعات بالامبو و گوزیل و بیش از ۲۴ ارتفاع دیگر در جنوب استان سلیمانیه عراق در هم شکست و رزمندگان بر ۹۰ روستای منطقه عمومی حلبچه تسلط یافتند و نیروی دریایی سپاه با استقرار در شرق دریاچه، تحرکات دشمن در آن سوی دریاچه را زیر نظر گرفتند و در نهایت شهر ۷۰ هزار نفری حلبچه تصرف شد. مرحله چهارم عملیات این مرحله از نیمه شب پنج‌شنبه ۱۳۶۶/۱۲/۲۷، آغاز و رزمندگان اسلام، پس از تثبیت مناطق آزادشده، موفق شدند شهر مرزی و گردنشین نوسود را که



♦ حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ارتفاعات شندروین عراق در منطقه‌ی عمومی حلبچه همزمان با عملیات والفجر ۱۰

بیش از ۷ سال زیر سلطه دشمن قرار داشت و بغداد آن را به عنوان پایگاهی برای ضدانقلاب و منافقین تبدیل کرده بود، از تیررس دشمن خارج سازند. با استقرار کامل نیروها در شهر نوسود موفق شدند دو شهر نظامی طویله و بیاره و بیش از ۸ روستای اطراف آن در نزدیکی نوار مرزی را آزاد کنند. در مرحله پنجم عملیات در ۱۳۶۶/۱/۳ نوزده ارتفاع حساس منطقه و چندین روستای دیگر استان سلیمانیه آزاد شد.

شهرستان
پساوه

امام خمینی ^(ع) به مناسبت عملیات والفجر ۱۰ و آزادسازی منطقه‌ای به وسعت حدود ۱۲۰۰ کیلومترمربع شامل شهرهای حلبچه، خرمال، بیاره، طویله و نوسود و در پاسخ به نامه فرمانده کل سپاه پاسداران چنین فرمودند: «...سلام و تشکر ملت ایران را به مردم شهرهای آزادشده عراقی که بدون این که حتی يك گلوله هم به طرف آنان و شهرهای آنان شلیک شود، با آغوش باز و فریاد الله اکبر از رزمندگان ما استقبال نمودند، برسانید و به آن‌ها بگویید که می‌بینید صدام چگونه دیوانه‌وار شما و شهروندان را بمباران خوشه‌ای و شیمیایی می‌کند و خواهیم دید که جهان خواران چگونه در تبلیغات مسموم خود از کنار این پیروزی‌های بزرگ و جنایت صدام خواهند گذشت».

ارتش عراق علاوه بر به کارگیری سلاح شیمیایی برای مقابله با رزمندگان، در روز ۱۳۶۶/۱۲/۲۶ انبوه مردم در حلبچه را درحالی که خانه و کاشانه خود را به قصد ایران ترک می‌کردند، هدف بمب‌های شیمیایی قرارداد و هزاران تن از مردم عراق را به شهادت رساند.



♦ رزمندگان در ارتفاعات مشرف بر سد دربندیخان عراق

منطقه عملیاتی بیت المقدس ۴

منطقه عملیاتی بیت المقدس ۴ منطقه‌ای کوهستانی است که از شمال به دریاچه دربندیخان و شاخ تمورژیان، از جنوب به دشت مرتکه و ارتفاعات شاخ خشیک و بمو از شرق به رودخانه زیمکان و کوه بیزل، از غرب به سد دربندیخان و ارتفاعات قاشتی در ۵ کیلومتری عمق خاک عراق منتهی می‌شود.

با گذشت پنج روز از عملیات والفجر ۱۰، سپاه پاسداران عملیات محدود بیت المقدس ۴ را باهدف گرفتن سرپل در جنوب دریاچه دربندیخان و تأمین نیروهای خودی در منطقه سرشات خارو و باهدف نهایی رسیدن به سد دربندیخان طراحی و در ۱۳۶۷/۱/۵ با رمز یا اباعبدالله (ع) اجرا نمود. در مرحله اول برای شکستن خطوط دشمن در جنوب دریاچه دربندیخان، عملیات آبی - خاکی اجرا شد. در این مرحله نیروهای غواص لشکر ۱۰ سیدالشهدا (ع) در ساعات نخست عملیات پس از عبور از دریاچه به انهدام نیروهای دشمن پرداختند و در پی آن لشکرهای ۵۷ و ۲۷ و ۱۸ سپاه پاسداران از دریاچه دربندیخان عبور کردند و در ادامه پیشروی خود، ارتفاعات شاخ سورمر، شاخ شمیران و بخشی از ارتفاع برددکان و روستاهای منطقه را تصرف کردند. هدف نهایی نیروهای خودی سد دربندیخان بود؛ اما دشمن که با تهدید جدی رو به رو شده بود اقدام به بمباران شیمیایی منطقه کرد و مانع پیشروی رزمندگان شد و بدین ترتیب ادامه عملیات میسر نشد و نیروهای خودی تا ۱۳۶۷/۱/۹ به مواضع قبلی بازگشتند.







پاوه
شهرستان پاوه
خلفاء
بازنگ
شهرستان
جوانرود
جوانرود
استان کردستان
سربینان
مرورید
کامیاران
روانسر
شهرستان
روانسر
حسن آباد
کوزران
شهرستان
شهر
کهوره
کرمانشاه
کرمانشاه
مرکز فرهنگی
دفتر مجلس
پادشاه زن شهر مان
کشت
شهرستان گسار
طاق پستان
سراب جیلو
ماهیدشت
مرصاد
تنگ چهارزیر
تنگ حسن آباد
اسلام آباد غرب
پادگان الله اکبر
پادگان خیمه
نگارخانه هند
فرودگاه اضطراری
شهرستان
اسلام آباد غرب
حقیل
آسمان آباد
سرآبله
استان ایلام
هلهشی
ایلام



شهرستان گیلان غرب



شهرستان گیلان غرب

گیلان غرب
بانه فلاح

کورسفید

بسمه الفهر
بانه کرچی ما
چالوند

تنگ فاسم آباد
تنگ گورک

سار دیره

نارانی آباد

سیریل
دهاب

شهرستان سیریل دهاب

دشت دهاب

شهرستان ثلاث باباجانی

نازه آباد

شهرستان جوانرود

جوانرود

شهرستان پاوه

پاوه



شهرستان گیلان غرب

شهرستان
گیلان غرب

شهرستان گیلان غرب به مرکزیت شهر گیلان غرب در جنوب استان کرمانشاه قرار دارد و از شمال به شهرستان‌های سرپل ذهاب و دالاهو، از جنوب به استان ایلام، از شرق به شهرستان اسلام‌آبادغرب و از غرب به شهرستان قصرشیرین محدود می‌شود. شهرستان گیلان غرب با ۲۳۶۷ کیلومترمربع وسعت دارای دو بخش مرکزی و گوآور است و بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، ۶۲۸۵۸ نفر جمعیت دارد که بیشتر در روستاها و مناطق عشایرنشین سکونت دارند. بیش‌ترین معادن قیر طبیعی ایران در گیلان غرب قرار دارد و شغل اصلی اهالی آن به خاطر شرایط آب و هوایی و زمین‌های حاصلخیز، کشاورزی و دامداری است. سرزمین گیلان غرب از گذشته‌های بسیار دور به عنوان یکی از مراکز زندگی ایلی به شمار می‌آمده است. این شهرستان با شهرستان ایوان در استان ایلام از لحاظ گویش و فرهنگ شباهت بیشتری دارد و مردمانی شجاع و خونگرم آن اغلب پیرو مذهب شیعه هستند و گویش کردی کلهری دارند. شهر گیلان غرب به دلیل وجود درختچه مورت که یکی از درختچه‌های مقدس در ایران باستان است



♦ نیروهای ارتش ایران پس از ترک مخاصمه با متفقین در جنگ جهانی دوم در کرمانشاه

از دیرباز محل عبادت زردشتیان بوده است. به گونه‌ای که به تازگی قصر و عبادتگاهی در شهر گیلان غرب از دل خاک بیرون کشیده شده است که متعلق به دوره ساسانیان است. ابنیه تاریخی تپه قلاع که در مرکز شهر قرار دارد به تاریخ پیش از اسلام و زمان جنگ میان ایران و روم برمی گردد و قلعه مهرنگار که در جاده ویژنان قرار دارد، مربوط به دوره خسرو انوشیروان ساسانی است. گوردخمه فرهاد یا فرای کن در دهستان دیره نیز مربوط به دوران هخامنشی است و بناهایی است که در سراب مورت واقع شده‌اند مربوط به دوران ساسانیان می‌باشند که یکی از آن‌ها آتشکده و دیگری محل انجام امور حکومتی بوده است. زیارتگاه‌هایی که در این شهرستان قرار دارند عبارتند از: حضرت سلیمان در دهستان چله، دوازده امام در روستای گراویان، قدمگاه امام محمدباقر^(ع) در روستای گورسفید، قدمگاه حضرت ابوالفضل^(ع) در روستای کله جوب سفلی و چهل مرد در سراب مورت. ظاهراً از اواخر دوره قاجار این منطقه دارای تجمع سکونت و شهرداری بوده است به گونه‌ای که پس از بازدید رضاخان از این منطقه به دلیل وجود چشمه‌های فراوان و سرسبزی این منطقه دستور داد نام آن را به گیلان غرب تغییر دهند لذا ذکر نام گیلان برای این شهرستان با وجود جنگل‌های بکر و زیبا و مناظر دیدنی تداعی‌کننده استان گیلان است. در جنگ دوم جهانی این شهرستان توسط ارتش انگلیس به صورت موقت اشغال شد. گیلان غرب تا پیش از سال ۱۳۶۲ بخشی مستقل از توابع شهرستان اسلام‌آبادغرب بوده که از این سال با توجه به ویژگی‌های سیاسی، اجتماعی به شهرستان ارتقاء یافت و دارای فرمانداری شد. تپه تاریخی گیلان غرب، دشت دیره، بنای ساسانی سراب گیلان غرب، تنگ گلم و میاندار از مراکز دیدنی این شهرستان هستند.



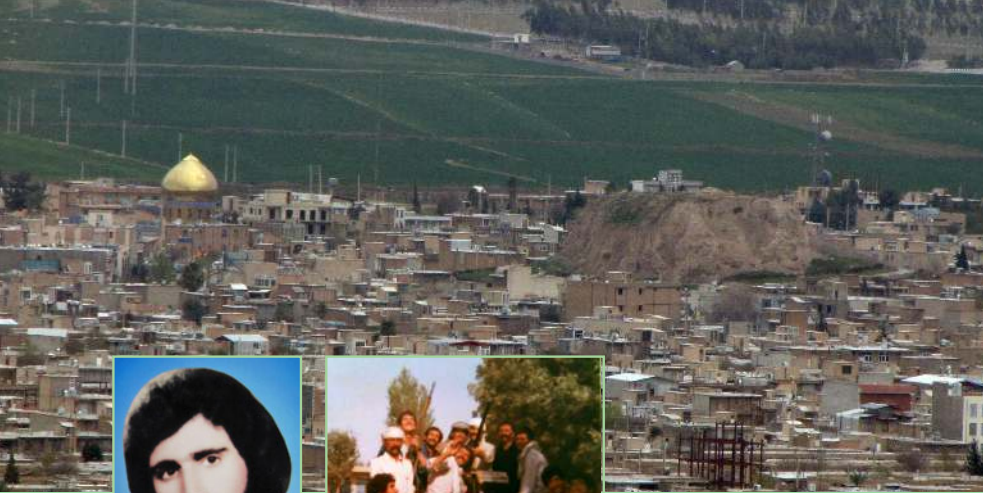
♦ مخازن سوخت رها شده از بمب افکن‌های دشمن در گیلان غرب

گیلان غرب قبل از تهاجم عراق شاهد خرابکاری‌های تجزیه‌طلبان و پس از آن شاهد پیشروی ارتش عراق تا شهر گیلان غرب بود اما مقاومت مثال زدنی مردم مانع از پیشروی دشمن شد. عملیات‌های متعددی همچون مطلع‌الفجر و بازی دراز ۱ و ۲ در محدوده این شهرستان اتفاق افتاد. مردم گیلان غرب با تشکیل تیپ مستقل مسلم‌بن عقیل و تقدیم ۷۵۰ شهید و بیش از ۲۵۰۰ جانباز و ۱۳۳ آزاده سرافراز؛ در جنگ نقش‌آفرینی کردند.

اولین حمله شیمیایی ثبت شده در طول جنگ، در آذرماه ۱۳۵۹ درحالی‌که تنها ۱۱۴ روز از آغاز رسمی جنگ می‌گذشت؛ در این شهرستان صورت گرفت که به مصدومیت جمعی از مردم منجر شد. اهالی روستای دیره نیز از بمباران شیمیایی دیره در سال‌های جنگ رنج می‌برند و هنوز در حال تقدیم شهید به انقلاب اسلامی هستند.

♦ میدان مقاومت شهر گیلان غرب و نماد زن قهرمان





♦ شهید صفر خوشروان



♦ مدافعان گیلان غرب در سال ۱۳۵۹

گیلان غرب

شهر گیلان غرب مرکز شهرستان گیلان غرب است و در ۵۰ کیلومتری جنوب شرقی قصرشیرین و شهر خانقین عراق واقع شده است. نام این ناحیه در گذشته امله بوده است (به معنای محل تجمع قبایل و طوایف) تا آنکه رضاشاه به واسطه شباهت جنگل‌های انبوه و برنج‌زارهای آن به گیلان نام این منطقه را به گیلان غرب تغییر نام داد؛ هرچند که دشت گیلان و طایفه‌ای هم به نام گیلانی در این منطقه وجود داشت. با آغاز جنگ و اشغال قصرشیرین در ۱۳۵۹/۷/۴، دشمن توسط لشکر ۴ پیاده و تیپ ۲۴ مکانیزه خود با عبور از خان لیلی، چم امام حسن^(ع)، تنگ حاجیان و گورسفید و اشغال ۳۲ روستای دهستان حومه در محدوده جاده قصرشیرین-گیلان غرب؛ در ۱۳۵۹/۷/۵ تا مدخل ورودی شهر گیلان غرب در سهراهی ایثار (سرپل ذهاب- گیلان غرب- قصرشیرین) پیشروی می‌کند. در ۱۳۵۹/۷/۶ ستون نظامی دشمن به باغ فلاحت (اکنون پارک عمومی است) و پمپ‌بنزین شهر می‌رسد و تعدادی از آن‌ها نیز وارد شهر می‌شوند که با مقاومت به‌یادماندنی مردم سلحشور گیلان غرب مواجه می‌شوند. مردم با استفاده از تفنگ شکاری برنو و سلاح سرد و رهاسازی آب در مزارع، موجب توقف اولیه دشمن شدند و با پیوستن گروهی از پاسداران (گروهی از سپاه تهران، نفت شهر و بروجرد) و نیروهای ارتش (شامل گردان ۲۸۵ تیپ ۲ لشکر ۸۱ زرهی) دشمن از شهر و حومه آن به عقب رانده شد. در ادامه نیز بالگردهای هوانیروز ارتش، عقبه ستون نیروهای دشمن بر روی جاده گیلان غرب را منهدم نموده و در نتیجه دشمن مجبور شد با برجای گذاشتن



تعدادی از تانک‌ها و ادوات خود تا روستای گورسفید عقب‌نشینی کند. با تداوم شیخون‌های شبانه رزمندگان در مهرماه ۱۳۵۹، دشمن به ناچار از آنجانب تا تنگ حاجیان و چغالوند و ارتفاعات مشرف بر منطقه، به عقب نشست. مردم گیلان غرب در طول دوران دفاع مقدس علی‌رغم تحمل فشارهای فراوان

و عدم امنیت منطقه هیچ‌گاه موطن خود را ترک نکردند و در حاشیه شهر و دامنه کوه‌ها به عنوان پشتیبان رزمندگان اسلام سکنی گزیدند به گونه‌ای که به پاس این از خود گذشتگی و مقاومت عنوان دومین شهر مقاوم کشور را از آن خود کردند. با سازماندهی نیروهای ارتش و سپاه زمینه بازپس‌گیری ارتفاعات و مناطق حساس گیلان غرب فراهم شد و عملیات‌های تنگ حاجیان، مطلع‌الفجر و چغالوند منجر به آزادسازی مناطق مهمی همچون آوزین، چغالوند، تنگه حاجیان و ارتفاعات شیاکوه شد و عملاً شهر گیلان غرب از تیررس توپخانه دشمن در امان ماند. با این حال در طول جنگ این شهر بارها مورد هجوم زمینی و هوایی دشمن قرار گرفت و ۸۴ بار بمباران شد که در جریان آن ۱۴۷ نفر شهید و ۷۱۶ نفر دیگر مجروح شدند و شهر گیلان غرب به همراه ۳۰ روستا، به میزان صد درصد تخریب شدند که بازسازی آن‌ها از سال ۱۳۶۳ آغاز شد.

در پایان جنگ و سه روز پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ دشمن با هجوم مجدد سراسری و با لشکر ۱۶ پیاده و ۱۷ زرهی خود؛ با عبور از چم امام حسن^(ع) خود را دوباره به شهر گیلان غرب رساند و ضمن اشغال آن، در ۱۵ کیلومتری شرق آن توقف نمود که با اجرای عملیات مرصاد و انهدام منافقین در محور اسلام‌آباد-سرپل‌ذهاب-قصرشیرین، دشمن به ناچار از این منطقه عقب‌نشینی نمود. شهید صفرخوشروان فرمانده عملیات سپاه پاسداران گیلان غرب، از شهدای شاخص این دیار است که در ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ بر اثر انفجار مین در منطقه آوزین به شهادت رسید و در گلزار شهدای گیلان غرب به خاک سپرده شد.



♦ شهید غلامعلی پیچک



♦ پیکر این شهید تیر ماه ۱۳۶۱ در تنگ کورک پس از عقب نشینی دشمن در این حالت پیدا شد

تنگ‌های قاسم‌آباد و کورک



تنگ‌های قاسم‌آباد و کورک منطقه‌ای صعب‌العبور، با ارتفاعات بلند و خمره‌ای مانند است که در ارتفاعات برآفتاب واقع شده‌اند و از معابر وصولی گیلان غرب و سرپل ذهاب محسوب می‌شوند و اهمیت نظامی فراوانی دارند. این منطقه که محور شمالی عملیات مطلع الفجر را تشکیل می‌داد، شاهد از جان گذشتگی‌های بسیاری از رزمندگان اسلام است به نحوی که جاویدالآثر حاج احمد متوسلیان درباره مقاومت در تنگ کورک می‌گوید: «این بچه‌هایی که در تنگ کورک جنگیدند مثل یاران اباعبدالله الحسین^(ع) در کربلا در محاصره کامل بودند و خوب جنگیدند و حماسه آفریدند».

غلامعلی پیچک معلم آموزش و پرورش و فرمانده محور سرپل ذهاب پس از تحویل مسئولیت به شهید مهدی حاجی بابا، در عملیات مطلع الفجر و جریان آزادسازی تنگ قاسم‌آباد به عنوان یک نیروی آزاد به شهادت رسید.



تپه قلاع

شهرستان
گیلان غرب

تپه خاکی و باستانی قلاع (قلعه) تپه‌ای مصنوعی در مرکز شهر گیلان غرب است که به دوران اشکانیان و ساسانیان منسوب است. این بنا ظاهراً قلعه‌ای مربوط به زمان جنگ‌های ایران و روم در دوره ساسانیان بوده که نگهبانان آن نزدیک شدن قوای دشمن را به وسیله آتش در شب و دود در روز، به مردم منطقه اطلاع می‌دادند.

عده‌ای نیز از آن به عنوان آتشکده و یا معبدی مربوط به دوره اشکانی نام می‌برند.

در دوران جنگ گروه پدافند هوایی ارتش برای مقابله با حملات هوایی عراق بر روی این تپه مستقر بودند که بر اثر حمله هوایی جنگنده‌های دشمن در ۱۳۶۱/۹/۱۶ تعدادی از خدمه آن به شهادت رسیدند و در مزار شهدای کرمانشاه به خاک سپرده شدند.



♦ شهید عبدالحمید انشائی

♦ رزمندگان گمجن (گروه مشترک
جنگ های نامنظم) عشایری کرمانشاه

شیاکوه

ارتفاعی است در جنوب ارتفاعات برآفتاب و غرب شهر گیلان غرب که در جریان مقاومت ۱۷ روزه نیروهای خودی در عملیات مطلع الفجر آزاد شد و یکی از حماسه‌های ۸ سال دفاع مقدس گیلان غرب را در این منطقه رقم زد. آن گونه که یک روز پس از آغاز عملیات و اعلام موفقیت‌های چشمگیر رزمندگان در محور جنوبی و آزادسازی شیاکوه حضرت امام خمینی^(ع) در پیامی به فرماندهان ارتش و سپاه فرمودند: «... این بار جلوه عظمت الهی در جبهه گیلان غرب و سرپل ذهاب درخشیدن گرفت و کشور را در آن محور از لوٹ وجود بستگان امریکا تطهیر فرمود. وَمَارِمِيتْ اِدْرَمِيتْ وَلَكِنَّ اللّٰهَ رَمٰی اسلام بزرگ و اسلامیان و تاریخ کشور، این فداکاری‌ها و جوانمردی‌های دلیران نظامی و انتظامی و مردمی را فراموش نمی‌کند و افتخار بزرگ فرماندهان و سربازان و پاسداران و نگهبانان کشور حضرت مهدی - ارواحنا لمقدمه الفداء - در تارک ایران ثبت است...». گفته می‌شود که دیدگاه بسیار مستحکم معروف به دیدگاه صدام بر روی قله ۱۰۲۰ این ارتفاع که دارای جاده آسفالت بود، احداث شده بود و صدام از روی شیاکوه و این دیدگاه بر روند عملیات نیروهای عراقی نظارت داشت. شهید عبدالحمید انشائی از دیدبانان شجاع ارتش در ۱۳۶۰/۱۰/۱۵ در شیاکوه به شهادت رسید؛ که این جمله از او به یادگار مانده است: «به امام بگوئید شیاکوه لرزید اما انشائی نلرزید». وقتی فرماندهان پیام شهید را به حضرت امام^(ع) رساندند، ایشان فرمودند: «در صدر اسلام هم از این افسرها بود، مثل انشایی‌ها».



تنگ حاجیان

شهرستان
گیلان غرب

تنگ حاجیان در جنوب روستای نسا دیره و در ۱۰ کیلومتری شرق روستای گورسفید و در میان ارتفاعات برآفتاب قرار دارد که نزدیک‌ترین معبر وصولی حساس به گیلان غرب محسوب می‌شود و دشت گیلان غرب را به دشت دیره در جنوب سرپل ذهاب متصل می‌کند. ارتش عراق در ۱۳۵۹/۷/۵ پس از ناکامی در اشغال گیلان غرب، چند کیلومتر عقب‌نشینی کرد و بر روی ارتفاعات اطراف شهر موضع پدافندی گرفت. قوای دشمن با استقرار در تنگ حاجیان و روستای گورسفید و ارتفاعات داربلوط، جاده گیلان غرب به سرپل ذهاب و پادگان ابوذر را ناامن کرد و شهر گیلان غرب را زیر آتش توپخانه میان‌برد خود قرار داد. از همین رو عملیات آفندی تنگ حاجیان با هدایت قرارگاه مقدم نیروی زمینی ارتش توسط لشکر ۸۱ زرهی و سپاه پاسداران گیلان غرب، باهدف انهدام قوای دشمن و کسب برتری تاکتیکی از ۱۳۵۹/۱۰/۱۴ در دو محور شمالی و جنوبی تنگ حاجیان به مدت ۱۱ روز به اجرا درآمد. در محور شمالی موانع دشمن باعث شد تنها بخشی از ارتفاعات برآفتاب تصرف شود و در محور جنوبی،



♦ شهید اصغر وصالی

گردان پیاده سپاه به همراه گردان ۲۸۵ زرهی ارتش روستای گورسفید و آوزین و ارتفاعات اطراف آن را آزاد کردند و سپس با پیشروی به سمت تنگ حاجیان با نیروهای محور شمالی الحاق کردند و بدین ترتیب تنگه حاجیان آزاد شد. در محور جنوبی گردان پیاده ژاندارمری مستقر در داربلوط، چغالوند را تصرف کرد اما در برابر واکنش دشمن، مجبور به عقب‌نشینی شد. پس از آزادی این مناطق ارتش عراق تا ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ در این منطقه پاتک کرد اما هر بار با تحمل خساراتی به عقب بازگشت و سرانجام از هفت کیلومتری به دوازده کیلومتری گیلان‌غرب رانده شد و آتش توپخانه عراق بر شهر گیلان‌غرب کاهش یافت و ۴۰ کیلومترمربع از مناطق اشغالی آزاد شد.

در نزدیکی این تنگ و در کنار ده سیه قره‌بلاغ محل سقوط بالگرد شهید علی‌اکبر شیروودی در ۱۳۶۰/۲/۸ قرار دارد. او که قصد داشت در منطقه بازی‌دراز مانع از حرکت واحدهای زرهی دشمن بشود، پس از هدف قرار دادن تعدادی از تانک‌های دشمن بر اثر اصابت گلوله تانک دشمن و سقوط بالگرد به شهادت رسید. برادر علی‌اصغر و صالی فرد از فرماندهان سپاه تهران نیز در اولین عملیات آزادسازی این تنگه به شهادت رسید. نیروهای تحت امر او به دلیل بستن دستمال سرخ بر گردن‌هایشان به «گروه دستمال سرخ‌ها» شهرت داشتند (یکی از اعضای گروه به هنگام شهادت، لباسی سرخ بر تن داشت که هم‌زمانش تکه‌هایی از لباس او را بر گردن بستند و عهد کردند که تا گرفتن انتقامش، آن را از خود جدا نکنند) حوالی ظهر عاشورا در تنگه حاجیان از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید.



◆ قله چغالوند

◆ شهید مهدی شرع‌پسند فرمانده
نیروهای کرج در عملیات چغالوند

منطقه عملیاتی چغالوند

قله چغالوند روبه روی روستای گورسفید در ۱۰ کیلومتری شمال غربی شهر گیلان غرب قرار دارد و با ۱۱۱۸ متر ارتفاع از سطح دریا، بلندترین قله ارتفاعات چرمیان است که در غرب جاده گیلان غرب به قصرشیرین واقع است. این قله در طول جنگ به دلیل تسلط بر منطقه گیلان غرب تا قصرشیرین اهمیت نظامی بسیاری داشت به نحوی که پس از توقف ارتش عراق در جبهه گیلان غرب، خط مقدم دشمن محسوب می‌شد و از طریق آن بر شهر گیلان غرب تسلط داشت و دشت گیلان غرب و عوارض حساس آن را دیده‌بانی و کنترل می‌کرد. برای رفع این سلطه و پس از آنکه عملیات ارتش در ۱۳۵۹/۱۰/۱۴ در تنگ حاجیان منجر به آزادسازی این قله نشد؛ نیروهایی از سپاه کرج و تیپ ۳ لشکر ۸۱ زرهی ارتش و یک گردان از ژاندارمری در ۱۳۵۹/۱۲/۲۵ در دو محور شمالی و جنوبی، عملیات را آغاز نمودند و قله چغالوند توسط گردان ادغامی سپاه و عشایر بسیجی گیلان غرب و یک گردان از ژاندارمری در مدت کوتاهی فتح شد. پس از آن دشمن تا ۱۳۵۹/۱۲/۲۸ پاتک نمود که با مقاومت رزمندگان موفق نشد. بعد از این عملیات یکی از تپه‌های پای قله چغالوند که در آن رزمندگان کرج به فرماندهی شهید مهدی شرع‌پسند در کمین نیروهای دشمن حماسه جاودانی آفریدند، به تپه کرجی‌ها معروف شد.



منطقه عملیاتی مطلع الفجر

چند ماه پس از عملیات رجایی و باهنر، راهبُرد جدیدی برای ادامه جنگ اتخاذ شد و در چهارچوب آن طرح‌های راه کربلا برای آزادسازی مناطق اشغالی پی‌ریزی شد. بر پایه این راهبُرد طرح عملیاتی کربلای ۷ در منطقه غرب طرح‌ریزی شد که در زمان اجرا مطلع الفجر نامیده شد و هدف اصلی آن آزادسازی ارتفاعات مهم شیاکوه، چرمیان و تنگ قاسم‌آباد بود و در طرح مانور آن دو محور اصلی و چند محور فرعی مشخص شده بود. هدف محور شمالی عبور از تنگه‌های کورک، قاسم‌آباد و حاجیان و قطع جاده گیلان غرب - قصرشیرین و هدف محور جنوبی تک نیروهای مستقر در چغالوند و داربلوط، به ارتفاعات چرمیان و شیاکوه بود که در نهایت به نیروهای محور شمالی ملحق می‌شدند. عملیات در روز ۱۳۶۰/۹/۲۰ آغاز و تا ۱۳۶۰/۱۰/۶ ادامه یافت. رزمندگان این عملیات که متشکل از سپاه، ارتش، بسیج و تعدادی از عشایر بومی منطقه با حمایت بالگردهای هوانیروز ارتش بودند، علی‌رغم هوشیاری دشمن از انجام عملیات؛ از دو محور به دشمن یورش می‌بردند. در ابتدا ارتفاعات شیاکوه و چرمیان در محور جنوبی به تصرف درآمد اما در محور شمالی به‌رغم موفقیت اولیه، تلاش

رزمندگان ناکام ماند، لذا به دلیل نبود جاده تدارکاتی و عدم الحاق با محور شمالی موقعیت تصرف شده در محور جنوبی نیز تثبیت نشد و این در حالی بود که دشمن نیز برای بازپس گیری منطقه، پی در پی پاتک می کرد. در نتیجه پس از ۱۷ روز مقاومت سنگین، در روز هجدهم، نیروهای محور جنوبی با شکستن حلقه محاصره دشمن به موقعیت قبلی خود بازگشتند. در این عملیات غلامعلی پیچک فرمانده فعلی محور تنگ کورک به همراه سرگرد مرادی از افسران لشکر ۸۱ زرهی در چم امام حسن^(ع) به شهادت رسیدند. شهید جمال تاجیک مربی آموزشی تاکتیک سپاه و فرمانده گردان عمل کننده در شیاکوه نیز در این عملیات به شهادت رسید. اکنون یادمان این عملیات در غرب جاده گیلان غرب به سرپل ذهاب و در کنار روستای آوزین در غرب گورسفید واقع است که به صورت سنگرها و کانال های برجای مانده حفظ و بازسازی شده است. در نزدیکی این یادمان مزار شهید صفر خوشروان از فرماندهان گیلان غرب قرار دارد.



♦ شهید جمال تاجیک
در حال اعزام به منطقه





♦ قرارگاه کاسه گران

پادگان کاسه گران

پادگان کاسه گران در گردنه کاسه گران در دامنه رشته کوه های زاگرس و ۲ کیلومتری شمال روستای کاسه گران که در مجاورت جاده گیلان غرب به اسلام آباد است، قرار دارد و با گیلان غرب ۱۲ کیلومتر فاصله دارد.

عراق برای آن که ارتفاعات سرکوب به گردنه کاسه گران را در شهرستان گیلان غرب اشغال نماید در حمله سراسری خود، محور خسروی - قصر شیرین - چم امام حسن^(ع) به گیلان غرب را انتخاب نمود. در طراحی مقابله با عراق در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران سه گردنه مهم پاتاق، سنگان و کاسه گران، به شکل ویژه مورد توجه قرار داشت. لذا قرارگاه ارتش در ۴ کیلومتری شهر گیلان غرب در طول جنگ قرارگاه تاکتیکی ارتش جمهوری اسلامی ایران در این محور بود و پادگان کاسه گران نیز صرفاً به عنوان مقر یگان های سپاه مورد استفاده قرار می گرفت.

این پادگان در حال حاضر به نام پادگان آموزشی رسول اکرم^(ص) در اختیار ناحیه مقاومت بسیج گیلان غرب است و آثار باقی مانده از دوران ۸ سال دفاع مقدس شامل سنگرها و مسجد این قرارگاه حفظ شده است که بعضاً مورد بازدید علاقمندان قرار می گیرد.



♦ روستای گورسفید

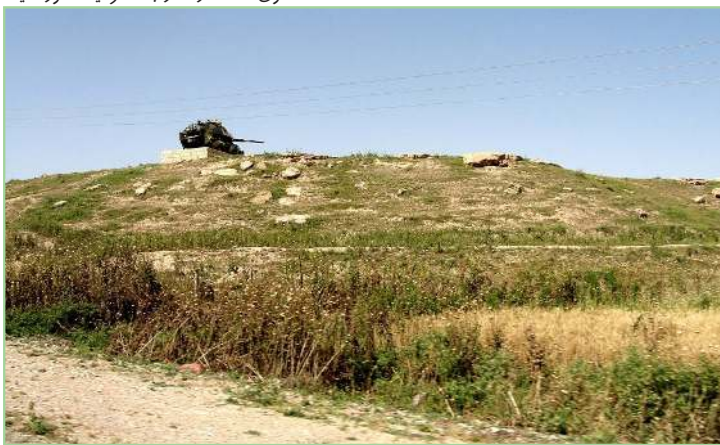
گورسفید

روستای گورسفید در ۱۰ کیلومتری شمال غرب شهر گیلان غرب و بر سر راه گیلان غرب به قصرشیرین واقع است و مرکز دهستان حومه، مشتمل بر ۵۸ روستا و مزرعه است.

پس از مقاومت جانانه مردم گیلان غرب، نیروهای متجاوز زرهی و پیاده عراق تا این روستا عقب نشینی کردند و این روستا را به عنوان خط مقدم خود در اشغال نگه داشتند تا آن که در مرداد ۱۳۶۱ و در جریان عقب نشینی تاکتیکی عراق، این روستا و حومه آن نیز آزاد شد. در پی شهادت تعدادی از اهالی این روستا در هنگام اشغال آن؛ اهالی روستا برای ماه‌ها به کوه‌ها و روستاهای اطراف پناه بردند و در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کردند.

♦ سکوی تانک در کنار جاده نزدیک گورسفید

شهرستان
گیلان غرب





سهریناو

مرورید

کامیاران

سهر

سهر

شهرستان
کرمانشاه

میان راهان

شهرستان
صحنه

سهراب نیلوفر

کهن

شهدای گننام

طاق بیستون

پادگان امام خمینی (ره)

بیستون

کرمانشاه

مرکز فرهنگی

دفاع مقدس

یادبود زن قهرمان

ماهیدشت

هرسین

شهرستان
هرسین

هلشی

استان ایلام

استان ایلام

شیروان و جردوال



شهرستان اسلام آباد غرب





شهرستان اسلام آباد غرب

اسلام آباد غرب

تنگ چهارزیر

تنگ حسن آباد

بیمارستان
پادگان الله اکبر
کارخانه قند
فرودگاه اضطراری

حمیل

حسن آباد

کوزران

ماهیدشت

کهوره

شاه

شهرستان

روانسر

مرآت

مرسات

بندر

قلاجه

سرایه

اسلام

شهرستان



شهرستان اسلام‌آباد غرب

شهرستان اسلام‌آباد غرب با حدود ۲۰۰۰ کیلومترمربع وسعت و ۱۵۱۴۷۳ نفر جمعیت بعد از شهرستان کرمانشاه، دومین شهرستان بزرگ استان کرمانشاه از نظر جمعیت محسوب می‌شود و مرکز آن شهر اسلام‌آباد غرب است. این شهرستان از شمال به شهرستان‌های دالاهو و کرمانشاه، از شرق به شهرستان کرمانشاه و از غرب به شهرستان گیلان غرب و از جنوب به استان ایلام منتهی می‌شود و از دو بخش مرکزی و حمیل با هفت دهستان تشکیل شده است. این شهرستان بخشی از کوه‌های زاگرس به شمار می‌آید که به صورت موازی از شرق به غرب کشیده شده و دشت‌های مرتفع و گذرگاه‌ها در میان آن‌ها شکل گرفته است و آب و هوایی نیمه‌خشک با زمستان‌های سرد و تابستان‌های گرم و خشک دارد. رود کرند از میان شهر اسلام‌آباد غرب عبور می‌کند و سپس به نام راوند به سوی جنوب منحرف می‌شود و همانند رود مرگ پس از ورود به حوضه علیای کرخه، سرانجام به رودخانه سیمره می‌پیوندد. اهالی منطقه اسلام‌آباد غرب از اقوام کرد و طوایف مختلف ایل کلهر می‌باشند و با گویش کردی کلهری تکلم کرده و اغلب پیرو مذهب تشیع می‌باشند. این شهرستان با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی عامل اتصال استان‌های ایلام، بخشی از استان‌های لرستان و خوزستان و همچنین شهرهای غربی



استان کرمانشاه به مرکز کشور است و نقطه اتصال دو قطب مهم صنعتی شمال و جنوب یعنی استان خوزستان و آذربایجان غربی است و اصلی ترین و نزدیک ترین شاهراه کشور به عتبات عالیات است و به دلیل اقلیم متنوع، خاک مناسب، بارش کافی و داشتن دشت ها و مراتع حاصلخیز یکی از قطب های مهم کشاورزی و دامداری است. اسلام آباد غرب دارای تاریخی بسیار کهن است که اسناد و منابع بسیاری این قدمت را ثابت می کنند. اسلام آباد در مسیر شاخه اصلی راه ابریشم و در مصب حوزه بزرگ راه بین النهرین، آسیای صغیر و دریای مدیترانه و تمدن بزرگ مصر و فلسطین قرار دارد. این منطقه در کنار کانون قدرت حکومت های ایران بوده و علاوه بر اهمیت سیاسی، حوزه مبادله فرهنگ و آثار تمدنی نیز محسوب می شده است. یکی از مختصات مهم راه ابریشم وجود منزلگاه های متعدد در فواصل منظم بود. به نحوی که از همدان تا کرمانشاه شهرهای اسدآباد، کنگاور، صحنه و بیستون همگی در فواصل حدود شش فرسنگ یا یک منزلگاه از هم فاصله دارند. بعد از کرمانشاه نیز ماهیدشت (کاروانسرای رباط)، اسلام آباد، کرد، سرپل ذهاب و قصرشیرین فاصله ای نزدیک به یک منزلگاه دارند؛ اما دو منزلگاه یعنی دوازده فرسنگ نیز معنی خاصی دارد چرا که چاپارها در یک روز دو منزل را طی می کرده اند. اسلام آباد دو منزل از کرمانشاه فاصله دارد بنابراین هم چاپارخانه و هم محل توقف و منزلگاه بوده است. محوطه تاریخی چغاگاوانه، بنای فیروزآباد، آتشکده شیان و کاروانسرای صفوی از بناهای تاریخی این شهرستان محسوب می شوند. اسلام آباد پیش از شروع جنگ بیشتر درگیر تجزیه طلبان و سلطنت طلبان بود و در دوران دفاع مقدس نیز بارها مورد هدف بمباران دشمن قرار گرفت اما مهم ترین واقعه ای که در آن رخ داد مربوط به نفوذ منافقین در سال پایانی جنگ و عملیات مرصاد بود.



♦ مسجد جامع اسلام آباد غرب

اسلام آباد غرب

شهر اسلام آباد غرب مرکز شهرستان اسلام آباد غرب است و پس از شهر کرمانشاه دومین شهر مهم استان محسوب می‌شود که در ۶۴ کیلومتری شمال شرقی شهر کرمانشاه و در دامنه کوه پشت بیره قرار دارد. جاده‌های مهم کرمانشاه- ایلام، کرمانشاه- قصرشیرین و کرمانشاه - خرم آباد و رود راوند از میان آن عبور می‌کنند. بنای اولیه شهر اسلام آباد به دوران آریایی‌ها بر می‌گردد و از دوره مادها تا ساسانی نام آن مندلی بوده است. این شهر در دوران اسلامی هارون آباد (به کردی ئاروینیاوا) نامیده شد که بنای آن را به هارون الرشید خلیفه عباسی نسبت می‌دهند. در دوران خلافت عباسیان این منطقه را زبیدی می‌نامیدند. این شهر در روزگار صفویه به ویژه در زمان شاه عباس رونق یافت و کاروان‌سراهای بسیاری برای اقامت تجار، مسافران و زائران عتبات عالیات در آن احداث شد. در سال ۱۳۰۹ ش شهر ۴۸۰ نفری هارون آباد به شاه آباد (به کردی شهاباد) تغییر نام یافت و روستایی از بخش باوندپور به شمار می‌رفت و به مرور به یکی از مراکز حکومتی ایل کلهر تبدیل شد. این منطقه با احداث کارخانه قند شاه آباد به تدریج توسعه یافت و تحولاتی در ظاهر آن پدید آمد. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ شهر شاه آباد به اسلام آباد غرب تغییر نام یافت. این شهر



♦ تپه نور الشهدای اسلام آباد غرب

باستانی شاهراه ارتباطی دشت‌های بین‌النهرین و خوزستان با کوه‌های زاگرس و فلات ایران و فراسوی آن است و همواره محل تلاقی فرهنگ‌های مختلف بوده است و آثاری از بقایای تمدن‌های عیلامی، کاسی و بابلی را در خود جای داده است. کاوش‌های تپه چغاگوانه در مرکز شهر اسلام‌آباد غرب، قدمت لایه‌های مکشوفه را تا ۸۰۰۰ سال پیش تخمین می‌زند بیش از چهار صد اثر باستانی از جمله کاخ فیروزآباد (پیروز آباد) در غرب شهر اسلام‌آباد در این منطقه به ثبت رسیده است.

با آغاز جنگ تحمیلی پادگان الله‌اکبر که در غرب شهر اسلام‌آباد قرار داشت به مرکز پشتیبانی جبهه‌های غرب کشور تبدیل شد و یکی از مهم‌ترین مراکز استان در تأمین و آموزش نیروهای رزمنده بود و در عملیات مرصاد نقش به‌سزایی در دفاع از استان ایفا نمود. این شهر و پادگان آن در طول جنگ تحمیلی ۱۰۶ بار بمباران هوایی شد که بیش‌ترین آن‌ها در سال ۱۳۶۵ روی داد که در نتیجه آن ۳۴۱ نفر به شهادت رسیدند و ۸۲۶ نفر مجروح شدند. پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ توسط ایران، منافقین با همکاری ارتش بعثی عراق در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۴ وارد اسلام‌آباد شدند به محض رسیدن به مدخل شهر ضمن قطع برق و خطوط مخابراتی، به تیراندازی پراکنده اقدام نمودند. تعدادی از نیروهای سپاه و مردم با آنان درگیر شدند که به علت عدم انسجام نیروها و آمیختگی منافقین با مردم، اوضاع از کنترل نیروهای نظامی خارج و شهر به اشغال آن‌ها در آمد. با اجرای عملیات مرصاد ضمن تحمیل تلفات سنگین به منافقین، این شهر آزاد شد. تپه نور الشهدای اسلام‌آباد غرب اکنون میزبان سه شهید گمنام دفاع مقدس است.



♦ شهید برزو سلیمی

پادگان الله اکبر

پادگان الله اکبر در غرب اسلام آباد و در مدخل خروجی شهر به طرف کرند غرب قرار دارد و مقرّ قرارگاه‌های نجف اشرف و سلمان و مرکز پشتیبانی جبهه‌های غرب کشور در طول هشت سال دفاع مقدس بود و یکی از مهم‌ترین مراکز استان در تأمین و آموزش نیروهای رزمنده بود که در جریان عملیات مرصاد نقش مهمی در دفاع از استان و دفع حملات منافقین ایفا نمود.

پادگان الله اکبر در زمان ورود آزادگان به میهن اسلامی به عنوان قرنطینه اول مورد استفاده قرار گرفته و آزادگانی که از مرز خسروی وارد استان کرمانشاه می‌شدند ابتدا به این پادگان منتقل و پس از انجام تشریفات به شهرهای خود اعزام می‌شدند.

این پادگان در زمان حمله منافقین اشغال شد و برزو سلیمی، سرپرست پادگان و فرمانده گردان ۲۱۷ تانک به شهادت رسید.

این پادگان اکنون در اختیار تیپ ۱ لشکر ۸۱ زرهی نیروی زمینی ارتش قرار دارد.



♦ پیکر شهدای کشته شده
توسط منافقین در بیمارستان
امام خمینی^(ه)

بیمارستان امام خمینی^(ه)

بیمارستان امام خمینی^(ه) اسلام آباد غرب در بخش جنوبی شهر و در مسیر کرمانشاه - ایلام قرار دارد. این بیمارستان در سال ۱۳۴۲ به نام شیر و خورشید با ظرفیت ۲۵ تخت شروع بکار نمود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در سال ۱۳۵۸ به بیمارستان امام خمینی^(ه) تغییر نام یافت.

منافقین پس از اشغال اسلام آباد در ۱۳۶۷/۵/۴ به بیمارستان امام خمینی^(ه) این شهر وارد شدند و مجروحان نظامی بستری را به حیاط بیمارستان انتقال دادند و با فجیع ترین وضع ممکن آن ها را به شهادت رساندند.

ساختمان فعلی بیمارستان که در جوار ساختمان قدیمی ساخته شد در سال ۱۳۶۷ با ۹۶ تخت مورد بهره برداری قرار گرفت و ساختمان قدیمی که در عملیات مرصاد صدمه زیادی دیده بود پس از مدتی تخریب شد.

هم اکنون این بیمارستان با ۱۲۰ تخت فعال و ۱۱ نوع تخصص پزشکی با زیربنای ۱۲۵۰۰ مترمربع دارای ۱۰ بخش درمانی و چهار بخش پاراکلینیک است و عملیات اجرایی فاز دوم این بیمارستان از سال ۱۳۸۷ شروع شده است و در آینده به بهره برداری خواهد رسید.



♦ تنگ حسن آباد

تنگ حسن آباد

شهرستان
اسلام‌آبادغرب

این تنگه در ۱۲ کیلومتری شمال غربی اسلام‌آباد و در فاصله دو کیلومتری روستای حسن‌آباد قرار دارد.

در جریان عملیات مرصاد رزمندگان اسلام با بستن این تنگه از محور جنوبی حمله منافقین و بستن تنگه چهار زبر در محور شمالی، مسیر ستون نظامی منافقین را در یک بن بست قرار داده و آن‌ها را متوقف کردند. منطقه عملیاتی مرصاد حد فاصل این گردنه و تنگ چهارزبر قرار دارد.



♦ تنگ حسن آباد

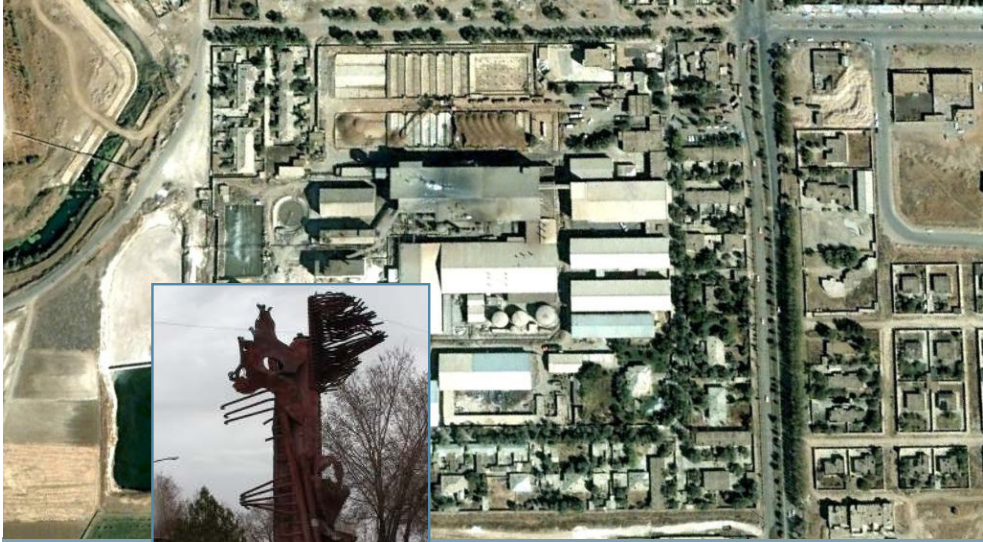
♦ باند فرود اضطراری اسلام آباد غرب

باند فرود اضطراری و سه راه اسلام آباد غرب

در جنوب شرقی اسلام آباد غرب و در جنوب سه راه اسلام آباد - کرمانشاه - پل دختر؛ باند فرود اضطراری به طول ۴۵۰۰ متر قرار دارد که قبل از انقلاب به منظور فرود اضطراری هواپیماها پیش‌بینی شده بود. با آغاز جنگ تحمیلی به علت نزدیکی این باند فرود به مرز و نیز قرار داشتن در مسیر بازگشت هواپیماهای جنگنده نیروی هوایی ارتش از عمق خاک عراق، طرح بهره‌گیری از این باند برای فرود اضطراری جنگنده‌های آسیب‌دیده در عملیات‌های هوایی برون مرزی، به اجرا گذاشته شد و نیروهای جهادسازندگی با هم‌سطح نمودن اطراف جاده عملاً آن جاده صاف و طولانی را به باندی مطمئن برای فرود انواع هواپیما تبدیل نمودند. از طرف دیگر با نصب چادر و استقرار نفراتی از نیروی هوایی ارتش امکان فرود جنگنده‌های شکاری آسیب‌دیده که عمدتاً به پایگاه هوایی تبریز تعلق داشتند؛ میسر شد.

در طول جنگ این جاده علاوه بر جنگنده‌های شکاری، پذیرای هواپیماهای ترابری سی - ۱۳۰ ارتش نیز بود. پس از اشغال اسلام آباد توسط منافقین، ۱۵۰ نفر از نیروهای تیپ ۷۱ روح‌الله سپاه با دو فروند بالگرد شنوک در این فرودگاه اضطراری پیاده شدند و با ایجاد خط دفاعی دو کیلومتری عقبه منافقین را در سه راهی اسلام آباد مسدود کردند. با بسته شدن عقبه مهاجمان، تعداد زیادی از آنها اسیر شده و یا به هلاکت رسیدند و ۶۴ دستگاه از خودروهای زرهی منافقین در این منطقه منهدم شدند. کمین نیروهای بال برد شده تیپ ۷۱ روح‌الله و همچنین نیروهای ملحق شده کمیته بروجرد در این محور نقش مهمی در توقف منافقین و شکست آن‌ها در عملیات مرصاد داشت. منافقین در این سه راهی تعدادی از پاسداران و مردم بومی را به جرم مقابله با آنان تیرباران نمودند. اکنون این سه راهی به نام شهید ابراهیم رستمی از مسئولین جهادسازندگی استان کرمانشاه و فرمانده گردان ۲۸ امام حسن مجتبی^(ع) نام‌گذاری شده است.





♦ تصویر ماهواره ای کارخانه قند اسلام آباد

♦ یادمان مقاومت

یادمان مقاومت و کارخانه قند اسلام آباد

کارخانه قند اسلام آباد، دومین کارخانه قند در تاریخ ایران است که در سال ۱۳۱۴ در جنوب شهر اسلام آباد و در کنار جاده اسلام آباد - ایلام به بهره‌برداری رسید. تولیدات اصلی کارخانه اسلام آباد غرب قند و شکر در اوزان و بسته‌بندی‌های متنوع است و اکنون ظرفیت اسمی تولید قند آن سالانه ۱۵۰۰ تن است. این کارخانه و حومه آن در طول جنگ به طور وحشیانه مورد بمباران هوایی دشمن قرار گرفت. با هجوم نیروهای منافقین به استان کرمانشاه این کارخانه و حومه آن یکی از محورهای هجومی نیروهای سپاه پاسداران به منافقین در ۱۳۶۷/۵/۵ برای آزادسازی شهر اسلام آباد بود. در این محور نیروهای خودی با ضربانی هماهنگ با محورهای چهار زبر و فرودگاه اضطراری تلفات سنگینی به منافقین وارد نمودند و طی چند ساعت شهر را آزاد کردند.

اکنون در مقابل کارخانه‌ی قند اسلام آباد و در وسط میدان با استفاده از آهن آلات کارخانه قند اسلام آباد غرب که بر اثر بمباران‌های عراق درهم‌پیچیده شده بود، بنای زیبایی بانام یادمان مقاومت مردم اسلام آباد ساخته شده است که بیانگر حجم حملات هوایی عراق در طول ۸ سال دفاع مقدس به این کارخانه و مردم شهر اسلام آباد غرب است. اسلام آباد غرب در طول جنگ تحمیلی ۱۰۶ بار مورد تهاجم هوایی دشمن قرار گرفت که در نتیجه آن ۳۴۱ تن شهید و تعداد زیادی از مردم مجروح شدند.



نوری قلعه

سریتاو

مرورید

کامیاران

روانسر

شهرستان
روانسر

حسن آباد

کوزران

شهرستان
کرمانشاه

سرآپ نیلوفر

کشت

شهدای گننام

طاق بستان

کان امام خمینی (ره)

کرمانشاه

مرکز فرهنگی

دفاع مقدس

یادبود زن قهرمان

ماهی دشت

مرصاد

تنگ چهارزیر

تنگ حسن آباد

اسلام آباد غرب

بیمارستان

کارخانه قند

فرودگاه اضطراری

شهرستان
اسلام آباد غرب

هلیکوپتر

حمیل

سرآبله

استان ایلام

شیروان و جردوال



شهرستان دالهو



شهرستان
جوانرود

قوری قلعه

جوانرود

شهرستان
ثلاث باباجانی

تازه آباد

دشت ذهاب
شهرستان سرپل

شهرستان
سرپل

شهرستان دالاهو

بان زرده

ریجاب

یاطاق

سرخه دیزه

دالاهو

گهواره

پادگان ابوذر

کرنده

گیلان غرب
پادگان (مس)
حضرت رسول

کاسه گران

شهرستان
گیلان غرب

سلام آباد غرب

پادگان الله اکبر
کارخانه قند

بیمارستان
امام خمینی
فرودگاه اضطراری

سر مست

قلاجه

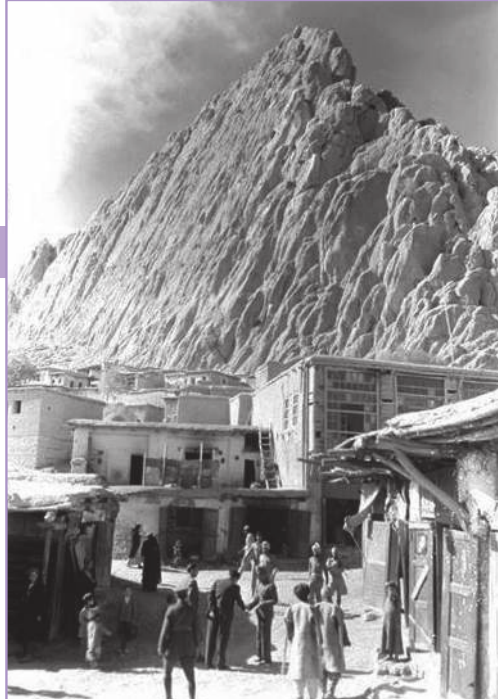
ب



شهرستان دالاهو

شهرستان دالاهو با مساحت ۱۹۳۰ کیلومترمربع از شمال به شهرستان ثلاث باباجانی، از غرب به شهرستان سرپل ذهاب، از جنوب به شهرستان گیلان غرب و از شرق و جنوب شرقی به اسلام‌آباد غرب و کرمانشاه محدود می‌شود. شهرستان دالاهو به مرکزیت شهر کرند که در ۹۹ کیلومتری کرمانشاه قرار دارد، چهاردهمین و آخرین شهرستانی است که به استان کرمانشاه اضافه شده است. این شهرستان با ۱۴۸ روستای دارای سکنه، از دو بخش مرکزی و گهواره تشکیل شده است. بخش مرکزی شامل: شهر کرند غرب و سه دهستان؛ حومه، بان زرده و بیونج است و بخش گهواره نیز شامل: شهر گهواره و دو دهستان قلخانی و گوران است. اهالی این شهرستان از اقوام کرد هستند که به زبان کردی و گویش‌های گورانی جافی، کلهری و گویش قلخانی تکلم می‌کنند و اغلب پیرو اهل حق هستند و بعضاً اقلیت سنی مذهب و شیعه نیز در آن سکونت دارند. بر اساس سرشماری ۱۳۹۰، این شهرستان ۳۹۸۳۷ نفر جمعیت دارد.

از آثار تاریخی شهرستان دالاهو به آرامگاه ابودجانه (ابودجانبه) که از یاران پیامبر اکرم^(ص) است که در جنگ‌های اُحد، بدر و دیگر غزوات حضور داشته است و نیز مقبره بابایادگار در روستای بان زرده که مورد توجه اهل حق منطقه است؛ می‌توان اشاره نمود. سراب کرند، دریاچه مصنوعی رشمینه، قله نواکوه، منطقه



♦ سالهای جنگ دوم
جهانی - عکاس فرانک
هورلی از نیروهای متفقین
مستقر در کمپ کردند

بیونیچ، باغات انبوه، ارتفاعات دالاهو، محوطه دارو گردکان، تپه چیا، پارک تاریخی امیر و محله تاریخی فرهنگی زرده و دربند از دیدنی‌های این شهرستان است.

با آغاز جنگ بخش‌های غربی این شهرستان صحنه درگیری با ضدانقلاب و نیروهای دشمن بود و یکی از مهم‌ترین مسیرهای اصلی دسترسی رزمندگان به خطوط دفاعی و تدارک آن‌ها بود. مجاورت با تنگه حساس پاتاق اهمیت نظامی این شهرستان را دو چندان کرده بود و به همین دلیل همواره مورد هجوم هواپیماهای دشمن قرار داشت؛ اما با عبور منافقین از تنگ پاتاق و ورود آن‌ها به این شهرستان در پایان جنگ این شهرستان کانون درگیری با منافقین در عملیات مرصاد بود و ضربات سختی به منافقین در این شهرستان وارد شد.





شهرستان
دالاهو

کرنند

شهر کرنند غرب در متون تاریخی به مرج القلعه، کرینا و یا کارینا معروف است و در دامنه کوه زرده و شوا در ۳۶ کیلومتری شمال غربی شهر اسلام‌آباد غرب قرار دارد. دشت کرنند که توسط رودخانه کرنند سیراب می‌شود از گذشته محل بیلاقی دام‌پروران بوده است. در دوران اشکانیان و ساسانیان قلعه‌ای نظامی بر شهر و دشت کرنند مشرف بوده است که گفته می‌شود خسرو پرویز ساسانی یکی از پسران خود را در آن به قتل رسانیده و دژ مزبور پس از آن متروک و ویران



شده است. اهمیت این قلعه تاریخی به حدی بوده است که به جای این که کردند معرف این قلعه باشد، قلعه معرف کردند بوده است. با آغاز جنگ این شهر به دلیل قرار داشتن در مسیر جاده اسلام آباد - سرپل ذهاب به منظور پشتیبانی از مدافعان سرپل ذهاب و قصر شیرین اهمیت ویژه‌ای یافت و در طول جنگ ۱۰ بار مورد هجوم هواپیماهای دشمن قرار گرفت که بر اثر آن تعدادی از رزمندگان و اهالی کردند به شهادت رسیدند. مقارن ساعت ۱۴:۳۰ سوم مرداد ۱۳۶۷ منافقین و ارتش عراق، عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق مرز خسروی و سرپل ذهاب و بال‌برد از جنوب گردنه پاتاق، آغاز و به طرف شهر «کرد غرب» پیشروی کردند و حدود ساعت ۱۸:۳۰ اولین تانک عراقی با آرم منافقین وارد شهر کرد غرب شد و تا ۵ کیلومتری جاده کرد - اسلام آباد، اتومبیل‌های شخصی در حال فرار را تعقیب کرده و مجدداً به شهر بازگرداندند. در همین هنگام، حدود ۸ دستگاه تانک دجله و نفربر به همراه نیروهای پیاده بعثی شهر کرد غرب و حومه آن را تصرف و سپس به طرف اسلام آباد غرب پیشروی کردند که با آغاز عملیات مرصاد و مسدود شدن سه راه اسلام آباد - کرد، منافقین محاصره شده و با تلفات سنگین از این شهر عقب‌نشینی کردند. در مدخل ورودی این شهر و در جریان حمله منافقین ۲۷ نفر از مدافعان شهر به دست منافقین کوردل به شهادت رسیدند.



♦ زیارتگاه داوود در مجاورت روستای زرده

بان زرده و نساردیره

شهرستان
دالاهو

در فاصله ۱۰ کیلومتری شهرستان «سرپل ذهاب» در استان کرمانشاه، جاده‌ای فرعی در سمت راست به طول هشت کیلومتر وجود دارد که به منطقه خوش آب و هوای ریجاب (ریژاو) ختم می‌شود. ریژاو، مرکز دهستانی به همین نام است که مجموعه روستاهایی در فاصله چند کیلومتر در شهرستان دالاهو را در بر می‌گیرد و روستای زرده (بان‌زرده) در منتهای منطقه ریجاب و در دامنه ارتفاعات دالاهو قرار دارد. رژیم بعث عراق در تدارک آخرین هجوم سراسری خود به میهن اسلامی و استان کرمانشاه از ساعت ۶ تا ۱۰ صبح روز ۱۳۶۷/۴/۳۱ مناطق پیش روی واحدهای زمینی خود در گیلان غرب را با انواع عوامل شیمیایی نظیر اعصاب، خردل و سیانور مورد حمله قرار داد. بر اثر این جنایت جنگی ۲۷۵ نفر از مردم منطقه که برای زیارت و اجرای مراسم خاص عید قربان به زیارتگاه داوود در روستای زرده آمده بودند به شهادت رسیدند و حدود ۵۰۰ نفر نیز مصدوم و مجروح شدند. تنها از روستای بان زرده که سه نقطه از آن

مورد اصابت بمب شیمیایی قرا گرفته بود، ۴۷ نفر شهید می‌شوند و مابقی شهدا کسانی بودند که از روستاهای اطراف برای اجرای مراسم به این مقبره آمده بودند.

در همین زمان و در حمله مشابهی در روستای نسا دریره مابین سرپل‌ذهاب و گیلان‌غرب نیز ۴ نفر در دم شهید شدند و ۶۰۰ نفر از مردم و مدافعین این روستا مصدوم شدند و بخش زیادی از محیط‌زیست این بخش به واسطه این بمباران از بین رفت و به یک زمین سوخته تبدیل شد. به این ترتیب رژیم بعث با زیر پا گذاشتن قوانین بین‌المللی در یک روز ۲۷۹ نفر را شهید و بالغ بر ۱۱۰۰ نفر از مردم را مجروح و مصدوم شیمیایی کرد. این جمعه سیاه هم‌زمان با حضور نظامی نیروهای منافقین در منطقه کرد‌غرب، اسلام‌آباد و تنگ مرصاد بود، از این رو انتقال فوری مجروحان و آسیب دیدگان ناشی از بمباران شیمیایی به کرمانشاه، امکان‌پذیر نشد و آمار شهدا در ساعات اولیه فراتر رفت. این مناطق آخرین نقاطی از استان کرمانشاه بودند که در طول جنگ هدف حملات شیمیایی ارتش بعثی عراق قرار گرفتند.



منابع:

۱. احمدی، حمید، کتابشناسی کرمانشاه، نشر طاق بستان، دانشگاه رازی، کرمانشاه: ۱۳۸۲.
۲. اردستانی، حسین، تنبیه متجاوز: تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۳، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ سوم، تهران: ۱۳۸۷.
۳. آرشو عکس و اسناد اداره کل حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس کرمانشاه.
۴. بابایی، گل علی، بر سٹیخ جبال فتح: غرب غریب در حماسه دفاع مقدس، فصلنامه پلاک هشت، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران: ۱۳۹۱.
۵. بابایی، گل علی، بهار ۸۲: کارنامه تاریخی استان همدان در جنگ - روایت انصار ۳، فاتحان، تهران: ۱۳۸۹.
۶. بابایی، گل علی، حسین پهلزاد، از الوند تا قراوین: کارنامه تاریخی استان همدان در جنگ - روایت انصار ۱، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۷.
۷. بهزاد، حسین، مهتاب خین: انقلاب، کردستان و دفاع مقدس به روایت سردار حسین همدانی، سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس و بسیج، فاتحان، تهران: ۱۳۸۹.
۸. پوراحمد، احمد، جغرافیای عملیات ماندگار دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، صریح، تهران: ۱۳۸۶.
۹. تقویم تاریخ دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران (دوره ۲۰ جلدی)، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. توکلی مقدم، غلامحسین، وجه تسمیه شهرهای ایران: بررسی معانی نامهای شهرهای ایران از دوران کهن تا عصر حاضر، جلد ۱، میعاد، تهران: ۱۳۷۵.
۱۱. جعفری، مجتبی، اطلس نبردهای ماندگار، نیروی زمینی ارتش، چاپ نهم، نوید طراحان، تهران: ۱۳۸۷.
۱۲. جمیلی، جهانگیر، گُمَجَن: نقش عشایر استان کرمانشاه در هشت سال دفاع مقدس، ایران سبز، تهران: ۱۳۹۱.
۱۳. حسام، حمید، راز نگین سرخ، نشر صریح، تهران: ۱۳۸۴.
۱۴. حسینی، سید یعقوب، ارتش در هشت سال دفاع مقدس، جلد پنجم: نبردهای غرب کشور، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، تهران: ۱۳۷۳.
۱۵. حسینی، سید یعقوب، نبردهای سال ۱۳۶۲ تا پایان ۱۳۶۴، هیئت معارف جنگ شهید علی صیاد شیرازی، تهران: ۱۳۸۹.
۱۶. دایره المعارف دفاع مقدس، جلد اول و دوم، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۹.
۱۷. درودیان، محمد، جنگ باز یابی ثبات (تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق ۲)، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ اول، تهران: ۱۳۷۸.
۱۸. درودیان، محمد، آغاز تا پایان، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تهران: ۱۳۸۰.
۱۹. دری، حسن، اطلس راهنما ۷ کرمانشاه در جنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، تهران: ۱۳۸۳.
۲۰. رحیمی، مصطفی، سهم من از چشمان او: خاطرات حمید حسام، سوره مهر، تهران: ۱۳۹۱.
۲۱. رستمی، محمود، نقش گمجن (گروه رزمی مشترک جنگ های نامنظم) عشایر غرب کشور در هشت سال دفاع

- مقدس و نحوه بکارگیری آن، ستاد فرماندهی کل ارتش، تهران: ۱۳۸۸.
۲۲. رشید، محسن، اطلس جنگ ایران و عراق: فشرده نبردهای زمینی، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس سپاه، تهران: ۱۳۸۹.
۲۳. سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام، موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، تهران: ۱۳۸۵.
۲۴. سجادی پور، حسن، تنگ کورک، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، صریر، تهران: ۱۳۸۹.
۲۵. سعیدی نژاد، حمیدرضا، کرمانشاه در جنگ بین الملل اول به روایت اسناد، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه: ۱۳۸۹.
۲۶. سلطانی، محمدعلی، جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، نشر سپاه، تهران: ۱۳۷۴.
۲۷. سمیعی، علی، کارنامه توصیفی عملیات‌های ۸ سال دفاع مقدس، نسل کوثر، تهران: ۱۳۸۴.
۲۸. سیری در جبهه‌های غرب، موسسه عماد، کتاب یوسف، تهران: ۱۳۸۹.
۲۹. شهیدی، هاشم، سومار در جنگ، هزار و یک شب، تهران: ۱۳۸۸.
۳۰. شیرعلی‌نیا، جعفر و محمد جواد اکبرپور، کتاب راوی (جبهه میانی)، جلد‌های ۵، ۶ و ۷، سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و بسیج، فاتحان، تهران: ۱۳۹۱.
۳۱. صحیفه نور، فرمایشات و اعلامیه‌های حضرت امام خمینی ^(ع)، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ^(ع).
۳۲. صفوی، سیدیحیی، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران: جلد اول شمال غرب و غرب، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: ۱۳۸۰.
۳۳. صفی کار، محسن، ده متری چشمان کمین: خاطرات سردار جعفر مظاهری، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۹.
۳۴. عبدالله، رفیعی، سومار سخن می گوید، امیر محمد، تهران: ۱۳۸۴.
۳۵. عبدی بسطامی، علی، عبور از سیروان، نشر صریر، تهران: ۱۳۸۵.
۳۶. فرهنگ جغرافیایی شهرستان‌های کشور: شهرستان کرمانشاه، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: ۱۳۸۱.
۳۷. فرهنگ جغرافیایی کوه‌های کشور، جلد دوم، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: ۱۳۷۹.
۳۸. فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های کشور: استان کرمانشاه، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، تهران: ۱۳۸۶.
۳۹. کاظمی، اصغر، بنمو: خاطرات شناسایی منطقه قصر شیرین و ذهاب، سوره مهر، تهران: ۱۳۷۹.
۴۰. کریم زاده، اردشیر، حماسه‌های ماندگار هوانیروز در دفاع مقدس، سوره سبز، تهران: ۱۳۹۰.
۴۱. کریم زاده، اردشیر، هوانیروز و دفاع مقدس به روایت اسناد و جراید، نشر شهید سعید محبی، تهران: ۱۳۸۸.
۴۲. کشاورز، اردشیر، روزشمار جنگ در استان کرمانشاهان و نقش ایلات و عشایر کرمانشاهان در دفاع مقدس.
۴۳. کشاورز، اردشیر، کرمانشاهان در جنگ جهانی اول، طاق بستان، کرمانشاه: ۱۳۸۳.
۴۴. کیانی، سوزنا، فرمان آتش در کوهستان های باختر: تاریخ نظامی کرمانشاهان در قرن معاصر، نشر اجا، تهران: ۱۳۸۹.
۴۵. اللهیاری، محمد، پاهو در جنگ با ضد انقلاب و دفاع مقدس، مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس، تهران: ۱۳۹۱.
۴۶. مجموعه کتاب‌های راهبان نور، خانه ادبیات پایداری، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۶.
۴۷. مرادی، یوسف، سیمای میراث فرهنگی کرمانشاه، سازمان میراث فرهنگی، تهران: ۱۳۸۲.
۴۸. مرندی، مهدی، حکایت سال های بارانی، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران: ۱۳۷۶.
۴۹. مهرابی، هادی، کرمانشاه دیار باستان، گسترش فرهنگ (میردشتی)، تهران: ۱۳۸۷.
۵۰. نیکخواه بهرامی، محمد باقر، گاه‌شمار حملات شیمیایی عراق در جنگ، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس، تهران: ۱۳۸۹.
۵۱. ولایتی، علی اکبر، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران: ۱۳۷۶.